



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir



**پاسخ به پرسش‌هایی  
پیرامون زن و حجاب**

نویسنده: **فاطمه راسین**

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# پاسخ به پرسش‌هایی پیرامون زن و حجاب

نویسنده:

فاطمه رامین

ناشر چاپی:

نورالحیات

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

۵	فهرست
۷	پاسخ به پرسش هایی پیرامون زن و حجاب
۷	مشخصات کتاب
۷	اشاره
۱۱	فهرست
۱۶	مقدمه
۱۹	سؤال اول:
۳۰	سؤال دوم:
۳۴	سؤال سوم:
۴۹	سؤال چهارم:
۵۴	سؤال پنجم:
۶۰	سؤال ششم:
۶۴	سؤال هفتم:
۷۰	سؤال هشتم:
۷۴	سؤال نهم:
۸۱	سؤال دهم:
۸۹	سؤال یازدهم:
۹۴	سؤال دوازدهم:
۱۰۰	سؤال سیزدهم:
۱۰۷	سؤال چهاردهم:
۱۰۹	سؤال پانزدهم:
۱۲۶	سؤال شانزدهم:
۱۳۷	سؤال هفدهم:
۱۵۰	سؤال هجدهم:

سؤال نوزدهم: ۱۵۶

سؤال بیستم: ۱۷۴

سؤال بیست و یکم: ۱۹۱

سؤال بیست دوم: ۲۱۷

سؤال بیست و سوم: ۲۲۴

سؤال بیست و چهارم: ۲۴۱

سؤال بیست و پنجم: ۲۶۲

منابع و مأخذ: ۲۸۰

درباره مرکز: ۲۹۰

## پاسخ به پرسش هایی پیرامون زن و حجاب

### مشخصات کتاب

سرشناسه: رامین، فاطمه، 1338 -

عنوان و نام پدیدآور: پاسخ به پرسش هایی پیرامون زن و حجاب/ فاطمه رامین.

مشخصات نشر: اصفهان: نورالحيات، 1401.

مشخصات ظاهری: 270 ص.

شابک: 1500000 ریال: 5-15-5985-622-978

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

یادداشت: کتابنامه: ص. 263 - 270؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع: حجاب -- پرسش ها و پاسخ ها

Hijab (Islamic clothing)-- Questions and answers

رده بندی کنگره: BP230/17

رده بندی دیویی: 297/636

شماره کتابشناسی ملی: 9117584

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیپا

ص: 1

اشاره

پاسخ به

پرسش‌هایی پیرامون زن و حجاب فاطمه رامین.

ص: 2



عكس

□

ص: 3



مقدمه..... 9

سؤال اول:..... 12

مگر رنگ مشکی مکروه نیست، پس چه لزومی دارد که زنان چادر مشکی به سر کنند؟..... 12

سؤال دوم:..... 22

اگر همهٔ مثل جوامع غربی بی حجاب باشند، آیا مسئله عادی نمی شود تا دیگر نیازی به حجاب نباشد؟..... 22

سؤال سوم:..... 26

آیا علت واقعی بی حجابی و بدحجابی محیط و جامعه نیست؟..... 26

سؤال چهارم:..... 41

اگر زنی به خاطر اطاعت از پدر و شوهر بی حجاب یا بد حجاب باشد باز هم گناهکار است؟..... 41

سؤال پنجم:..... 46

آیا با پای بدون جوراب یا با جوراب نازک در برابر نامحرم ظاهر شدن اشکال دارد؟..... 46

سؤال ششم:..... 52

با توجه به حد پوشش معین شده برای زن آیا بیشتر از این حد، خود را پوشاندن افراط نیست؟..... 52

سؤال هفتم:..... 56

اصلاً چرا دین حدی را برای حجاب معین نموده و زن را محدود به آن کرده است؟..... 56

سؤال هشتم:..... 62

آیا حجاب در برابر پسری که تا قبل از زمان تکلیف مرتباً زنی را بدون حجاب دیده، معنا دارد؟..... 62

ص: 5

سؤال نهم:..... 66

اصلاً چرا زن نباید آزاد باشد و باید با حجاب و پوشش در جامعه ظاهر شود؟..... 66

سؤال دهم:..... 73

آیا پوشش فقط مخصوص زن است و مرد نباید حریمی را حفظ کند؟..... 73

سؤال یازدهم:..... 81

آیا محجب نمودن دختری که به تکلیف نرسیده کار صحیحی است؟..... 81

سؤال دوازدهم:..... 86

آیا اسلام به وسیله حجاب می خواهد زن را در خانه محصور کند؟..... 86

سؤال سیزدهم:..... 92

آیا حجاب اسلامی زنان در محیط های خارج از کشور، لباس شهرت نیست؟..... 92

سؤال چهاردهم:..... 99

معیار برخورد و طرز پوشش زنان در برابر محارم چیست؟..... 99

سؤال پانزدهم:..... 101

آیا پاک بودن دل، بدون انجام واجبات الهی در سرنوشت افراد مؤثر است؟..... 101

سؤال شانزدهم:..... 116

آیا در تاریخ اسلام، نمونه هایی از سیره عملی زنان بزرگ اسلام، در مورد حجاب یافت می شود؟..... 116

سؤال هفدهم:..... 127

با وجود اینکه هنوز در جامعه ما در مورد فلسفه حجاب به مقدار کافی کار نشده، آیا باز هم می توان انتظار داشت که زنان ما با حجاب

کامل اسلامی در جامعه حاضر شوند؟..... 127

سؤال هجدهم:..... 140

آیا زن برای دفع آزار بعضی از مردان مغرض می تواند برای مدتی حجاب را کنار بگذارد؟..... 140

با توجه به آیه «لا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ» چرا شما به زور چکش می خواهید زنان را با حجاب کنید؟..... 146

ص: 6

سؤال بیستم: ..... 161

امام خمینی رحمه الله درباره نماز که از مهمترین واجبات است سختگیر نبودند، پس چرا شما این قدر در مورد مسئله حجاب پافشاری می کنید و سخت می گیرید؟ ..... 161

سؤال بیست و یکم: ..... 178

آیا پوشیدن لباس های نیمه عریان برای بانوان در مجالس زنانه، اخلاقاً ایرادی دارد؟ ..... 178

سؤال بیست دوم: ..... 204

مگر نمی گویند «رطب خورده منع رطب کی تواند کرد» پس چرا بعضی افراد که خودشان در گذشته مرتکب هر گناهی که خواسته اند شده اند، امروز دیگران را امر به معروف و نهی از منکر می کنند؟ ..... 204

سؤال بیست و سوم: ..... 211

آیا اینکه بانوان زود به گریه می افتند، نقطه ضعفی برایشان محسوب می شود که بعضی از آقایان به این خاطر آنان را تحقیر می کنند و یا می گویند: «گریه، اسلحه زن است» و نباید به آن توجه کرد؟ ..... 211

سؤال بیست و چهارم: ..... 225

آیا فقط خانه دار بودن زن مورد تأیید اسلام است؟ به طور کلی نظر اسلام نسبت به اشتغال و استقلال مالی زنان چیست؟ ..... 225

سؤال بیست و پنجم: ..... 245

آیا اینکه قرآن کریم خطاب به پیامبر اسلام صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ می فرماید: بعد از این دیگر عقد هیچ زنی بر تو حلال نیست هر چند از حُسن او به شگفت آیی، نشان دهنده این است که برای پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ زیبایی زن معیار انتخاب همسر و ازدواج بوده است؟ ..... 245

منابع و مآخذ: ..... 263

ص: 7



«الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على سيدنا محمد وآله الطاهرين واللعنة الدائمة على اعدائهم اجمعين».

در تابستان سال 1381 برنامه ای به نام «قرآن و زندگی» از شبکه قرآن سیما پخش می شد. در این برنامه مخاطبان می توانستند به صورت زنده سؤالات خود را مطرح کنند و کارشناس برنامه پاسخ دهد.

بعضی از این سؤالات که پیرامون زن و حجاب بود توجه مرا به خود جلب کرد چون سؤال خیلی از دختران و بانوان جامعه ما بود؛ لذا در ابتدا تصمیم گرفتم فقط بعضی نکاتش را یادداشت کنم و متأسفانه در این مدت نام خیلی از کارشناسان و مدارکی که برای پاسخ ها ارائه می نمودند را ثبت نمی کردم و به همین دلیل است که بعضی مطالب این نوشته بدون ذکر نام کارشناس محترم آن برنامه می باشد و از این بابت پوزش می طلبم.

همچنین فقط ترجمه فارسی اکثر روایات و احادیث را، آن هم بدون ذکر منبع یادداشت می نمودم. بعد از مدتی با خود فکر کردم که ممکن است پاسخ این سؤالات برای خیلی از بانوانی که به دلایل مختلف موفق به دیدن این برنامه نشده باشند، راه گشا باشد و شاید اگر مطالب به صورت نوشته درآید ماندگارتر و قابل استفاده تر باشد لذا من نیز در حدّ وسع خود سعی کردم انجام وظیفه نمایم تا سهمی هرچند خیلی ناچیز در نقش برآب کردن ترفندهای دشمنان اسلام که می خواهند با رواج بی حجابی و بدحجابی جوانان ما را به سمت فساد و فحشاء سوق دهند، داشته باشم، لذا مطالب مذکور را در قالب شانزده سؤال، منظم نموده و آنچه در حد بضاعت علمی واقعاً ناچیز بود را نیز به آن اضافه نمودم و آن را به صورت جزوه ای تهیه و تکثیر نموده و در اختیار همکاران و دوستان و آشنایان قرار دادم. خودم نیز سعی می کردم که با استفاده از آن جزوه، حداقل پاسخ گوی



برخی سؤالات دانش آموزان و دختران جوان پیرامون خود، در فرصت های مناسب باشم. (1) گاهی بعضی افراد سؤالات جدیدی را نیز مطرح می نمودند که از سؤال شماره هفده به بعد این نوشته از میان این پرسش های جدید انتخاب شده و اضافه گردیده. همچنین در بازنویسی این نوشته نهایت سعی خود را نموده ام که لااقل متن عربی احادیث مربوطه را پیدا کرده و منابع آن را ذکر نمایم (2)

اما از آنجا که فقط ترجمه احادیث یادداشت شده بود، نتوانستم بعضی از آنها را با ذکر منبع بنویسم.

اکنون که به فضل الهی آن نوشته دوباره بازنویسی و کامل تر شده (3) امیدوارم که از طرق مختلف به گوش تعداد بیشتری از بانوان جامعه ما برسد و ان شاء الله وسیله ای باشد که در بیداری هرچه بیشتر زنان مسلمان، گرچه نقشی جزئی داشته باشد

ص: 10

1- . البته یک نسخه از آن را برای مسئولان برنامه «قرآن و زندگی» شبکه قرآن سیما نیز ارسال نمودم.

2- . دسترسی به متن عربی و منبع احادیث حتی با وجود در اختیار داشتن نرم افزارهای احادیث موجود (البته آن نرم افزارهایی که برای اینجانب قابل دسترسی بود مانند نرم افزار اندرویدی جامع الاحادیث نور 2.0.1 و نرم افزارهای ویندوزی جامع الاحادیث نور 2 و 5/3 و گنجینه روایات نور 2/1)، بدون دانستن حداقل چند کلمه از متن عربی حدیث، کاری بسیار زمان بر و مشکل است چون جستجو در این گونه نرم افزارها، معمولاً بر اساس الفاظ عربی امکان پذیر است ولی به فضل الهی این امر در مورد اکثر قریب به اتفاق احادیث این نوشته به انجام رسید. ضمناً از آنجا که بررسی اسناد و اعتبار احادیث در صلاحیت افرادی همچون من نبود، در این نوشته سعی شده تا حد امکان فقط الفاظ عربی احادیث همراه با منبعی از آن ذکر گردد تا اگر اهل تحقیق، مایل به بررسی آنها باشند، کارشان آسان تر شود و بتوانند راحت تر پیرامون آنها تحقیق نمایند. البته در این نوشته سعی شده تا حد امکان منبع مطالب از افراد و کتب و سایت های شناخته شده و معتبر نقل شود تا شاید این نقیصه تا حدی جبران گردد و به اعتبار مطالب افزوده شود.

3- . شالوده اصلی این نوشته تا سؤال شانزدهم، همان مباحث مطرح شده در برنامه «قرآن و زندگی» است. ولی به همین شانزده سؤال نیز، علاوه بر اضافات مرحله اول، مطالب بیشتر دیگری نیز اضافه گردیده که ان شاء الله موجب کامل تر شدن پاسخ ها باشد.

تا بتوانند خود را از بازیچه دست دشمنان اسلام شدن، رهایی بخشند و نگذارند که دشمنان دین خدا از طریق آنان به اهداف شوم خود نائل گردند.

در پایان این نوشته را که شاید در نزد خدای متعال به اندازه آن ران ملخی که مور برای حضرت سلیمان علیه السلام هدیه آورد هم نباشد، به محضر بانوی دو عالم برترین الگوی حجاب و عفاف حضرت فاطمه زهرا علیها السلام و دختر ارجمندشان حضرت فاطمه معصومه علیها السلام تقدیم می دارم (1)

و امیدوارم که ایشان گوشه چشمی به این بنده سراپا تقصیر نموده و ان شاء الله لطف و شفاعتشان شامل حال این بنده گنهگار و تمامی ذوی الحقوق خصوصاً مادرم که نام فاطمه را برایم برگزید، گردد.

فاطمه رامین

1402/2/31 مطابق با اول ذی القعدة 1444

روز مبارک ولادت حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها

ص: 11

---

1- . لازم به ذکر است که به یمن وجود پر برکت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام کارهای مقدماتی چاپ این کتاب در روز ولادت ایشان به اتمام رسید.

مگر رنگ مشکی گرما را بیشتر جذب نمی کند و پوشیدن لباس مشکی مکروه نیست، از این گذشته ما حتی در فیلم ها و نمایش نامه ها نیز معمولاً زنان بزرگ اسلام را با چادر سفید نشان می دهیم پس چه لزومی دارد که زنان چادر مشکی به سر کنند؟

پاسخ:

الف: اسلام برای حجاب طرح و رنگ خاصی را معین نکرده و فقط حدود پوشش را مشخص نموده است. هدف از حکم حجاب، پوشاندن زینت ها، زیبایی ها و برجستگی های بدن زن بوده و وجوبی ندارد که این حجاب حتماً به شکل چادر و یا حتماً با رنگ مشکی باشد بلکه افراد هر منطقه و مکانی متناسب با شرایط و موقعیتشان خود، نوع حجاب خاص خود را معین و انتخاب می کنند هرچند که چادر مشکی بهترین نوع حجاب و پوشش برای زن است.

مرحوم خانم مرضیه حدیده چي (دبّاغ) در این باره مي گوید:

«نظر امام (خميني رحمه الله) در مورد حجاب روشن است .... در مهران که پايم صدمه دیده بود و با عصا راه مي رفتم، با مانتو و شلوار خدمتشان رسيدم تا گزارش بدهم. فرمودند: "شما چادر نداريد؟ بگويم احمد براي تان چادر بخرد؟" گفتم: نه حاج آقا! چادر دارم. اما چون به کوه مي رفتم و اسلحه روي دوشم بود و فشنگ به کمرم و قمقمه به پهلويم آویزان بود و گاهي نیز سه پایه تيربار را روي دوش مي گرفتم چادر سر کردن براي من خيلي مشکل بود. فرمودند:

ص: 12

"چادر برای زن بهتر است". من از همان جا آمدم و چادرم را سرم کردم و دیگر برنداشتم». (1)

لذا توجه کنیم که امام خمینی رحمه الله با آن وضعیتی خاص خانم دباغ باز هم به ایشان توصیه نمودند که چادر به سر کنند؛ زیرا چادر را برای زن بهتر می دانستند و بارها و بارها در پاسخ سؤالاتی که از ایشان شده به این مطلب تصریح نموده اند. (2)

ب: درست است که پوشیدن لباس به رنگ مشکی مکروه است ولی استثنائاتی نیز در این مورد وجود دارد. حدیثی از حضرت رسول اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ است که می فرمایند:

«(رنگ) سیاه مکروه است، مگر در سه چیز: عمامه، عبا، چکمه (کفش ساقه بلند)» (3)

و چادر هم برای زن تقریباً همان کار عبا را می کند.

آیت الله مکارم شیرازی دام ظلّه در این باره فرموده اند (4):

«پوشیدن رنگ مشکی همیشه و همه جا مکروه نیست؛ چنان که در روایات عمامه و عبا و کفش مشکی استثناء شده و در مورد مقنعه و چادر و کفش زنان هم می تواند صدق کند یا در مورد ایام عزاداری (5)

کراهت ندارد».

ص: 13

1- . پا به پای آفتاب، گردآوری و تدوین امیر رضا ستوده، ج 1، ص 336.

2- . استفتائات حضرت امام خمینی رحمه الله، ج 3، احکام حجاب، ص 248، پاسخ به سؤالات شماره 5، 9، 19، 21، 22، 24، 25، 26 ... - آیت الله مکارم شیرازی دام ظلّه نیز در پاسخ به این سؤال که: «حدود حجاب اسلامی برای بانوان چیست؟» فرموده اند: «چادر حجاب برتر است». پایگاه اطلاع رسانی دفتر حضرت آیت الله مکارم شیرازی دام ظلّه.

3- . «يَكْرَهُ السَّوَادَ إِلَّا فِي ثَلَاثِ الْخُفِّ وَالْعِمَامَةِ وَالْكِسَاءِ» الكافي، ج 6، ص 449، ح 1. برگرفته از حلیة المتقین، علامه مجلسی، فصل «در بیان رنگ های جامه»، ص 7.

4- . سایت دفتر آیت الله مکارم شیرازی دام ظلّه، بخش: معارف اسلامی و پاسخ به سؤالات کلامی، در پاسخ به پرسش «اگر رنگ مشکی به خاطر آثار منفی آن مکروه است چه فرقی بین پیراهن و چادر مشکی وجود دارد؟!».

5- . بنابر نقل ابن ابی الحدید، امام حسن علیه السلام در سوگ امیر المؤمنان علی علیه السلام جامه سیاه بر تن کرد و با همین جامه به میان مردم آمد و برای آنان خطبه خواند «و کان خرج إلیهم و علیه ثياب سود». شرح نهج البلاغه (ابن ابی الحدید)، ج 16، ص 22 به نقل از پرسش ها و پاسخ های دانشجویی، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها، ج 13 ویژه محرم، ص 313 - همچنین یکی از فرزندان امام زین العابدین علیه السلام نقل می کند که: «لَمَّا قُتِلَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَبِسَنَ نِسَاءَ بَنِي هَاشِمٍ السَّوَادَ وَالْمُسُوحَ وَ كُنَّ لَا يَشَدُّ تَكْيِينَ مِنْ حَرٍّ وَلَا بَرْدٍ وَ كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَعْمَلُ لَهُنَّ الطَّعَامَ لِلْمَاتِمِ» یعنی «پس از شهادت امام حسین علیه السلام، زنان بنی هاشم در ماتم آن حضرت لباس های سیاه و جامه های خشن پوشیدند و هرگز از سرما و گرما شکایت نمی کردند و پدرم علی بن الحسین علیه السلام برای برپایی ماتمشان برای ایشان غذا تهیه می کردند». محاسن برقی، ج 2، ص 420، ح 195؛ وسائل الشیعة، ج 3،

ص 238، ح 3508 برگرفته از مقتل امام حسین علیه السلام، گردآورنده: گروه حدیث پژوهشکده باقرالعلوم علیه السلام، ترجمه جواد محدثی، فصل هشتم، ص 264. و باید گفت که علاوه بر وجود افرادی چون عقيله بنی هاشم علیها السلام، نائبة حضرت زهرا علیها السلام، قهرمان کربلا، حضرت زینب کبری علیها السلام در میان بانوان سیاه پوش، عمل امام سجاده علیه السلام نیز در واقع تأیید این مسأله می باشد.

همچنین ایشان در پاسخ به این سؤال که: «گفته می شود "استفاده از چادر مشکی مناسب نیست، بلکه کراهت دارد. و خانم ها باید از پوشاک روشن و رنگ های متنوع استفاده نمایند. و دلیلی ندارد که توصیه شود خانم ها کفش و مانتوی تیره بپوشند" نظر شما در این مورد چیست؟»

صریحاً فرموده اند:

«انتخاب چادر مشکی برای زنان مکروه نیست. و استفاده از رنگ های ساده دیگر، مادام که منشأ مفاسدی نشود، جایز است؛ البته رنگ های سنگین بهتر است»<sup>(1)</sup>.

البته بهترین حجاب آن است که وقار و سنگینی و هیبت زن را در برابر نامحرم برساند و او را بیشتر از آسیب های اجتماعی حفظ کند و رنگ مشکی بیشتر این فایده و خاصیت را دارد چون رنگ سیاه و تیره علاوه بر این که سبب اختفاء و استتار است از جهت رنگ هیبت و تشخص نیز می باشد، لذا لباس رسمی شخصیت ها نوعاً سیاه یا سورمه ای سیر است<sup>(2)</sup> و یا همچنان که شاهدیم شخصیت های بزرگ

ص: 14

---

1- . پایگاه اطلاع رسانی دفتر حضرت آیت الله مکارم شیرازی دام ظلّه، احکام لمس، سؤال 591.

2- . برگرفته از پرسش ها و پاسخ های دانشجویی، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها، ج 13 ویژه محرم، ص 180.

سیاسی مانند رؤسای جمهور و سفراء با ماشین های مشکی رفت و آمد می کنند و یا حتی کعبه را با پرده مشکی می پوشانند چون وقار و سنگینی و عظمت و هیبت خاصی به آن می بخشد.

ج - شاید به این دلیل زنان بزرگ صدر اسلام را اکثراً با چادر سفید نشان می دهند که چون رنگ سفید نزدیک ترین رنگ ها به رنگ نور است و پاکی و طهارت را بیشتر نشان می دهد؛ لذا به این وسیله می خواهند نورانیت و معنویت و پاکی و طهارت آن بانوان بزرگ را بیشتر آشکار کنند و این بدان معنی نیست که در آن زمان حجاب آنان الزاماً به رنگ سفید بوده و به رنگ مشکی نبوده است بلکه برعکس روایاتی (1) در این زمینه وجود دارد که نشان می دهد وقتی آیه حجاب (2) نازل شد، از آن به بعد زنان انصار با چادری سیاه بیرون می آمدند (3)

و پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ نیز این روش را عملاً تأیید می کردند و تقریر عملی ایشان هم مانند قولی حجت است. (4)

آیت الله مکارم شیرازی دام ظلّه نیز می فرماید:

از واژه «جلباب» که در قرآن درباره حجاب بیان شده، رنگ تیره نیز برداشت می شود. خصوصاً اینکه در احادیثی که از دوره نزول آیه حجاب برای ما باقی مانده، دلالت هایی بر رنگ سیاه چادرهای زنان آن عصر وجود دارد. حجاب فقط با پوشیده بودن بدن محقق نمی شود. بلکه

ص: 15

---

1- «لما نزلت "يدنين من جلابيبهن" خرجن نساء الانصار كان على رؤسهن الغربال من الاكيسه»، كتاب حجاب در اسلام، حاج شيخ قوام وشنوی، ترجمه و اضافات احمد محسنی گرگانی، ص 140.

2- «يا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ وَ بَنَاتِكَ وَ نِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَ كَانَ اللَّهُ غَفُوراً رَحِيماً». سوره احزاب آیه 59.

3- برگرفته از تفسیر المیزان، علامه سید محمد حسین طباطبایی رحمه الله، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی رحمه الله، چاپ سوم، ج 32، ص 231، مبحث: بحث روایتی، ذیل آیه حجاب (سوره احزاب آیه 59).

4- تفسیر ابن کثیر، ج 3، ص 518 به نقل از حجاب در اسلام، حاج شيخ قوام وشنوی، ترجمه و اضافات احمد محسنی گرگانی، ص 141.

آنچه اهمیت دارد جذابیت نداشتن برای نامحرم است، که با رنگ تیره محقق می شود. چنان که روانشناسان نیز به آن تصریح کرده اند. (1)

د - البته در بعضی موارد رنگ سیاه حتی موجب آرامش نیز می گردد مثل رنگ شب که خود آرامش می آورد (2)

اما از نظر جذب گرما رنگ مشکی گرما را بیشتر جذب می کند و خصوصاً در هوای گرم تحمل آن مشکل است ولی باید توجه داشت زنانی که به هنگام حضور در اجتماع این سختی و آزار را تحمل می کنند در واقع خود را از تعرض و آزار بیماران دلانی که چشمی ناپاک و هرزه دارند؛ بیشتر حفظ می کنند و البته تحمل آزار و ناراحتی که این گونه افراد برای بانوان عفیف ایجاد می کنند صدها بار سخت تر از تحمل گرما است. علاوه بر این چون این سختی را برای اطاعت از حکم خدای متعال متحمل می شوند، باشد که ان شاء الله از گرما و سوزندگی آتش جهنم نیز در امان باشند.

در سایت دفتر آیت الله مکارم شیرازی دام ظلّه (3) برای این پرسش که: «آیا حجاب تیره و چادر مشکی برای زنان کراهت داشته و سبب افسردگی و مشقت آنان می شود؟»، پاسخی به این شرح ذکر گردیده :

برخی می گویند: با وجود روایات در کراهت حجاب تیره و استفاده از لباس مشکی، چرا چادر مشکی به عنوان حجاب اسلامی مطرح شده است؟ و گاهی می گویند: چون رنگ مشکی نور را جذب می کند؛ لذا در تابستان معمولاً نمی توان دختران را به حجاب تیره مثل چادر مشکی دعوت کرد. و گاهی نیز ادعا می کنند که استفاده از لباس های تیره مانند مقنعه و چادر مشکی، روی سلامتی خانم ها

ص: 16

1- . سایت دفتر آیت الله مکارم شیرازی دام ظلّه، بخش: معارف اسلامی و پاسخ به سؤالات کلامی، در پاسخ به پرسش «اگر رنگ مشکی به خاطر آثار منفی آن مکروه است چه فرقی بین پیراهن و چادر مشکی وجود دارد؟!». .

2- . برگرفته از پرسش ها و پاسخ های دانشجویی، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها، ج 13 ویژه محرم، ص 313.

3- . برگرفته از سایت دفتر آیت الله مکارم شیرازی دام ظلّه، بخش: معارف اسلامی و پاسخ به سؤالات کلامی.



تأثیر منفی دارد و باعث بیماری های استخوانی می گردد. و نیز می گویند: استفاده مکرر از لباس های مشکی و یا رنگ های تیره و سیاه می تواند به افسردگی بینجامد .

پاسخ تفصیلی :

1 - روایاتی که از ظاهر آنها کراهت سیاه پوشی استفاده می شود، از نظر سند ضعیف اند. مرحوم صاحب جواهر(1) و آیت الله خوئی(2)

به ضعف سند آنها تصریح کرده اند.

2 . صاحب جواهر ( رحمه الله ) روایات مربوط به کراهت سیاه پوشی را شامل زنان نمی داند، او می گوید:

« طبق تصریح کتاب های متعددی از علمای امامیه، کراهت پوشش سیاه مختص مردان است؛ زیرا شارع مقدس پوشش غلیظ تر و بیشتری برای زنان هنگام مواجهه با نامحرم قرار داده است، و رنگ مشکی در مقایسه با رنگ های دیگر به نحو بهتری پوشش غلیظ تر و بیشتر را تأمین می کند.»(3)

3 . پوشش تیره و مشکی در بعضی از مناطق که دارای تابستان گرم است، اساساً برای دسته ای از بانوان و دختران باعث مشقت نیست، و برای دسته ای دیگر بر فرض مشقت آوردن، قابل تحمل است.

دسته اول مؤمنانی هستند که به نقش حجاب برتر، مثل چادر مشکی اعتقاد و باور راسخ دارند؛ از این رو نسبت به بعضی از مشکلات احتمالی آن احساس مشقت ندارند. و در روایتی از امام صادق علیه السلام رسیده که فرمودند:

ص: 17

---

1- . جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، نجفی، محمد حسن بن شیخ باقر بن شیخ عبد الرحیم، محقق/مصحح: قوچانی، عباس، آخوندی، علی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، بی تا، چاپ هفتم، ج 8، ص 233.

2- . فی شرح العروة الوثقی، موسوی خوئی، سید ابو القاسم، مؤسسة احیاء آثار الامام الخوئی، قم، 1418 قمری، چاپ اول، ج 12، ص 426.

3- . جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، ج 8، ص 235.

«مَا ضَعَفَ بَدَنٌ عَمَّا قَوِيَتْ عَلَيْهِ النَّيَّةُ»<sup>(1)</sup> یعنی «جسم و بدن انسان در مقابل کارهایی که بر اساس نیت و اعتقاد درونی قوی انجام می گیرد، احساس ضعف و مشقت نمی کند».

در قضیه کشف حجاب رضا خان نقل شده است که برداشتن حجاب از سر زنان باعث گردید که عده ای از آنان، از شدت ناراحتی و ناباوری دق و فوت کردند.<sup>(2)</sup>

دسته دوم بانوانی هستند که به دلیل قرار گرفتن در محیط دینی و مذهبی خانواده و جامعه از کودکی به این گونه حجاب عادت نمودند، لذا در بزرگسالی سختی احتمالی حجاب مشکی برای آنها قابل تحمل است.

در علم روان شناسی و تعلیم و تربیت در مبحث عادت گفته می شود که اگر انسان از کودکی به انجام کاری عادت کرد نه تنها انجام آن برایش مشقت آور نیست؛ بلکه برعکس، ترک و جدایی از آن عمل برایش مشقت دارد. همین نکته مهم، رمز و راز توصیه ائمه اطهار علیهم السلام به والدین در عادت دادن فرزندان به کارهای شایسته ای مثل نماز و اذکار آن و روزه ناقص در سنین کودکی است.<sup>(3)</sup>

4- گرچه ممکن است حجاب مشکی در تابستان برخی از مناطق بسیار گرم برای بعضی از افراد مشقت آور باشد ولی نمی پذیریم تحمل هر گونه مشقت و سختی به طور مطلق، غیر معقول و نامطلوب باشد. طبق آموزه های معصومین علیهم السلام که تجربه زندگی انسان ها و واقعیت خارجی نیز مؤید آن است، اساساً زندگی دنیا بدون

ص: 18

---

1- من لا یحضره الفقیه، ابن بابویه، محمد بن علی، محقق/مصحح: غفاری، علی اکبر، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، قم، 1413 قمری، چاپ دوم، ج 4، ص 400.

2- فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، حداد عادل، غلامعلی، سروش، تهران، 1370 شمسی، چاپ چهارم، ص 48.

3- الکافی، کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، محقق/مصحح: غفاری، علی اکبر، آخوندی، محمد، دار الکتب الإسلامیه، تهران، 1407 قمری، چاپ چهارم، ج 3، ص 409، (باب صلاة الصبیان و متی یؤخذون بها).

سختی و مشقت وجود خارجی ندارد. امیر مؤمنان علیه السلام دنیا را خانه محنت و سختی معرفی کرده است. (1)

فلسفه و رمز و راز آمیختگی دنیا با سختی و مشقت نیز این است که انسان در وصول به سعادت الهی که برای آن خلق شده است به تحمل سختی‌هایی که سازنده کمال انسانی هستند نیازمند است. و به تعبیر قرآن، چه بسا کاری دارای سختی باشد و انسان از انجام آن اکراه داشته باشد، ولی خداوند خیر و نیکی انسان را در آن قرار می‌دهد: «فَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَ يَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا». (2)

علاوه بر این، عقل نیز در مواردی که تحمل سختی در زندگی دنیا باعث دست‌یابی به هدف والاتر و بالاتر است، حکم به مطلوبیت آن می‌کند. علاوه بر عقل، ائمه علیهم السلام نیز انسان را به تحمل مشکلاتی که در راستای سعادت و تکامل جسمانی و روحانی اوست تشویق نموده‌اند. از امام حسن علیه السلام نقل شده که فرمودند:

«عَوَّدَ نَفْسَكَ التَّصَبُّرَ عَلَى الْمَكْرُوهِ» (3) یعنی «نفس خود را به صبر و بردباری بر کار سخت عادت بده».

5- در مورد ضرر داشتن لباس مشکی بر استخوان انسان، این صرف ادعایی بیش نیست و تا کنون این مطلب ثابت نشده است. بلکه برعکس، کارشناسان وجود رابطه بین پوشش لباس‌های مشکی و ایجاد بیماری‌های استخوانی را انکار کرده‌اند. دکتر «طباطبایی» می‌گوید: «استفاده از چادر و مقنعه (که مصداق بارز و رایج آن در جامعه امروزی ما چادر و مقنعه مشکی است) بیماری استخوانی ایجاد نمی‌کند». (4)

ص: 19

- 
- 1- «إِنَّ الدُّنْيَا دَارٌ فَبَاجِعٍ». تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص 127، ح 2155 - غرر الحکم و درر الکلم، تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، محقق/مصحح: رجائی، سید مهدی، دار الکتاب الإسلامی، قم، 1410 قمری، چاپ دوم، (حکمت 1139)، ص 58.
  - 2- قرآن کریم، سوره نساء، آیه 19.
  - 3- نهج البلاغه، نامه 31.
  - 4- روزنامه ایران، 28 شهریور 1379.

6- در مورد ایجاد افسردگی به سبب استفاده از لباس سیاه می‌گوییم: این ادعایی است که برای آن هیچ مدرکی علمی ارائه نشده است، بلکه یکی از روان‌پزشکان معتقد است:

«این حرف که پوشش تیره بانوان یا آقایان در جامعه دلیل افسردگی است کاملاً سخن غلطی است و هیچ پایه علمی ندارد. (1) و مطابق نظر برخی از افراد روان‌شناس و روان‌پزشک، ممکن است افسردگی بعضی از افراد، علت تمایل آنها به پوشش سیاه باشد، ولی پوشش سیاه افراد علت ایجاد افسردگی نیست.

وانگهی، افسردگی از بیماری‌های روحی و روانی بسیار گسترده و پیچیده‌ای است که دارای عوامل و علایم و تظاهرات رفتاری مختلف و حتی متضاد است؛ لذا پژوهش‌های میدانی نمی‌تواند اثبات‌کننده مدعای مذکور باشد. استفاده از چادر مشکی نه تنها عارضه منفی ندارد بلکه با فلسفه حجاب و پوشش زنان در مقابل نامحرم؛ یعنی عدم تهییج و تحریک و ایجاد آرامش روانی در جامعه نیز سازگار است. امروزه در روان‌شناسی رنگ‌ها، اینکه رنگ مشکی رنگی صامت و غیرفعال است و باعث تحریک و جلب توجه نمی‌شود به عنوان یک واقعیت مسلّم شناخته شده است.

در کتاب روان‌شناسی رنگ‌ها درباره رنگ سیاه گفته شده است که «سیاه نمایانگر مرز مطلق است» (2).

بنابراین فردی که در مقابل نامحرم و در بیرون منزل، از حجاب مشکی استفاده می‌کند با این کار، مرز مطلق و کاملی بین خود و افراد نامحرم ایجاد می‌نماید. وقتی که خانمی در بیرون منزل چادر مشکی بر سر می‌کند می‌خواهد نشان دهد

ص: 20

---

1- . هفته نامه 19 دی، شماره 155.

2- . روانشناسی رنگ‌ها، ماکس لوشر، مترجم: ابی زاده، ویدا، درس، تهران، 1381 شمسی، چاپ هفدهم، ص 97.

که نامحرم حق ندارد به این حریم نزدیک شود؛ زیرا این حریم، حریم حیا و عفت است نه جای بی حیایی و هرزگی و هوس بازی. همچنین در روانشناسی رنگ ها آمده که سیاه به معنی «نه» بوده و نقطه مقابل «بله» یعنی رنگ سفید است. (1)

لذا وقتی بانوان در مقابل نامحرم از حجاب مشکی استفاده می کنند در واقع می خواهند به او «نه» بگویند و در مقابل، آنهایی که لباس سفید می پوشند در واقع راه نگاه ها را به سوی خود باز می گذارند و آنها که لباس های رنگارنگ و جذاب می پوشند، خواسته یا ناخواسته خود را در معرض نگاه های هرزه و آلوده قرار می دهند. از نظر روانی نیز وقتی انسان پارچه مشکی می بیند دیگر چندان رغبتی برای نگاه کردن ندارد و خود به خود نظر را برمی گرداند و در مقابل، نگاه به رنگ های روشن چشم را باز می کند و برای دیدن و استمرار آن رغبت ایجاد می کند لذا استفاده بانوان از لباس رنگارنگ نیز باعث جلب توجه مردان نامحرم می شود. (2)

ص: 21

---

1- همان مدرک.

2- اسلام شناسی و پاسخ به شبهات، رضوانی، علی اصغر، مسجد مقدس جمکران، قم، 1386 شمسی، چاپ سوم، ص 532.

اگر مانند جوامع غربی همه زنان بی حجاب باشند این یک امر عادی می شود، آیا در این صورت باز هم نیاز است که زنان برای حفظ خویش از آزار انسان های بیمار دل خود را بپوشانند و حجاب را مراعات کنند؟

پاسخ:

الف: بی حجابی و بدحجابی قبل از نزول آیات حجاب در اسلام، نیز وجود داشته است. آیا در آن زمان که بی حجابی عادی بود، زنان و دختران از تجاوز و هرزگی افراد بیمار دل مصون بودند؟! یا برعکس درست به دلیل همین بی حجابی و بدحجابی، بیشتر دچار آزار هوسرانان واقع می شدند و در زندگی دچار مشکلات بزرگی می گردیدند؟! با کمی جستجو در می یابیم که تاریخ پر است از این گونه حوادث و ظلم هایی که نسبت به زنان روا می داشتند.

آیا در همین دوران قبل از انقلاب اسلامی خودمان که زنان بی حجاب و بدحجاب و با آن وضع کذایی بیرون می آمدند علاوه بر اینکه باعث به فساد کشیده شدن اکثر جوانان شدند، موجبات آزار و اذیت بیشتر خود را نیز فراهم نکردند؟!

ب: آیا هم اکنون که در جوامع غربی بی حجابی حاکم است، واقعاً مسئله شهوت برای مردان حل شده، به همه زنان به چشم خواهر و مادر خود نگاه می کنند؟! کافی است به آماری که گاهی در این زمینه ها منتشر می گردد مراجعه کنید. برای نمونه در آمریکا هر 6 ثانیه یک زن مورد خشونت جنسی قرار می گیرد و در کانادا از هر 4 زن يك زن مورد تجاوز قرار می گیرد و بر اساس گزارش روزنامه گاردین(1) در آمریکا هر

ص: 22

---

1- . ماهنامه فرهنگی اجتماعی دیدار آشنا، شماره مخصوص به تاریخ 6/1381، ص 19- برای اطلاع بیشتر از آمارهای بین المللی بروزتر در زمینه این گونه موارد به کتاب صعود چهل ساله، سید محمد حسین راجی و سید محمد رضا خاتمی، مبحث: خشونت جنسی علیه زنان، ص 284 مراجعه شود.

15 دقیقه يك دختر ربوده مي شود و طبق آمار 80% دختران دانشجوي انگلستان قرص ضد بارداري با خود همراه دارند ... ولي ما به برکت حکم حجاب خيلي کمتر با اين گونه امور مواجه هستيم.

ج: به گفته شهيد مطهري رحمه الله (1):

«يکي از مختصات و امتيازات انسان از حيوانات اين است که دو نوع ميل و تمنا در بشر ممکن است پيدا شود: تمناهاي صادق، تمناهاي کاذب.

تمناهاي صادق همان ها است که مقتضاي طبيعت اصلي است؛ در وجود هر انساني تمايل به صيانت ذات، امور جنسي، غذاخوردن و ... وجود دارد، که همه اين ها محدودند ولي همه اين ها ممکن است زمينه يك تمناي کاذب واقع شوند مثل اشتهاي کاذبي که افراد در مورد خوردني ها پيدا مي کنند و براي همه شناخته شده و معروف است.

در بعضي از ميل ها و غرايز که غريزه جنسي نيز از آنها است، اين تمنا غالباً به صورت يك عطش روحي در مي آيد يعني قناعت و پايان پذيري و سيري در آن نيست. غريزه طبيعي را مي توان اشباع کرد اما تمناي کاذب خصوصاً اگر شکل عطش روحي به خود بگيرد، اشباع پذير نيست. اگر انسان در زمينه پول، اقتصاد، سياست، حکومت، مقام و امور جنسي زمينه مساعدي براي پيشروي ببيند؛ در هيچ جا توقف نمي کند. بعضي خيال کردند که ميل جنسي در وجود بشر مانند نياز طبيعي هر کس به ادرار و خالي کردن مثانه است. جلوگیری از ادرار از نظر پزشکی ضررهاي فراواني دارد. اما خالي کردن آن حدود و شرايطي ندارد. اگر فرضاً کسي قدم به قدم در کوچه ها و خيابان ها محل مناسب، پاکيزه و رايگان براي ادرار بيبابد، بيش از مقدار حاجت به آن توجهي نخواهد کرد. ولي نهايت جهالت است که غريزه جنسي يا

ص: 23

---

1- . با توجه به اينکه امام خميني رحمه الله تمام کتب ايشان را بدون استثناء مورد تأييد قرار داده اند.

قدرت طلبی یا پول پرستی بشر را از این قبیل بدانیم ... اگر انسان در این موارد مانند غرایز در حیوانات، ظرفیت محدود و پایان پذیری داشت، احتیاجی به مقررات سیاسی و اقتصادی و جنسی و حدود اخلاقی و اجتماعی نداشت و همان ظرفیت محدود طبیعی همه مشکلات را حل می کرد»<sup>(1)</sup>.

البته استاد شهید مطهری رحمه الله بیان می دارد که:

«علت این امر "میل به بی نهایت" است که خداوند در سرشت انسان قرار داده است و تنها راه حفظ اعتدال این گونه امیال و غرایز از جمله غریزه جنسی، مقید بودن و رعایت نمودن حدود و مقررات الهی توسط زنان و مردان می باشد»<sup>(2)</sup>.

پس قضیه این نیست که ما فکر کنیم این گونه امور عادی می شود، خیر، غریزه شهوت حتی اگر به صورت تمنای صادق هم که باشد بعد از اشباع شدن مثل قضیه آب یا غذا خوردن است که فقط تا مدتی انسان را سیر نگه می دارد و بعد از مدت کوتاهی دوباره انسان احساس نیاز می کند و اگر که زمینه را هم مساعد ببیند و مقید به اخلاق و احکام الهی و انسانی هم نباشد در هیچ حدی متوقف نمی شود تا چه رسد به اینکه با تبلیغات و تحریکات زیاد جنسی که امروزه در برخی جوامع شاهد آن هستیم، تحریک و تشویق هم بشود، لذا می بینیم در آن جوامع زنان و دختران بیشتر دچار این مشکلات هستند.

خلاصه اینکه با آزاد شدن گناه، گنهکار کم نمی شود همان طور که با آزاد شدن مواد مخدر، معتادین نه تنها کم نمی شوند بلکه بیشتر نیز خواهند شد.<sup>(3)</sup>

ص: 24

---

1- . برگرفته از اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب، استاد شهید مطهری رحمه الله، ص 70 و 71 و 72 - استاد شهید همچنین در کتاب مسئله حجاب، ص 106 نیز مطالبی را در این زمینه ارائه نموده اند.

2- . برگرفته از اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب، استاد شهید مطهری رحمه الله، ص 71 و 55.

3- . برگرفته از سخنان آقای رحیم ازغدی، تحت عنوان: حجاب قانونی یا اجباری؟، سایت مشرق نیوز، کد خبر: 1120166، تاریخ انتشار: 29 شهریور 1399.



البته آن مردان هوسرانی که به زنان و دختران زیبا و جوان متعددی که مورد دلخواه شان است به راحتی دسترسی دارند شاید تا مجبور نشوند به دیگر زنان کاری نداشته باشند، ولی این واقعیت را هم نباید از نظر دور داشت که شرایط ظاهری و مالی همه مردان در همه جوامع یکسان نیست و در هر جامعه ای حتی جوامع غربی هم تعداد افرادی که به زنان دلخواه خود به راحتی دسترسی داشته باشند، محدود است و در نتیجه برای دیگر زنان خطر همیشه در کمین است و آمارهای فساد و فرزندخواندگی نامشروع در آن کشورها نشان دهنده چنین واقعیتی است. (به عبارت دیگر در این جوامع ممکن است آثار سطحی شهوت مثل چشم چرانی و متلک گویی کمتر دیده شود ولی اصل مسئله که همان خشونت و تجاوز و فساد است پا برجاست).<sup>(1)</sup>

ص: 25

---

1- . برگرفته از سخنان کارشناس برنامه عصر ایمان، شبکه اول سیما، تاریخ پخش: 4/3/1383.

وقتی در محیط و جامعه ما اکثراً بد حجاب و آرایش کرده هستند، اگر ما به صورت ساده و با حجاب در میان آنها حاضر شویم خجالت می کشیم و مورد تمسخر واقع می شویم و ما را اُمل خطاب می کنند، پس آیا محیط و جامعه مقصّر نیست و عامل تشویق ما به بی حجابی و بدحجابی نمی باشد؟

پاسخ:

البته نقش محیط را نمی توان نادیده گرفت، ولی محیط نمی تواند انسان را مجبور به گناه کند. بلکه شیطان از این طریق می تواند انسان را وسوسه کند ولی اختیار و انتخاب با خود انسان است و با اراده خود می تواند راه درست را پیش بگیرد و عمل کند. اگر محیط، شیطان، وراثت، تعلیم و تربیت و... می توانستند از انسان سلب اختیار کنند و او را مجبور به عمل کنند دیگر بهشت و جهنم و معاد و قیامت معنا نداشت.

جالب اینکه قرآن کریم پاسخ شیطان (و شیطان صفتانی که انسان را تحریک و تشویق به گناه می کنند) را به افرادی که علّت گناه کردن خود را به گردن او می اندازند، خیلی زیبا بیان نموده است و می فرماید:

«وَبَرَزُوا لِلَّهِ جَمِيعًا فَقَالَ الضُّعَفَاءُ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا فَهَلْ أَنْتُمْ مُعْتَبَرُونَ عَنَّا مِنْ عَذَابِ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ قَالُوا لَوْ هَدَانَا اللَّهُ لَهَدَيْنَاكُمْ سَوَاءٌ عَلَيْنَا أَمْ سَبَرْنَا مَا لَنَا مِنْ مَحِيصٍ وَقَالَ الشَّيْطَانُ لَمَّا قُضِيَ الْأَمْرُ إِنَّ اللَّهَ وَعَدَكُمْ وَعَدَ الْحَقُّ وَعَدْتُكُمْ فَأَخْلَفْتُكُمْ وَمَا كَانَ لِي عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا أَنْ دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي فَلَا تَلُمُونِي وَلُومُوا أَنْفُسَكُمْ مَا أَنَا

بِمُصْرِحِكُمْ وَ مَا أَنْتُمْ بِمُصْرِحِيَّ إِنِّي كَفَرْتُ بِمَا أَشْرَكْتُمُونَ مِنْ قَبْلُ إِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» (1) یعنی «روزي که مردم از قبرها برانگیخته و به پیشگاه خدا حاضر می شوند در آن روز ضعیفان به گردنکشان می گویند: ما در دنیا تابع رأی و پیرو شما بودیم، آیا امروز شما هم از عذاب خدا ما را کفایت می کنید؟ ... و هنگامی که کار به پایان می رسد (و اهل بهشت از اهل دوزخ جدا می شوند) در آن حال شیطان می گوید: خدا به شما وعده حق و راست داد و من به شما وعده خلاف حقیقت (و باطل) دادم و هیچ بحث و دلیل قاطعی نیاوردم و تخلف کردم (و تنها شما را به وعده های دروغین فریتم) من بر شما تسلطی نداشتم جز اینکه دعوتتان کردم و شما دعوت مرا پذیرفتید پس امروز شما که سخن بی دلیل مرا پذیرفتید، مرا ملامت مکنید بلکه نفس پر طمع خود را ملامت کنید که امروز نه من فریادرس شما هستم و نه شما فریادرس من، من نسبت به شرك شما درباره خود، که از قبل داشتید (و اطاعت مرا هم ردیف اطاعت خدا قرار دادید) بیزارم و کافرم! آری در این روز به یقین ستمکاران عالم عذاب دردناکی دارند».

یعنی کار شیطان فقط در حد وسوسه است و انسان با اراده و اختیار خود می تواند در برابر این عوامل ایستادگی کرده و راه درست را برود ولی اگر نرفت، به خود ظلم و ستم کرده و جزء ظالمینی می گردد که عذاب الهی شامل حالش خواهد شد. البته هر چقدر این عوامل (شیطان، محیط، وراثت ... ) قوی تر عمل کنند، کار مبارزه انسان با عوامل منحرف کننده مشکل تر خواهد بود اما در عوض این انتخاب و عمل او نیز نزد خدا ارزشمندتر است و باعث تقرب بیشتر او به خداوند متعال خواهد شد.

ص: 27

این عوامل در تمام زمان ها و دوران ها و جوامع بوده و می باشد و این خود از آزمایش های الهی محسوب می گردد لذا خداوند در قیامت افرادی مانند ابن سیرین ها(1)

و رجبعلی خیاط ها(2)

و... را می آورد و به وسیله آنها بر ما احتجاج می کند که فلان انسان هم شرایط شما را داشت (و شاید هم در موقعیتی بدتر بود) ولی گناه نکرد. لذا محیط، انسان را مجبور به کاری نمی کند اگر چه تشویق و تحریک می کند. در قیامت مردی را که دچار گناه شده می آورند تا عذابش کنند. او می گوید: خودت مرا خوشگل و زیبا آفریدی و همین موجب شد تا زنان به من متمایل گردند و مرتب مرا دعوت به گناه کنند، بالاخره من هم یک بار، دوبار... خودداری کردم اما سرانجام به گناه کشیده شدم. خدا می گوید: این چه حرفی است مگر حضرت یوسف عج الله تعالی فرجه الشریف خوشگل نبود؟! مگر او را دعوت به گناه نکردند؟! و یا زنی را که گمراه شده می آورند که عذاب کنند، او می گوید: خودت مرا زیبا آفریدی و این باعث شد نامحرم به من توجه کند و از من تعریف کند که چشم و ابرو و لب و دهان و دماغت چنین و چنان است، تلفن پشت تلفن، نامه فدایت شوم و دعوت به گناه پشت سرهم... لذا من هم کم کم به گناه کشیده شدم. خدا می گوید: توزیباتر بودی یا حضرت مریم علیها السلام (گویا ایشان خیلی زیبا بوده) پس او چگونه خود را حفظ کرد؟! (3)

علاوه بر اینکه حضرت علی علیه السلام می فرمایند:

ص: 28

1- . رجوع شود به داستان راستان، استاد شهید مطهری رحمه الله ، ج 2، ص 53.

2- . رجوع شود به تندیس اخلاص، محمد محمدی ری شهری، ص 8.

3- . «قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ تُؤْتَى بِالْمَرْأَةِ الْحَسَنَاءِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ الَّتِي قَدْ افْتَتَتْ فِي حُسْنِهَا فَيَقُولُ يَا رَبِّ حَسَنْتَ خَلْقِي حَتَّى لَقِيتُ مَا لَقِيتُ فَيَجَاءُ بِمَرْيَمَ عَلَيْهَا السَّلَامُ فَيَقَالُ أَنْتِ أَحْسَنُ أَوْ هَذِهِ قَدْ حَسَنَّاها فَلَمْ تُفْتَتَنَّ وَيَجَاءُ بِالرَّجُلِ الْحَسَنِ الَّذِي قَدْ افْتَتَنَّ فِي حُسْنِهِ فَيَقُولُ يَا رَبِّ حَسَنْتَ خَلْقِي حَتَّى لَقِيتُ مِنَ النِّسَاءِ مَا لَقِيتُ فَيَجَاءُ بِيُوسُفَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَيَقَالُ أَنْتِ أَحْسَنُ أَوْ هَذَا قَدْ حَسَنَّاها فَلَمْ يُفْتَتَنَّ وَ يُجَاءُ بِصَاحِبِ الْبَلَاءِ الَّذِي قَدْ أَصَابَتْهُ الْفِتْنَةُ فِي بَلَاءِهِ فَيَقُولُ يَا رَبِّ شَدَّدْتَ عَلَيَّ الْبَلَاءَ حَتَّى افْتَتَيْتُ فَيُؤْتَى بِأَيُّوبَ فَيَقَالُ أَلَيْسَ بِكَ أَشَدُّ أَوْ بَلِيَّةٌ هَذَا فَقَدْ ابْتَلَيْتَنِي فَلَمْ يُفْتَتَنَّ». بحار الانوار، ج 12، ص 341، ح 2.

«زَكَاةُ الْجَمَالِ الْعَفَافِ» (1) یعنی «زکاتِ زیبایی، عفت و پاکدامنی است» نه بی حیایی و بی عفتی.

بله در هر زمان و جامعه ای کم نیستند دختران و پسران با ایمانی که در شرایطی مشابه با شرایط افراد منحرف و گناهکار قرار می گیرند ولی خود را حفظ کرده و آلوده به گناه نمی گردند و در روز قیامت هم به وسیله همین افراد بر ما حجت تمام می شود. کافی است چشم خود را باز کنیم و تا فرصت باقی است در همین دنیا عملکرد این گونه افراد را در زندگی الگوی خود قرار دهیم و با توبه ای واقعی از منجلاب گناه نجات پیدا کنیم و ایمان خود را به خدا و روز قیامت تقویت کنیم که تنها راه مبارزه با این وساوس انسی و جنی همین است.

امام حسین علیه السلام در روزی که شهید شدند فرمودند:

«الْمَوْتُ خَيْرٌ مِنْ رُكُوبِ الْعَارِ، وَ الْعَارُ أَوْلَى مِنْ دُخُولِ النَّارِ» (2) یعنی «مرگ از مرتکب شدن عار بهتر است، و عار از داخل شدن در آتش جهنم اولی و سزاوارتر است».

ولی منظور کدام خواری و عار است که سزاوار است انسان تحمل کند؟

جواب از ادامه سخن حضرت مشخص است. آن عار و خواری و ذلتی که اگر تحمل نکنی موجب می شود داخل آتش جهنم شوی. این عار است که بهتر از نار است. به بیان دیگر گاهی به خاطر رعایت حدود الهی مثل نماز خواندن، روزه گرفتن، حجاب داشتن و ... انسان مورد تمسخر و تحقیر و سرزنش و توهین و تهمت دیگران قرار می گیرد و دیگران به چشم خواری به او نگاه می کنند و به اصطلاح به او اُمَل و قدیمی و مرتجع و ... می گویند. از طرفی هم هر انسانی مایل

ص: 29

1- . مستدرک الوسائل، ج 7، ص 46، ح 6 - غررالحکم، ص 256، ح 5409.

2- . بحار الأنوار، ج 44، ص 192، ح 4.

است که عزت و حرمت اجتماعی داشته باشد و در نظر دیگران خوار نباشد. پس راه چاره چیست و چه باید کرد؟

مطابق با فرموده امام حسین علیه السلام اگر انسان بخواهد داخل در آتش جهنم نشود و دچار خواری و ذلت ابدی نشود در چنین مواردی باید صبور(1) باشد و این حقارت ظاهری و توهین و سرزنش افراد جاهل را تحمل کند تا بتواند به افتخار دریافت مدال عزت واقعی و ابدی و نامحدود نائل شود. تحمل این گونه تحقیر و تمسخر و توهین ها خود به نوعی آزمایش الهی است که انسان را در راه اطاعت از خدا آب دیده و مقاوم می کند و کسی که می خواهد در امتحانات الهی مردود نشود و از آنها سربلند بیرون بیاید، باید ثابت قدم(2)

باشد و نباید به خاطر این فشارها و سختی ها حدود الهی را نادیده بگیرد. چون تحمل این سختی ها خیلی آسان تر از تحمل آتش جهنم است. به عبارت دیگر اگر کسی می خواهد تا ابد عزیز و محترم باشد گاهی لازم است که ذلت و خواری ظاهری و موقت دنیا را تحمل کند.(3)

ص: 30

1- . پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ : «الصَّبْرُ ثَلَاثَةٌ صَبْرٌ عَلَى الْمُصِيبَةِ وَصَبْرٌ عَلَى الطَّاعَةِ وَصَبْرٌ عَلَى الْمَعْصِيَةِ» یعنی پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمودند: «صبر بر سه قسم است؛ صبر بر مصیبت و صبر بر طاعت و صبر بر معصیت». بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج 68، ص 77، ح 12 و همچنین امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: «الصَّبْرُ مَطِيَّةٌ لَا تَكْتُبُ بِصَاحِبِهَا». و الصبر على المصيبة مصيبة للشامت بها ولا شك أن الصابر يحرز أجرها. یعنی «صبر مانند شتر رام و راهواری است که صاحب خود را بر زمین نمی زند». و صبر در مقابل مصیبت ها، خود نوعی صبر بر مصیبتی است که از جانب دشمنان و سرزنش کنندگان به انسان می رسد، و تردیدی وجود ندارد که صابر پاداش آن را می بیند. إرشاد القلوب إلى الصواب، ج 1، ص 126.

2- . خدای مهربان خود به ما می آموزد که در تمامی امتحانات الهی همواره از او چنین درخواست یاری کنیم: «رَبَّنَا أفرغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَ تَبَّتْ أقدامنا» یعنی «پروردگارا صبر و شکیبایی و استقامت را بر ما فروریز و ما را ثابت قدم بدار». سوره بقره، آیه 250.

3- . در مجموعه ورام (تنبيه الخواطر)، ج 1، ص 2 چنین آمده که مالک اشتر نه تنها توهین و تحقیر جوانی نادان را تحمل نمود بلکه همان طور که خودش می گوید: «عَلَيْكَ فَوَّ اللَّهُ مَا دَخَلْتُ الْمَسْجِدَ إِلَّا لِأَسْتَغْفِرَنَّ لَكَ». به مسجد رفته و برای هدایت و مغفرت او دعا نمود. حالا ما اگر در حد مالک اشتر نیستیم لاف اقل این متلک ها و تحقیر و توهین ها را فقط تا اندازه ای که موجب عمل نکردن به حدود الهی شود، تحمل کنیم تا مستوجب آتش نگردیم.

قرآن کریم نیز راه چاره این گونه موارد را بیان نموده و بارها پیامبر خود صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ را توصیه به صبر نموده و می فرماید:

«إِصْبِرْ عَلَى مَا يَقُولُونَ»<sup>(1)</sup> یعنی «در برابر آنچه می گویند صبر کن و شکیبیا باش».

البته باید بدانیم که حتی انبیاء و اولیاء الهی نیز به این گونه امور مبتلا بوده اند و ایشان را هم مسخره می کردند و تحقیر و سرزنش می نمودند و به ایشان نیز توهین می کردند و تهمت می زدند. قرآن کریم به پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ می فرماید:

«وَلَا يَحْزُنُّكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعاً هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ»<sup>(2)</sup> یعنی «سخن آنها تو را غمگین نکند، عزت به تمامی از آن خداست، او شنوای داناست».

به بیان دیگر یعنی اینکه به تو ساحر، مجنون گفتند و تهمت زدند و مسخره کردند و تحقیر و سرزنش نمودند، تو را ناراحت و محزون نکند،<sup>(3)</sup>

با این حرف ها عزت واقعی تو خدشه دار نمی شود. تو اگر صبور باشی و دستورات الهی را رعایت کنی تا ابد عزیز واقعی هستی چون خود را متصل به خدا نموده ای و عزت تماماً دست خداست. و در جای دیگر می فرماید:

ص: 31

---

1- . سوره ص، آیه 17.

2- . سوره یونس، آیه 65.

3- . البته این معنا در مورد تمامی مؤمنین است اما در مورد پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ که پدر امت است معنای دیگری نیز می تواند داشته باشد و آن اینکه: تو غصه این مردم جاهلی که تحقیرت می کنند و به تو تهمت می زنند و ... را نخور که چرا اینقدر افق فکری آنها پایین است و چرا نمی خواهند رشد کنند.

«وَاصْبِرْ وَمَا صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُ فِي ضَلَابٍ مِمَّا يَمْكُرُونَ» (1) یعنی «صبر کن، و صبر تو فقط برای خدا و به توفیق خدا باشد! و به خاطر (کارهای) آنها، اندوهگین و دلسرد مشو! و از توطئه های آنها، در تنگنا قرار مگیر!».

و بالاخره راه حل نهایی برای مقابله با این گونه یاوه گویی ها را این گونه بیان می فرماید:

«وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَاهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا» (2) یعنی «و در برابر آنچه می گویند صبر کن و شکویا باش و به طرز شایسته از آنان دوری گزین!».

به بیان دیگر علاوه بر صبور بودن و تحمل این گونه سرزنش ها، اگر انسان نمی تواند تأثیر مثبتی بر این افراد که همفکر و هم روش او نیستند، داشته باشد و موجب هدایت آنان شود باید کم کم با روشی شایسته خود را از محیط هایی که این گونه افراد هستند، حتی اگر از دوستان و آشنایان هم باشند، دور کند تا مبدا آنان بر او تأثیر منفی گذارند و موجبات ذلت ابدی او فراهم کنند.

بله همه انسان ها عزت را دوست دارند و بسیاری از غم و غصه هایشان نیز به خاطر عزت خواهی است ولی راهش را نمی دانند. قرآن کریم در سوره یونس آیه 65 می فرماید:

«إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا». عزت در بندگی خدا و اطاعت از دستورات الهی است.

ص: 32

---

1- . سوره نحل، آیه 127.

2- . سوره مزمل، آیه 10.



ما باید بدانیم نافرمانی خدا نه تنها عزت نمی آورد بلکه انسان را ذلیل می کند، گناه و معصیت برای انسان نکبت به بار می آورد، خواه گناه کوچک باشد یا بزرگ. البته به هر نسبت که بزرگتر باشد ذلت و خواری بیشتری برایمان به ارمغان می آورد و انسان را بیشتر در آتش فرو خواهد برد(1) و

بی حجابی و بدحجابی نیز گناه است .

باید باور کنیم که :

رسد ناگهان مرگ و گیرد گریبان آن مردمان \*\*\* همان مردم چهره پرداز گردن کش روزگار

از آن زشت کاران افسرده حال \*\*\* به بانگ بلندی شود این سؤال

چه شد چهره هایی که آراستید؟ \*\*\* سر و صورتی را که پیراستید؟

اجل چشم خوش نقشتان را ببست \*\*\* به رخسارتان خاک ذلت نشست

نه تحسین و نه به به و چه چهی \*\*\* نه عطر و نه زیور ، نه آرایشی

به جای کرم های مردم پسند \*\*\* بر این چهره ها کرم ها می خزند(2)

باید به خود متذکر گردیم کسی که صورت خود را برای نامحرم صاف و سفید می کند و رنگ و روغن می زند و لب و دهان و چشم و ابرو و ... خود را خوش نقش تر جلوه می دهد تا جلب توجه کند و مورد به به و چهچه دیگران واقع شود که به او بگویند: «وای چه چشمی، چه ابرویی، به چه لبی، و چه مویی و .....»، چون گناه کرده در قیامت یکی از مصادیق این آیه در قرآن کریم است که می فرماید:

ص: 33

- 1- برگرفته از سخنان حجت الاسلام محمد جواد نوظافت یزدی، برنامه سمت خدا، شبکه 3 سیما، تاریخ 23/6/1401.
- 2- اصل این شعر از امام هادی علیه السلام می باشد: «بَاتُوا عَلَي قُدَالِي الْأَجْبَالِ تَحْرُسُهُمْ غُلْبُ الرَّجَالِ فَلَمْ تَنْفَعُهُمُ الْقُلَلُ .....» (بحار الأنوار، ج 50، ص 211، ح 25) و ترجمه آن به صورت شعر در کتاب تعلیمات دینی پنجم ابتدایی و کرامات و مقامات عرفانی امام هادی علیه السلام از سید علی حسینی قمی نوشته شده و متن عربی آن نیز در سیره پیشوایان، مهدی پیشوایی، ص 584 و منتهی الآمال، شیخ عباس قمی رحمه الله ص 1053 ذکر گردیده. اما در اینجا با مختصر تغییری برای مسئله حجاب آورده شد .

«يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌ وَتَسْوَدُّ وُجُوهٌ» (1) آن روز از گناه چهره اش سیاه می گردد و در مقابل انبیاء و اولیاء شرمنده خواهد بود.

باید بدانیم که به خاطر این گونه لذائذ آنی و زودگذر دنیایی در واقع آسایش دائمی اخروی خود را در معرض نابودی قرار می دهیم.

حضرت علی علیه السلام می فرماید:

«مَا خَيْرٌ بِخَيْرِ بَعْدَهُ النَّارُ وَمَا شَرٌّ بِشَرِّ بَعْدَهُ الْجَنَّةُ وَكُلُّ نَعِيمٍ دُونَ الْجَنَّةِ فَهُوَ مُحْتَوَرٌ وَكُلُّ بَلَاءٍ دُونَ النَّارِ عَافِيَةٌ» (2) یعنی «آن خوبی (و لذتی) که پس از آن آتش است، خوبی نیست و آن بدی که پس از آن بهشت است، بدی نیست. هر نعمتی غیر از بهشت بی ارزش است و هر بلایی غیر از آتش جهنم، سلامتی است».

قرآن کریم می فرماید:

«وَقُلْ اَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللّٰهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَسَتُرَدُّونَ اِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (3) یعنی «و به خلق بگو که هر عملی کنید، خدا و رسولش و مؤمنان عمل شما را می بینند و بر آن آگاه می شوند و به زودی به سوی خدایی که دانای عوالم غیب و شهود است باز خواهید گشت و شما را به آن چه عمل می کردید، خبر می دهد تا شما را به جزای نیک و بد اعمالتان برساند».

ص: 34

1- .سوره آل عمران، آیه 106.

2- . نهج البلاغه، ص 1013، کلمات قصار، شماره 394.

3- .سوره توبه، آیه 105.

و تفاسیر (2) منظور از «الْمُؤْمِنُونَ» در این آیه شریفه امامان معصوم علیهم السلام می باشند که در هر پنجشنبه (3) (در برخی روایات اوقات دیگری نیز ذکر گردیده) اعمال امت بر ایشان عرضه می شود. (4)

لذا هر هفته اعمال ما را بر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف عرضه می دارند و ایشان از احوال ما آگاه و مطلع هستند (5) و از آنجا که محبت امام نسبت به شیعیان و محبان خود بیشتر از پدر و برادر و دوستی مهربان است (6)

و از اعمال خوب ما مسرور (7)

و از گناهان ما متأثر می گردند و مسلماً هر شیعه نیز امام

ص: 35

1- امام رضا علیه السلام فرمودند: «وَاللَّهِ إِنَّ أَعْمَالَكُمْ لَتُعْرَضُ عَلَيَّ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ قَالَ فَاسَّ تَعَظَّمْتُ ذَلِكَ فَقَالَ لِي أَمَا تَقْرَأُ كِتَابَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ " وَقُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ" قَالَ هُوَ وَاللَّهُ عَلَيَّ بِنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ » یعنی «به خدا سوگند اعمال شما هر شب و روز بر من عرضه می شود. راوی می گوید: این سخن بر من گران آمد، امام متوجه شد و به من فرمود: آیا کتاب خداوند عزوجل را نمی خوانی که می گوید: "عمل کنید! خدا و پیامبرش و مؤمنان عمل شما را می بینند" به خدا سوگند منظور از مؤمنان، علی بن ابی طالب علیه السلام (و امامان دیگر از فرزندان او) می باشد». الکافی، ج 1، ص 219، باب عرض الأعمال علی النبی صلی الله علیه و آله و سلم و الأئمه علیهم السلام، ح 4.

2- تفسیر مجمع البیان و شیخ ابوالفتوح رازی در تفسیر خود، به نقل از نجم الثاقب، میرزا حسین طبرسی نوری، ص 643 - تفسیر نمونه، آیت الله العظمی مکارم شیرازی دام ظلّه، چاپ بیست و هشتم، ج 8، ص 163 ذیل آیه 105 سوره توبه، مبحث: مسأله «عرض اعمال».

3- «تُعْرَضُ الْأَعْمَالُ يَوْمَ الْخَمِيسِ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سَلَّمَ وَ عَلَى الْأَئِمَّةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ». وسائل الشیعة، ج 16، ص 113، ح 21120.

4- برگرفته از تفسیر نمونه، آیت الله العظمی مکارم شیرازی دام ظلّه، چاپ بیست و هشتم، ج 8، ص 164 ذیل آیه 105 سوره توبه، مبحث: مسأله «عرض اعمال» و ج 18، چاپ بیست و چهارم، ص 254، ذیل آیه 22 سوره فاطر، مبحث: آیا مردگان حقیقتی را درک می کنند؟.

5- «فَإِنَّا نُحِيطُ عِلْمًا بِأَبَائِكُمْ وَ لَا يَعْرُبُ عَنَّا شَيْءٌ مِنْ أَخْبَارِكُمْ»، الاحتجاج، ج 2، ص 497.

6- «الْإِمَامُ الْأَنْبِيُّ الرَّفِيقُ وَالْوَالِدُ الشَّقِيقُ وَالْأَخُ الشَّقِيقُ». الکافی، ج 1، ص 200، ح 1.

7- «دَاوُدُ بْنُ كَثِيرٍ الرَّقِّيُّ قَالَ كُنْتُ جَالِسًا عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذْ قَالَ مُبْتَدِئًا مِنْ قَبْلِ نَفْسِهِ يَا دَاوُدُ لَقَدْ عُرِضَتْ عَلَيَّ أَعْمَالُكُمْ يَوْمَ الْخَمِيسِ فَرَأَيْتُ فِيمَا عُرِضَ عَلَيَّ مِنْ عَمَلِكَ صِدْقًا لِبْنِ عَمِّكَ فَلَانَ فَسَرَّني ذَلِكَ إِنِّي عَلِمْتُ أَنَّ صِلَتَكَ لَهُ أَسْرَعُ لِفَنَاءِ عُمُرِهِ وَ قَطَعَ أَجَلَهُ قَالَ دَاوُدُ وَ كَانَ لِي ابْنُ عَمِّ مَعَازِدًا نَاصِبِيًّا حَبِيبًا بَلَّغَنِي عَنْهُ وَ عَنِ عِيَالِهِ سُوءَ حَالٍ فَصَدَّكَ لَهُ نَفَقَةٌ قَبْلَ خُرُوجِي إِلَى مَكَّةَ فَلَمَّا صَدَرْتُ فِي الْمَدِينَةِ أَخْبَرَنِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِذَلِكَ». وسائل الشیعة، ج 16، ص 111، ح 21116 - الأُمالي للطوسي، ص 413، المجلس الرابع عشر،

خود را دوست دارد و مایل نیست که ایشان را ناراحت و متأثر گرداند ولی همان طور که امام باقر علیه السلام فرمودند برای شیعه محبت تنها کافی نیست و باید تقوی داشت و از دستورات الهی اطاعت نمود. (1)

لذا به قول شاعر باید توجه داشت که:

يك چشم زدن غافل از آن ماه نباشید شاید که نگاهی کند آگاه نباشید

شاعر این شعر را از قول امام زمان علیه السلام چقدر زیبا سروده:

الا ای شیعه من خیر تو جویم \*\*\* سحرگه راز خود را با تو گویم

من مهدی که فرزند حسینم \*\*\* برای حال تو در شور شینم

نکردی تو مراعات حرم را \*\*\* چه می گویی جواب مادرم را

مکن کاری ز خود دورت نمایم \*\*\* عوض شو تا که من پشت بیایم

مکن رزق دلم را غصه و درد \*\*\* دوباره توبه کن برگرد، برگرد

بیا تا از دلم آگاه گردی \*\*\* شهیدان را ز نو همراه گردی

و یا شاعر دیگر می گوید :

گفتم شبی به مهدی من یک نگاه خواهم \*\*\* گفتا که من هم از تو ترک گناه خواهم

ص: 36

---

1- «عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ لِي يَا جَابِرُ أَ يَكْتَفِي مَنْ يَنْتَحِلُ الشَّيْخَ أَنْ يَقُولَ بِحُبِّنا أَهْلَ الْبَيْتِ فَوَاللَّهِ مَا شِيعَتُنَا إِلَّا مَنْ اتَّقَى اللَّهَ وَأَطَاعَهُ وَمَا كَانُوا يُعْرِفُونَ يَا جَابِرُ إِلَّا بِالتَّوَّاضُعِ وَالتَّخَشُّعِ وَالأَمَانَةِ وَكَثْرَةِ ذِكْرِ اللَّهِ وَالصَّوْمِ وَالصَّلَاةِ وَالبِرِّ بِالْوَالِدَيْنِ وَالتَّعَاهُدِ لِلْجِيرَانِ مِنَ الْفُقَرَاءِ وَأَهْلِ الْمَسْكَنَةِ وَالعَارِمِينَ وَالأَيْتَامِ وَصِدْقِ الْحَدِيثِ وَتِلَاوَةِ الْقُرْآنِ وَكَفِّ الأَلْسُنِ عَنِ النَّاسِ إِلَّا مِنْ خَيْرٍ وَكَانُوا أَمَنَاءَ عَشَائِرِهِمْ فِي الأَشْيَاءِ إِلَى أَنْ قَالَ أَحَبُّ الْعِبَادِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنْتَ أَهْمُ وَأَعْمَلُهُمْ بِطَاعَتِهِ يَا جَابِرُ وَاللَّهِ مَا تَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ إِلَّا بِالطَّاعَةِ وَمَا مَعَنَا بَرَاءَةٌ مِنَ النَّارِ وَلَا عَلَى اللَّهِ لِأَحَدٍ مِنْ حُجَّةٍ مَنْ كَانَ لِلَّهِ مُطِيعًا فَهُوَ لَنَا وَلِيٌِّّ وَمَنْ كَانَ لِلَّهِ عَاصِيًا فَهُوَ لَنَا عَدُوٌّ وَمَا تُنَالُ وَلَا يُتْنَا إِلَّا بِالعَمَلِ وَالْوَرَعِ». وسائل الشيعة، ج 15، ص 234، ح 20362 - الكافي، ج 2، ص 74، ح 3.

با توجه به آیات و احادیث مذکور آیا باز هم حاضریم به قیمت به درد آوردن قلب امام زمان علیه السلام و بیچاره نمودن خود در آخرت، برای رسیدن به یک لذت آنی با گناه کردن، دیگران را ارضاء کنیم و خود را راضی؟!!

البته همان طور که حضرت علی علیه السلام فرموده اند:

«مَنْ كَرَّمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ لَمْ يُهِنْهَا بِالْمَعْصِيَةِ»<sup>(1)</sup> اگر کسی کرامت انسانی و بزرگی خود را درک کند هیچ گاه با انجام گناه خودش را خوار و ذلیل نمی گرداند.

از نظر عقلی نیز حتی یک بچه 3، 4 ساله حاضر نیست یک آب نبات چوبی را با یک بستنی خامه ای عوض کند؟! پس ما اگر فقط از نظر لذت جسمانی هم که حساب کنیم، چرا باید لذت کوتاه و مادی را که موجب سختی و گرفتاری ما در همین دنیا نیز می شود، بر لذت اخروی ترجیح دهیم؟! در همین دنیا هم اینگونه کارها برای ما خوشبختی نمی آورد. چون مردانی به سراغ اینگونه زنانی که زیبایی های جسمی خود را چندین برابر کرده و در مقابل دیدگان و استفاده نامحرمان قرار می دهند، می آیند و اظهار علاقه و تمایل می کنند که معیاری جز زیبایی و ارضاء هوس خود ندارند و از آنجا که همیشه زنان زیباتری نیز وجود دارند و یا به هر حال با گذر زمان به زودی از زیبایی ما نیز کاسته خواهد شد (کافی است نگاهی به عکس های عروسی مادران خود بکنیم که چه بودند و چه شدند)، این مردان بولهوسی که ما با این جلوه گری هایمان، به سوی خود جذب می کنیم، خواه ناخواه به سراغ دیگری هم خواهند رفت و برای ما به جز بدبختی و بدنامی چیزی باقی نخواهند گذاشت و بر فرض هم که ازدواجی صورت گیرد، چون این ازدواج با معیارهای صحیح انتخاب همسر صورت نگرفته، لذا اساس و بنیان درست و محکمی نخواهد داشت و به همان دلیل باز این گونه مردان چه به صورت مشروع یا نامشروع به دنبال دیگری خواهند رفت.

ص: 37

---

1- . مستدرک الوسائل، ج 11، ص 339، ح 14 - غررالحکم، ص 231، ح 4610.

آیا واقعاً بدحجابی که این همه اذیت و آزار دنیوی و عقوبت اخروی به دنبال دارد، نشانه تمدن است؟! و باز هم باید تصور کنیم اگر مقید به حجاب اسلامی باشیم، اُمَل هستیم و از تمدنی که غرب برای ما به ارمغان آورده عقب مانده ایم؟!!

اگر تمدن معنایش این است و این همه گرفتاری و دردسر دارد، پیش کش خودشان باشد. چرا از تمدن فقط همین بی حجابی که مقدمه بی بند و باری است و یا فقط آنچه موجب فساد و انحراف است را برای ما به ارمغان می آورند و ما نیز متأسفانه ناآگاهانه مقلد و پیرو بی قید و شرط مُدّها و نسخه های از قبل پیچیده آنها می شویم. چرا نباید از علم آنان تقلید کنیم و در صنعت پیشرفت نماییم و خود را از استعمار نجات دهیم؟! واقعاً سخن درستی است که به پهلوی گفتند:

«تو لایبراتورهای غرب را وارد نکردی، بلکه بلوارها را (که محل عیش و نوش بود) وارد کردی».

ما باید سعی کنیم در زندگی خود مثل ماهی شناگر باشیم یعنی خودمان جا و مکان را انتخاب نماییم و راه درست و حق را انتخاب کنیم و مثل بشکه نباشیم که هر چند بزرگ است ولی خود شنا نمی کند و امواج آب او را به حرکت در می آورد و به هر جا که بخواهد می برد. نباید بگذاریم محیط و ... برای ما تصمیم بگیرند و مُد انتخاب کنند و حتّی نوع رفتار و حرف زدن ما را از قبل رقم بزنند ... و با این کارها هویت ملی و اسلامی ما را به ابتذال بکشانند تا از خود اصول و مبادی و فلسفه ای ارزشمند نداشته باشیم. به بیان دیگر هدف دشمنان ایجاد استعمار فکری است که به گفته شهید مطهری رحمه الله خطرناکتر از انواع دیگر استعمار است چون در این نوع استعمار، شخص مثل دشمن فکر می کند و مانند او می بیند و اصلاً احساس نمی کند که استعمارزده شده است و به طرف آن که می دَرَد، می دُود.

ارزش استقلال فکری و اعتماد به فلسفه زندگی خود و احترام به سنن و نظامات خود، از علم بالاتر است. ملت عالم ممکن است در ملت دیگر هضم شود ولی ملتی که احساس شخصیت و استقلال می کند، قابل هضم شدن نیست. (1)

ص: 38

---

1- . برگرفته از حماسه حسینی، استاد شهید مطهری رحمه الله، ج سوم، ص 326.

البته آنچه بیان شد مربوط به وظیفه فردی هر شخص نسبت به خودش بود که تفکر و اعتقادش باید چگونه باشد تا هضم در فرهنگ بیگانه نشود، ولی بدان معنا نیست که حکومت اسلامی و حتی افراد جامعه اسلامی نسبت به دیگران در برابر شایع شدن گناه وظیفه ای ندارند بلکه برعکس مهمترین وظیفه بر عهده حکومت اسلامی است که باید تمامی قوانین مجازات و تعزیرات اسلامی که در زمینه های مختلف وجود دارد را برای همه افراد مشمول اجراء کند(1)

از جمله مجازات هایی که قانون برای تخلفات گوناگون معین نموده در رابطه با زنانی است که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر می شوند و مجازات آن نیز حبس و جزای نقدی می باشد.(2)

همچنین در رساله های عملی نیز بیان شده که مسلمانان موظف به انجام امر به معروف و نهی از منکر هستند.(3) و حتی امام خمینی رحمه الله در مورد زنی که موی سرش معلوم و بیرون باشد صریحاً فرموده اند:

«حجاب از نامحرم واجب است و کسی که دانسته تخلف می کند باید او را نهی از منکر نمایند».(4)

همچنین آیت الله مکارم شیرازی دام ظلّه در پاسخ به این سؤال که: «بنده دانشجو هستم، چندی قبل استاد در کلاس این شبهه را مطرح کرد، و مدعی شد که هیچ دلیل فقهی وجود ندارد که حکومت را ملزم کند تا مواظب حجاب خانم ها باشد، همان طور که وظیفه ندارد مواظب نماز صبح افراد باشد. لذا آیا واقعاً حکومت می تواند، یا بر او لازم است، از بدحجابی یا بی حجابی بعضی از خانم هایی که در این امر مهم کوتاهی می کنند، جلوگیری نماید؟». صریحاً فرموده اند:

ص: 39

1- مگر اینکه مصلحت بالاتری اقتضای عدم اجرا کند.

2- این مطلب در قانون تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده، مصوب خرداد 1375، به کوشش احمد حقانی، فصل: جرائم ضد عفت و اخلاق عمومی، تبصره ماده 638، ص 71 و 72 صریحاً ذکر گردیده. ضمناً در پاسخ به سؤال نوزدهم همین نوشته نیز بیان شده.

3- رجوع شود به رساله امام خمینی رحمه الله، مبحث: ملحقّات، مسئله 2786 تا 2825.

4- استفتائات حضرت امام خمینی رحمه الله، ج 3، احکام حجاب، ص 252، پاسخ به سؤال شماره 20.

«حکومت اسلامی و مسلمانان نسبت به گناهان پنهانی افراد وظیفه ای ندارند، ولی بدون شک نسبت به گناهانی که به طور علنی و آشکار، در سطح جامعه انجام می شود وظیفه نهی از منکر دارند، و الاّ جایی برای انجام این وظیفه مهم باقی نمی ماند. البتّه با این تفاوت که مردم باید به نهی از منکر زبانی اکتفا کنند. و از هرگونه برخورد فیزیکی اجتناب ورزند، ولی حکومت می تواند وارد این مرحله نیز شود»<sup>(1)</sup>.

بنابراین هم حکومت و هم مردم در شایع نشدن گناه نقش مؤثر دارند و باید تا حدّ امکان وظیفه خود را انجام دهند و در صورت کوتاهی باید در مقابل خداوند متعال پاسخگو باشند.

ص: 40

---

1- . برگرفته از پایگاه اطلاع رسانی دفتر حضرت آیت الله مکارم شیرازی دام ظلّه، مرکز پاسخگویی به احکام شرعی - خبرگزاری رسمی حوزه، کد خبر: 944428، تاریخ 27 بهمن 1399.



## سؤال چهارم:

پدر یا شوهر خانمی از او می خواهد که در جامعه با آرایش و حجایی غیراسلامی در کنارش حاضر باشد، آیا اگر زن به حرف آنان عمل کند باز هم گناه کرده و به خاطرش عذاب می شود؟

پاسخ:

البته پدر و مادر نسبت به انسان حقّ عظیمی دارند و خداوند در قرآن کریم بعد از مسئله توحید، احسان به پدر و مادر را مطرح نموده که از مهمترین وظایف فرد مسلمان است، در سوره نساء آیه 36 می فرماید:

«وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» یعنی «خدای یکتا را پرستید و هیچ چیزی را شریک وی نگیرید و نسبت به پدر و مادر نیکی و مهربانی کنید».

اطاعت امر پدر و مادر تا آنجا لازم است که در رساله های عملیه آمده است:

«اگر پدر یا مادر به فرزند خود امر کنند که نماز را به جماعت بخواند، چون اطاعت پدر و مادر واجب است، بنابر احتیاط واجب باید نماز را به جماعت بخواند و قصد استحباب نماید»<sup>(1)</sup>.

و همچنین زن در بعضی از موارد باید از شوهر خود اطاعت کند.

اما همچنان که در آیه کریمه شاهد هستیم خداوند قبل از دستور نیکی به والدین، مسئله اطاعت و عبادت خود را بیان نموده یعنی حقّ خداوند بالاتر و برتر

ص: 41

---

1- رساله امام خمینی رحمه الله، مساله 1406.

از حق پدر و مادر است، لذا اگر دستور پدر یا مادر و یا حتی شوهر برخلاف فرمان خداوند باشد بر انسان واجب است که دستور خدا را اطاعت کند و قرآن کریم نیز می فرماید:

«وَإِنْ جَاهِدَاكَ عَلَىٰ أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَصَاحِبُهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا وَاتَّبِعْ سَبِيلَ مَنْ أَنَابَ إِلَيَّ ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (1) یعنی «اگر پدر و مادر سعی کنند که تو چیزی را که از آن آگاهی نداری (بلکه می دانی باطل است) همتای من قرار دهی (شرك به خدا) در این صورت دیگر امر آنها را اطاعت مکن ولی در دنیا با آنها به طرز شایسته ای رفتار کن و راه کسی را پیروی کن که به من روی می آورد (توبه کنان) و (سرانجام) بازگشت شما به سوی من است و من شما را به (پاداش) اعمالتان آگاه خواهم ساخت».

اگر گفته شود خداوند در آیه مذکور فرموده فقط در شرك اطاعت مکن ولی آرایش و بدحجابی که شرك نیست!؟

پاسخ این است که علامه طباطبایی رحمه الله در تفسیر المیزان ذیل آیه 23 سوره بني اسرائيل (2) می فرماید:

«برگشت تمامی گناهان به شرك است زیرا اگر انسان غیر خدا یعنی شیطان های جنّی و انسی و یا هوای نفس و یا جهل را اطاعت نکند هرگز اقدام به هیچ معصیتی نمی کند و هیچکدام از اوامر و نواهی خدا را نافرمانی نمی کند. پس هر گناهی، اطاعتی است از غیر خدا» (3).

ص: 42

---

1- . سوره لقمان آیه 15، همچنین مضمون آیه 8 سوره عنکبوت نیز شبیه آیه مذکور می باشد.

2- . «وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ».

3- . برگرفته از تفسیر المیزان، علامه سید محمد حسین طباطبایی رحمه الله، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی رحمه الله، چاپ

بهمن ماه 1350، ج 25.

و همچنین ایشان در ذیل آیه 15 سوره لقمان می فرمایند:

«بر انسان واجب است که در امور دنیوی، نه در احکام شرعی که راه خداست، با پدر و مادر خود به طور پسندیده و متعارف مصاحبت کند ... به خلاف دین، که نباید به خاطر پدر و مادر از آن چشم پوشید، چون راه سعادت ابدی است پس اگر پدر و مادر از آنهایی باشند که راهشان به سمت خدا است، باید راهشان را پیروی کنی و در غیر این صورت نه تنها اطاعتشان در احکام شرعی بر تو واجب نیست بلکه باید راه غیر آن دورا یعنی راه کسانی را که با خدا هستند پیروی نمایی»<sup>(1)</sup>.

امام خمینی رحمه الله نیز می فرمایند:

«در رعایت حجاب واجب، رضایت پدر و مادر معتبر نیست و اگر او را امر می کنند که حجاب نداشته باشد دستور آنها را مخالفت کند و حجاب را مراعات نماید»<sup>(2)</sup>.

پس اگر از پدر و مادر که احسان و اطاعت آنها بعد از مسئله توحید واجب ترین واجبات است (همچنان که مسئله عقوق والدین بعد از شرک ورزیدن به خدا از بزرگترین گناهان کبیره است)<sup>(3)</sup>,

در اموری که خلاف فرمان خدا باشد نباید اطاعت نمود، به طور یقین دیگر افراد مثل شوهر نیز مانند پدر و مادر اطاعتشان در اموری که خلاف احکام شرع است، منجر به نافرمانی خدای متعال است و نباید در این موارد تابع آنها بود. امام خمینی رحمه الله در این زمینه فرموده اند:

ص: 43

---

1- . برگرفته از همان مدرک، چاپ سوم، ج 32، ص 32، ذیل آیه 15 سوره لقمان.

2- . استفتائات امام خمینی رحمه الله، ج 3، احکام حجاب، ص 255، پاسخ به سؤال شماره 28.

3- . برگرفته از تفسیر المیزان، علامه سید محمد حسین طباطبایی رحمه الله، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی رحمه الله، چاپ بهمن ماه 1350، ج 25، ص 139، ذیل آیه 23 سوره الاسراء.

«مرد حق ندارد در این جهت (مراعات نکردن حجاب) زن را تکلیف کند».(1)

در احکام اسلامی ذکر گردیده که منکر حجاب محکوم به کفر است.(2)

روایت نیز می فرماید: قلب مردی که غیرت ندارد «قلب منکوس» است یعنی قلب او همچون قلب مشرک و کافر سیاه و وارونه است.(3)

شاید به این دلیل که مرد فطرتاً(4)

غیرتش اجازه نمی دهد که زن و دختر خود را در برابر دیدگان نامحرمان جلوه دهد و هوسرانان به چشم شهوترانی به آنها بنگرند(5) چون هر

ص: 44

1- . استفتانات امام خمینی رحمه الله ، ج 3 ، مبحث: احکام حجاب ، ص 247 ، پاسخ به سؤال شماره 4 و مبحث: خدمات اجتماعی زنان ، ص 349 ، پاسخ به بند 1 سؤال شماره 12.

2- . «اصل حکم حجاب از ضروریات اسلام است و منکر آن حکم منکر ضروری را دارد و منکر ضروری محکوم به کفر است مگر اینکه معلوم باشد که منکر خدا یا رسول نیست» . استفتانات امام خمینی رحمه الله ، ج 3 ، احکام حجاب ، ص 253 ، پاسخ به سؤال شماره 23 - برای توضیح بیشتر و اطلاع از نظرات علمای دیگر رجوع شود به پاورقی پاسخ به سؤال هفدهم.

3- [3] . در کافی ، ج 5 ، ص 536 ، ح 2 روایت است که: «إِذَا لَمْ يَغْرِ الرَّجُلُ فَهُوَ مَنكُوسُ الْقَلْبِ» یعنی «اگر مردی غیرت نداشته باشد قلبش وارونه است» و مطابق با روایات «قلب منکوس» قلب مشرک و کافر است: «وَأَمَّا الْمَنكُوسُ فَقَلْبُ الْمُشْرِكِ» و «قَلْبُ مَنكُوسٍ لَا يَعْجِي شَيْئاً مِنَ الْخَيْرِ وَهُوَ قَلْبُ الْكَافِرِ» . الکافی ، ج 2 ، ص 423 ، ح 2 و 3 - «قَلْبُ الْكَافِرِ أَسْوَدُ مَنكُوسٍ» . بحار الأنوار ، ج 67 ، ص 59 ، ح 39.

4- . برای اطلاع از فطری بودن غیرت در مرد رجوع شود به مسئله حجاب ، استاد شهید مطهری رحمه الله ، ص 55 و 57.

5- - به قول استاد ارجمند محسن قرائتی «انسان حتی ماشین شخصی خود را برای حفظ کردن از آسیب ها با چادر می پوشاند» . همچنین در کتاب گل‌های جاویدان (هزار کلمه قصار) ، ص 187 ، شماره 42714 آمده که رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمودند: «ثلاثة لا يدخلون الجنة ابداً: الديوث و الرجل من النساء و مدمن الخمر» یعنی «سه دسته از مردم ابداً وارد بهشت نمی شوند: مرد بی غیرت درباره ناموسش و زن مرد نما و دائم الخمر» . به نقل از حجاب در اسلام از شیخ قوام و شنوی ، ترجمه و اضافات احمد محسنی گرگانی ، ص 216.

فطرت پاک و سالمی باید خود و خانواده خود را حفظ کند تا به پرتگاه های هلاکت نيفتند. قرآن کریم نیز می فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ» (1) یعنی «ای کسانی که ایمان آورده اید خودتان و خانواده تان را از آتشی که هیزم آن انسان و سنگ است (دوزخ) نگاه دارید».

و لذا مرد نسبت به حجاب خانواده اش مسئول است چون اگر در این زمینه محافظت نکند خود و خانواده اش را به آتش و هلاکت می کشاند. لذا با این بیان غیرتی را هم که دین برای مرد پسندیده می داند معنا می گردد و نباید تعصبات بی جا و افراط و تفریط از حدود الهی که با عنوان غیرت اعمال می شود به پای دین گذاشته شود.

توجه به این مطلب نیز که قرآن کریم در انتهای آیه 15 سوره لقمان متذکر گردیده واقعاً تکان دهنده است که می فرماید سرانجام بازگشت همگی ما به سوی خداست. (2) همین پدر و شوهر و دوست و ... که به خاطر خوش آمد و رضایت آنها حاضر به انجام هرگونه گناه و مخالفت با خدای مٲان می شویم، بعد از مرگ حداکثر فقط می توانند انسان را تا بالای قبر همراهی کنند و بعد از آن انسان می ماند و اعمالش. آیا واقعاً فکر می کنید در هنگام محاسبه اعمال این عذر را از ما می پذیرند که برای اطاعت از پدر یا شوهر، بی حجابی و گناه کردیم؟! در حالیکه خود خداوند فرموده در احکام شرع فقط باید مرا اطاعت کنید.

ص: 45

1- . سوره تحریم، آیه 6.

2- . «وَإِنْ جَاهِدَاكَ عَلَىٰ أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَصَاحِبُهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا وَاتَّبِعْ سَبِيلَ مَنْ أَنَابَ إِلَيَّ ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ».

آیا حاضر شدن زن در برابر نامحرم، با پای بدون جوراب و یا با جوراب نازک اشکال دارد؟ در حالیکه با پای بدون جوراب نماز خواندن اشکالی ندارد؟!

پاسخ:

البته در احکام اسلامی نمی توان بدون دلیل، حکم شرعی یک مسئله را به مسئله دیگر تعمیم داد و شیوه قیاس را به کار برد. علاوه بر این به فتوای تمام فقهای امامیه، زن در برابر نامحرم باید تمام بدن و موی سر خود را بپوشاند فقط صورت و دست ها تا مچ (آن هم اگر بدون زینت و آرایش باشد) (1)

پوشاندنش واجب نیست. (2) و این مطلب را در رساله های عملیه در باب «احکام نگاه کردن» می توان یافت.

در رساله امام خمینی رحمه الله ذکر شده که:

«نگاه کردن مرد به بدن (3)

زن نامحرم چه با قصد لذت و چه بدون آن حرام است و نگاه کردن به صورت و دست ها اگر به قصد لذت باشد حرام است، بلکه احتیاط واجب آن است که بدون قصد لذت هم نگاه نکند». (4)

ص: 46

- 
- 1- «اگر در صورت، آرایش موجود باشد باید پوشانده شود و بر مرد اجنبی نیز نگاه کردن جایز نیست و همچنین در کفین اگر دارای زینت ولو مثل انگشتر باشد». استفتانات امام خمینی رحمه الله، ج 3، احکام حجاب، ص 256، پاسخ به سؤال شماره 32.
  - 2- برای توضیح بیشتر مطلب رجوع شود به حجاب در اسلام، شیخ قوام و شنوی، ترجمه و اضافات احمد محسنی گرگانی، ص 61.
  - 3- لفظ بدن، شامل تمام قسمت های بدن از جمله پا نیز می شود ولی طبق این مسئله فقط نگاه بدون لذت مرد نامحرم بر صورت و دست های زن استثناء شده.
  - 4- رساله امام خمینی رحمه الله، مسئله 2433.

البته این مسئله وظیفهٔ مرد نامحرم را در مورد نگاه کردن به پای زن در صورت مذکور در سؤال معین می نماید.

اما وظیفهٔ زن نیز در این رابطه کاملاً مشخص است چون همچنین ذکر گردیده که:

«زن باید بدن(1)

و موی (سر) خود را از مرد نامحرم بپوشاند».(2)

با توجه به این دو مسئله کاملاً آشکار می شود که بر زن نیز پوشاندن تمام بدن در برابر نامحرم لازم است و فقط جایز است که صورت و دست های خود را نپوشاند،(3) لذا بدون تردید پوشاندن پا در برابر نامحرم واجب است.(4)

و اما وظیفهٔ زن و مرد از نظر پوشش در حال نماز و غیر نماز فرق می کند. بعضی از فقهاء از جمله امام خمینی رحمه الله پوشش پاها تا مچ را در نماز لازم و واجب نمی دانند.(5) ولی این در زمانی است که هنگام نماز خواندن، نامحرم حضور نداشته و آن زن را نبیند و تنها در این صورت است که بدون اشکال است و نظر امام خمینی رحمه الله نیز با توجه به مسائلی که از رساله و استفتائات ایشان ذکر گردید، به طور قطع این است که حتی در هنگام نماز نیز، اگر نامحرمی حضور داشته باشد زن وظیفه دارد که پای خود را بپوشاند و مقام معظم رهبری آیت الله خامنه ای دام ظلّه نیز

ص: 47

- 
- 1- همان طور که ذکر شد لفظ بدن، شامل تمام قسمت های بدن از جمله پا نیز می گردد.
  - 2- رساله امام خمینی رحمه الله ، مسئله 2435.
  - 3- البته امام خمینی رحمه الله این مطلب را بارها صریحاً در پاسخ به سؤالاتی که از ایشان شده نیز فرموده اند که: «زن باید تمام بدن را به استثناء دست ها تا مچ و صورت، از مرد نامحرم بپوشاند». رجوع شود به استفتائات امام خمینی رحمه الله ، ج 3، احکام حجاب، ص 247، پاسخ به سؤال شماره 24 ، 25 ، 12 ، 17.
  - 4- البته آیت الله سیستانی دام ظلّه در پاسخ به این پرسش که: نپوشانیدن صورت و دو کف دست و پاها چه حکمی دارد؟ فرموده اند: پوشاندن تمام پاها برای خانم ها از نامحرم لازم است. سایت رسمی دفتر مرجع عالیقدر آقای سید علی حسینی سیستانی دام ظلّه.
  - 5- «زن باید در موقع نماز تمام بدن حتی سر و موی خود را بپوشاند ولی پوشاندن صورت به مقداری که در وضو شسته می شود و دست ها تا مچ و پاها تا مچ پا لازم نیست». رساله امام خمینی رحمه الله ، مسئله 789.

در پاسخ به این سؤال که: «آیا بر زنان پوشاندن روی پاها هنگام نماز واجب است؟» فرموده اند:

«پوشاندن پاها تا مفصل ساق در صورتی که نامحرم حاضر نباشد، واجب نیست» (1).

همچنین ایشان در پاسخ به این سؤال که: «زنان چه مقدار از بدن خود را باید هنگام نماز بپوشانند؟» صریحاً فرموده اند:

«بر زنان واجب است در نماز تمام بدن و موی خود را به غیر از صورت به مقداری که شستن آن در وضو واجب است و دست ها تا مچ و

پاها تا مفصل ساق با پوششی که کاملاً بدن را می پوشاند، بپوشانند و در حضور نامحرم پاها را نیز باید بپوشانند» (2).

اگر دقت شود در مورد پوشیدن جوراب نازک نیز، مقام معظم رهبری دام ظلّه در پاسخ به سؤال قبل فرموده اند حتی در هنگام نماز نیز باید بدن (و از جمله پا در هنگام حضور نامحرم) با پوششی که کاملاً بدن را می پوشاند، پوشانده شود در حالیکه جوراب نازک پا را کاملاً نمی پوشاند. علاوه بر این ایشان در پاسخ به این سؤال که: «آیا بافندگی و خرید و فروش جوراب نازک شرعاً جایز است؟» می فرمایند:

«اگر تولید و خرید و فروش آن به قصد پوشیدن زنان در برابر مردان اجنبی (نامحرم) نباشد، اشکال ندارد» (3).

لذا قطعاً پوشیدن جوراب نازک در برابر مرد نامحرم برای زن جایز نیست (4) که حتی تولید و خرید و فروش آن، نیز اگر به این نیت باشد اشکال دارد.

ص: 48

---

1- . رساله أجوبة الاستفتائات آیت الله العظمی حاج سید علی خامنه ای دام ظلّه، لباس نمازگزار، ص 89، س 438.

2- همان مدرک، س 437.

3- . همان مدرک، لباس شهرت و احکام پوشش، ص 305، س 1369.

4- . حتی آیت الله سیستانی دام ظلّه در جواب به این پرسش که: «آیا یک زن جوان می تواند جوراب به رنگ پا که معمولاً ساق پا را زیباتر نشان می دهد به عنوان حجاب بپوشد؟» فرموده اند: «پوشیدن چنین جورابی - به خودی خود - اشکالی ندارد، اما چون در فرض سؤال زینت به حساب آمده باید آن را از دید نامحرم بپوشاند». سایت رسمی دفتر مرجع عالیقدر آقای سید علی حسینی سیستانی دام ظلّه.



از طرفی همان طور که گفته شد امام خمینی رحمه الله فرموده اند: بر زن واجب است تمام بدن (به غیر از صورت و دست ها تا میچ) خود از جمله پاها را از نظر و دید نامحرم بپوشاند(1) و البته کیفیت لباس نیز نباید توجه نامحرم را جلب کند،(2)

در حالیکه جوراب نازک نه تنها پا را نمی پوشاند و با وجود آن پا برای نامحرم قابل دیدن است بلکه چه بسا باعث زیباتر جلوه دادن پا نیز می گردد و لذا می تواند توجه نامحرم را نیز جلب کند.

همچنین آیت الله مکارم شیرازی دام ظلّه در پاسخ به این سؤال که: «آیا پوشیدن جوراب های نازک، در صورتی که پا در آن پیدا باشد، برای زنان جایز است؟» صریحاً فرمودند: «اگر پا در آن پیدا باشد جایز نیست».(3)

در ضمن هر فردی به راحتی با تماس گرفتن با دفتر مرجع تقلید خویش می تواند برای برطرف شدن شك و شبهه پاسخ مسئله را جویا شده تا به درستی مطلب مورد نظر پی ببرد.

حجابی که اسلام آن را واجب و لازم می داند، حجابی است که زیبایی ها و برجستگی های بدن زن را از دید نامحرم مخفی می کند(4)

و مانند صدفی مروارید وجود زن و گوهر عفاف او را از آسیب، محفوظ می دارد.

ص: 49

---

1- برگرفته از استفتانات امام خمینی رحمه الله، ج 3، احکام حجاب، ص 247، پاسخ به سؤال شماره 17، 12.

2- برگرفته از همان مدرک، پاسخ به سؤال شماره 19، 26، 6، 7.

3- پایگاه اطلاع رسانی دفتر حضرت آیت الله مکارم شیرازی دام ظلّه، سؤال شماره 599 - خبرگزاری رسمی حوزه، کد خبر: 944428، تاریخ 27 بهمن 1399.

4- آیت الله خامنه ای دام ظلّه در پاسخ به این سؤال که: «آیا برای زنان پوشیدن لباس های تنگی که برجستگی های بدن آنان را نشان می دهد و یا پوشیدن لباس های بدن نما و عریان در عروسی ها و مانند آن جایز است؟». می فرماید: «اگر از نگاه مردان اجنبی (نامحرم) و ترتب مفسده در امان و محفوظ باشند اشکال ندارد در غیر این صورت جایز نیست». رساله أجابة الاستفتانات آیت الله العظمی حاج سید علی خامنه ای دام ظلّه، لباس شهرت و احکام پوشش، ص 304، س 1363 - همچنین آیت الله مکارم شیرازی دام ظلّه نیز می فرماید پوشیدن لباس تنگ و چسبان که برجستگی های اندام زن در آن مشخص باشد و پوشیدن لباس های مبتذل و مهیج و مدل هایی که موجب ترویج فرهنگ غرب است و یا زینتی است، حرام است و اشکال دارد. پایگاه اطلاع رسانی دفتر حضرت آیت الله مکارم شیرازی دام ظلّه، مسأله 597 و 601 و 602 و .....

در فرهنگ اسلامی، انسان لباس نمی پوشد که تن را عرضه کند، بلکه لباس می پوشد تا خود را بپوشاند. لباس برای او یک حریم است؛ به منزله دژی است که تن را از دستبرد چپاولگران محفوظ می دارد و کرامت او را حفظ می کند. لباس برای آن است که تحریک جنسی را کم کند نه آن که بر قدرت تحریک بیفزاید. (1)

اما متأسفانه بعضی از زنانی که پی به ارزش گوهر وجود خویش نبرده اند نه تنها زیبایی های ظاهری خود را از دید بیماردلان و هوسرانان پنهان نمی کنند بلکه علاوه بر آشکار نمودنش (2)

با تزئین و آرایش و جلوه دادن بیشتر آن، باعث جلب اینگونه افراد به خود می شوند (3) و آنان نیز اگر نتوانند به راحتی به خواسته دل و هوس خود برسند با هزاران ترفند و نقشه موجبات آزار و اذیت و بی آبرویی زنان و

ص: 50

---

1- . برگرفته از مطلبی با عنوان: حجاب و عفاف و فلسفه آن، به قلم علی محمد نیاکان، سایت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان ایلام.

2- . رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمودند: «صنفان من أهل النار لم أرهما، قوم معهم سياط كأذناب البقر يضربون بها الناس، و نساء كاسيات عاريات مائلات مميلات رؤوسهن كأسنمة البخت المائلة لا يدخلن الجنة، و لا يجدن ريحها و إن ريحها ليوجد من مسيرة كذا و كذا» یعنی «دو گروه اهل دوزخند و نمی خواهم آنان را ببینم : اول \_ کسانی که با تازیانه هایی که در دست دارند مردم را می زنند. دوم \_ زنانی که در عین پوشیدگی برهنه اند (لباس های آنها تنگ و چسبان و بدن نما و نازک است گویا برهنه اند) و سرشان را طوری آرایش می کنند که مانند کوهان شتر با برآمدگی مخصوصی خود نمایی کرده و به شهوات دنیا متمایلند و مردان را به سوی خود میل می دهند .....». این حدیث را شیخ محمد کمال الدین الادهمی مصری در کتاب خود به نام «مرات النساء» نقل کرده و مسلم در صحیح، ج 3، ص 1680، ح 2128 آورده. به نقل از حجاب در اسلام، شیخ قوام و شنوی، ترجمه و اضافات احمد محسنی گرگانی، ص 218 و یک هزار حدیث، هادی موحدی، ص 242، ح 3 \_ کتاب پیام پیامبر، تدوین و ترجمه: بهاء الدین خرمشاهی و مسعود انصاری، متن عربی، الحجاب، ص 422، ح 2.

3- . به قول قرآن کریم: «فَيَطْمَعُ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ». سوره احزاب، آیه 32.

دختران بي گناه و با گناه را فراهم مي کنند تا آتش شهوتي را که یکی از مهمترين عوامل شعله ور شدنش همين بي حجابی ها و بدحجابی ها است، خاموش و آرام گردانند.

ص: 51

با توجه به اینکه پوشش صورت و دست‌ها برای زن واجب نیست و با توجه به اینکه حتی پوشاندن صورت در حال احرام برای زن حرام است، آیا اینکه بعضی خیلی بیشتر از حدی که خدا برای حجاب معین نموده خود را می‌پوشانند و پوشیه (روبند) می‌زنند و یا دستکش به دست می‌کنند، این خود افراط نیست؟

پاسخ:

بله بر زن حرام است که در حال احرام، صورت خود را با روبند و نقاب بپوشاند چون معمولاً با بشرة (پوست) صورت تماس پیدا می‌کند ولی «جایز است برای روگرفتن از نامحرم (در حال احرام) چادر یا جامه را که بر سر افکنده پایین بیندازد تا محاذی (مقابل) بینی، یا چانه، بلکه در صورت احتیاج تا گردن».<sup>(1)</sup>

فقط بعضی مانند امام خمینی رحمه الله می‌فرمایند:

«بهتر آن است که آن چیزی را که در موقع حاجت از سر پایین می‌اندازد با دست و یا چیز دیگر دور از صورت نگه دارد که به صورت نچسبد، بلکه این کار احوط است».<sup>(2)</sup>

پس مسئله روگرفتن با این کیفیت از نامحرم حتی در حال احرام، اجماع تمام فقهاء است. اما اینکه فلسفه این طور پوشاندن صورت چیست، مسئله دیگری

ص: 52

1- مناسک عمره مفرد با حواشی مراجع تقلید، محمد حسین فلاح زاده، ص 82، م 195.

2- همان کتاب، ص 82، م 196.

است. بعضی می گویند زن در حال احرام اگر نامحرم او را نمی بیند باید در برابر آفتاب صورت خود را باز بگذارد. (1)

علاوه بر اینکه نپوشاندن صورت در حال احرام برای زن یک استثناء است، مانند دیگر امور نظیر استعمال بوی خوش و نپوشاندن روی پا برای مردان و ... که فقط در ایام حج بر مُحرم حرام است.

دیگر اینکه همان طور که فرمودید پوشاندن صورت و دست ها بر زن، (فقط) واجب نیست اما همان طور که ما برای قبولی در دروس یک نمره حداقل و حداکثر داریم (مثلا ده و بیست) و اگر کسی نمره ای بالاتر از حداقل قبولی را بگیرد، این افراط نیست بلکه خیلی هم خوب و مطلوب است، در اینجا هم مسئله همین است. در پوشش نیز يك حد مقبول داریم و يك حد مطلوب. حدّ مقبول (حدّ اقل) همان است که واجب است (یعنی فقط صورت و کفین اگر بدون زینت و آرایش باشد، پوشاندنش واجب نیست)، حال اگر کسی خواست بالاتر از حدّ واجب را رعایت کند و خود را به حدّ مطلوب برساند، نمی توان او را نفي کرد و برچسب افراطی بر او زد، بلکه کار او ارزشمندتر و مورد رضایت بیشتر حق تعالی است. امام خمینی رحمه الله در پاسخ به این سؤال که: «آیا بر زن جوان واجب است صورت و کفین خود را از اجنبی بپوشاند؟ و آیا بر مرد جائز است نگاه کردن بدون قصد به صورت و کفین اجنبیه؟ فرموده اند:

در صورت نبودن مفسده پوشاندن واجب نیست و نگاه کردن هم جائز است و رعایت ستر و عفاف هر چه بیشتر، بهتر است». (2)

ص: 53

---

1- . نهاییه شیخ و شرایع و نافع به نقل از کتاب فاضل هندی کاشف اللثام، ج 1، ص 321 برگرفته از حجاب در اسلام، حاج شیخ قوام و شنوی، ترجمه و اضافات احمد محسنی گرگانی، ص 76.

2- . استفتائات امام خمینی رحمه الله، ج 3، نظر لمس صدای نامحرم و ...، ص 266، پاسخ به سؤال شماره 35.

و در پاسخ به سؤال دیگری به طور کلی فرموده اند پوشاندن وجه و کفین خوب است. (1)

و به قول استاد شهید مطهری رحمه الله این قانون کلی را می توان استنباط کرد که از نظر اسلام هر چقدر زن جانب عفاف و ستر را بیشتر مراعات کند پسندیده تر است. (2)

در روایت است که حضرت زهرا علیها السلام نیز هنگام خروج از خانه علاوه بر چادر از پوشیه هم استفاده می کردند. «...فَتَجَلَّلَتْ بِجَلَالِهَا وَ تَبَرَّقَعَتْ بِبُرْقُعِهَا وَ أَرَادَتْ النَّبِيَّ» (3) یعنی «ایشان چادرش را سر نمود، و روبندش را انداخت و به طرف منزل پیغمبر صَدَّ لَمَّى آلَ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ حرکت نمود». و همچنین از آنچه در مورد حضور حضرت زینب علیها السلام و دیگر زنان اهل بیت علیهم السلام بعد از واقعه عاشورا در مجلس یزید و ابن زیاد نقل شده، این طور فهمیده می شود که ایشان نیز علاوه بر چادر از روبند هم استفاده می کرده اند. (4)

لذا پوشاندن صورت و دست ها، حد کمال است نه جلوتر افتادن از خدا و رسولش. (5) قضیه مثل نماز واجب و مستحب است و فردی که از روی شناخت و معرفت کار مستحب می کند يك حرکت کمالی انجام می دهد نه افراطی.

ص: 54

1- برگرفته از همان مدرک، احکام حجاب، ص 247، پاسخ به سؤال 3.

2- برگرفته از مسئله حجاب، استاد شهید مطهری، ص 153.

3- بحار الانوار، محمداقرا مجلسی، ج 43، ص 147 برگرفته از مقاله: عفاف و حجاب در سیره حضرت زینب علیها السلام، اصالحی، تاریخ انتشار: 11/6/1391، به نقل از پایگاه اطلاع رسانی حوزه، بخش: گنجینه معارف.

4- رجوع شود به پاسخ سؤال شانزدهم.

5- رجوع شود به حجاب در اسلام، حاج شیخ قوام و شنوی، ترجمه و اضافات احمد محسنی گرگانی، ص 129 در این کتاب توضیح داده شده که رعایت حد مطلوب حجاب مورد تایید اسلام می باشد، نه برخلاف آن - همچنین خانم عاطفه اشراقی در کتاب پا به پای آفتاب، گردآوری و تدوین امیر رضا ستوده، ج 1، ص 214 از قول امام خمینی رحمه الله نقل می کند که «(ایشان) همیشه می گفتند: درست است که می گویند وجه و کفین پیدا باشد اشکال ندارد اما جوان ها بهتر است کمی بیشتر خود را بپوشانند».

البته چنین فردی نمی تواند دیگران را به پوشیه زدن به عنوان کاری واجب امر به معروف کند همان طور که نمی توان دیگران را به خواندن نماز مستحب به عنوان کاری واجب امر به معروف نمود بلکه اگر فرد با اختیار و شعور و فهم خود به آن درجه رسید که راه کمال را طی کند، مطلوب است و موجب رشد او می گردد.

ص: 55

اصلاً چرا دین يك حدي را براي حجاب معين نموده و ما را محدود کرده تا اگر کسی کمی آن طرف تر برود بگوئیم باید عقاب شود مثلاً اگر دو تا، تار مو پیدا باشد چه اثر سوئی دارد که شما می گوئید عذاب می شوید؟

پاسخ:

اولاً: حجاب بیشتر از آن که محدودیت باشد، مصونیت است. شما حتی وقتی کفشی را هم به پا می کنید، پای خود را تا حدودی محدود نیز کرده اید ولی در واقع از خیلی خطرات احتمالی هم حفظش نموده اید. یا پوستی که خداوند بر روی میوه ها خلق نموده، تا میوه ای پوست بر تن دارد، مدت های زیادی دوام خواهد داشت ولی وقتی پوست میوه ای گرفته شد بیش از دقایقی تازگی و طراوت و دوام نخواهد داشت. حجاب همانند همان پوست میوه است که حافظ سلامت و طراوت زن است. شما کتاب و دفترتان را که جلد می کنید، این جلد برای دفتر، محدودیت ایجاد کرده یا مصونیت؟! آیا موجب حفاظت و دوام آن نمی شود؟! همچنین تا زمانی که سر شیشه عطر بسته است، عطر داخل آن محفوظ خواهد بود. ولی با باز گذاشتن سر شیشه، در عرض چند ساعت عطر داخل آن می پرد و هدر می رود. حجاب برای زن همانند جلد کتاب و پوشش سر شیشه عطر است. اگر محدودیتی هم می آورد، مصونیتی را نیز با خود به همراه دارد و زن را از خیلی خطرات حفظ می کند. (1)

ص: 56

---

1- . برگرفته از تمثیلات، آیت الله حائری شیرازی، جلد اول، تحت عنوان: حجاب، ص 139 و 143 و 152.



ثانیاً: رعایت حدود الهی موجب سعادت می گردد همان طور که ما برای سلامت و بهداشت جسمی خود باید اموری را به طور دقیق رعایت کنیم و اگر این حدود دقیقاً رعایت نگردند، سلامتی انسان به خطر می افتد. مثلاً هر فردی باید مقدار معینی در روز پروتئین، ویتامین ... مصرف کند و اگر کمتر یا زیادتر مصرف کند، بیمار می شود یا اگر به شخصی بگویند برای اینکه دچار فلان آسیب جسمی نگردد، نباید فلان غذا را بخورد و فلان مواد غذایی را باید بیشتر مصرف کنی، حال اگر او در این زمینه اطلاعات و علم کافی نداشته باشد، شاید رعایت این امور را برای خود محدودیت بداند و یا چون علت این دستورات را نمی فهمد حتی این حرف ها را مسخره هم بکند. یا برای مثال روی بعضی از داروها نوشته شده: بچه 1 تا 2 سال: 1 قاشق چای خوری و 10 تا 12 سال: 1 قاشق مرباخوری ... یعنی دکتر داروساز برای مصرف آن دارو حدودی را معین کرده و ما هم عقلاً موظف به رعایت آنها هستیم چرا که او سازنده دارو است و علم و آگاهی لازم در این زمینه را دارا می باشد و ما چون آن علم و آگاهی را نداریم، به خاطر سلامتی خود، محدودیت های او را می پذیریم و دستوراتش را اطاعت می کنیم؛ همان طور هم خداوند که خالق و سازنده جسم و روح ما است و عالم و دانا به سعادت دنیا و آخرت ما می باشد برای به کمال رسیدن و سعادت انسان حدودی را از جمله حدود حجاب را معین نموده، عقل نیز حکم می کند انسانی که هنوز نتوانسته حتی تمامی ابعاد جسمانی خود را بشناسد(1)

و اطلاع چندانی نسبت به ابعاد روحی و قوانینی که منجر به سعادت او می گردد را ندارد، این حدود الهی را رعایت کند تا از آسیب ها در آمان بماند و سعادت مند گردد.

البته باید به این قوانین الهی، دقیق هم عمل نمود هر چند که به فلسفه آن نیز آگاه نباشیم همان طور که به قول استاد ارجمند محسن قرائتی، اگر شما نقشه ای برای رسیدن به گنجی داشته باشید که فرضاً باید 4 متر به طرف راست،

ص: 57

---

1- . خود دانشمندان نیز اقرار به این مطلب دارند، از جمله الکسیس کارل دانشمند معروف کتابی به نام «انسان موجود ناشناخته» دارد.

5 متر به بالا بروید و بعد زمین را بکنید تا به آن گنج برسید، اگر به جای 4 متر، 6 متر بروید به گنج مورد نظر نخواهید رسید، در این موارد هم اگر دقیقاً به حدود الهی مقید باشیم به نتیجه مطلوب نخواهیم رسید. (1)

لذا شاید ما علت و فلسفه خیلی از احکام الهی را ندانیم ولی چون خداوند را خالق خود می دانیم، خالق مهربان که عالم و آگاه به امور دنیوی و اخروی ماست و رعایت دستوراتش منجر به سعادت انسان می گردد، لذا مطیع او هستیم. (2)

آیا هیچ انسان عاقلی می گوید چرا مثلاً پدر و مادر به فرزندشان امر و نهی می کنند که فرضاً مدرسه برو، فلان کار بد را نکن و...؟ مسلّم است که خیر، چون آگاهی پدر و مادر نسبت به این امور بیشتر از فرزند است و از روی محبت و خیرخواهی

ص: 58

1- . اگر در جامعه اسلامی معیار حدود الهی نباشد، دیگر لزومی ندارد در هیچیک از امور مرز و حد توقفی وجود داشته باشد. مثلاً در وضو چرا باید حتماً آب از آرنج ریخته شود و اگر از پایین ترش ریخته شود و یا اصلاً اگر از مچ ریخته شود، مگر چه می شود و چه اثر سوئی دارد؟! یا در مورد همین بیرون بودن دو تار مو، اگر مبنا حدود الهی نباشد، چرا سه تار مو و یا ده تار مو یا صد تار مو و یا تمام موها بیرون نباشد؟! و به طور کلی در هیچ امری لزومی برای حد توقف نیست مثلاً اصلاً چرا نباید تنها با شورت در عرصه عمومی حاضر شد؟! چرا همجنس بازی و لواط و... آزاد نباشد؟! چرا نباید مواد مخدر در فروشگاه ها عرضه شود و چرا و چرا و...؟! و در این صورت آیا چنین جامعه ای غرق در فساد و فحشاء و هرج و مرج نخواهد بود؟! این چنین است که کم کم جامعه ای پیرو دسیسه گام به گام (خطوات) شیطانی می شود که قرآن کریم در سوره ص آیه 82 می فرماید قسم خورده بشر را گمراه کند «قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ» و یا در سوره نور آیه 21 می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ وَ مَنْ يَتَّبِعْ خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَ الْمُنْكَرِ». چنین است که بشر کارش به جایی می رسد که مانند چند کشور اروپایی و غربی همجنس بازی و ازدواج و رابطه جنسی با حیواناتی مانند سگ و خوک و اسب و... را آزاد و قانونی می کند. برگرفته از، سخنان آقای رحیم ازغدی، تحت عنوان: حجاب قانونی یا اجباری؟، سایت مشرق نیوز، کد خبر: 1120166، تاریخ انتشار: 29 شهریور 1399 و کد خبر: 818713، تحت عنوان: زوفیلیا یا حیوان خواهی...، تاریخ انتشار: 27 دی 1396.

2- . برای توضیح بیشتر مراجعه شود به بینش اسلامی سال دوم دبیرستان، دفتر برنامه ریزی و تألیف کتب درسی، مبحث: نقص مطلق دانش بشری، ص 11.

این اوامر و نواهی را برای فرزند خود مطرح می کنند و البته با این وجود اگر فرزند به خطا برود، باز به خاطر سعادتش پدر و مادر او را به انواع مختلف و متناسب با خطایش تنبیه نیز می کنند. ما حتی در قوانین بشری خود نیز شاهد هستیم که اگر فرضاً راننده ای حتی نیم متر جلوتر از خط کشی توقف کند، طبق قوانین جریمه خواهد شد و این مجازات را دور از عقل و حکمت و... هم نمی دانیم.

بنابراین شاید عمداً بیرون گذاردن دو تار مو ظاهراً کوچک به نظر برسد ولی چون مخالفت با امر خداوند بزرگ است، گناهی عظیم است. رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ فرمودند:

«لَا تَنْظُرُوا إِلَى صِغَرِ الذَّنْبِ وَ لَكِنْ انظُرُوا إِلَى مَنْ اجْتَرَأْتُمْ»<sup>(1)</sup> یعنی «به کوچکی گناه منگريد لکن به (بزرگی) کسی بنگريد که نسبت به او گستاخی کرده اید».

و حضرت علي عليه السلام نیز فرموده اند:

«أَشَدُّ الذُّنُوبِ مَا اسْتَحَفَّ بِهِ صَاحِبُهُ»<sup>(2)</sup> یعنی «بزرگترین گناهان گناهی است که مرتکب آن، آن را سبک بشمارد».

و امام صادق عليه السلام فرمودند:

«اتَّقُوا الْمُحَقَّرَاتِ مِنَ الذُّنُوبِ فَإِنَّهَا لَا تُغْفَرُ. قُلْتُ: وَمَا الْمُحَقَّرَاتُ؟ قَالَ: الرَّجُلُ يُذْنِبُ الذَّنْبَ فَيَقُولُ طَوْبِي لِي لَوْ لَمْ يَكُنْ لِي غَيْرُ ذَلِكَ»<sup>(3)</sup> یعنی «از گناهان محقر بپرهیزید که آمرزیده نمی شوند. عرض کردم: گناهان محقر چیست؟ فرمودند: این است که مردی گناه کند و بگوید خوشا به حال من اگر غیر از این گناه نداشته باشم».

ص: 59

---

1- . بحار الانوار، ج 74، ص 170، ح 6 به نقل از بینش اسلامی سال سوم دبیرستان، دفتر برنامه ریزی و تألیف کتب درسی و محمد علی سادات، ص 103.

2- . نهج البلاغه، ترجمة مصطفى زمانی، ص 1046، سخن 485 - وسائل الشيعة، ج 15، ص 312، ح 20609.

3- . الكافي، ج 2، ص 287، ح 1.

به بیان دیگر نباید هیچ گناهی را کوچک شمرد و ناچیز دانست و لذا کسی هم که مثلاً یکی، دو تار موی خود را بیرون گذاشته نباید خیال کند که مرتکب گناهی نشده و یا گناه خود را کوچک بداند چرا که از احادیث چنین استنباط می شود که کوچک شمردن گناه سبب می شود گناه صغیره تبدیل به گناه کبیره گردد. (1)

در اینجا شاید ذکر این روایت نیز مناسب باشد که امام علی علیه السلام فرمودند:

«دَخَلْتُ أَنَا وَفَاطِمَةُ عَلِيَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ.... فَقَالَ، يَا عَلِيُّ، ... رَأَيْتُ امْرَأَةً مَعْلَقَةً بِشَعْرِهَا يُعَلَى دِمَاعُ رَاسِهَا..... فَانْتَهَى لَا تُغَطِّي شَعْرَهَا مِنَ الرِّجَالِ» (2) یعنی «(روزی) من و فاطمه خدمت رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ رسیدیم، دیدم که ایشان شدیداً گریه می کنند. عرض کردم: پدر و مادرم فدایت، ای رسول خدا، چه چیزی شما را به گریه انداخته است؟ حضرت فرمودند: ای علی شبی که مرا به آسمان ها بردند (شب معراج). زنانی از امت خود را دیدم که در عذاب های بسیار سختی به سر می بردند، به یاد عذاب سخت آنها افتادم و گریه بر من غلبه نمود. زنانی را دیدم که از موهای سر خود آویزان هستند و از آتش جهنم مغز سرشان می جوشید... پس آنها کسانی هستند که در دنیا موهای سرشان را از مردان نامحرم نمی پوشانند».

البته علت چنین عذاب سختی این است که ایشان با بیرون گذاشتن موی سر خود موجبات تحریک و به هیجان آمدن شهوت جنسی در مردان را فراهم می کنند و

ص: 60

- 
- 1- . رجوع شود به پاورقی پاسخ به سؤال هفدهم، حدیث پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ به نقل از التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن العسكري علیه السلام .
  - 2- . بحار الانوار، ج 8، ص 309.

در نتیجه باعث می شوند که اشخاص (هم خودشان و هم دیگر افراد جامعه) به سمت فساد و چیزهایی که حلال نیست کشانده شوند. (1)

موی سر تأثیر بسیار زیادی بر زیبایی چهره دارد همچنان که نقش پر طاووس در زیبایی و جلب توجه ناظران وصف ناشدنی است. در واقع اسلام با حکم حجاب برای زن حرمت و احترام قائل شده تا توجه نامحرمان به بُعد انسانیت زن جلب شود و او را به دید انسانی بنگرند نه دید حیوانی. (2)

یکی از منافع عمل نمودن به حکم حجاب، همان طور که قرآن کریم فرموده، مورد اذیت و آزار واقع نشدن زن است چون به وسیله حجاب به حیاء و عفاف و پاکدامنی شناخته می شود و افراد ناپاک معمولاً به چنین زنانی طمع نمی کنند. (3)

ص: 61

---

1- . امام رضا علیه السلام فرمودند: «حُرِّمَ النَّظَرُ إِلَى شُعُورِ النِّسَاءِ الْمَحْجُوبَاتِ بِالْأَزْوَاجِ وَغَيْرِهِنَّ مِنَ النِّسَاءِ لِمَا فِيهِ مِنْ تَهْيِيجِ الرِّجَالِ وَمَا يَدْعُو التَّهْيِيجُ إِلَى الْفَسَادِ وَالدُّخُولِ فِيهَا لَا يَحِلُّ وَلَا يَحْمِلُ [يَجْمَلُ]». علل الشرایع، ج 2، ص 564، ح 1 - وسائل الشیعة، ج 20، ص 193، ح 25406.

2- . برای توضیح بیشتر رجوع شود به پاسخ سؤال دوازدهم و سیزدهم.

3- . «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا». سوره احزاب، آیه 59.

چگونه پسری که قبل از زمان تکلیف، زن یا دختری را بدون حجاب دیده و تصویر او کاملاً در ذهنش مجسم است و یا حتی در بعضی موارد در آغوش زنی (مثل زن برادر) بزرگ شده، همین پسر اگر فردا به تکلیف برسد، نسبت به همان زن نامحرم می شود؟ آیا اصلاً حجاب در برابر چنین مردی، واقعاً دیگر بی معنا نیست؟

پاسخ:

اولاً: چقدر به جاست که پاسخ این سؤال را از زبان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بشنویم. سوده زنی هیکل دار بود که قبل از نزول آیات حجاب، مثل دیگر زنان در مقابل نامحرمان نمایان می شد ولی بعد از نزول آیات مربوطه، او با حجاب اسلامی در جامعه حاضر می گردید و این سؤال در ذهنش بود که همین مردان کوچک و بازار مرا با وضع قبلی دیده اند، قیافه و هیکل من در نظر آنها مجسم است پس دیگر این حجاب من چه فایده ای دارد؟ سؤال خود را با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مطرح می کند. حضرت به او می فرماید:

«شما امر الهی را اطاعت کنید، انجام وظیفه کنید». (1)

یعنی اینکه نامحرمان قیافه قبلی تو را در ذهن خود دارند، مانع از انجام تکلیف فعلی شما نمی شود و باید تسلیم فرمان الهی بود. در واقع این پاسخ، همان پاسخ

ص: 62

---

1- . این قضیه توسط کارشناس برنامه قرآن و زندگی در تابستان سال 1381 از شبکه قرآن سیما ذکر گردید، ولی متأسفانه نتوانستم منبع آن را از منابعی که برایم قابل دسترسی بود پیدا کنم اما خوشبختانه در این مورد خاص نهایتاً نیافتن منبع موجب خلل در درست بودن پاسخ که همان «اطاعت از اوامر الهی» است، نمی گردد.

سؤال قبلی است یعنی ممکن است ما فلسفه خیلی از اوامر و نواهی الهی را ندانیم ولی باید تسلیم خداوند دانای حکیم بود تا به سعادت برسیم.

ضمناً برخورد عملی امام خمینی رحمه الله در این زمینه به عنوان عالم و مجتهدی اعلم و آگاه که به یقین احیاء کنندة اسلام ناب محمدی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در زمانه ما محسوب می گردند، می تواند برای همه ما بهترین الگوی عملی به شمار آید. عروس ایشان خانم فاطمه طباطبایی در این باره می فرماید: «در خانه خودشان هم وقتی یکی از نوه هایشان مکلف می شد، دیگر با ما در یک اتاق نمی نشست. چون امام در این کار ضرورتی نمی دیدند. جالب اینجاست که وقتی ما نزدشان بودیم به آنها می گفتند که بیرون بروند نه به ما. یا اگر من نزد ایشان بودم و نوه مکلف شده شان، که مثل پسر خود من است، می خواست وارد اتاق شود، می گفتند که کسی اینجاست» (1).

ثانیاً: عیناً همین مسئله در مورد زن مطلقه ای که از شوهر خود جدا می شود، یا زن کافری که مسلمان می شود و یا زن مسلمانی که حدّ حجاب را رعایت نمی کرده و بعد از توبه می خواهد محجّبه شود و یا دختری که به سن تکلیف می رسد و باید حجاب را رعایت کند نیز وجود دارد. پس اگر آنجا حجاب زن بی معنا باشد، در تمامی این موارد نیز حجاب بی معنا است!! گذشته از اینکه شبیه چنین شبهه ای در بسیاری از احکام دیگر نیز می تواند مطرح باشد مثلاً گاهی حکمی مباح و جایز و حتی حرام است و نه تنها روز بعد بلکه در ساعتی بعد و یا حتی لحظه ای بعد همان حکم برایش واجب می شود. مانند کسی که تا دیروز عذری داشته و روزه گرفتن برایش حرام بوده ولی فردا که عذرش برطرف می شود روزه گرفتن برایش واجب می شود و یا کسی که تا دیروز باید نماز چهار رکعتی را دو رکعت می خوانده ولی فردا یا حتی ساعتی دیگر نماز را باید کامل بخواند و یا تا ساعتی قبل عذری داشته که نباید وضو و غسل انجام می داده ولی ساعتی بعد با رفع عذرش وضو و غسل بر او واجب می شود و..... خلاصه اینکه باید تسلیم دستورات الهی بود همان طور که

ص: 63

خدا حتی به پیامبر خود صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ (1) نیز می فرماید پیرو ابراهیمی باش که تسلیم خدا بود (2)

و به دیگران نیز بگو پیرو ابراهیم باشند. (3)

چون تسلیم خدا بودن بهترین دین و آیین و روش زندگی است (4) و کسی که عاقل و دانا باشد از بهترین آیین و روش زندگی که همان آیین ابراهیم است پیروی می کند. (5)

ثالثاً: این طور نیست که بی حجاب بودن زن در مقابل پسران به تکلیف نرسیده، به طور مطلق بی اشکال باشد چون قرآن کریم بعد از بیان نمودن حکم حجاب می فرماید:

«قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ ... وَ لِيَصَدِّقْنَ بِيَوْمِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُؤْمِنْنَ إِلَّا لِيُغَيِّرْنَ ... أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَىٰ عَوْرَاتِ النِّسَاءِ». (6) یعنی یکی از مواردی که زنان می توانند در آنجا بدون حجاب باشند و زینت پنهان خود را آشکار کنند در مقابل کودکانی است که از امور جنسی آگاه نیستند. پس جایز نیست زنان در مقابل کودکانی که از امور جنسی آگاه هستند، بی حجاب باشند.

ص: 64

- 1- . «ثُمَّ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ أَنْ اتَّبِعْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا» یعنی «سپس به تو وحی فرستادیم که از آیین ابراهیم پیروی کن». سوره نحل، آیه 123 .
- 2- . «مَا كَانَ إِبْرَاهِيمُ يَهُودِيًّا وَلَا نَصْرَانِيًّا وَلَكِنْ كَانَ حَنِيفًا مُسْلِمًا» یعنی «ابراهیم نه یهودی بود و نه نصرانی، بلکه موحدی خالص و مسلمان (تسلیم خدا) بود». سوره آل عمران، آیه 67.
- 3- . «قُلْ صَدَقَ اللَّهُ فَاتَّبِعُوا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا» یعنی «بگو: خدا راست گفته است، بنابراین از آیین ابراهیم پیروی کنید». سوره آل عمران، آیه 95.
- 4- . «وَمَنْ أَحْسَنُ دِينًا مِمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ وَاتَّبَعَ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا» یعنی «دین و آیین چه کسی بهتر از آن کس است که خود را تسلیم خدا کند و نیکوکار باشد و از آیین ابراهیم که ایمانی خالص و پاک داشت پیروی کند؟!». سوره نساء، آیه 125.
- 5- . «وَمَنْ يَرْغَبْ عَنْ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مَنْ سَفِهَ نَفْسَهُ» یعنی «جز افراد سفیه و نادان، چه کسی از آیین ابراهیم روی گردان خواهد شد؟!». سوره بقره، آیه 130.
- 6- . سوره نور، آیه 31 برگرفته از تفسیر نمونه، آیت الله مکارم شیرازی دام ظلّه، چاپ بیست و ششم، ج 14، ص 471 و 472.



امام خميني رحمه الله نيز در رساله خود مي فرمايند:

«زن بايد بدن و موي خود را از مرد نامحرم بپوشاند، بلکه احتياط واجب آن است که بدن و موي سر خود را از پسر هم که بالغ نشده ولي خوب و بد را مي فهمد و به حدی رسیده که مورد نظر شهوانی است (از مسائل جنسی آگاه است)، بپوشاند»<sup>(1)</sup>.

ص: 65

---

1- . مبحث: احکام نگاه کردن، مسئله 2435.

اصلاً چرا زن نباید (از نظر میزان پوشش) مانند مردان آزاد باشد و باید باحجاب بیشتری در جامعه ظاهر شود؟

پاسخ: علاوه بر پاسخ هایی که در سؤال هفتم ذکر گردید، باید بدانیم که کلاً لباس شأنی از شئون فقط انسان است و حیوان تمایل به پوشاندن خود ندارد. جالب اینکه انسان های اولیه در ابتدا تقریباً عریان بوده اند و در هر زمانی با پیشرفت تمدن، تکه ای بر تکه های پوشش انسان اضافه گردیده و متأسفانه فقط در قرن اخیر بوده که در اثر تبلیغات سوء و غلط، برهنگی را دلیل متمدن بودن عنوان می کنند آن هم با قصد و هدفی خاص که می توان از کلام گوهر بار رسول اکرم صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمْ به آن پی برد، ایشان فرموده اند:

«مَنْ تَسَبَّهَ بِقَوْمٍ فَهُوَ مِنْهُمْ»<sup>(1)</sup> یعنی «هر کس ظاهر خود را شبیه قومی کند از آنها است».

به بیان دیگر چون کم کم تابع افکار و عقاید و سلايق آنها می شود، مثل آنها خواهد شد و به مرور دیگر برای باید و نبایدهای دینی خود اهمیتی قائل نخواهد بود، به این دلیل که ایمان و عمل تأثیر متقابل بر هم دارند. به بیانی دیگر آنان که از ایمان به خدا تنها به یک باور ذهنی اکتفا کرده و در عمل از هوی و هوس خود پیروی می کنند به تدریج ایمان خود را نیز از دست می دهند و اینکه قرآن کریم غالباً هر جا که سخن از اهل ایمان به میان آورده «الَّذِينَ آمَنُوا» به دنبالش «عَمِلُوا

ص: 66

الصَّالِحَات» را نیز آورده، نشان دهنده اهمیت در کنار یکدیگر بودن این دو عامل سعادت انسان است. (1)

امام صادق علیه السلام نیز می فرماید:

«فَإِذَا أَتَى الْعَبْدُ كَبِيرَةً مِنْ كِبَائِرِ الْمَعَاصِي أَوْ صَغِيرَةً مِنْ صَغَائِرِ الْمَعَاصِي الَّتِي نَهَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَنْهَا كَانَ خَارِجاً مِنَ الْإِيمَانِ سَاقِطاً عَنْهُ اسْمُ الْإِيمَانِ وَثَابِتاً عَلَيْهِ اسْمُ الْإِسْلَامِ» (2) یعنی «اگر بنده ای، گناه کبیره یا صغیره ای را که خداوند آن را نهی کرده، مرتکب شود، از مرز ایمان خارج می شود و دیگر نام مؤمن بر او صدق نمی کند، اما از مرز اسلام بیرون نشده و نام مسلمان بر او باقی است».

این مطلب را دشمن خیلی بهتر از ما فهمیده که سعی دارد ملت های دیگر را در ابتدا از نظر لباس و وضع ظاهری مثل خود کند و به شکل خود در آورد چرا که خوب می داند انتخاب ظاهری در لایه های درونی وجود اثر می کند و زمانی که باطن و درون مردمی تغییر دلخواه آنان را پیدا کند آنوقت است که به هر سازی بزنند برایشان خواهند رقصید. لذا در مرحله اول فقط پیروی از مُد را به صورت ارزش و ترقی و تمدن مطرح می کند، آن هم نه به صورتی که با آداب و سنن و خُلقیات و دین افراد مغایر باشد (مثلاً در کشور خود ما در ابتدا مانتوی بلند و گشاد را بدون چادر، که پوشیدنش اشکال شرعی هم نداشت رایج کردند) فقط به این هدف که مردم تابع مُد گردند و در واقع مبنایشان در زندگی مُد شود. وقتی این به عنوان يك اصل در جامعه شایع شد و مورد قبول واقع گردید، آن وقت است که می توان دستورات دینی را از صحنه زندگی آنها کم کرد و هر نوع لباس و پوشش و آرایش ... را تبلیغ و رایج نمود (مثل مانتو و شلوار تنگ و کوتاه، آستین های گشاد و چاکدار که وقتی کمی دست بالا رود تا زیر بغل هم نمایان می شود، جوراب و چادر نازک، پای بی جوراب با ناخن های لاک زده، فلان

ص: 67

---

1- . برگرفته از بینش اسلامی سال اول دبیرستان، محمد علی سادات و محمد علی جواهریان، مبحث: نقش متقابل ایمان و عمل، ص 55.

2- . کافی، ج 2، ص 27، ح 1.

رنگ جلب توجه کننده برای لباس و سایه چشم و رژ لب و ... تا آنها را به بهانه تنوع و مُد تابع خود کنند چرا که خوب می دانند کسی که به دنبال مُد برود، اسیر است چون اجازه می دهد دیگران برایش انتخاب کنند و کم کم به جایش فکر کنند، عقاید خود را به او تحمیل کنند. او اسیر کسانی است که می خواهند هویت و شخصیت او را تغییر دهند ولی کسی که در زندگی دین را به عنوان مبنای زندگی خود انتخاب نموده در واقع می خواهد خود را از قید بندگی غیر خدا آزاد کند و در همه امور از جمله پوشش ظاهری بدن تسلیم فرامین الهی باشد(1) تا بتواند مراحل رشد و تکامل انسانی را طی کند.

حضرت علی علیه السلام به فرزند خود می فرماید:

«وَلَا تَكُنْ عَبْدَ غَيْرِكَ وَقَدْ جَعَلَكَ اللَّهُ حُرًّا»(2) یعنی «بنده دیگری مباش که خدا تو را آزاد آفریده است».

این بی هویتی است که ما حتی در لباس و وضع ظاهر هم تابع دیگران باشیم (بدون هیچ دلیل موجه و عقلی). دیگران حتی در فوتبال پرچم خود را نشان

ص: 68

1- . در روایتی از امیرالمؤمنین علیه السلام چنین آمده است: «حُسْنُ السَّيْرِ عُنْوَانُ حُسْنِ السَّرِيرَةِ» یعنی «رفتار نیکو، نشانگر باطن نیکوست» (غررالحکم، ص 255، ح 5387). اگر سریره و باطن انسان پاک و نیکو شود، رفتار ظاهری او هم نیکو می شود، چنانچه ناپاکی درون در بدرفتاری انسان اثر می گذارد. برخی به بهانه پاکی درون، دستورهای ظاهری اسلام را رعایت نمی کنند، مثلاً وقتی به برخی خانم ها رعایت و حفظ حجاب تذکر داده می شود، پاسخ می دهند: «ظاهر را رها کن، دلت پاک باشه!»، باید به آنها گفت: اتفاقاً دل ناپاک است که ظاهر هم ناپاک است. همین مطلب در روایت دیگری از حضرت علی علیه السلام با صراحت بیشتری این چنین نقل شده است: «مَنْ حَسَدَتْ سَرِيرَتُهُ، حَسَدَتْ عَلَانِيَتُهُ» یعنی «هر که درونش خوب باشد، بیرونش نیز خوب خواهد بود» (غررالحکم، ص 254، ح 5341). همچنین از آن حضرت چنین روایت شده است که: «صَلَاحُ الظَّوَاهِرِ عُنْوَانُ صِحَّةِ الصَّمَائِرِ» یعنی «درست بودن ظاهر، نشانگر درست بودن باطن است» (غررالحکم، ص 93، ح 1626). برگرفته از درس خارج فقه استاد ری شهری، کتاب الحج، 23/09/95، تحت عنوان: بحث اخلاقی خوش رفتاری (5)، سایت مدرسه فقاها.

2- . نهج البلاغه، سید رضی، ترجمه مصطفی زمانی، ص 710، نامه 31 - مستدرک الوسائل، ج 7، ص 231، ح 7.

می دهند و افتخار هم می کنند، پوشش خاص به خود را نشان می دهند و افتخار هم می کنند.

انسان باید در زندگی حداقل از یک ماهی کوچک کمتر نباشد که هر چند کوچک است ولی خودش مسیر حرکتش را با شنا کردن معین و انتخاب می کند. نباید مانند بُشکه بود که هر چند بزرگ است ولی خود شناگر نیست بلکه امواج آب او را به حرکت درمی آورد و مکانش را معین می کند.

حجاب گذشته از بُعد اسلامی بودنش، برای ما یک هویت ملی در ایران است. در سال 1906 یک پروفیسور روسی، فرشی را کشف کرد که متعلق به زمان هخامنشی بود. روی این فرش، نقش چهار زن ایرانی بود (چون فرش مال ایران بود) همگی این زن ها، پوششی از سر تا غوزک پا داشتند، یعنی چیزی مانند چادر، ولی حکومت پهلوی که یکی از اهدافش برانداختن حجاب بود نگذاشت اعلام شود که نقش این قالی کشف شده چه بوده، چون با اهدافش منافات داشت. (1)

در یکی از مجلات خارجی، (2)

با یک مرد طراح لباس در مورد پوشش و سکس، مباحثه کرده و از او پرسیده بودند: شما که برای خانم ها انواع لباس های مختلف را طراحی می کنید، به نظرتان چه زنی جذاب تر است؟ او پاسخ داده بود که به نظر من زنان مسلمان جذاب ترند. می پرسند چرا؟ او می گوید: به دلیل نوع حجاب و پوششی که دارند جدی تر و ارزشمندتر به حساب می آیند!!

ص: 69

---

1- . برگرفته از سخنان کارشناس برنامه قرآن زندگی (احتمالاً خانم دکتر مهری سوزی)، شبکه قرآن سیما \_ همچنین آقای رحیم ازغدی می گوید: یک قطعه فرش از زمان هخامنشیان در موزه داریم که نشان می دهد زنان در دوران هخامنشی پارچه ای شنل مانند، مثل عبا روی سر می انداختند که کاملاً شبیه چادر امروزی است. به نقل از سایت مشرق نیوز، کد خبر: 1120166، تاریخ انتشار: 29 شهریور 1399، تحت عنوان: حجاب قانونی یا اجباری؟.

2- . مجله ایندپندنت به نقل از کارشناس برنامه قرآن و زندگی، شبکه قرآن سیما، تاریخ 24/4/1381.

نکته دیگر اینکه با توجه به آیات قرآن کریم این طور فهمیده می شود که اولین اثر تبعیت از وسوسه و مکر شیطان نیز، ریختن پوشش انسان است چرا که می فرماید:

﴿فَدَلَاهُمَا

بُغْرُورٍ فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُمَا سَوْآتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِمَا مِنْ وَّرَقِ الْجَنَّةِ﴾<sup>(1)</sup> یعنی «وقتی آدم و حوا نافرمانی کردند عورتشان نمایان شد و اولین حرکت آنها هم پوشاندن خود با برگ های درختان بهشت بود».

لذا ریختن پوشش، اولین اثر وسوسه شیطان است.<sup>(2)</sup>

اصلاً پوشش و خصوصاً پوشش سر و بدن برای انسان فطری است و پیش از اسلام هم حجاب بوده و بشر در بدو خلقت، مأمور به پوشش خود گردیده. ابن عباس نقل می کند که آدم و حوا وقتی به زمین هبوط کردند برهنه و عریان بودند،<sup>(3)</sup> خداوند امر کرد تا یکی از هشت جفت قوچی را که از بهشت به ایشان عطا کرده بود، ذبح کنند، سپس حوا پشم آن را ریسید و با یاری آدم از تائیده های آن يك جامه بلند برای آدم و يك پیراهن و روسری جهت خود بافت و بدین وسیله بدن انسان های نخستین پوشیده

ص: 70

1- . سوره اعراف، آیه 22.

2- . برگرفته از تفسیر المیزان، علامه سید محمد حسین طباطبایی رحمه الله ، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی رحمه الله ، چاپ چهارم، جلد 15، مبحث: بحث روایتی، ذیل آیه 10 تا 25 سوره اعراف، ص 84.

3- . البته شاید منظور از برهنه و عریان بودن آدم و حوا در آن هنگام، این باشد که ایشان فاقد پوششی مانند جامه و لباس بودند وگرنه قرآن کریم در سوره اعراف آیه 22 می فرماید: «فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُمَا سَوْآتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِمَا مِنْ وَّرَقِ الْجَنَّةِ» یعنی «هنگامی که از آن درخت چشیدند و اندامشان آشکار شد از برگ های درختان بهشتی برای پوشاندن اندام خود استفاده کردند». برگرفته از تفسیر نمونه، آیت الله العظمی مکارم شیرازی دام ظلّه، چاپ سی ام، ج 6، ص 148.

گردید و از برهنگی و شرمندگی آن نجات یافتند. (1)

مسلم است که قبل از اسلام نیز حجاب در جهان وجود داشته است (2) و پوشش بدن زن از مسلمات تمام شرایع آسمانی است. (3) ما حتی امروزه نیز شاهد لباس گشاد و پوشیده بر تن راهبه های مسیحی هستیم. همچنین در دین یهود نیز برای زنان حجابی سخت تر و مشکل تر از حجاب اسلامی معمول بوده. (4)

در آئین زردشت نیز حجاب زن واجب بوده و اگر زنی موی سرش را می دیدند، گنهکار محسوب می شده و از توجه و رحمت اهورامزدا دور دانسته می شده. همین الآن نیز زنان متدین زردشتی که در یزد هستند حجاب محکمی دارند. (5)

در ایران باستان، (6)

قبل از اسلام هم حجاب مطرح بوده. (7) لذا حجاب در واقع سیر تاریخی دارد و می توان گفت که حجاب برای زن از

ص: 71

1- «فسیح آدم جبّة لفسه و جعل لحواء درعا و خمارا فلبسها». محمد بن سعد در طبقات از ابن عباس نقل کرده، سیرة النبی صلی الله علیه و آله و سلم، ج 1، ص 17 و 18 برگرفته از کتاب حجاب در اسلام، شیخ قوام و شنوی، ترجمه و اضافات احمد محسنی گرگانی، ص 61 و 133.

2- برگرفته از مسئله حجاب، استاد شهید مطهری 6، ص 26.

3- برگرفته از کتاب حجاب در اسلام، شیخ قوام و شنوی، ترجمه و اضافات احمد محسنی گرگانی، ص 133.

4- برگرفته از مسئله حجاب، استاد شهید مطهری رحمه الله، ص 19 و 20.

5- برگرفته از سخنان آقای رحیم ازغدی، تحت عنوان: حجاب قانونی یا اجباری؟، سایت مشرق نیوز، کد خبر: 1120166، تاریخ انتشار: 29 شهریور 1399.

6- برگرفته از مسئله حجاب، استاد شهید مطهری رحمه الله، ص 19 و 21.

7- در السیرة الحلییة، ج 2، ص 49 نقل شده که وقتی سه شاهزاده از دختران کسری پادشاه ساسانی را در برابر عمر آوردند آنها چهرة خود را با پوشش و نقاب پوشانده بودند (بنات کسری و کن ثلاثا.... امر المنادی ان ینادی علیهن و ان یزیل نقابهن عن وجوههن). برگرفته از حجاب در اسلام، شیخ قوام و شنوی، ترجمه و اضافات احمد محسنی گرگانی، ص 59 - همچنین در مطلبی با عنوان: حجاب و عفاف و فلسفه آن، به قلم علی محمد نیاکان در سایت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان ایلام، آمده است که: زنان ایرانی در دوره های مختلف مادها، هخامنشیان، اشکانیان و ساسانیان پوشش داشته اند. در زمان مادها، زنان با جامه های دو تکه خود را می پوشانیده اند. زنان دوره هخامنشی پارچه شنل مانندی روی سر می انداخته اند که حالتی شبیه به چادر داشته است. در عهد اشکانیان زنان قبایی بر تن می کرده اند و شنلی بر سر می افکنده اند و معمولاً نقابی به پس سر می آویخته اند. زنان عهد ساسانی گاهی چادری گشاد و پرچین به سر می کرده اند که تا وسط ساق پا می رسیده است. نقوش بانوان ساسانی در بشقاب های نقره ای نشان می دهد که هر یک از بانوان، چادری به خود پیچیده اند (مهریزی، 1386 : 93-97).

آغاز خلقت و قبل از شرایع آسمانی نیز يك امر طبيعي و فطري بوده است. (1) يكي از خانم هايي كه در خارج از كشور زندگي مي كرد تعريف مي كرد: روزي كه دخترم به تكليف رسيد، برايش جشن گرفتم و به او گفتم:

«دخترم تو از فردا بايد با لباس گشاد و پوشش اسلامي به مدرسه بروي» او هم با ذوق و خوشحالي قبول كرد، ولي فردا وقتي از مدرسه برگشت با ناراحتي گفت: «من ديگر با اين لباس به مدرسه نمي روم». علت را پرسيدم.

او گفت: «بچه ها مرا مسخره مي كنند و مي گویند تو حتماً كچل شده اي».

من به دخترم گفتم: فردا كه به مدرسه رفتي، به بچه ها بگو من از شما سه سؤال مي كنم اول جواب مرا بدهيد و بعد هر چه خواستيد بگوئيد. پرسیده بود:

1 - آیا کسی در جمع شما مسیحي هست؟ گفته بودند: بله هست (اکثراً مسیحي بودند).

2 - آیا شما تا به حال تمثال يا عكس و مجسمه اي از حضرت مريم عليها السلام را ديده ايد؟ گفته بودند: بله زياد ديده ايم.

3 - آیا من بیشتر شبیه حضرت مريم عليها السلام هستم يا شما؟ بعد از كمي فكر كردن گفته بودند: تو.

(چون معمولاً در آنجا بچه ها با لباس هاي مناسب به مدرسه نمي آمدند) و ديگر نه تنها از آن به بعد دخترم را مسخره نمي كردند بلكه به او احترام نيز مي گذاشتند. (2)

يعني حتي بچه هاي خردسال خود غربي ها نيز تشخيص مي دهند كه حجاب يك ارزش است و فطرت پاك هر انساني خود به تنهائي گواه بر اين مطلب است.

ص: 72

---

1- . برگرفته از حجاب در اسلام، شيخ قوام وشنوی، ترجمه و اضافات احمد محسنی گرگانی، ص 60.

2- . به نقل از کارشناس برنامه قرآن و زندگی (به احتمال زیاد، خانم زهرا آیت اللهی)، شبکه قرآن سیما.



آیا پوشش فقط مخصوص زن است و مرد نباید حریمی را حفظ کند؟

پاسخ: پوشش و حریم ننگه داشتن فقط مخصوص زن نیست. در رساله امام خمینی رحمه الله ذکر گردیده که: «نگاه کردن زن به بدن مرد نامحرم حرام می باشد» و این مطلب را همه علماء نیز می گویند، (1) اما در اینکه آیا مرد هم وظیفه دارد بدن خود را از زن نامحرم بپوشاند یا خیر، اقوال مختلف است. مثلاً آیت الله خامنه ای دام ظلّه می فرمایند: پوشش مرد در مقابل زن باید به گونه ای باشد که موجب مفسده نشود. (2)

و یا آیت الله بهجت رحمه الله فرموده اند: «احتیاط واجب (3)

آن است که مرد هم بدن خود را از زن نامحرم بپوشاند اگر چه کمک بر حرام نباشد و اگر کمک بر حرام باشد، پوشاندن بدن قطعاً واجب است، همان طور که پوشاندن عورت از زن نامحرم واجب است و نیز احتیاط واجب آن است که مرد بدن خود را از دختر نامحرمی که نه سالش تمام نشده ولی خوب و بد را می فهمد بپوشاند، اگر چه قصد لذتی در بین نباشد». (4) و یا آیت الله مکارم شیرازی دام ظلّه در پاسخ به سؤال: «حجاب مرد را در برخورد با زن

ص: 73

---

1- رساله امام خمینی رحمه الله، احکام نگاه کردن، مسئله 2433 - رساله آیت الله بروجردی رحمه الله و حاشیه علمای بزرگ شیعه، مسئله 2442.

2- دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه ای دام ظلّه - همچنین حجت الاسلام و المسلمین فلاح زاده در مورد محدوده پوشش آقایان مطابق با فتاوی آیت الله العظمی خامنه ای دام ظلّه که در تاریخ 21/4/1395 منتشر گردید، فرموده اند: «اصل حجاب درباره آقایان پوشاندن عورتین است اما اگر در جایی قرار می گیرند که در معرض نگاه شهوت آلود دیگران یا به گونه ای است که طرف انگشت نما می شود، باید به مقدار لازم و متعارف بدن را بپوشاند». دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه ای دام ظلّه، پاسخ به سؤالات شرعی مخاطبان درباره احکام پوشش و آرایش.

3- احتیاط واجب یعنی احتیاطی که واجب است به آن عمل شود.

4- رساله آیت الله بهجت رحمه الله، احکام نگاه کردن، مسئله 1937.

نامحرم بیان فرمایید؟ یا مردان در مقابل زنان چه مقدار از بدن خود را باید بپوشانند؟» فرموده اند:

«مردان می توانند سر و گردن و مقداری از سینه و دست ها و پاها را در مقابل نامحرم نپوشانند، ولی بقیه بدن را باید بپوشانند» (1).

علاوه بر این اگر دقت کنید لباس روحانیون نه تنها در دین اسلام بلکه مسیحیت، یهودیت و حتی ادیان دیگر نیز بلند و پوشیده و گشاد است و حتی در روایات است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه هدی علیهم السلام به مردان توصیه می کردند که لباس هایشان بلندتر از قوزک پا نباشد و بر زمین کشیده نشود (2) و یا بلندی آستین لباس ایشان از سر انگشتان نمی گذشت (3) از این احادیث چنین استنباط می شود که مردان در صدر اسلام و حتی

ص: 74

1- . پایگاه اطلاع رسانی دفتر حضرت آیت الله مکارم شیرازی دام ظلّه - ایشان حتی در پاسخ به این سؤال که: آیا استفاده از ادکلن یا عطر برای مرد در صورتی که زنان نامحرم را تحریک کند اشکال دارد؟ می فرمایند: در صورت یقین جایز نیست. سایت مرکز پاسخگویی به احکام شرعی و مسائل فقهی، دسته ها: احکام موازین ارتباط با نامحرم، عطر، صفحه 1.

2- . برگرفته از حلیة المتقین، علامه مجلسی، فصل 5 «آداب جامه پوشیدن»، ص 8 - «عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ أَوْصَى رَجُلًا مِنْ بَنِي تَمِيمٍ فَقَالَ لَهُ إِيَّاكَ وَإِسْبَالَ الْإِزَارِ وَالْقَمِيصِ فَإِنَّ ذَلِكَ مِنَ الْمَخِيلَةِ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْمَخِيلَةَ». الكافي، ج 6، ص 456، ح 5 - همچنین پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به ابوذر فرمودند: «اتزر إلى نصف الساق أو إلى الكعبين وإياك وإسبال الإزار فإن إسبال الإزار من المخيلة وإن الله لا يحب المخيلة قال إن الإسبال في الإزار والقميص والعمامة وقال من جر ثوبه خيلاء لم ينظر الله إليه يوم القيامة» یعنی «شلوار را تا نصف ساق یا تا قوزک پا بپوش؛ بپرهیز که جامه را به خاطر بزرگ منشی و خودنمایی بلند بپوشی که خداوند خودخواهی را دوست ندارد و این در شلوار و پیراهن و عمامه همه می باشد و فرمودند هر کس لباسش برای بزرگمنشی و خودنمایی به زمین کشیده شود خداوند در قیامت به وی نظر نمی نماید». مکارم الأخلاق، ص 109.

3- . برگرفته از حلیة المتقین، علامه مجلسی، مبحث: آداب جامه پوشیدن، فصل 5، ص 9 - «عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: «لَا يُجَاوِزُ ثَوْبُكَ كَعْبِكَ فَإِنَّ الْإِسْبَالَ مِنَ عَمَلِ بَنِي أُمَيَّةَ وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ مَا جَاوَزَ الْكَعْبَيْنِ فَهُوَ فِي النَّارِ» وَ «قَالَ إِنَّ صَاحِبَكُمْ يَعْنِي عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ يَسْتَرِي الْقَمِيصَيْنِ فَيُحَيِّرُ غَلَامَهُ بَيْنَهُمَا فَيُخْتَارُ أَيُّهُمَا شَاءَ يَأْخُذُهُ ثُمَّ يَلْبَسُ الْآخَرَ فَإِذَا جَاوَزَ كُمَّهُ أَصَابِعُهُ فَطَعَهُ وَ إِذَا جَاوَزَ ذَيْلَهُ كَعْبَهُ حَذَفَهُ» یعنی «امام باقر علیه السلام فرمودند: لباس از قوزک پایت تجاوز نکند که بلند بودن آن از عمل بنی امیه است و هر که چنین کند در آتش است و ایشان فرمودند: امیرالمؤمنین علی علیه السلام دو لباس می خرید و غلامش را در انتخاب آن دو مخیر می نمود پس غلام هر کدام را که می خواست انتخاب می کرد و دیگری را حضرت می پوشید و شیوه علی علیه السلام این بود که اگر آستینش از انگشتانش بلندتر بود آن را قطع می کرد و اگر دامش از کعب (قوزک پا) می گذشت آن را می چید». مستدرک، ج 3، ص 262، ح 1.

قبل از اسلام نیز لباس هایشان پوشیده و بلند بوده، حتی هم اکنون هم تعداد بسیار زیادی از مردان عرب، هندی، پاکستانی... لباس هایی بلند، گشاد و پوشیده بر تن دارند. البته نمی خواهیم بگوئیم که همه مردان در زمان کنونی نیز باید این چنین پوششی داشته باشند بلکه منظور توجه به این نکته است که این طور هم نیست که مردان به طور مطلق موظف به رعایت هیچ گونه نکاتی در مورد پوشش نباشند بلکه برعکس امام خمینی رحمه الله تصریح فرموده اند که:

«پوشیدن لباسی که آدمی (چه زن و چه مرد) را انگشت نما سازد بنا بر احتیاط حرام است و همچنین پوشیدن مردان لباس مخصوص زنان را و پوشیدن زنان لباس مخصوص مردان را بنا بر احتیاط حرام است»<sup>(1)</sup>

و در روایات است که:

«لَعْنُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ الْمُشَبَّهِينَ مِنَ الرِّجَالِ بِالنِّسَاءِ - وَ لَعْنُ الْمُشَبَّهَاتِ مِنَ النِّسَاءِ بِالرِّجَالِ»<sup>(2)</sup> یعنی «رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ لعنت کرد مردانی را که شبیه به زنان شوند و زنانی را که شبیه به مردان شوند».

ص: 75

---

1- . تحریر الوسیله، جلد 1، اعتبار الستر و الساتر فی الصلاة، ص 146، مسئله 17 و ترجمه تحریر الوسیله، سید محمد باقر موسوی همدانی رحمه الله، ج 1، مقدمه سوم در پوشش نمازگزار، ص 224، مسأله 17 - رساله امام خمینی رحمه الله، مبحث: لباس نمازگزار، مسئله ی 845 و 846.

2- . برگرفته از حلیة المتقین، فصل ششم «در پوشیدن لباسی که مخصوص زنان یا کافران باشد...»، ص 9 - الکافی، ج 5، ص 550، ح 4.

لذا مرد نیز باید نکاتی را در پوشش رعایت کند منتهی نوع پوشش و حریم نگه داشتن مرد و زن تفاوت می کند(1) چون زن تمام بدنش عورت است(2)

و باید پوشانده شود چرا که تمام اندام زن برای مرد تحریک کننده است(3)

و این امر

ص: 76

1- . در مطلبی با عنوان: حجاب و عفاف و فلسفه آن، به قلم علی محمد نیاکان از سایت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان ایلام، پس از اینکه شواهدی در مورد پوشش زنان ایرانی در دوره های مختلف مدها، هخامنشیان، اشکانیان و ساسانیان بیان شده (که در پاورقی پاسخ به سؤال نهم ذکر گردید) در ادامه چنین آمده: «بنابراین تاریخ این نظریه را تأیید می کند که حیا و آزر همواره در میان ملل عالم یکی از فلسفه های پوشش بوده است. در طول تاریخ، تمام انگیزه های انسان از پوشش، حفاظت از سرما یا زیور و خودنمایی نبوده است، گرچه نمی توان این انگیزه ها را در کیفیت و نوع پوشش نفی کرد. علاوه بر آن، چون رعایت حیا و عفت در میان زن و مرد به تناسب آفرینش هر یک متفاوت است، همیشه زنان از پوشش بیشتری استفاده می کرده اند». هرچند که متأسفانه شاید بتوان گفت امروزه پوشش اکثریت مردان بیشتر و بهتر از بعضی زنان است.

2- . پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «الْمَرْأَةُ عَوْرَةٌ» در سنن ترمذی و تفسیر ابن کثیر، ج 3، ص 383 و المصابیح السنة، ج 2، ص 17 به نقل از حجاب در اسلام، شیخ قوام و سنوی، ترجمه و اضافات احمد محسنی گرگانی، ص 148 - مجموعه ورام (تنبیه الخواطر)، ج 2، ص 119 - البته صاحب مجمع البیان در ذیل آیه 13 سوره احزاب «يَقُولُونَ إِنَّ بُيُوتَنَا عَوْرَةٌ وَمَا هِيَ بِعَوْرَةٍ»، آنجا که لغت را معنی می کند، می گوید: «و العورة كل شيء يتخوف منه في ثغر او حرب. و مكان معور و دار معورة اذا لم تكن حريرة» یعنی «عورت» به هر چیز آسیب پذیر که مورد نگرانی است گفته می شود، از قبیل نقاط سرحدی و یا یک امر مربوط به جنگ، مكان معور و خانه معور یعنی خانه ای که استحکام ندارد و آسیب پذیر است. و لذا استاد شهید مطهری رحمه الله پس از ذکر این مطلب نتیجه می گیرد که: معلوم می شود به زن از آن جهت «عورت» گفته می شود که مانند خانه ای بی حصار است و آسیب پذیر می باشد و باید در حصار پوشش قرار گیرد. برگرفته از مسئله حجاب، استاد شهید مطهری رحمه الله، ص 223.

3- . حتی استعمال عطر و بوی خوش زن نیز می تواند برای مرد مهیج و تحریک کننده باشد و توجه او را جلب کند. لذا آیت الله مکارم شیرازی دام ظلّه می فرمایند: در روایت اسلامی عطر زدن بانوان در بیرون از منزل نهی شده است، بلکه حتی اگر استعمالش در پستوخانه و آشپزخانه نیز برای خوشایندی و جلب توجه نامحرم انجام گیرد، حرام است. (اجوبة الاستفتانات، ج 2، ص 134). همچنین از نظر اکثر علماء عطر تُند زدن بانوان اگر موجب مفسده و تحریک نامحرم باشد جایز نیست. برگرفته از سایت افکار نیوز، مسائل جدید - از دیدگاه علماء و مراجع تقلید، ج 2، ص 200.

لازمة خلقت بوده تا نسل بشر تداوم یابد. حال اگر مانند جوامع غربی زن بدون رعایت حدود و پوشش در اجتماع حاضر شود دیگر اکثریت قریب به اتفاق روابط زن و مرد در جامعه، رابطه ای انسانی نخواهد بود بلکه روابطشان برخاسته از شهوت و تحریکات جنسی است که در نتیجه آن چنان فساد و فحشایی به بار خواهد آمد که در جوامع غربی شاهد آن هستیم.

البته قابل ذکر است که اگر زن باید خود را بپوشاند، نه فقط به خاطر مردان است بلکه برای حفظ خود و مصون بودن از چشم و دل و دست و زبان افراد هوسران و مریض است و به قول آیت الله خامنه ای دام ظلّهبی حجّابی، خود، مرد سالاری است. (1)

یعنی اینکه زن برای ارضاء شهوت مرد نامحرم طوری لباس بپوشد و آرایش کند که او خوشش بیاید و لذا از زن نابجا استفاده کردن، این خود مرد سالاری است. در حجة الوداع فضل بن عباس که مردی جوان بود، پشت سر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم سوار بود. يك خانم جوانی خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آمد تا سؤالی بپرسد وقتی او داشت سؤال می کرد، فضل همین طور به چهره زن خیره خیره نگاه می کرد. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم متوجه شد. در اینجا حضرت به زن نفرمودند که حالا برو و بعداً بیا سؤال کن بلکه صورت فضل را گرفتند و به طرف دیگر برگرداندند و فرمودند:

ص: 77

---

1- . «یکی از نشانه های مرد سالاری غربی ها همین است که زن را برای مرد می خواهند؛ لذا می گویند زن آرایش کند، تا مرد التذاذ ببرد! این مردسالاری است، این آزادی زن نیست؛ این در حقیقت آزادی مرد است. می خواهند مرد آزاد باشد، حتی برای التذاذ بصری. لذا زن را به کشف حجاب و آرایش و تبرّج در مقابل مرد تشویق می کنند! البته این خودخواهی را بسیاری از مردان در جوامعی که از دین خدا بهره مند نبودند، از دوران های قدیم هم داشتند، امروز هم دارند. غربی ها هم مظهر اعلاّی این بودند». بیانات آیت الله العظمی خامنه ای دام ظلّه در رابطه با «حجاب» در تاریخ 07/1376/30 به نقل از فیش های بیانات در دیدار جمعی از زنان .

«رجل شاب و امرأة شابة فخشيت أن يدخل بينهما الشيطان»<sup>(1)</sup> یعنی «رویت را برگردان، مرد جوان و زن جوان، من نگرانم که شیطان بین شما فساد کند».

بله قسمتی از بار حجاب بر روی دوش زن است ولی مرد هم باید حدودی از حجاب را رعایت کند. خصوصاً در مورد نگاه کردن، چون درست است که قرآن هم به زن و هم به مرد می گوید چشم خود را نگه دارید

«قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ... وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ»<sup>(2)</sup>

ص: 78

1- [1]. المبسوط، شیخ طوسی، ج 4، ص 160 به نقل پایگاه اطلاع رسانی حوزه، تاریخ انتشار 4/2/1397 به نقل از منبع: پاک نیا، عبدالکریم، عفاف سرچشمه زیبایی، ص 70 - صحیح بخاری، ج 8، ص 63 به نقل از مسئله حجاب، استاد شهید مطهری رحمه الله، ص 195 - برگرفته از سخنان حجت الاسلام دکتر ناصر رفیعی، برنامه سمت خدا، شبکه 3 سیما، تاریخ 11/8/1400.

2- . سوره نور، آیه 30 و 31 - استاد شهید مطهری رحمه الله در کتاب مسئله حجاب ص 130 در ذیل این آیه شریفه مطلبی قریب به این مضمون می فرماید که: در این آیه عیناً همان دو تکلیف: ترک نظر و پاکدامنی (پوشانیدن عورت) را که برای مردان بیان کرده برای زنان هم ذکر فرموده است. از اینجا به خوبی روشن می شود که هدف از این دستورات رعایت مصالح بشر است خواه زن یا مرد. قوانین اسلام بر پایه تبعیض و تفاوت میان زن و مرد بنا نشده است و الا می باید همه این تکالیف را برای زن قائل شود و برای مرد هیچ وظیفه ای مقرر ندارد. اگر می بینیم که وظیفه «پوشش» به زن اختصاص یافته است از این جهت است که ملاک آن مخصوص زن است. زن مظهر جمال و مرد مظهر شیفستگی است. قهراً به زن باید بگویند خود را در معرض نمایش قرار نده، نه به مرد. لهدا با اینکه دستور پوشیدن برای مردان مقرر نشده است، (معمولاً همه جا) عملاً مردان پوشیده تر از زنان از منزل بیرون می روند، زیرا تمایل مرد به نگاه کردن و چشم چرانی است نه به خودنمایی، و برعکس تمایل زن بیشتر به خودنمایی است نه به چشم چرانی. تمایل مرد به چشم چرانی، بیشتر زن را تحریک به خودنمایی می کند و تمایل به چشم چرانی کمتر در زنان وجود دارد، لهدا مردان کمتر تمایل به خودنمایی دارند. و به همین جهت «تبرج» از مختصات زنان است. ضمناً استاد شهید مطهری رحمه الله در همین کتاب ص 229 مطلبی را از قول ویل دورانت نقل می کند که نشان می دهد او نیز قائل به وجود این واقعیت، یعنی «صفت خودنمایی زنان و چشم چرانی مردان» است.

اما انجام این تکلیف الهی به مراتب برای مردان دشوارتر است زیرا آنان با نگاه کردن بیشتر به گناه تحریک می شوند در حالیکه کمتر زنی است که با نگاه عادی به گناه کشیده شود (اما با این حال زن نیز موظف به پوشاندن چشم از نامحرم است) در حالیکه همین نگاه عادی برای مرد خیلی خطرناکتر است. لذا حجاب چشم، خود از مراتب مهم حجاب است و در روایات نیز به آن تأکید زیادی شده است.

امام باقر علیه السلام از پدر بزرگوارش نقل فرموده:

«برای نخستین نگاه (ناگهانی و غیر عمدی) بر تو باکی نیست، دومی به زیان توست و در سومی هلاکت است».<sup>(1)</sup>

نگاه از جمله چیزهایی است که می تواند مثل دریا عمل کند یعنی یک مرتبه و ناگهانی زیر پای انسان خالی می گردد و او غرق می شود. البته پاداش رعایت کننده آن نیز عظیم است. امام صادق علیه السلام فرمودند:

«نگاه کردن تیری از تیرهای زهرآلود ابلیس است و هر که آن را برای خدا رها کند، خداوند مزه و شیرینی ایمان و امنیت را به او می چشاند».<sup>(2)</sup>

همچنین امام باقر علیه السلام فرمودند:

ص: 79

---

1- «أَوَّلُ نَظْرَةٍ لَكَ وَ الثَّانِيَةُ عَلَيْكَ وَ لَا لَكَ وَ الثَّلَاثَةُ فِيهَا الْهَلَاكُ». وسائل الشيعة، ج 20، ص 193، ح 25402 برگرفته از حجاب در اسلام، شیخ قوام و شنوی، ترجمه و اضافات احمد محسنی گرگانی، ص 147 و شبیه آن در تفسیر المیزان، علامه سید محمد حسین طباطبایی رحمه الله، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی رحمه الله، چاپ سوم، ج 29، ص 169 نیز مذکور است.

2- «النَّظْرَةُ سَهْمٌ مِنْ سِهَامِ إِبْلِيسَ مَسْمُومٌ مَنْ تَرَكَهَا لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ لَا لِغَيْرِهِ أَعْقَبَهُ اللَّهُ أَمْنًا وَ إِيمَانًا يَجِدُ طَعْمَهُ». وسائل الشيعة، ج 20، ص 192، ح 25399 برگرفته از حجاب در اسلام، شیخ قوام و شنوی، ترجمه و اضافات احمد محسنی گرگانی، ص 147 - همچنین ایشان در مورد عواقب کنترل نکردن نگاه فرموده اند: «النَّظْرَةُ سَهْمٌ مِنْ سِهَامِ إِبْلِيسَ مَسْمُومٌ وَ كَمْ مِنْ نَظْرَةٍ أَوْرَثَتْ حَسْرَةً طَوِيلَةً» یعنی «نگاه به نامحرم تیری از تیرهای مسموم و زهرآلود شیطان است چه بسیارند نگاه هایی که بعدها حسرت ها و تأسف های طولانی به دنبال خود آورده اند» و باز فرموده اند: «فَرْنَا الْعَيْنَيْنِ النَّظْرُ» یعنی «زنای دو چشم، نگاه است». وسائل الشيعة، ج 20، ص 190 و 191، ح 25395 و 25396 برگرفته از مسئله حجاب، استاد شهید مطهری رحمه الله، ص 218.

«هر چشمی روز قیامت گریان است جز سه چشم: چشمی که در راه خدا شب را بیدار باشد و چشمی که از ترس خدا گریان شود و چشمی که از محرمات خدا بسته شود».(1)

خلاصه اینکه زن و مرد از نظر روحيات و خصوصيات جنسی و جسمی، در خلقت متفاوتند و هر دو جنس مرد و زن مخاطب دين هستند و در دين يك جنس به نفع جنس ديگر محدود و محصور نگردیده، به مرد نگفته تو بايد اينقدر خود را کنترل کنی تا مبادا يکوقت چشمت به قیافه زنی بیفتد و بینی خود را هم کنترل کنی که بوی ادکلن زنی به مشامت نرسد و گوش خود را هم حفظ کنی که نوای زنی را هم نشنوی تا زنان آزاد باشند و بتوانند با هر وضعی که دلشان می خواهد در جامعه حاضر شوند و به زن هم نگفته که باید از خانه بیرون نیایی و در جامعه حاضر نشوی تا مرد آزاد باشد و بتواند خود را حفظ کند بلکه به مرد می گوید نگاه خود را کنترل کن و خودنگهدار باش و به زن می گوید حیاء و عفت را رعایت کن و حدود را رعایت کن چون اجتماع محل تجمع و تعارض منافع آدم هاست و افراد باید از منافع خود بگذرند تا جامعه شکل بگیرد. قوانین برای همه افراد جامعه است و تبعیض نارواست ولی چون زن و مرد در روح و جسم تفاوت دارند باید متناسب با تفاوت های خود عمل کنند. مرد حظ بصری بیشتری دارد و زن جذابیت بیشتری دارد لذا پوشش زن باید بیشتر باشد همان طور که در موضوع اقتصاد تکلیف مرد بیشتر است.(2)

ص: 80

- 
- 1- «كُلُّ عَيْنٍ بِأَكْيَةِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ غَيْرِ ثَلَاثٍ عَيْنٍ سَهْرَتْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَعَيْنٌ فَاضَتْ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَعَيْنٌ غُضَّتْ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ». الكافي، ج 2، ص 80، ح 2.
  - 2- برگرفته از سخنان دکتر علی غلامی، برنامه بدون توقف، شبکه 3 سیما، تاریخ 17/5/1401.



آیا اینکه شما به دختر بچه ای که هنوز به تکلیف نرسیده و درک درستی از حجاب ندارد و حتی هنوز نمی تواند مفاهیم را درست بفهمد، می گوئید حجاب داشته باش، کاری صحیح است؟

پاسخ: اسلام برای تربیت فرزند برنامه منظم و تدریجی ارائه می دهد که حتی قبل از تولد، و از انتخاب همسر شروع می شود و حتی برای انعقاد نطفه و دوران بارداری و زمان شیردهی ... نیز برنامه های خاصی را ارائه می دهد.

عادات پسندیده یا ناپسند در هفته های اول زندگی در روان کودک پی ریزی می شود. صفاتی که طفل از کودکی به آنها عادت می کند در اعماق جان او نفوذ می نماید و تغییر آنها بسیار مشکل است. (1)

لذا پرورش مذهبی انسان از همان روزهای اول تولد باید آغاز شود مثلاً در روایات است که حتی قبل از بریدن ناف کودک در گوش راست او اذان و در گوش چپش اقامه بخوانید (2)

و یا کام او را با تربیت امام حسین علیه السلام (3) و یا با آب فرات (4)

و یا با تربیت امام حسین علیه السلام و آب فرات و

ص: 81

1- . کودک از نظر وراثت و تربیت، آقای فلسفی رحمه الله ، ج 2، ص 255.

2- . «إِذَا وُلِدَ لَكُمْ الْمُؤَلَّدُ أَيَّ سَيِّءٍ تَصَدَّعُونَ بِهِ قُلْتُمْ لَا أَدْرِي مَا نَصَبَ نَعْبُ بِهِ قَالَ خَذْ عَدَسَةً جَاوِشَ بِرَ فِدْفُهُ بِمَاءٍ ثُمَّ قَطِّرْ فِي أَنْفِهِ فِي الْمُنْخَرِ الْأَيْمَنِ قَطْرَتَيْنِ وَفِي الْأَيْسَرِ قَطْرَةً وَاحِدَةً وَأَذِّنْ فِي أُذُنِهِ الْيُمْنَى وَاقُمْ فِي الْيُسْرَى تَفْعَلْ بِهِ ذَلِكَ قَبْلَ أَنْ تَقْطَعَ سُرَّتَهُ فَإِنَّهُ لَا يَفْرَعُ أَبَدًا وَلَا تُصِيبُهُ أُمُّ الصَّبِيِّانِ». الكافي، ج 6، ص 23، ح 1 - برگرفته از حلیة المتقین، علامه مجلسی، باب ایام حمل و آداب روز ولادت، ص 86 و پرورش مذهبی کودک، دکتر علی قائمی، ص 69.

3- . «حَنَّكُوا أَوْلَادَكُمْ بِتُرْبَةِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَإِنَّهَا أَمَانٌ». تهذیب الأحكام، ج 6، ص 74، ح 12.

4- . «عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يُحَنَّكُ الْمُؤَلَّدُ بِمَاءِ الْفُرَاتِ». الكافي، ج 6، ص 24، ح 3 - برگرفته از حلیة المتقین، علامه مجلسی، باب ایام حمل و آداب روز ولادت، ص 86.

و همچنین غسل دادن طفل در وقت ولادت سنت مؤکد است(2)

و یا از وظایف اولیاء اطفال است که در سنین مختلف برای تربیت دینی او اعمالی را به طفل بیاموزند: در سه سالگی کلمه توحید «لا اله الا الله»، در سه سال و هفت ماه و بیست روز «محمد رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم»، در چهار سالگی «صلى الله على محمد و آله» و در پنج سالگی بگویند سجده کند و در شش سالگی سجده و رکوع صحیح را یادش دهند و در هفت سالگی نماز خواندن را به او بیاموزند و او را به نماز امر کنند.(3) تا قبل از سن تکلیف با فرائض مأنوس شود. امام خمینی رحمه الله نیز در این باره می فرماید:

ص: 82

- 1- «حَنَّكُوا أَوْلَادَكُمْ بِمَاءِ الْفِرَاتِ وَ بِتُرْبَةِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ فَبِمَاءِ السَّمَاءِ». الكافي، ج 6، ص 24، ح 4 - برگرفته از حلیة المتقین، باب ایام حمل و آداب روز ولادت، ص 86.
- 2- «إذا قربت ولادة فلتخل بها النساء لتتولّي أمرها، وإذا ولد المولود، فالسنة أن يغسل». الآداب الدينية للخزانة المعينية، فضل بن حسن طبرسی، الفصل الحادي عشر في ذكر ما يتعلق بالولادة و المولود من الآداب، ص 117، با ترجمه احمد عابدی؛ فصل یازدهم آداب مربوط به فرزند و تولد او، ص 305 - برگرفته از حلیة المتقین، علامه مجلسی، باب ایام حمل و آداب روز ولادت، ص 89.
- 3- «إِذَا بَلَغَ الْغُلَامُ ثَلَاثَ سِنِينَ يُقَالُ لَهُ سَبْعَ مَرَّاتٍ قُلْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ثُمَّ يُتْرَكُ حَتَّى يَتِمَّ لَهُ ثَلَاثُ سِنِينَ وَ سَبْعَةَ أَشْهُرٍ وَ عَشْرُونَ يَوْمًا فَيُقَالُ لَهُ قُلْ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ سَبْعَ مَرَّاتٍ قُلْ صَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ثُمَّ يُتْرَكُ حَتَّى يَتِمَّ لَهُ خَمْسُ سِنِينَ ثُمَّ يُقَالُ لَهُ أَيُّهُمَا يَمِينُكَ وَ أَيُّهُمَا شِمَالُكَ فَإِذَا عَرَفَ ذَلِكَ حَوَّلَ وَجْهَهُ إِلَى الْقِبْلَةِ وَ يُقَالُ لَهُ اسْجُدْ ثُمَّ يُتْرَكُ حَتَّى يَتِمَّ لَهُ سِتُّ سِنِينَ فَإِذَا تَمَّ لَهُ سِتُّ سِنِينَ صَلَّى وَ عَلَّمَ الرُّكُوعَ وَ السُّجُودَ حَتَّى يَتِمَّ لَهُ سَبْعُ سِنِينَ ..... فَإِذَا تَعَلَّمَ الْوُضُوءَ وَ الصَّلَاةَ غَفَرَ اللَّهُ لِوَالِدَيْهِ». وسائل الشيعة، ج 21، ص 474، ح 27620 - من لا يحضره الفقيه، ج 1، ص 281، ح 863 - الأملی للطوسي، ص 433، ح 29 - برگرفته از حلیة المتقین، ص 96 و پرورش مذهبی کودک، دکتر علی قائمی، ص 73 و کودک از نظر وراثت و تربیت، آقای فلسفی رحمه الله، ج 2، ص 198 و مکارم الأخلاق، ص 222، ترجمه میرباقری، ج 1، ص 424 - همچنین پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «مُرُوا صِبْيَانَكُمْ بِالصَّلَاةِ إِذَا بَلَغُوا سَبْعَ سِنِينَ إِلَى أَنْ قَالَ وَ فَرَّقُوا بَيْنَهُمْ فِي الْمَضَاجِعِ إِذَا بَلَغُوا عَشْرًا». مستدرک الوسائل، ج 14، ص 288، ح 3.

«مستحب است بچه‌مميز یعنی بچه‌ای که خوب و بد را می‌فهمد به نماز خواندن و عبارت‌های دیگر عادت دهند. بلکه مستحب است او را به قضای نمازها هم وادار نمایند» (1).

و یا در مورد غریزه جنسی با اینکه شاید کودکان 6 تا 12 سال حتی معنا و مفهوم آن را نیز هنوز نتوانند درک کنند و با وجود آن که نیروی جنسی دختر و پسر در سن بلوغ است که بیدار می‌شود، ولی در روایات اسلامی به دلالتی (2)

تعالیم خاصی در این زمینه برای سنین قبل از بلوغ ارائه شده که مراعات این روش تربیتی اسلام موجب می‌شود زمینه خیلی از انحرافات از بین برود و کودکان از خیلی خطرات احتمالی در امان باشند.

برای نمونه در روایت است که نامحرم، دختر 6 ساله را نبوسد و بر دامن نشاناند (3)

و او را در آغوش نگیرد (4)

و حتی رسول اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ می‌فرمود:

ص: 83

1- . رساله امام خمینی رحمه الله ، مبحث: نماز قضا، مسئله 1389.

2- . برنامه طبیعت و قانون خلقت این است که تمایل جنسی در سنین بین 6 تا 12 سالگی باید در حال اختفاء باشد و این مطلب مورد قبول همه دانشمندان و حتی فروید است با توجه به اصل هماهنگی روش‌های تربیت و طبیعت، بهترین برنامه تربیتی در راه پرورش صحیح غریزه جنسی بین سنین 6 تا 12 سالگی برنامه‌ای است که با اختفاء غریزه جنسی هماهنگ است و حتی محبت کودکان با یکدیگر شائبه تمایل جنسی نداشته باشد، و به عبارت روشن‌تر برنامه طبیعت در چند سال قبل از بلوغ، اختفاء تمایل جنسی است، و لازم است برنامه تربیت نیز با قانون طبیعت هماهنگ باشد و شرایط پرورش کودک، به اختفاء غریزه جنسی کمک کند. برگرفته از نظر وراثت و تربیت، آقای فلسفی 6، ج 2، ص 365 و 366.

3- . «وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ سَأَلَهُ أَحْمَدُ بْنُ النُّعْمَانِ فَقَالَ عِنْدِي جُورِيَةٌ لَيْسَ بَيْنِي وَبَيْنَهَا رَحِمٌ وَلَهَا سِتُّ سِنِينَ قَالَ فَلَا تَضَعَهَا فِي حَبْرِكَ وَلَا تَقْبُلْهَا». مكارم الأخلاق، ص 223 - الحديث، روایات تربیتی، ج 3، ص 89.

4- . «قَالَ إِذَا أَتَتْ عَلَى الْجَارِيَةِ سِتُّ سِنِينَ لَمْ يَجْزُ أَنْ يُقْبَلَهَا رَجُلٌ لَيْسَتْ هِيَ بِمَحْرَمٍ لَهُ وَلَا يَضَعُ مَهًا إِلَيْهِ». وسائل الشيعة، ج 20، ص 230، ح 25504 - تهذيب الأحكام، ج 7، ص 461، ح 54 - الحديث، روایات تربیتی، ج 3، ص 88.

دختر بچه 6 ساله را، پسر بچه نبوسد و همچنين زن ها از بوسيدن پسر بچه ای که سنش از هفت سال تجاوز کرده است خودداری کنند. (1)

و يا دختر 6 ساله را مادر نزد خود به صورت برهنه نخواستند. (2)

و يا بستر خواب بچه ها در سن 10 سالگي (دختر يا پسر) بايد از هم جدا باشد. (3) و حتى در بعضي احاديث است که از سن 6 سالگي بستر خواب کودکان از هم جدا باشد. (4)

در ضمن ما عملاً نيز شاهد هستيم دختری که فرضاً 2 سال قبل از زمان تکليف با روش تربيتی عادت دادن، حجابی داشته، در زمان تکليف نيز خیلی راحت تر می تواند حجاب کاملی را که اسلام از دختران و بانوان خواسته مراعات نماید. (5)

البته اشتباه برداشت نشود منظور اين نيست که اين گونه اعمال فقط بايد بر اساس عادت انجام پذيرد بلکه منظور اين است که اگر عادات پسندیده ای که در کودکی پایه ريزی شده با تعاليم صحيحی مانند شرکت در مجامع دينی، مطالعه کتب اعتقادی و

ص: 84

1- . «إِذَا بَلَغَتِ الْجَارِيَةُ سِتًّا سَيِّئَةً فَلَا يُقْبَلُهَا الْعُلَامُ وَالْعُلَامُ لَا يُقْبَلُ الْمَرْأَةَ إِذَا جَارَ سَبْعَ سِنِينَ». من لا يحضره الفقيه، ج 3، ص 437، ح 4510 - الحديث، روايات تربيتی، ج 3، ص 88.

2- . «مُبَاشَرَةُ الْمَرْأَةِ ابْنَتَهَا إِذَا بَلَغَتْ سِتًّا سَيِّئَةً مِنْ الزَّانَا». وسائل الشيعة، ج 20، ص 230، ح 25503 برگرفته از حلية المتقين، علامه مجلسی، ص 97 - البته معنای «مباشرت مادر» در روضة المتقين في شرح من لا يحضره الفقيه (ط - القديمة)، ج 8، ص 344 چنین آمده: «مباشرة المرأة ابنتها» بأن يصل بدنها عارياً إلى بدنها أو بأن تمس فرجها «شعبة» طائفة و جزء «من الزنا» مبالغة في الكراهة.

3- . «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ الصَّبِيُّ وَالصَّبِيَّةُ وَالصَّبِيُّ وَالصَّبِيَّةُ يُفَرَّقُ بَيْنَهُمْ فِي الْمَضْاجِعِ لِعَشْرِ سِنِينَ». مكارم الاخلاق، ص 223 - الحديث، روايات تربيتی، ج 3، ص 89 - برگرفته از حلية المتقين، علامه مجلسی، ص 95 و کودک از نظر وراثت و تربيت، آقای فلسفی رحمه الله، ج 2، ص 367.

4- . «رُوي أَنَّهُ يُفَرَّقُ بَيْنَ الصَّبِيَّانِ فِي الْمَضْاجِعِ لِسِتِّ سِنِينَ». من لا يحضره الفقيه، ج 3، ص 436، ح 4508 - مكارم الاخلاق، ص 223 - الحديث، روايات تربيتی، ج 3، ص 90 - کودک از نظر وراثت و تربيت، آقای فلسفی رحمه الله، ج 2، ص 367.

5- . آن طور که از خانم فريده مصطفوی دختر امام خميني رحمه الله در کتاب پا به پای آفتاب، ج 1، ص 101 نقل شده نظر امام خميني رحمه الله نيز اين بوده که دخترها از بچگی حجاب شرعی خود را حفظ کنند. و ایشان در مورد فرزندان دختر خود نيز مقيد به رعايت اين امر بوده اند.

بیان فلسفه احکام (تا حدّ امکانی که برای عقل بشر میسر است) و ... از سنی که کودک می فهمد و قدرت تشخیص دارد (البته با بیانی که برای کودک شیرین و قابل درک باشد و متناسب با سن او باشد) همراه شود، موجب بینش و شناختی عمیق برای او در آینده خواهد شد که در اعماق جانش نفوذ کرده و به سادگی قابل تغییر نیست (1) و

همین امر باعث سعادت دنیوی و اُخروی او خواهد شد. البته قابل ذکر است که باید در مراحل اولیه سعی کنیم دختر بچه ها به حجاب علاقمند گردند، مثلاً- لباس های زیبایی را با پارچه های جالب و زینت هایی متفاوت که در عین حال محجّبانانه نیز هستند برایشان تهیه کنیم تا در عین اینکه میل به زیبایی طلبی در آنها ارضاء می شود، کم کم بعد از مدّتی بچه به حجاب علاقمند گردد و به آن مانوس شود.

ص: 85

---

1- . امام علی علیه السلام فرمودند: «الْعِلْمُ مِنَ الصَّغَرِ كَالنَّقْشِ فِي الْحَجَرِ» یعنی «علم و دانش در کودکی مانند حکاکی در سنگ است». بحار الانوار، ج 1، ص 224 - حتی پیامبر اکرم صَدِّقِیَ اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرموده اند: «حِفْظُ الْغُلَامِ الصَّغِيرِ كَالنَّقْشِ فِي الْحَجَرِ وَحِفْظُ الرَّجُلِ بَعْدَ مَا يَكْبُرُ كَالْكِتَابِ عَلَى الْمَاءِ» یعنی «حفظ کردن (به خاطر سپردن) بچه کوچک مانند حک کردن در سنگ است و حفظ کردن انسان بزرگ مانند نوشتن بر روی آب است». نهج الفصاحه، ص 445.

آیا اسلام به وسیله حُکم حجاب نمی خواهد زن را در خانه محصور کند و مانع فعالیت های اجتماعی او شود؟ مسلم است زنی که حجاب ندارد خیلی راحت تر و آزادتر می تواند فعالیت های اجتماعی را انجام دهد؟!

پاسخ: اصلاً همین که اسلام برای زن احکام حجاب را معین نموده، نشان دهنده این مطلب است که زن می تواند در جامعه حاضر شود، چرا که در محیط خانه نیازی به حجاب نیست لذا حجاب، نشانه حضور زن در جامعه است ولی به همراه تعهدات اخلاقی و رعایت حدود پوشش اسلامی. در اسلام زن برای انجام وظایف خود در خانواده مجبور نشده که از فعالیت های اجتماعی دور باشد. در تاریخ صدر اسلام و بعد از آن نمونه های فراوانی از زنانی وجود دارند که با رعایت عفت و پاکدامنی و پوشش کامل اسلامی در زمینه علم، ادب، سیاست، عرفان، جنگ و جهاد... فعال بوده اند که در کتاب هایی مانند دُرّ المنثور و ریاحین الشریعه و... نام آنان مذکور است. و البته علاوه بر حضرت فاطمه علیها السلام که حتی در پایان عمر شریفشان نیز علیه ظلم مبارزه می کردند و همچنین حضرت زینب(1)

و حضرت خدیجه علیهما السلام و... که از بزرگ ترین زنان دین اسلام محسوب می شوند، نام تعداد بسیاری از زنان دیگر نیز در این کتب مطرح شده است که اگر بخواهیم شرح حال هر کدام را ذکر کنیم مطلب به درازا می کشد. لذا فقط نام تعدادی از آنها را در چند مورد بیان می کنیم:

ص: 86

---

1- رجوع شود به نقش اجتماعی و حقوقی زن از دیدگاه شهید مظلوم آیت الله دکتر بهشتی رحمه الله، ص 23 و 24.

1 - سَمِيَّةٌ مَدْرَ عَمَّارٍ يَاسِرٍ كَهِتِي فِي مَبَارِزِهِ بِكَفَرٍ بِهٖ فَيُضِ عَظِيمَ شَهَادَتِ نَائِلٍ شَدِيدٍ. 2 - سَوْدَةُ دَخْتَرِ عِمَارِ بْنِ الْأَسْكَ هَمْدَانِيَّةٌ كَتَبَتْ فِي صَحْفَةِ اجْتِمَاعِيٍّ وَسِيَاسِيٍّ رَأْيَ وَوَظِيفَةَ خُودِهَا دَانَسَتْ. 3 - عَمَّةُ رَسُولِ خَدَا صَلَّيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ خَوَاهِرُ حَمَزَةَ عَمُوِيٍّ بِرَأْيِهَا صَلَّيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ كَمَا عَلَاوَهُ بِرُحُورِهَا فِي صَحْفَةِ سِيَاسَتِ الْأَدْبِيَّاتِ وَالْإِيَّابِيَّاتِ بِرُحُورِهَا فِي شِعْرِهَا وَقَطْعَاتِهَا فِي قَابِلِ تَوَجُّهِيٍّ مِيٍّ سَرُودِهِ اسْتَأْت. 4 - دَخْتَرِ حَرِثِ بْنِ عَبْدِ الْمُطَّلَبِ كَمَا بَانُوِيٍّ سَخْنُورٍ وَخَطِيبِ عَالَمٍ بُوْد. 5 - أُمُّ الْخَيْرِ، كَمَا سَخْنَانِ خُودِهَا بِرَأْيِهَا مَنطِقِ شِيوَا وَبَارُوشِ قُرْآنِيٍّ وَعَقْلِيٍّ فِي بَرَابَرِ ظَلَمٍ، إِيْرَادِهَا مِيٍّ فَرَمُوْد. 6 - أُمُّ خَالِدِ بْنِ زَيْنَانَ مَحَدَّثِ صَدْرِ إِسْلَامِ كَمَا عَلَاوَهُ بِرُحُومَتِهَا فِي صَحْفَةِ جَنْغِ وَجِهَادِ، مِنْ سِيْرَةِ رَسُولِ خَدَا صَلَّيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، حَدِيثِ نَقْلِهَا مِيٍّ كَرْد. 7 - أَمِيْمَةُ كَمَا عَلَاوَهُ بِرُحُومَتِهَا فِي تَدَارُكِهَا فِي جِهَةِ الْأُمُورِ قَبِيْلَةِ تَخْلِيَةِ مَجْرُوحِيْنَ، دَفْنِ شَهِيْدِيْهَا، ...، عَهْدِهَا فِي وَظَائِفِ تَبْلِيْغَاتِيٍّ وَتَرْغِيْبِهَا وَإِيْجَادِ شُورٍ وَشُوقِهَا فِي رِزْمَنْدِگَانِ مِنْ طَرِيْقِ إِيْرَادِ شِعْرِهَا وَخَطَابِهَا فِي رُؤَايَاتِهَا فِيهَا رَأْيَ نَقْلِهَا مَعْرُودِهِ اسْتَأْت. 8 - خَنَسَاءُ نِيْزِ شَاعِرِيٍّ شَهِيْدِ رُورِ بُوْد ... (1).

پس حجاب داشتن مانع فعالیت اجتماعی زن نمی شود. در قرآن کریم 15 مرتبه از حجاب سخن گفته شده که شاید بتوان از کلمات و آیات آن به بعضی از دلایل ضرورت به صورت محجّب ظاهر شدن زن در جامعه پی بُرد. مثلاً در سوره احزاب آیه 33 آمده که: «وَلَا تَبْرُجْنَ تَبْرُجُ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى» یعنی زن در جامعه که حاضر می شود باید زیبایی های خود را آشکار نکند بلکه باید آنها را بپوشاند و مثل زمان جاهلیت در میان مردم ظاهر نشود. کلمه «تَبْرُج» در اصل به معنای «ظهور» بوده و برج را هم به دلیل اینکه برای همه هویدا و ظاهر است، برج نامیده اند (2).

و یا در سوره نور آیه 31 می فرماید: «وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ» یعنی لباس زن باید طوری باشد که زینت های او را مخفی کند، زن نباید در برابر نامحرمان آرایش و خودآرایی کند و به طور کلی کاری نکند که در جامعه جلوه کند و توجه مردان

ص: 87

- 
- 1- . برگرفته از زن در آئینه جلال و جمال، آیت الله جوادی آملی دام ظلّه، ص 290 تا 324.
  - 2- . برگرفته از تفسیر المیزان، علامه سید محمد حسین طباطبایی رحمه الله ، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی رحمه الله ، چاپ سوم، ج 32، ص 175 و ج 29، ذیل آیه 60 سوره نور، ص 237.

را به حیوانیت خود جلب کند، لباس او طوری باشد که در برخورد با نامحرم، آنان به انسانیت او توجه داشته باشند و خودش و دیگران را از راه کمال باز ندارد و همان طور که در پاسخ به سؤال دهم بیان شد در رساله عملیه نیز ذکر گردیده که زن و مرد، بنابر احتیاط حرام است لباس شهرت بپوشند، یعنی لباسی که باعث انگشت نما شدن شود(1)

و یا در سوره احزاب آیه 59 می فرماید:

«قُلْ لِأَزْوَاجِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ» یعنی ای پیامبر: به زنان و دخترانت و زنان مؤمن بگو خود را بپوشانند، این کار برای آن که به عنوان اهل عفت و حجاب و صلاح و سداد شناخته شوند تا دیگر اذیت نشوند (یعنی اهل فسق و فجور متعرض آنان نگردند)، بهتر است.(2)

بنابراین ممکن است رعایت حجاب از نظر تحمل گرما و حفظ پوشش و راحتی عمل، کمی مشکل باشد ولی تحمل این مشکل، زنان را از رنج مشکلات بزرگتری حفظ خواهد نمود و هدف شارع مقدس هم به هیچ وجه محصور کردن زنان در خانه نبوده است.(3)

در روایات است که زنان از خانه بیرون می آمدند تا دنبال رسول

ص: 88

1- رساله امام خمینی رحمه الله، مبحث: لباس نمازگزار، م 845 و 846.

2- برگرفته از تفسیر المیزان، علامه سید محمد حسین طباطبایی رحمه الله، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی رحمه الله، چاپ سوم، ج 32، ص 224.

3- هیچ باغبانی را سرزنش نمی کنند که چرا دور باغ خود حصار و پرچین کشیده است، چون باغ بی دیوار از آسیب مصون نیست و میوه و محصولی برای باغبان نمی ماند. هیچ کسی هم با نام آزادی دیوار خانه خود را بر نمی دارد و شب ها درب حیاطش را باز نمی گذارد چون خطر رخنه دزد جدی است. هیچ صاحب گنج و گوهری هم جواهرات خود را بدون حفاظ در معرض دید رهگذران نمی گذارد تا بدرخشد و جلوه کند و چشم و دل بریاید چون خود جواهر ربوده می شود. لذا هر چه قیمتی تر باشد درصد مراقبت از آن بالاتر می رود و هر چه که نفیس تر باشد بیم ربودن و غارت، بیشتر است و مواظبت لازم تر است. اگر در شیشه عطر را باز بگذاری عطرش می پرد. رشته مروارید عفاف را در صدف حجاب محافظت کن، گوهر عفاف و پاکی کم ارزش تر از طلا و مروارید و پول و محصول باغ و وسایل خانه نیست و دزدان ایمان و غارت گران شرف نیز فراوانند. اگر در مقابل پنجره خانه ات توری نزی از نیش پشه ها و مزاحمت مگس ها در امان نخواهی بود. وقتی راه پشه ها را می بندی خود را مصون ساخته ای نه محدود و زندانی. وقتی در خانه را می بندی یا پشت پنجره اتاقت پرده می آویزی خانه خود را از ورود بیگانه و نگاه های مزاحم در پناه قرا داده ای نه اینکه خود را در قید و بند و حصار افکنده باشی. لذا حکم حجاب نیز برای محصور نمودن زن نیست بلکه به این خاطر است که عصمت و لطافتش نباید در دست های خشن کام جویان دیو سیرت که نقاب مهربانی و عشق به چهره دارند پژمرده شود و بازیچه هوسرانان گردد. برگرفته از بروشور «گل عفاف»، جواد محدثی.



خدا صَ لَمَّى اَللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ در مسجد نماز بخوانند، وقتی که شب برای خواندن نماز مغرب و عشاء بیرون می آمدند جوانان سر راه آنان می نشستند و به ایشان متلک می گفتند و یا متعرض ایشان می شدند. اما خدا و رسولش به زنان نگفتند شما دیگر نمی خواهید شب ها به مسجد بیایید بلکه آیه 59 سوره احزاب در این رابطه نازل شد که خود را بپوشانید تا شناخته شوید و مورد آزار و اذیت قرار نگیرید (1) و یا در زمان رسول اکرم صَلَّى اَللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ زن و مرد از یک در، وارد مسجد می شدند و گاهی به هم برخورد می نمودند، اما در آنجا نیز باز حضرت نفرمودند که زنان دیگر به مسجد نیایند بلکه فرمودند:

دو در بسازید یکی مخصوص مردان و دیگری مخصوص زنان. (2)

حتی اهل سنت هم نقل کرده اند که در زمان پیغمبر صَ لَمَّى اَللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ، زنان نماز صبح را با آن حضرت می خواندند و در حالیکه کاملاً خود را با عبا می پوشانیدند، پیش از آن که شناخته شوند (هوا روشن شود) به خانه هایشان بازمی گشتند. (3)

ص: 89

- 1- «إِنَّ النَّسَاءَ كُنَّ يَخْرُجْنَ إِلَى الْمَسْجِدِ وَيَصَلِّينَ خَلْفَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ فَإِذَا كَانَ بِاللَّيْلِ وَ خَرَجْنَ إِلَى صَلَاةِ الْمَغْرِبِ وَ الْعِشَاءِ وَ الْعِدَاةِ يَقْعُدُ الشَّابُّ لَهُنَّ فِي طَرِيقِهِنَّ فَيُؤْذِنُهُنَّ وَ يَتَعَرَّضُونَ لَهُنَّ فَأَنْزَلَ اللَّهُ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ وَ بَنَاتِكَ وَ نِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَ كَانَ اللَّهُ غَفُوراً رَحِيماً». بحار الأنوار، ج 101، ص 33، ح 6 - تفسير قمی، ج 2، ص 19 - تفسير الميزان، علامه سيد محمد حسين طباطبائي رحمه الله، ترجمه سيد محمد باقر موسوي همداني رحمه الله، چاپ سوم، ج 32، مبحث: بحث روايتی ذیل آیات 49 تا 62 سوره احزاب، ص 231.
- 2- . سنن ابو داود، ج 1، ص 109 به نقل از مسئله حجاب، استاد شهيد مطهري رحمه الله، ص 213 و 214.
- 3- . مسند احمد بن حنبل و سنن دارمی، ج 21، ص 77 و سنن ابی داود، ج 1، ص 69 به نقل از حجاب در اسلام، شيخ قوام و شنوی، ترجمه و اضافات احمد محسنی گرگانی، ص 205.

در عصر خود ما نیز نظرات امام خمینی رحمه الله که برخاسته از اسلام ناب محمدی صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ است، در این زمینه ها واقعاً شنیدنی است. ایشان حتی فرزندان و نوه های دختری خود را به تحصیل در دانشگاه ها تشویق می کردند و مخالف اشتغال زنان در ادارات و یا مراکز دیگر نبودند و زنان را از فعالیت های سیاسی اجتماعی منع نمی کردند ولی می فرمودند: حدود شرعی را رعایت کنید. (1)

لازم به ذکر است که زن و مرد، دو بُعد دارند: انسانی و حیوانی. و زن با حفظ حجاب در جامعه بُعد انسانی وجودش شناخته می شود و با او برخورد انسانی می شود (2) نه برخوردی شهوانی که برخاسته از بُعد حیوانی است و بُعدی ناپایدار است. البته کسانی که با لباس شهرت در جامعه ظاهر می شوند و عفت عمومی را می شکنند، بدانند که هم در قیامت با خواری باید لباسی از آتش بپوشند و هم در این دنیا در واقع خود را خوار می کنند و ارزش انسانی خود را پایمال کرده و شخصیت خود را در حد حیوانیت تنزل می دهند. امام حسین علیه السلام می فرماید:

«کسی که در دنیا لباس شهرت و خودنمایی بپوشد، خدا در قیامت به او لباس آتش را می پوشاند». (3)

امام صادق علیه السلام فرمودند:

«از خواری شخص همین بس که از لباس و مرکبی استفاده کند که وسیله شهرت او شود». (4)

و باز از آن حضرت است که:

ص: 90

---

1- رجوع شود به پایه پای آفتاب، گردآوری و تدوین امیر رضا ستوده، ج 1، سخنان دختران و عروس و نوه های دختری حضرت امام خمینی رحمه الله، ص 172 و 174 و ....

2- به فرموده خانم دکتر مهری سوزی در برنامه «پرسش»، شبکه 3، مورخ 8/16/84: اینکه انسان بخواهد رفتار دیگران با او به خاطر جنبه انسانی او باشد نه جنسی، با اعتقاد تنها و حتی شعار و گفتار محقق نمی شود بلکه طرز پوشش و نگاه و گفتار و رفتار هر کس است که باعث می شود برخورد دیگران با وی به خاطر حیثیت انسانی او باشد.

3- «مَنْ لَيْسَ تَوْبًا يَشْهَرُهُ كَسَاهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تَوْبًا مِنَ النَّارِ». الكافي، ج 6، ص 445، ح 4.

4- «كَفَى بِالْمَرْءِ خِزْيًا أَنْ يَلْبَسَ تَوْبًا يَشْهَرُهُ أَوْ يَرَكَبَ دَابَّةً تَشْهَرُهُ». وسائل الشيعة، ج 5، ص 24، ح 5790.

در اینجا بسیار مناسب است که سخنان شهید مظلوم آیت الله بهشتی علیه السلام را نیز در این رابطه متذکر شویم که می فرماید:

«ای بانوان مسلمان، ای دختران و خواهران من هوشیار باشید. پوشش شما نشانه آن است که دیگر حاضر نیستید جاذبه های زنانگی خود را با چاشنی کارآئی ها و مهارت هایتان (همراه) کنید تا مردان را خوش آید. می خواهید کرامت و عزّت و والایی و ارزشتان در همان "ارزش های متعالی انسانی" باشد. در کارتان، در کارآئی تان، در هنرتان، در تقویاتان، در بینش و آگاهی تان، در مهر و انسان دوستی و در خدا دوستی تان، دیگر اجازه ندهید کسانی قیّم مآبانه برای شما دل بسوزانند که "چرا آزاد نیستید؟! یعنی چرا نمی توانید بدون پوشش خود را در معرض دید این قیّم های به ظاهر دلسوز قرار دهید. به آنها بگوئید: آزادی راستین من و تو در آن است که روابط ما در جامعه از هر نوع شائبه بهره بری های جنسی به دور باشد. و پوشش زن عامل مؤثّری است در این جهت، نمی گویم تنها پوشش کافی است، پوشش يك عامل است و عامل بهتر، طرز رفتار و برخورد کردن زن است و قرآن بر روی آن سخت تکیه دارد ... نگاهت، آهنگ سخنت،(2) طرز برخوردت و ... همه این ها باید پاك و متعالی باشد».(3)

ص: 91

- 
- 1- «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يُبْغِضُ شُهْرَةَ اللَّبَاسِ». الكافي، ج 6، ص 444، ح 1.
  - 2- برای توضیح بیشتر در این مورد به تفسیر سوره احزاب، آیات 32 و 33 و همچنین سوره نور، آیات 30 و 31 مراجعه شود.
  - 3- نقش اجتماعی و حقوق زن از دیدگاه شهید بهشتی، به کوشش علی محمدی گرمساری، ص 33.

شما گفتید لباس انسان نباید لباس شهرت باشد که باعث جلب توجه نامحرم گردد. پس در محیط های خارج از کشور اسلامی که اغلب زنان بی حجاب هستند، آیا نوع پوشش خانمی که با حجاب اسلامی و خصوصاً با چادر در آن جوامع ظاهر شود، چون بیشتر جلب توجه می کند، لباس شهرت نیست؟ و بهتر نیست که از نظر حجاب مانند بانوان آن جوامع باشد تا برای مردان آنجا عادی جلوه کند و خود او نیز کمتر اذیت شود؟ و به طور کلی در انجام امور اجتماعی روابط زن و مرد چگونه باید باشد؟

پاسخ: همان طور که در سؤال قبل نیز توضیح داده شد، لباس شهرت لباسی است که انسان را از کمال باز می دارد و باعث می شود که توجه انسان های دیگر، به بُعد حیوانی او جلب شود و رابطه آنان با او در چهارچوب انسانیت او خلاصه نگردد. پس هر گونه جلب توجهی ملاک لباس شهرت نیست بلکه مهم این است که لباس ما چگونه توجهی را به خود جلب می کند؟ اگر توجه شهوانی دیگران را به سوی ما جلب نمود، می شود لباس شهرت، که زمینه ای را فراهم می کند تا روابط دیگران با ما بیشتر بر اساس بُعد مادی و جسمانی باشد.

کارشناس یکی از برنامه های تلویزیونی (1) نقل می کرد که:

یکی از دوستان من در یکی از کشورهای خارجی در دانشگاه درس می خواند و با حجاب اسلامی چادر هم به آن مکان رفت و آمد می کرد، او تعریف می کرد که يك روز سه، چهار نفر پسر نزد من آمدند و گفتند: از رفتارتان این طور فهمیده

ص: 92

---

1- . این مطلب احتمالاً توسط خانم زهرا آیت اللهی در برنامه قرآن و زندگی، شبکه قرآن بیان گردید.

می شود که با این طرز حجاب می خواهید کسی به شما توجهی نکند ولی حجاب شما در این محیط، بیشتر جلب توجه می کند؛ پس بهتر نیست مثل دیگر زنان اینجا لباس پوشید تا جلب توجه نکنید؟ من کمی فکر کردم، اول به نظرم رسید که اینها درست می گویند و شاید اگر این کار را بکنم، بهتر باشد ولی یک مرتبه همان جا مطلبی به ذهنم رسید که بعدها هم فهمیدم درست بوده و قرآن کریم نیز همین را می گوید (1)

و آن مطلب این بود که:

به آنها گفتم: بله حقیقتش این است که من می دانم با این پوشش جلب توجه می کنم. ولی شما چطور توجهی به من می کنید؟ وقتی به من نگاه می کنید می فهمید که نباید نگاه جنسی و از بُعد حیوانی به من داشته باشید و رابطه شما با من باید فقط در حد روابط انسانی باشد و رفتاری جدی داشته باشید و متوجه می شوید که من از آن دسته زنانی نیستم که شما بتوانید از او بهره جنسی ببرید و رابطه نامشروع با او برقرار کنید. (چون زنان دیگر خواسته یا ناخواسته، آگاهانه یا ناآگاهانه در واقع با طرز لباس و آرایش و رفتار خود مردان را به بهره بردن از زیبایی خود و بهره جنسی از خود دعوت می کنند) و نوع پوشش و چادر من است که این حریم را برایم ایجاد کرده. آن پسران وقتی سخنان مرا شنیدند، تصدیق کردند و گفتند: بله اتفاقاً همین است و حرف شما درست است. ما با دیدن زنان بی حجاب، به خاطر

ص: 93

---

1- . سوره احزاب آیه 59 می فرماید: «ذَلِكَ أَذْنَىٰ أَنْ يُعْرِفَنَ فَلَا يُؤْذِينَ». معنی این آیه این است که به وسیله حجاب شناخته می شوند که زنانی نجیب و عفیف می باشند و بیمار دلان از اینکه به آنها طمع ببندند چشم می پوشند زیرا معلوم می شود اینجا حریم عفاف است، چشم طمع کور و دست خیانت کوتاه است. و مطلبی که از این آیه استفاده می شود و یک حقیقت جاودانی است این است که زن مسلمان باید آن چنان در میان مردم رفت و آمد کند که علانم عفاف و وقار و سنگینی و پاکی از آن هویدا باشد و با این صفت شناخته شود، و در این وقت است که بیمار دلان که دنبال شکار می گردند از آنها مأیوس می شوند و فکر بهره کشی از آنها در مخیله شان خطور نمی کند. می بینیم که جوانان ولگرد همیشه متعرض زنان جلف و سبک و لخت و عریان می گردند. وقتی که به آنها اعتراض می شود که چرا مزاحم می شوی، می گویند اگر دلش این چیزها را نخواهد با این وضع بیرون نمی آید. برگرفته از مسئله حجاب، استاد شهید مطهری رحمه الله، ص 162.

طرز پوششان به فکر بهره جنسی از آنها می‌آفیم و آنان خود با طرز رفتارشان ما را به این فکر می‌اندازند ولی پوشش شما را که می‌بینم، می‌فهمیم باید با شما جدی باشیم و فقط در محدوده روابط انسانی با شما رابطه داشته باشیم. به آنها گفتم: بله این طرز پوشش است که این حریم را برای من قائل شده است.

برای اینکه روابط زن و مرد در اجتماع فاقد ارتباطات جنسی باشد و برخوردها بر اساس انسانیت شکل بگیرد، باید حفاظ و حجابی در بین باشد. سیم‌های مثبت و منفی برق را در نظر بگیرید که هیچ‌گونه اتصال و اصطکاک با هم نمی‌کنند چرا؟ چون پوششی از پلاستیک آنها را پوشانیده است و بین دو دسته از سیم‌های مثبت و منفی، حجاب ایجاد کرده است، اگر صدها سیم از سیم‌های مثبت کنار هم قرار بگیرند نیازمند به پوشش نمی‌باشند اما اگر پای یک سیم منفی در میان باشد باید پوششی بین این سیم منفی و آن سیم‌های مثبت ایجاد شود. (1)

رابطه زن و مرد نامحرم در جامعه نباید رابطه‌ای صمیمی و خیلی خودمانی باشد مثلاً نباید مانند دوزن که با هم شوخی و خنده می‌کنند و اُنس می‌گیرند، با هم رفتار کنند. پیامبر صَلَّی اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید:

اگر زن و مرد نامحرم با یکدیگر شوخی کنند در قیامت به ازای هر کلمه هزار سال در آتش دوزخ حبس می‌شوند. (2)

زن باید وقار و سنگینی خود را حفظ کند و مطالبی که ضرورت ندارد را مطرح نکند حتی در قرآن کریم می‌فرماید که تن صدای شما به صورت نرم و نازک نباشد با عشوه و ناز با نامحرم سخن نگویند:

ص: 94

---

1- برگرفته از تمثیلات، آیت الله حائری شیرازی، ج اول، تحت عنوان: حجاب حفاظ انسان، ص 152.

2- «مَنْ فَآكَهَ امْرَأَةً لَا يَمْلِكُهَا حُسْبٌ بِكُلِّ كَلِمَةٍ كَلَّمَهَا فِي الدُّنْيَا أَلْفَ عَامٍ فِي النَّارِ». بحار الأنوار، ج 73 و 7، ص 363 و 214، ح 3 و

117 - ثواب الاعمال، ص 282.

«فَلَا تَخْضَعَنَّ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا» (1) و در مورد نگاه کردن همان طور که گفتیم زن و مرد وظیفه دارند که چشم های خود را حفظ کنند. (2)

و همچنین می فرماید:

«وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى» (3) در خانه هایتان بنشینید و بی جهت و بدون ضرورت بیرون نیایید و این طور نباشد که بدون ضرورت در خیابان و بازار ریخته باشید و مانند بُرج که هویدا و ظاهر است و جلب نظر می کند، خود را مثل زمان جاهلیت نخستین (4)

با خودآرایی و آرایش جلوه ندهید و در جامعه به

ص: 95

- 1- . سوره احزاب، آیه 32.
- 2- . «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ..... وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ». سوره نور، آیه 30 و 31.
- 3- . سوره احزاب، آیه 33- استاد ارجمند محسن قرائتی می فرمودند خداوند متعال بعضی مسائل حتی مهم را در قرآن کریم بیان ننموده مثلاً در سوره روم آیه 31 فرموده نماز را برپا دارید «أَقِيمُوا الصَّلَاةَ» ولی نفرموده این نماز در اوقات مختلف چند رکعت باشد و یا در سوره حج آیه 29 فرموده به دور کعبه طواف کنند «وَلْيَطُوفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ» ولی نفرموده چند بار طواف کنید و بیان این مطالب را به عهده رسول اکرم صَدِّ لِي اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ گذاشته است، ولی ببینید این مسئله جلوه گری بانوان در جامعه چقدر حساس است که خدای متعال در مورد چگونگی پوشش و زینت و آرایش و حتی نگاه کردن و راه رفتن ایشان در جامعه نیز آیه نازل نموده. در سوره نور آیه 31 می فرماید: «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلَا يَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ ..... وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ» و حتی در مورد سخن گفتن ایشان در سوره احزاب آیه 32 می فرماید: «فَلَا تَخْضَعَنَّ بِالْقَوْلِ». برگرفته از سخنان استاد ارجمند محسن قرائتی، برنامه سمت خدا، شبکه 3 سیما، در تاریخ 20/10/1400.
- 4- . ظاهراً منظور از «جاهلیت اولی» همان جاهلیت قبل از اسلام است. به طوری که در تواریخ آمده در آن موقع زنان حجاب درستی نداشتند و تبرج به زینت می کردند و دنباله روستری های خود را به پشت سر می انداختند به طوری که گلو و قسمتی از سینه و گردن بند و گوشواره های آنها نمایان بود و لذا قرآن کریم در سوره احزاب آیه 31 می فرماید: «وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ» یعنی «روستری های خود را برسینه خود افکنید (تا گردن و سینه با آن پوشانده شود) و زینت خود را آشکار نسازید». البته قرآن کریم با این تعبیر در واقع پیشگویی کرده که جاهلیت دیگری (جاهلیت ثانیه) نیز بعد از اسلام پا به عرصه وجود خواهد گذاشت. مانند عصر ما که شاهدیم آنچنان جاهلیتی بر جوامع بشری حاکم شده که جاهلیت عرب قبل از اسلام در مقابل آن موضوعی کم اهمیت است. برگرفته از تفسیر نمونه، آیت الله العظمی مکارم شیرازی دام ظلّه، چاپ بیست و سوم، ج 17، ذیل آیه 33 سوره احزاب، ص 313 و 314 و 328.

نمایش نگذارید و زینت های خود را برای همگان هویدا و آشکار نکنید و در واقع مردم را به دیدن خود دعوت نکنید و در غیر ضرورت با نامحرم تماس نداشته باشید و اگر هم ضرورت پیدا کرد رفتار شما با آنان جدی و بدون خودنمایی و جلوه دادن زیبایی ها باشد. (1)

لذا با این آراجیف که دشمنان در جامعه منتشر می کنند و دوستان جاهل نیز متأسفانه به آن دامن می زنند که: «موقعیت زمان ما با صدر اسلام فرق می کند، الآن دیگر قدیم نیست که همه بپسندند زنان چادر و چاقچور کنند، در زمان ما این گونه بودن را عقب بودن از تمدن و زمانه و اُمَل بودن می پندارند»، (2) باید هوشیارانه برخورد

ص: 96

- 1- . برگرفته از سخنان یکی از اساتید دانشگاه (خانم دکتر مریم حاج عبدالباقی)، برنامه قرآن و زندگی، شبکه قرآن سیما، مورخ 2/29/81 و همچنین استاد ارجمند محسن قرائتی، برنامه سمت خدا، شبکه 3 سیما، مورخ 20/10/1400.
- 2- . اگر برای ایمنی از خطرها و آسودگی از مزاحمان خود را پوشانی نه کسی ایراد می گیرد و نه اگر هم ایراد بگیرد اعتنا می کنی، چرا که سخنش را بی منطق و ناآگاهانه می دانی و می بینی. خراب کردن همه دیوارها و برداشتن همه پرده ها و باز گذاشتن همه پنجره ها نشانه تیره اندیشی است نه روشنفکری! علامت جاهلیت است نه تمدن! اگر غیر از این می اندیشی به طومار کسانی نگاه کن که یا با فریب امروزی بودن و متمدن بودن و یا به بهای چند نامه و نگاه و لبخند گوهر عصمت خود را فروختند و لطافت و عصمتشان بازیچه دست هوسرانان گردید و پس از آن که گل عصمت و عفتشان را چیدند آنان را دور انداختند یا زیر پایشان له کردند. کسانی که پس از آلوده شدن به ویروس گناه و رسوایی و بی آبرویی با دو دست پشیمانی بر سر غفلت خویش می زنند و بر جهالت خود لعنت می فرستند. آن که ایمان را به لقمه ای نان می فروشد و آن که زیبایی را با چند لحظه لذت زود گذر حرام و سرخوشی عوض می کند و آن که با بی حجابی و بدحجابی عفاف خود را جلوی صدها گرگ گرسنه می برد و به تماشا می گذارد، روزی اشک حسرت و پشیمانی خواهد ریخت و یا در آخرت به آتش بی پروایی خود خواهد سوخت. از اول که جامه عفاف سفید و شفاف است نباید گذاشت چرکابه گناه بر آن پاشد و از اول باید مواظب بود که این کاسه چینی نشکند و این جام بلورین ترک بر ندارد. از اول نباید به پای بیگانه اجازه ورود به مزرعه نجابت داد که بوته های نارس عصمت را لگدمال کند، چرا که وقتی شاخه شکست و گل چیده شد، دیگر اشک حسرت بی حاصل است. برگرفته از بروشور «گل عفاف»، جواد محدثی.



نمود و نگذاشت که دشمن با پُرکردن فکر و ذهن جوانان با این سخنان پوچ و بیهوده به اهداف شوم خود نائل گردد. زیرا همان طور که گفتیم مُحجَّب بودن با فعالیت اجتماعی داشتن و اجتماعی بودن زن منافات ندارد و لازمة اجتماعی بودن مختلط شدن زن و مرد و رفتارهای غیر مُحجَّبانه نیست و جوانان عزیز ما باید بدانند که اگر به دستورات اسلام عمل کنند، نه تنها عقب مانده نمی شوند بلکه از همه استعدادها و نیروهایی که خداوند در وجودشان نهاده است به نحو احسن می توانند استفاده کنند تا موجب رشد تمدن و علم در کشورهای اسلامی باشند، همچنان که در گذشته نه چندان دور مسلمانان این چنین بودند و علاوه بر این در آخرت نیز سعادت مند خواهند بود.

پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمودند:

«إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُبَاهِي بِالشَّابِّ الْعَابِدِ الْمَلَائِكَةَ، يَقُولُ أَنْظُرُوا إِلَى عَبْدِي تَرَكَ شَهْوَتَهُ مِنْ أَجْلِي»<sup>(1)</sup> یعنی «خداوند بر ملائکه به جوانی که عابد است و به خاطر او ترک شهوات کرده مباهات می کند».

نتیجه بی حجابی و بدحجابی چیزی به جز بی بند و باری و فساد و فحشاء نیست که برای نمونه می توان به آماری که هر از چند گاهی در خود جوامع غربی منتشر می شود رجوع کرد که چه تعداد زن مورد تجاوز قرار می گیرد و چه تعداد فرزند نامشروع از روابط به اصطلاح آزادانه زن و مرد به وجود می آید و یا چند درصد

ص: 97

---

1- . نهج الفصاحه، گردآورنده: ابوالقاسم پاینده، ص 182، شماره 1198 - میزان الحکمه، ج 5، ص 9.

دختران در آن جوامع از قرص ضد بارداری استفاده می کنند و چه تعداد به بیماری هایی نظیر ایدز و اعتیاد و ... مبتلا می گردند. (1) آیا معنای تمدنی که ما را به عقب ماندن از آن متهم می کنند همین نیست؟! اگر غیر از این بود آنان به جای اینکه زنان و مردان ما را به رفتارهای غیراخلاقی و عشق و عاشقی هایی که برانگیخته از هوی و هوس است، تشویق کنند می بایست به آموختن علم و دست زدن به اختراع و ابتکار و ... تشویق می نمودند!!

ص: 98

---

1- . رجوع شود به روزنامه اطلاعات شماره 10623 و روزنامه کیهان شماره 5356، به نقل از کودک از نظر وراثت و تربیت، آقای فلسفی رحمه الله ، ج 2، ص 356 - برای اطلاع از آمارهای بین المللی بروزتر در زمینه این گونه موارد به کتاب صعود چهل ساله، سید محمد حسین راجی و سید محمد رضا خاتمی، مبحث: خشونت جنسی علیه زنان، ص 284 مراجعه شود.

معیار برخورد و طرز پوشش زن در برابر محارمی چون فرزند، برادر، دایی ... چیست؟

پاسخ : این مُسَلِّم است که طرز برخورد زن با محارمی غیر از شوهر، نباید مانند شوهر باشد ولی محدوده رفتار و پوشش در برابر غیر همسر را هر چند که مَحْرَم باشد، عوامل و شرایط خاص هر فرد است که معین می کند. البته هر چند که ما در برابر آنان موظف به رعایت حجاب در حدّ مقبول اسلام نیستیم ولی اگر در خانه اخلاق و آداب اسلامی حاکم باشد، مادر جلوی پسرش و همچنین پدر جلوی دخترش نمی تواند مثلاً با مایوراه برود. (1) یعنی مسلماً زن آن گونه که در برابر شوهر می تواند بدون پوشش باشد، در برابر محارم دیگر نمی تواند ظاهر شود.

چگونگی و نوع پوشش در برابر محارم غیر از شوهر، چهارچوب خاصی ندارد و بستگی به محیط خانه که آن هم برگرفته از جامعه و اخلاق است، دارد. به طور مثال ممکن است پوشیدن لباس آستین کوتاه و یا دامن، در محیطی، عادی باشد اما در محیط دیگری ممکن است همین نوع پوشش غیر عادی و تحریک کننده باشد پس اولین عامل تعیین کننده، محیط خانواده است. دومین عامل، تشخیصش به عهده خود زن است. چون مردان مَحْرَم از این نظر، در سنین مختلف با هم فرق می کنند. مسلّم است که پوشش مادر و خواهر در برابر پسر چهار، پنج ساله با پسر ده، یازده ساله و یا بیست ساله فرق می کند ولی این خود زن است که باید تشخیص دهد در هر موقعیت و در برابر هر مَحْرَمی وضع پوشش او چگونه باشد مثلاً گاهی پسر 17 ساله به این گونه مسائل حسّاس است و گاهی هم جوان 20 ساله چندان هم در این

ص: 99

---

1- . برگرفته از سخنان آقای رحیم ازغدی، تحت عنوان: حجاب قانونی یا اجباری؟، سایت مشرق نیوز، کد خبر: 1120166، تاریخ انتشار: 29 شهریور 1399.

موارد حسّاسیتهی ندارد لذا خود زن باید موقعیت را تشخیص دهد و طبق آن عمل کند.

شاید بی‌مناسبت نباشد که در اینجا مسئله‌ای را هم ذکر کنیم و آن اینکه حتّی «مرد نباید با قصد لذّت به بدن مرد دیگر نگاه کند و نگاه کردن زن هم به بدن زن دیگر با قصد لذّت حرام است»<sup>(1)</sup> با اینکه هم جنس هم هستند. لذا شاید بتوان از مسئله مزبور نیز به اهمّیت موضوع مورد بحث پی برد.

ص: 100

---

1- . رساله امام خمینی رحمه الله ، مبحث: احکام نگاه کردن، مسئله 2438.

## سؤال پانزدهم:

اینکه بعضی می گویند: «آدم باید دلش پاک باشد، نمی دانید همین با حجاب ها چه کارها که نمی کنند، من فلان شخص را می شناسم با اینکه جانماز هم آب نمی کشد و باحجاب هم نیست ولی خدا می داند که چقدر قلبش پاک است و به دیگران کمک می کند و چقدر انفاق مالی می کند. آدم که نباید برای تظاهر جانماز آب بکشد». تا چه حد صحیح است؟

پاسخ:

اولاً- بله ما هم معتقدیم که عمل بی اخلاص نه تنها مقرب نیست یعنی شخص را به خدا نزدیک نمی نماید بلکه مبعدهم هست و موجب دور شدن از بساط قرب ربوبی جل و اعلی است و آیات شریف قرآنی در این موضوع بسیار است از جمله خداوند متعال در سوره زمر آیه 14 می فرماید:

«قُلِ اللَّهُ أَعْبُدُ مُخْلِصاً لَهُ دِينِي» یعنی «بگو من خدا را می پرستم و دینم را برای او خالص می گردانم».

و یا در آیه آخر سوره کهف می فرماید:

«فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا» یعنی «پس هر که به لقای پروردگارش امید دارد، باید کاری شایسته انجام دهد، و هیچ کس را در عبادت پروردگارش شریک نکند».

ص: 101

و البته ریاء نیز از عوامل شرک است(1)

و مستفاد از روایات نیز آن است که شخص ریاکار، مشرک و منافق و مغضوب پروردگار عالم و اهل عذاب است، خواه ریاء در واجبات باشد یا مستحبات.(2)

امام صادق علیه السلام فرمودند:

«روز قیامت بنده ای را می آورند که اهل نماز بوده به او می گویند در دنیا که نماز می خواندی قصدت این بوده که مدحت کنند و بگویند چه خوب نماز می خواند، پس او را به آتش می برند. بنده دیگری را می آورند که اهل قرآن بوده و به او می گویند قصدت این بوده که بگویند فلانی نیکو قرآن می خواند، پس او را هم به آتش می برند. دیگری را می آورند که جهاد کرده و کشته شده، می گویند قصدت این بوده که بگویند فلانی شجاع بوده، پس او را به آتش می برند. دیگری را می آورند که اهل انفاق بوده و می گویند قصدت این بوده که مردم بگویند فلانی با سخاوت است. پس او را به آتش می برند».(3)

ص: 102

1- . امام صادق علیه السلام فرمودند: «كُلُّ رِيَاءٍ شَرٌّ إِنَّهُ مِنْ عَمَلٍ لِلنَّاسِ كَانَ ثَوَابُهُ عَلَى النَّاسِ وَمَنْ عَمِلَ لِلَّهِ كَانَ ثَوَابُهُ عَلَى اللَّهِ». الكافي، ج 2، ص 293، ح 3.

2- . گناهان کبیره، شهید دستغیب رحمه الله، ج اول، ص 70 و 71.

3- . «سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ يُجَاءُ بِعَبْدٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ قَدْ صَلَّى يَقُولُ يَا رَبِّ صَلَّيْتُ ابْتِغَاءَ وَجْهِكَ فَيُقَالُ لَهُ بَلْ صَلَّيْتُ لِيُقَالَ مَا أَحْسَنَ صَلَاةَ فُلَانٍ اذْهَبُوا بِهِ إِلَى النَّارِ وَيُجَاءُ بِعَبْدٍ قَدْ تَعَلَّمَ الْقُرْآنَ يَقُولُ يَا رَبِّ تَعَلَّمْتُ الْقُرْآنَ ابْتِغَاءَ وَجْهِكَ فَيُقَالُ لَهُ بَلْ تَعَلَّمْتُ لِيُقَالَ مَا أَحْسَنَ صَوْتِ فُلَانٍ اذْهَبُوا بِهِ إِلَى النَّارِ وَيُجَاءُ بِعَبْدٍ قَدْ قَاتَلَ يَقُولُ يَا رَبِّ قَاتَلْتُ ابْتِغَاءَ وَجْهِكَ فَيُقَالُ لَهُ بَلْ قَاتَلْتُ لِيُقَالَ مَا أَشَجَعَ فُلَانًا اذْهَبُوا بِهِ إِلَى النَّارِ وَيُجَاءُ بِعَبْدٍ قَدْ أَنْفَقَ مَالَهُ يَقُولُ يَا رَبِّ أَنْفَقْتُ مَالِي ابْتِغَاءَ وَجْهِكَ فَيُقَالُ لَهُ بَلْ أَنْفَقْتَهُ لِيُقَالَ مَا أَسْحَى فُلَانًا اذْهَبُوا بِهِ إِلَى النَّارِ». بحار الأنوار، ج 69، ص 301 و 302، ح 44 - لنالی الاخبار، باب 8 به نقل از گناهان کبیره، شهید دستغیب رحمه الله، ج اول، ص 73.

و از این بالاتر حتی اگر عمل را خالص انجام دهد ولی بعداً ریا به خرج دهد عمل را تباه کرده. (1) لذا ما هم نمی‌گوییم انسان به خاطر ریا و خودنمایی به احکام شرعی مقید شود و ریا را باطل کننده کار نیک می‌دانیم (2) ولی شما چگونه می‌توانید

ص: 103

1- امام باقر علیه السلام فرمودند: «الإِبْقَاءُ عَلَى الْعَمَلِ أَشَدُّ مِنَ الْعَمَلِ قَالَ وَ مَا الْإِبْقَاءُ عَلَى الْعَمَلِ قَالَ يَصِلُ الرَّجُلُ بِصِلَةٍ وَ يُنْفِقُ نَفَقَةً لِلَّهِ وَ حِدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ فَكَيْتَبَتْ لَهُ سِرًّا ثُمَّ يَذْكُرُهَا فَتَمْحَى فَتَكْتَبُ لَهُ عَلَانِيَةً ثُمَّ يَذْكُرُهَا فَتَمْحَى وَ تَكْتَبُ لَهُ رِيَاءً» یعنی «ابقاء بر عمل از خود اصل عمل دشوارتر است. سؤال شد ابقاء بر عمل یعنی چه؟ فرمود: مثلاً کسی صله رحم می‌کند و یا مالش را برای خداوند بی شریک و در راه خدا انفاق می‌نماید، در این صورت صله رحم و انفاق سری و پنهانی برای او ضبط می‌شود ولی بعداً این شخص عمل خود را بازگو می‌کند. صدقه و صله پنهانی از نامه عملش محو و نابود شده و به جای آن صدقه آشکار (که ارزشش کمتر است) ثبت می‌گردد سپس باز این شخص عملش را برای دیگران می‌گوید. در این صورت آن صدقه آشکار هم محو گردیده و به جای آن عمل ریائی نوشته می‌شود». وسائل الشیعة، ج 1، ص 75، ح 167 و همچنین امام باقر و امام صادق علیهما السلام فرمودند: «لَوْ أَنَّ عَبْدًا عَمِلَ عَمَلًا يَطْلُبُ بِهِ وَجَهَ اللَّهِ وَ الدَّارَ الآخِرَةَ ثُمَّ أَدْخَلَ فِيهِ رِضًا أَحَدٍ مِنَ النَّاسِ كَانَ مُشْرِكًا» یعنی «اگر بنده ای عملی انجام دهد و مقصودش خدا و آخرت باشد ولی بعد از آن رضایت احدی از مردم را در آن داخل کند (بخواهد مردم هم از آن خوششان بیاید) این شخص مشرک به حساب می‌آید». بحار الأنوار، ج 69، ص 301، ح 43 برای توضیح بیشتر رجوع شود به عدل الهی، استاد شهید مطهری رحمه الله، ص 391.

2- قرآن کریم نیز در سوره بقره آیه 264 می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَبْطُلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَ الْأَذَى كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِئَاءَ النَّاسِ وَ لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الآخِرِ» یعنی «ای کسانی که ایمان آورده اید صدقات خود را به سبب منت و آزار تباه نسازید، مانند آنکه مال خود را از روی ریا انفاق می‌کند...». با توجه به تفسیری که در مورد این آیه آمده، خداوند متعال افرادی را که صدقه می‌دهند و به دنبالش منت می‌گذارند و اذیت می‌کنند، به افراد ریاکار بی ایمان تشبیه کرده که صدقاتشان باطل و بی اجر است. یعنی عمل شخص ریاکار از ابتدای عملش باطل است چون چنین شخصی اصلاً ایمان به خدا و روز جزا ندارد که از او کاری پذیرفته شود. و یا در سوره انفال آیه 47 می‌فرماید: «وَ لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بَطْرًا وَ رِئَاءَ النَّاسِ وَ يَصُدُّونَ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ» یعنی «و مانند کسانی نباشید که از روی هوی پرستی و غرور و خود نمایی در برابر مردم، از سرزمین خود به سوی میدان بدر بیرون آمدند و (مردم را) از راه خدا باز می‌داشتند». خداوند در این آیه نیز غرور و ریا را از آفات قدرت در جبهه های جنگ به شمار می‌آورد. و همچنین در سوره ماعون آیه 6 به طور مطلق ریا مذمت شده: «الَّذِينَ هُمْ يَرَاءُونَ» یعنی «وای بر کسانی که ریا می‌کنند». برگرفته از سایت ویکی شیعه، دانشنامه مجازی مکتب اهل بیت علیهم السلام.

قضاوت کنید که همه باحجاب ها به خاطر ریا حجاب دارند؟! برفرض که چند نفری هم چنین باشند آیا دلیل می شود که همه را با یک چشم نگاه کرد؟! یعنی نفس با حجاب بودن، نماز خواندن، جهاد کردن، انفاق کردن و ... که ریا نیست بلکه به نیت فرد عامل به آنها بستگی دارد. اگر به قصد امتثال امر خداوند انجام دهد، عبادت است و اگر به قصد نمایش دادن به خلق باشد، ریا است. (1) به بیان دیگر قصد و نیت يك امر درونی است که فقط خدای متعال می تواند ادعا کند که نیت همه افراد را می تواند تشخیص دهد و یا کسانی که از اولیاء الهی باشند و به اذن وی آگاه به این امور گردند و افراد عادی به هیچ وجه نمی توانند از ظاهر عمل دیگران، به طور صد در صد پی به نیت آنان ببرند.

ثانیاً- ما که قسم نخوردیم تمامی افراد باحجاب از همه نظر و همه ابعاد مختلف، کامل هستند و هیچ گناه دیگری را انجام نمی دهند. بلکه آنچه می بینیم این است که فرد محجبه حداقل این يك حکم الهی را عمل می کند و از این نظر که عامل به این حکم الهی است عملش حُسن فعلی را دارا می باشد اما اینکه آیا حُسن فاعلی (2)

را نیز دارد تا نزد خداوند ارزشمند باشد، و اینکه دلش پاک است یا نه و یا از جنبه های دیگر نیز بر افراد بی حجاب برتری دارد یا نه را فقط خداوند می داند و بس.

ص: 104

---

1- برگرفته از گناهان کبیره، شهید دستغیب رحمه الله، ج اول، ص 76.

2- حُسن فعلی یعنی: کار، یک کار خوب و پسندیده و مورد تأیید دین الهی باشد. و حُسن فاعلی یعنی: کننده و فاعل کار، انسان درست و موحدی باشد و کار را با نیت قرب به خدا انجام دهد و اخلاص داشته باشد. خداوند تنها کاری را از انسان قبول می کند که این دو شرط را داشته باشد نه هر کاری و نه از هر کسی. حُسن فعلی برای پاداش اخروی عمل کافی نیست، حُسن فاعلی هم لازم است. حُسن فعلی به منزلة تن و حُسن فاعلی به منزلة روح و حیات است، و ایمان به خدا و روز رستاخیز، شرط اساسی و لازم حُسن فاعلی است. سایت پرسمان دانشگاهیان - برای توضیح بیشتر رجوع شود به عدل الهی، استاد شهید مطهری رحمه الله، ص 359.



ثالثاً- معمولاً منظور افرادی که این گونه سخنان را مطرح می کنند این است که چرا من خود را محدود به حجاب یا خمس یا نماز و ... کنم، بلکه عبادت به جز خدمت خلق نیست و بعضی دیگر این طور می گویند که هدف خدا و دین از انجام این دستورات این بوده که من آدم خوبی باشم و به دیگران خدمت کنم و فلان صفت بد را نداشته باشم ... و من هم این طور هستم پس دیگر چه لزومی دارد که این دستورات را انجام دهم، انسان باید قلبش پاک باشد. حتماً که نباید مثل کلاغ سیاه ها چادر مشکی به سر کند و فقط چشمانش را بیرون بگذارد یا فرضاً حتماً یک پنجم مالش را به فلان مرجع تقلید بدهد، من خودم خیلی بیشتر از این مقدار را به فقرا کمک می کنم و .... !!

این مسلک بعضی از افراد عارف نما نیز هست که خدا و عشق به خدا را جدای از احکام الهی می خواهند. آنها خود گمراهند و دیگران را نیز گمراه می کنند.

قرآن کریم در سوره ذاریات آیه 56 می فرماید:

«وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» یعنی «و من جنّ و انس را نیافریدم مگر برای اینکه عبادتم کنند».

لذا هدف از خلقت انسان «عبادت» است. منتهی خدمت به خلق بر فرض هم که خالصانه برای خدا انجام گیرد، یکی از مصادیق عبادت است، نه اینکه معنای عبادت فقط خدمت به خلق باشد. علامه طباطبایی رحمه الله در تفسیر المیزان ذیل این آیه می فرماید:

حقیقت عبادت این است که بنده خود را در مقام ذلت و عبودیت واداشته و رو به سوی مقام ربّ خود آورد. (1)

از امام کاظم علیه السلام روایت است که:

ص: 105

---

1- . تفسیر المیزان، علامه سید محمد حسین طباطبایی رحمه الله ، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی رحمه الله ، چاپ پنجم، ج 36، ص 302.

«خدای عزوجل جن و انس را آفرید برای اینکه بندگی اش کنند، نیافرید که نافرمانی اش کنند، چون خودش فرموده: "وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ"». (1)

لذا عبادت خدا یعنی اطاعت از او (2) (که البته راه به کمال رسیدن انسان تنها در اطاعت از خداوند است یعنی سود عبادت و بندگی عاید انسان می گردد نه اینکه سود آن عاید خداوند گردد) (3) که البته رحمت خاصه الهیه، تنها به وسیله عبادت حاصل می شود (4) که این عبادت شامل اعمالی که بنده با اعضاء و جوارح خود انجام می دهد و برمی خیزد و می ایستد و رکوع و سجده می کند نیز می شود. (5)

ما می دانیم رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و دیگر معصومین علیهم السلام با وجود اینکه انسان های کامل هستند، از همه نظر و از نظر خدمت به خلق نیز بالاترین خدمات را انجام داده اند و آراسته به همه گونه حسن و نیکی و خیر و صفات انسانی در حد اعلی بوده اند ولی همواره تا آخرین لحظات حیات خود، مقید به انجام احکام الهی از جمله نماز، روزه و... بوده اند و هیچ وقت خود را بی نیاز از انجام آنها نمی دانسته و به هیچ کس هم نگفته اند که مثلاً اگر تو به هدف اقامه نماز، زکوه و... رسیدی دیگر لازم نیست اعمال ظاهری آن را انجام دهی و از آن بی نیاز خواهی شد. همچنین

ص: 106

1- «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خَلَقَ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ لِيَعْبُدُوهُ وَلَمْ يَخْلُقْهُمْ لِيَعْبُدُوهُ وَذَلِكَ قَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ وَ مَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ». بحار الأنوار، ج 5، ص 157، ح 10 - التوحيد، ص 356، ح 3 - تفسير الميزان، علامه سيد محمد حسين طباطبائي رحمه الله، ترجمه سيد محمد باقر موسوي همداني رحمه الله، چاپ پنجم، ج 36، مبحث: بحث روايتی، ذيل آيات 52 تا 60 سورة ذاريات، ص 305 و 306.

2- - شيطان شش هزار سال عبادت کرد ولی چون در سجده بر آدم از خدا اطاعت نکرد رانده شد.

3- . برگرفته از تفسير الميزان علامه سيد محمد حسين طباطبائي رحمه الله، ترجمه سيد محمد باقر موسوي همداني رحمه الله، ذيل آيه 56 سورة ذاريات، چاپ پنجم، ج 36، ص 298.

4- . برگرفته از همان كتاب، ص 306 و 307.

5- . برگرفته از همان كتاب، ص 301.

ایشان علاوه بر اینکه هیچ گاه واجبی را ترک نکردند بلکه حتی از آنان ترك اولي هم سر نزده است.

و قرآن کریم نیز می فرماید:

«قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ» (1) یعنی «بگو ای پیغمبر اگر خدا را دوست می دارید مرا پیروی کنید تا خدا شما را دوست بدارد و گناه شما را ببخشد».

لذا انسان باید تابع احکامی که توسط رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نازل شده، باشد و خدا را همان گونه که خودش فرموده عبادت و اطاعت کند و نباید تابع احساس و افکار به ظاهر معقول و مُوجَّه مسلك عارف نماها و روش جدید آنان باشد و در واقع باید تسلیم امر خدا و فقط بنده او باشد.

لذا انسان اگر واقعاً بنده خدا باشد و به این هدف عالی خلقت رسیده باشد باید از معبود خود اطاعت کند و تسلیم او باشد و خود معبود فرموده باید از رسولش تبعیت کرد که در واقع یعنی از احکامی که او توسط رسول خود فرستاده باید تبعیت نمود و خداوند در این احکام، بعضی امور را واجب و بعضی را مستحب کرده که اگر فرد مکلف واجب را انجام ندهد مورد غضب خداوند قرار خواهد گرفت و بنده واقعی اولین هدفش رضای معبود و محبوبش است نه کاری که خود فکر می کند خیر است و به صلاح، هر چند در آن نارضایتی معبود باشد و لذا واجب را رها نمی کند و به مستحب بچسبند.

البته قابل ذکر است که اگر همین اعمال مستحب و خیر را نیز حتی فقط برای اهداف انسان دوستانه انجام دهند، در سرنوشت دنیوی (2) و اخروی آنان بی تأثیر نیست

ص: 107

1- . سوره آل عمران، آیه 31.

2- . در بحار الأنوار، ج 13، ص 208 روایتی از امام صادق علیه السلام است که: «إِنَّ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ هَمَّ يَقْتُلِ السَّامِرِيَّ فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ لَا تَقْتُلْهُ يَا مُوسَى فَإِنَّهُ سَخِيٌّ». حضرت موسی علیه السلام تصمیم گرفت سامری را به جهت اعمالش مجازات کرده و او را بکشد اما خداوند سامری را به جهت سخاوتمند بودن از مجازات مرگ رها نمود. مجمع البیان، طبرسی، ج 7، ص 47 به نقل از سایت ویکی شیعه، دانشنامه مجازی مکتب اهل بیت علیهم السلام.

مثلاً در برخی احادیث وارد شده است مشرکانی نظیر حاتم طائی با اینکه مشرکند به خاطر کارهای خیری که در دنیا کرده اند، معذب نخواهند بود و یا تخفیفی در عذاب آنها داده می شود(1)

(اگر چه وارد بهشت نمی شوند).

از امام کاظم علیه السلام روایت است که:

در بنی اسرائیل مردی مؤمن همسایه ای کافر داشت. آن مرد کافر نسبت به همسایه مؤمن خود همواره نیکی و نیک رفتاری می کرد، وقتی مُرد، خداوند برای او خانه ای از نوعی گِل بنا کرد که مانع از گرمای آتش بود و رزق و روزی او از خارج محیط او که محیط آتش بود به او می رسید. به او گفته شد: این به سبب نیکی و نیک رفتاری تو نسبت به همسایه مؤمنت می باشد.(2)

و یا از امام باقر علیه السلام روایت است که:

یک مرد مؤمنی در کشور پادشاه ستمگری می زیست، آن ستمگر قصد آن مؤمن کرد و او فرار کرد و به برخی از بلاد غیر اسلامی رفت و بر مردی مشرک فرود آمد، آن مرد مشرک او را در کنار خود جای داد و پذیرایی نمود، همین که آن مشرک مُرد به او خطاب رسید: سوگند به عزّت و جلالم که اگر در بهشت جایی برای مشرک بود، تو را در آن جای می دادم، اما ای آتش او را بترسان ولی آسیب نرسان.

ص: 108

---

1- . پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ به عدی بن حاتم فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ دَفَعَ عَنْ أَيْبِكَ الْعَذَابَ الشَّدِيدَ لِسَخَاءِ نَفْسِهِ» یعنی «خدا عذاب شدید را از پدرت به جهت سخاوتش دفع نمود (و آن را سبک کرد)». مستدرک الوسائل، ج 15، ص 260، ح 20 برای توضیح بیشتر رجوع شود به عدل الهی، استاد شهید مطهری رحمه الله، ص 375.

2- . «عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ كَانَ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ رَجُلٌ مُؤْمِنٌ وَ كَانَ لَهُ جَارٌ كَافِرٌ فَكَانَ يَرْفُقُ بِالْمُؤْمِنِ وَ يُؤَلِّيهِ الْمَعْرُوفَ فِي الدُّنْيَا فَلَمَّا أَنْ مَاتَ الْكَافِرُ بَنَى اللَّهُ لَهُ بَيْتًا فِي النَّارِ مِنْ طِينٍ فَكَانَ يَبْقِيهِ حَرَّهَا وَ يَأْتِيهِ الرِّزْقُ مِنْ غَيْرِهَا وَ قِيلَ لَهُ هَذَا بِمَا كُنْتَ تَدْخُلُ عَلَيَّ جَارِكَ الْمُؤْمِنِ فَلَا نِ بِنِ فَلَا نِ مِنَ الرَّفْقِ وَ تُؤَلِّيهِ مِنَ الْمَعْرُوفِ فِي الدُّنْيَا». بحار الأنوار، ج 8، ص 296، ح 48 به نقل از عدل الهی، استاد شهید مطهری رحمه الله، ص 376.

آن گاه امام علیه السلام فرمودند: و هر صبح و شام برای او از خارج آن محیط رزق و روزی آورده می شود، از امام سؤال شد: از بهشت؟ حضرت فرمودند: از جایی که خدا خودش می خواهد. (1)

لذا عملی پذیرفته درگاه الهی می گردد که از شخص با ایمان و پرهیزکار سرزده باشد و فقط در این صورت است که باعث نجات و سعادت فرد می گردد و به قول قرآن کریم:

«إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ» (2) یعنی «خداوند فقط از متقین کار خیر را قبول می کند».

ص: 109

1- «إِنَّ مُؤْمِنًا كَانَ فِي مَمْلَكَةِ جَبَّارٍ فَوَلَعَ بِهِ فَهَرَبَ مِنْهُ إِلَى دَارِ الشُّرْكِ فَنَزَلَ بِرَجُلٍ مِنْ أَهْلِ الشُّرْكِ فَأَظْلَمَهُ وَأَزَقَمَهُ وَأَصَافَهُ فَلَمَّا حَصَرَهُ الْمَوْتُ أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ وَعِزَّتِي وَجَلَالِي لَوْ كَانَ لَكَ فِي جَنَّتِي مَسَكَنٌ لَأَسْكَنْتُكَ فِيهَا وَ لَكِنَّهَا مُحَرَّمَةٌ عَلَيَّ مِنْ مَاتَ بِي مُشْرِكًا وَ لَكِنْ يَا نَارُ هَيْدِيهِ وَ لَا تُؤْذِيهِ وَ يُؤْتِي بِرِزْقِهِ طَرْفِي النَّهَارِ قُلْتُ مِنَ الْجَنَّةِ قَالَتْ مِنْ حَيْثُ شَاءَ اللَّهُ». بحار الأنوار، ج 8، ص 314، ح 92 برگرفته از عدل الهی، استاد شهید مطهری رحمه الله، ص 376.

2- . سوره مانده، آیه 27 - شاید در اینجا ذکر خلاصه ای از حدیث امام صادق علیه السلام که در الاحتجاج علی أهل اللجاج، ج 2، ص 369 ذکر گردیده، بی تناسب نباشد که فرمودند: منظور خداوند در قرآن کریم از آیه «إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» این است که: «أَرْشِدْنَا لِلزُّومِ الطَّرِيقِ الْمُوَدِّيِّ إِلَى مَحَبَّتِكَ وَ الْمُبْلَغِ إِلَى جَنَّتِكَ مِنْ أَنْ تَتَّبِعَ أَهْوَاءَنَا فَتَعَطَّبَ وَ نَأْخُذَ بِأَرْئِنَا فَتَهْلِكَ فَإِنَّ مَنْ اتَّبَعَ هَوَاهُ وَ أُعْجِبَ بِرَأْيِهِ كَانَ كَرَجُلٍ سَمِعَتْ غُدَاءَ النَّاسِ تُعْظِمُهُ وَ تَصِفُهُ .....». خدایا ما را به راهی که به محبت تو و دین تو و به بهشت می رساند راهنمایی کن و از پیروی هوای نفس که سبب پیروی از آراء و نظرات شخصی است و در نتیجه موجب گرفتار شدن به مشقت و سختی می شود و باعث هلاکت و نابودی است محافظت فرما. زیرا هر کس از هوای نفس خود پیروی کند و به رأی و نظر خود عمل کند مانند همان شخص است که مردم او را به نیکی و بزرگی یاد می کردند و او را به علم و عرفان توصیف می نمودند و لذا من مشتاق شدم که او را از نزدیک ببینم تا بدانم شخصیت و گفتار و کردارش چگونه است. اتفاقاً روزی او را در مکانی دیدم و به دنبالش رفتم، دیدم وقتی چشم نانا و انار فروش را دور دید دونان و دو انار را دزدید و آنها را در بیابانی به شخص بیماری داد و رفت. من نیز به دنبالش رفتم و خودم را به او رساندم و علت کارهایش را جویا شدم. گفت: قرآن در سوره انعام آیه 160 می فرماید: "مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا وَ مَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا" یعنی "هر کس کار نیکی آورد ده چندان آن پاداش دارد، و هر کس کار بدی آورد جز همانند آن کیفر نبیند". بنابراین چون دونان و دو انار دزدیدم چهار گناه بود و چون هر يك از آنها را در راه خدا صدقه دادم چهار ثواب خواهم داشت، از چهل حسنه در برابر چهار سیئه چهار تا کم می شود و سی و شش حسنه برایم باقی می ماند! گفتم: تو کتاب خدا را نفهمیده ای، مگر نشنیده ای که خدای عز و جل در سوره مانده آیه 31 می فرماید: "إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ"؟ یعنی "خدا فقط کار پرهیزکاران را می پذیرد"؟ پس یقیناً چون دونان و دو انار دزدیدی به چهار گناه دچار گشتی و چون مال مردم را به جای اینکه به خودشان بازگردانی، بدون رضایت آنان به دیگری دادی، بی شک چهار گناه دیگر بر آن افزودی و لذا چهل حسنه به چهار گناه نیفزودی!! آن شخص شروع به لجاجت نمود و اصلاً جواب درست را نمی پذیرفت. من نیز برگشتم و او را رها کردم. بله هر کس که در فهم آیات کتاب خدا و دستورات دین خود را جلوتر از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و عترتش علیهم السلام بداند در واقع تابع هوای نفس و نظرات و افکار و اوهام خود یا دیگران خواهد بود که نتیجه ای جز گمراهی و خسران برایش نخواهد داشت چون پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا كِتَابَ اللَّهِ وَ عِزَّتِي أَهْلَ بَيْتِي وَ إِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ»، یعنی «به درستی که من دو چیز گرانبها را در میان شما بر

جای می گذارم: کتاب خدا و عترتم، اهل بیتم، مادام که به این دو تمسک جستید هرگز گمراه نخواهید شد، زیرا این دو هرگز از هم جدا نخواهند شد تا اینکه در کنار حوض کوثر بر من وارد شوند». وسائل الشیعة، ج 27، ص 34، ح 33144.

به بیان دیگر شرط نجات از جهنم و ورود به بهشت و سعادت اخروی، ایمان و عمل صالح است چون قرآن کریم می فرماید:

«إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ»<sup>(1)</sup> یعنی «همانا انسان در خسارت و زیان است مگر آنان که ایمان آورده و عمل صالح انجام دهند».

پس نه ایمان به تنهایی و نه عمل صالح به تنهایی هیچ کدام نمی توانند موجب سعادت واقعی انسان گردند مگر اینکه انسان هم ایمان آورد و خدا ترس و متقی گردد و هم برای اطاعت از خدا عمل صالح انجام دهد همان طور که گفته شد

ص: 110

---

1- . سوره عصر، آیه 2 و 3.

ایمان و عمل تأثیر متقابل بر هم دارند(1) به این معنا که به نسبتی که انسان مؤمن مرتکب عمل غیرصالح و گناه شود به همان نسبت بر درون و دل و ایمانش تأثیر منفی می گذارد(2)

و به نسبتی که عمل صالح خالصانه انجام دهد به همان نسبت موجب افزایش ایمان در دلش می گردد و شاید به همین خاطر باشد که امام صادق علیه السلام فرمودند:

«فَسَادُ الظَّاهِرِ مِنْ فَسَادِ الْبَاطِنِ» یعنی «فساد ظاهر ناشی از فساد بودن باطن است».(3)

بنابراین، اینکه می گویند: انسان فقط باید دلش پاک باشد حال می خواهد عمل به احکام الهی بکند یا نکند نیز حرفی ناصحیح است، این گونه سخنان باید با قرآن سنجدیده شوند تا صحت و سقم آنها مشخص گردد این تفکرات از القائنات شیاطین است. قرآن صریحاً می فرماید:

«وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ»(4) یعنی «بشارت ده به کسانی که ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند که جایگاه آنها باغ هایی است که نهرها در آن جاری است».

ص: 111

1- رجوع شود به پاسخ سؤال نهم .

2- امام صادق علیه السلام در این باره فرموده اند: «إِذَا أَدْنَبَ الرَّجُلُ خَرَجَ فِي قَلْبِهِ نُكْثَةٌ سَوْدَاءُ فَإِنْ تَابَ ائْتَمَحَتْ وَإِنْ زَادَ زَادَتْ حَتَّى تَغْلِبَ عَلَى قَلْبِهِ فَلَا يُفْلِحُ بَعْدَهَا أَبَدًا» یعنی «زمانی که انسان گناهی را مرتکب شود نقطه ای سیاه در قلب و روح او ایجاد می شود، اگر توبه کند پاک می شود و اگر بر گناهان خود بیفزاید بر آن سیاهی نیز افزوده می شود تا جائی که تمام قلب او را فرا گیرد که بعد از آن هیچ گاه رستگار نخواهد شد». الکافی، ج 2، ص 271، ح 13 (شبیبه به مضمون همین حدیث در همان مدرک، ج 2، ص 273، ح 20 نیز ذکر گردیده).

3- بحار الأنوار، ج 70، ص 395، ح 1 - برای توضیح بیشتر رجوع شود به مطالبی که از استاد ری شهری در پاورقی پاسخ به سؤال نهم ذکر گردید.

4- . سوره بقره، آیه 25.



بنابراین دلی که واقعا پاك باشد و ایمان داشته باشد، خدا ترس و متقی است و فردی که پرهیزکار است از خداوند اطاعت می کند و تسلیم فرمان اوست نه تسلیم اوهام و افکار خود و دیگران که به بهانه های مختلف می خواهند از انجام تکالیف الهی سر باز زنند و اعمال خود را توجیه کنند. مؤمنان و پیروان واقعی اسلام از جمله امام خمینی رحمه الله که خود علاوه بر اینکه از علماء بزرگ اسلام و مجاهدان واقعی بود از عرفای بزرگ اسلام نیز بود، حتی تا آخرین لحظات حیات خود هیچ گاه خود را بی نیاز از انجام واجبات و حتی مستحبات نیز نمی دانست و در آن لحظاتی که درد تاب و توانش را ربوده بود باز هم در حد توان خود مقید به انجام واجبات و مستحبات بود. (1)

بارها از تلویزیون شاهد بودیم که ایشان در آن اوقات نیز نماز واجب خود را در حالی که سیرم به دست داشتند و به تنهایی توان خواندن نداشتند ترك نکردند همچنین نماز شب و قرآن خواندن و حتی عمل مستحب شانه زدن ریش هایشان را هنگام نماز ترك نمی کردند. پس چه شده که ما و امثال ما و بعضی از عارف نماها از خدا و رسولش و ائمه اطهار صلوات الله علیهم اجمعین و علماء و پیروان و مجاهدان واقعی صدر اسلام و زمان کنونی جلو افتاده، خود و دیگران را بی نیاز از انجام احکام الهی می پنداریم!!

در پایان باز متذکر می گردم ما نمی خواهیم بگوئیم که افراد باحجاب تمام اعمالشان درست است و آخر سر هم، حتماً بهشتی هستند. نه چه بسا افراد مؤمن و مقید به احکام اسلام که عاقبت به خیر نمی شوند و بی ایمان از دنیا می روند و یا اعمال بدشان، موجب جهنمی شدن آنها می گردد مانند طلحه و زبیر و شمر بن ذی الجوشن و ابن ملجم مرادی و بلعم باعورا و قارون (2)

.... و چه بسا افراد بی حجاب

ص: 112

1- رجوع شود به پا به پای آفتاب، گردآوری و تدوین امیر رضا ستوده، ج 1 که البته در صفحات متعدد ذکر گردیده از جمله ص 119.

2- طلحه از نخستین کسانی بود که مسلمان شد و از اصحاب پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بود و در جنگ های صدر اسلام حضور داشت. او در غزوة احد حضور داشت و بنا بر برخی نقل ها از خود رشادت هایی نشان داد و در این جنگ زخمی شد و برخی انگشتانش از کار افتاد. او پس از قتل عثمان اولین نفر بود که با حضرت علی علیه السلام بیعت کرد اما پس از مدتی بیعت خود را شکست و به همراه دیگر ناکثین جنگ جمل را علیه امام علی علیه السلام به راه انداخت و در همین جنگ نیز کشته شد. برگرفته از سایت پرسمان دانشگاهیان - سایت ویکی شیعه. زبیر، پسر عمه پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و امام علی علیه السلام بود. او چهارمین یا پنجمین نفری بود که اسلام آورد، از یاران شجاع و سرشناس پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بود و در تمام جنگ های ایشان شرکت داشت. بعد از رحلت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ از بیعت با ابوبکر، سر باز زد و در زمره یاران اولیه و خاص امام علی علیه السلام بود. بنا بر بعضی اقوال (مناقب آل ابی طالب، ج 3، ص 363) در دفن حضرت فاطمه علیها السلام شرکت داشت که به گونه ای نشان دهنده نزدیک بودن او به امام علی علیه السلام است. او پس از قتل عثمان، با امام علی علیه السلام بیعت کرد. ولی او که هوای حکومت در سر داشت و حضرت علی علیه السلام را آماده و آگذاری بعضی از مناصب مهم حکومت به خودش ندید تحت تأثیر هوای نفس و وسوسه های شیطانی بیعت خود را با حضرت علی علیه السلام شکست و در برابر امام علی علیه السلام پرچم اعتراض برافراشت. تحریک کننده او در این موضع گیری، پسرش عبد الله بود. امام علی علیه السلام در مورد او در نهج البلاغه، حکمت 453 فرموده اند: «زبیر، همیشه از ما اهل بیت بود تا آن زمان که فرزند نامبارک او، عبدالله، بزرگ شد». ولی در آخر او نیز به همراه دیگران از آتش افروزان جنگ جمل شد و عاقبت حب مال و جاه و فرزند و عدم رعایت تولی و تبری او را به ورطه هلاکت انداخت. برگرفته از سایت پرسمان دانشگاهیان. شمر بن ذی الجوشن که سر امام حسین علیه السلام را از بدن جدا نمود، در جنگ صفین در سپاه امام علی علیه السلام بود و بعدها بود که در جمع

دشمنان امام و خاندانش درآمد و در واقعه کربلا مرتکب آن جنایات گردید. برگرفته از سایت ویکی شیعه. . ابن ملجم مرادی که در بین شیعیان به «أَشَقَى الْأَوْلِيَّيْنَ وَ الْأَخْرِيْنَ» و «اشقی الاشقیاء» شهرت دارد و قاتل حضرت علی علیه السلام امام اول شیعیان است. پس از به خلافت رسیدن امام علی علیه السلام ، با او بیعت کرد و در جنگ جمل در کنار ایشان جنگید و پس از جنگ صفین و پایان حکمیت بود که به خوارج پیوست و در جنگ نهروان نیز با حضرت علی علیه السلام نبرد کرد و در سحر 19 ماه مبارک رمضان نیز فرق آن حضرت را در محراب مسجد کوفه شکافت. برگرفته از سایت ویکی شیعه . . بَلَعَمَ باعورا از عالمان زمان حضرت موسی علیه السلام و حتی مستجاب الدعوه بود اما شیطان او را نیز گمراه کرد . برگرفته از سایت ویکی شیعه. . قارون از ایمان آورندگان به حضرت موسی علیه السلام بود و حتی او را عالم به تورات نیز دانسته اند. او دارای صدای زیبایی بود و تورات را به زیبایی برای یهودیان می خواند. ولی با گذشت زمان، به جهت غرور و تکبر شروع به نافرمانی کرد و موجب خشم خداوند و پیامبرش شد. برگرفته از سایت ویکی شیعه.



و یا منحرف و گمراهی که به واسطه بعضی اعمال خیرشان که برخاسته از ایمان باشد نجات می یابند و عاقبت به خیر می گردند و بهشتی می شوند مانند حُر بن یزید ریاحی و فضیل بن عیاض و رسول تُرک و طیب حاج رضایی و شاهرخ ضرغام(1)

و ..... ولی این دلیل نمی شود که به طور کلی با حجاب بودن مذموم

ص: 114

1- . حُر بن یزید ریاحی از فرماندهان نظامی کوفه بود که مأموریت داشت با سپاه هزار نفری مانع حرکت امام حسین علیه السلام به سوی کوفه و نیز بازگشت ایشان شود. اما در روز عاشورا، به سپاه امام حسین علیه السلام پیوست و در دفاع از ایشان جنگید و عاقبت به فیض عظیم شهادت رسید. برگرفته از سایت ویکی شیعه. فضیل در ابتدا به راهزنی مشغول بود گفته اند که وی شبی به نیت یک زن از دیوار خانه ای بالا رفته بود که صدای کسی را شنید که مشغول خواندن آیه 16 سوره حدید بود: «أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ ...» یعنی «آیا برای کسانی که ایمان آورده اند هنگام آن نرسیده که دل هایشان به یاد خدا نرم [و فروتن] گردد». فضیل با شنیدن این کلام دگرگون شد و توبه کرد و از آن پس به عبادت و زهد مشغول شد و از منظر علمای شیعه یکی از راویان موثق و قابل اعتماد و از اصحاب امام صادق علیه السلام گردید. برگرفته از سایت ویکی شیعه. رسول تُرک اهل خلاف و عرق خوری و لات بازی، عربده کشی و صد جور کار دیگر بود او آدمی قلدر و شرور و لات و لابیالی بود، مردی بود که به فسق و زورگویی شهرت داشت، به طوری که حتی با مأموران کلاتری های نیز به طور جدی در می افتاد و آنان بدجوری از او حساب می بردند ولی در یک ماه محرم واقعه و مرحمت و دعوت ولایتی و معنوی برایش پیش آمد و او را به شدت دگرگون ساخت. رسول تُرک بعد از توبه و بازگشت به صراط مستقیم یکی از گریه کنندگان و دلسوخت هایی می شود که بسیاری از پیرمردهای هیئت های قدیمی تهران چه از فارس ها و چه از تُرک ها با قاطعیت می گویند که بعد از او هنوز نظیرش نیامده است. او تبدیل به کسی می شود که در دم مرگ توفیق ملاقات مولایش را پیدا می کند و حضرت زینب علیها السلام بعد رحلت رسول تُرک در مورد تشیع جنازه رسول تُرک به یکی از دوستان ایشان در عالم خواب فرموده بودند که: «این جنازه هم متعلق به ماست. ما خودمان باید او را تشیع کنیم!». برگرفته از رسول تُرک آزاد شده امام حسین علیه السلام، محمد حسن سیف الهی، ص 14 و 169 و 178 و برگرفته از سایت زندگینامه علمای عرفان (زندگینامه رسول تُرک) - پایگاه خبری (تحلیلی قدس آنلاین) - سایت احزاب (جامعه و سیاست). . طیب حاج رضایی در زمان شاه جزء اوپاش بود و بارها به دلیل دعوا و درگیری های جاهلانه دستگیر شده بود و به زندان رفته بود اما در اثر یک تحول روحی به نهضت اسلامی پیوست و هنگامی که ساواک در زندان او را شکنجه می کرد تا بگوید از خمینی پول گرفته ام و این غائله را به راه انداخته ام، حاضر نشد به امام خمینی رحمه الله تهمت بزند و عاقبت هم به فیض شهادت نائل آمد. برگرفته از سایت ویکی فقه. . شاهرخ ( ابوالفضل ) ضرغام پیش از انقلاب به جاهل مآبی و لات گری معروف بود. حتی ساواک پیش از انقلاب از او و چند لات دیگر خواسته بود در سرکوب مردم شرکت کنند. اما پس از انقلاب تغییر رویه داد و در جنگ تحمیلی شهید شد. از وی به عنوان «حُر انقلاب» (اشاره به حُر ریاحی از یاران حسین بن علی علیه السلام) نام برده می شود. برگرفته از سایت ویکی پدیا، دانشنامه آزاد.

شمرده شود و بي حجابي ارزش محسوب گردد، خير اين دو عمل، بدون در نظر گرفتن اعمال ديگر و نيات صاحبان آن، به تنهائي، هر کدام که موافق حکم خداست، پسندیده است و ديگري مذموم است.

ص: 115

آیا در تاریخ اسلام، نمونه هایی از سیره عملی زنان بزرگ اسلام، در مورد حجاب یافت می شود؟

پاسخ: نه تنها در تاریخ اسلام نمونه های فراوانی در این مورد وجود دارد بلکه همان طور که در پاسخ به سؤال نهم بیان شد، در قبل از اسلام و در ادیان آسمانی دیگر نیز حجاب بوده و بشر از آغاز خلقت مأمور به پوشش خود بوده (1) و چگونگی حجاب زنان بعد از نازل شدن آیات حجاب نیز از تفسیر المیزان در پاسخ به سؤال اول ذکر گردید. (2)

همچنین در جوامع الجامع از ام سلمه علیها السلام روایت شده که فرمود:

نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بودم، و میمونه هم حاضر بود، که پسر ام مکتوم آمد، و این در موقعی بود که ما را به حجاب امر کرده بود، به ما فرمود: در پرده شوید. عرضه داشتیم یا رسول الله! ابن مکتوم که نابیناست، ما را نمی بیند؟ فرمود: شما هم نابینا هستید؟ مگر شما او را نمی بینید؟ (3)

ص: 116

1- . مطابق با روایتی که محمد بن سعد از ابن عباس در طبقات الکبری، ج 1، سیره النبی، ص 17 و 18 نقل نموده که در پاسخ به سؤال نهم ذکر گردید.

2- . از تفسیر المیزان، علامه سید محمد حسین طباطبایی رحمه الله، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی رحمه الله، چاپ سوم، ج 32، ص 231 ذکر گردید.

3- . «عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ قَالَتْ كُنْتُ عِنْدَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَعِنْدَهُ مَيْمُونَةُ فَأَقْبَلَ ابْنُ مَكْتُومٍ وَذَلِكَ بَعْدَ أَنْ أَمَرَ بِالْحِجَابِ فَقَالَ احْتَجِبِي فَقُلْنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ أَلَيْسَ أَعْمَى لَا يُبْصِرُ رُبَّنَا قَالَ أَعْمِيََا وَإِنْ أَنْتُمَا أَلَسْتُمَا تُبْصِرَانِهِ». بحار الأنوار، ج 101، ص 37، ح 25 - تفسیر المیزان، علامه سید محمد حسین طباطبایی رحمه الله، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی رحمه الله، چاپ سوم، ج 29، مبحث: بحث روایتی، ذیل آیات 24 تا 27 سوره نور، ص 169.

همچنین در روایت است که حضرت زهرا علیها السلام از مرد نابینا نیز خود را پوشانید و فرمود:

«اگر او مرا نمی بیند من که او را می بینم».(1)

و نیز ایشان فرموده اند:

«صلاح زن در این است که مردان بیگانه را نبیند، مردان بیگانه هم او را نبینند».(2)

و شاعر در این شعر چه زیبا و رسا پیام حجاب را از قول حضرت زهرا علیها السلام سروده که:

ای زن به تو از فاطمه این گونه خطاب است

ارزنده ترین زینت زن حفظ حجاب است

البته کاملاً واضح است که اگر ضرورت ایجاب کند مسئله فرق می کند لذا می بینیم که حضرت زهرا علیها السلام برای دفاع از ولایت در مسجد حاضر می شود و حتی ابوبکر را استیضاح می کند و با دلیل و برهان و آیات قرآن او را محکوم می نماید و آن چنان خطبه آتشینی درباره قضیه فدک ایراد می کند(3) که ابوبکر به حربه جعل حدیث و عوام فریبی و زور متوسل می گردد.(4)

ص: 117

1- «قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ اسْتَأْذَنَ أَعْمَى عَلَى فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ فَحَجَبَتْهُ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ لَهَا لِمَ حَجَبْتِيهِ وَهُوَ لَا يَرَاكَ فَقَالَتْ عَلَيْهَا السَّلَامُ إِنَّ لَمْ يَكُنْ يَرَانِي فَإِنِّي أَرَاهُ وَهُوَ يَشْمُ الرِّيحَ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ أَشْهَدُ أَنَّكَ بَضْعَةٌ مِنِّي». مستدرک الوسائل، ج 14، ص 289، ح 1 - بحار الأنوار، ج 43، ص 91، ح 16.

2- «خَيْرٌ لِلنِّسَاءِ أَنْ لَا يَرَيْنَ الرَّجَالَ وَ لَا يَرَاهُنَّ الرَّجَالَ». بحار الأنوار، ج 43، ص 54 - بانوی نمونه اسلام، ابراهیم امینی، ص 174 - مسئله حجاب، استاد شهید مطهری رحمه الله، ص 217.

3- «لَمَّا أَجْمَعَ أَبُو بَكْرٍ عَلَى مَنَعِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ فَدَكَ، وَ بَلَغَهَا ذَلِكَ لَاتٍ [لَا تُث] خِمَارَهَا عَلَى رَأْسِهَا وَ اللَّهُ تَمَلَّتْ بِجِلْبَابِهَا وَ أَقْبَلَتْ فِي لُحْمَةٍ مِنْ حَفَدَتَيْهَا وَ نِسَاءَ قَوْمِهَا تَطَأُ ذُبُولَهَا، مَا تَخْرِمُ مَشِيئَتَهَا مِثْلَةَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ حَتَّى دَخَلَتْ عَلَى أَبِي بَكْرٍ .....» . الاحتجاج، ج 1، ص 97 به نقل از صدای فاطمی فدک، محمد باقر انصاری و سید حسین رجایی، ص 18.

4- برگرفته از بانوی نمونه اسلام، ابراهیم امینی، ص 226 تا 243.

در مورد نرجس خاتون علیها السلام مادر بزرگوار امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز آمده است که وقتی می خواستند ایشان را به عنوان کنیز به مشتریان عرضه کنند، ایشان خود را از معرض فروش و دسترس مشتریان حفظ می نمود و با ناله از پس پرده بر اسارت و هتک احترام خود می نالید که حتی بعضی از مشتریان به خاطر عفت این بانوی بزرگوار حاضر به پرداخت مبالغ هنگفتی شدند. (1)

حجاب آن چنان با جسم و روح زنان بزرگ اسلام عجین بوده که حتی فاطمه بنت اسد علیها السلام مادر بزرگوار امام علی علیه السلام وقتی از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می شنود که «مردم در روز قیامت عریان حضور پیدا می کنند» با آنکه فقط دنیا دار تکلیف است باز از چنین وضعی شرم دارد و ناراحت می شود تا جایی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از خداوند متعال درخواست می کند که او را پوشیده برانگیزاند و (با لباس) محشور کند. (2)

از این گذشته زنانی از اهل بیت علیهم السلام که در واقعه عاشورا حضور داشتند با اعمال و گفتار خود در این زمینه به ما درس ها داده اند و جزء بهترین الگوها هستند. چرا که امام حسین علیه السلام فرمودند:

«فَإِنِّي لَا أَعْلَمُ أَصْحَابًا أَوْفَى وَلَا خَيْرًا مِنْ أَصْحَابِي وَلَا أَهْلَ بَيْتِ أَبِيَّ وَأَوْصَلَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي» (3) یعنی «من بهتر از اصحاب و یاران و اهل بیت خود در عالم سراغ ندارم».

ص: 118

- 
- 1- . «فَيَقُولُ بَعْضُ الْمُتَّبَاعِينَ عَلَيَّ ثَلَاثُمِائَةِ دِينَارٍ فَقَدْتُ زَادَنِي الْعُفَافُ فِيهَا رَغْبَةً». بحار الأنوار، ج 51، ص 6، ح 12 برگرفته از مهدی موعود علیه السلام، ترجمه ج 13 بحار الأنوار، علی دوانی، ص 190.
  - 2- . «يَقُولُ إِنَّ النَّاسَ يُحْشَرُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عُرَاءَ كَمَا وُلِدُوا فَقَالَتْ وَاسْوَأَتَاهُ فَقَالَ لَهَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَإِنِّي أَسْأَلُ اللَّهَ أَنْ يَبْعَثَكَ كَأَسِيَّةٍ». الكافي، ج 1، ص 453، ح 2 - تذكرة الخواص، ص 12 به نقل از کتاب زنان بزرگ اسلام، «فاطمه بنت اسد»، محمد علی دُخَيْل، ترجمه صادق آینه وند، ص 30.
  - 3- . بحار الأنوار، ج 44، ص 392 - سخنان برگزیده از برگزیدگان جهان و تاریخ چهارده معصوم علیهم السلام، سید ابراهیم میانجی، ص 136 - برگرفته از حماسه حسینی، استاد شهید مطهری رحمه الله، ج سوم، ص 61.



طبق نقل علامه مجلسی رحمه الله در کربلا بعد از کشته شدن امام و یارانش، فاطمه صغری دختر امام حسین علیه السلام می گوید:

کنار خیمه ایستاده بودم و پیکرهای پاره پاره شهیدان را می نگریدم، در این فکر بودم که بر سر ما چه خواهد آمد، آیا ما را می کشند یا اسیر می کنند؟ ناگاه سواری از دشمن به سوی ما آمد، با گره نیزه اش به بانوان می زد و چادر و روسری آنها را می کشید و غارت می کرد و آنها با فریادهای خود پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و علی و حسن و حسین علیهم السلام را به یاری می طلبیدند، بسیار پریشان بودم و برخود می لرزیدم، به عمه ام زینب علیها السلام پناه بردم. در این هنگام دیدم، ستمگری به سوی من آمد، فرار کردم و گمان نمودم که از دستش نجات می یابم، ولی او در حالی که گریه می کرد، با کعب نیزه بر میان شانه هایم زد، از طرف صورت به زمین افتادم، گوشواره ام را کشید و گوشم را درید و گوشواره و مقنعه ام را غارت کرد. خون از ناحیه گوش بر صورت و سرم جریان یافت. به او گفتم: چرا گریه می کنی؟ گفت: چرا گریه نکنم، در حالی که دختر پیامبر را غارت می کنم! گفتم: خوب غارتم نکن. گفت: می ترسم دیگری بیاید و آن را ببرد (یعنی جواهر و مال دنیا، مرا و نفس مرا و ادار به این کار می کند) در این موقع من بی هوش شدم، وقتی که به هوش آمدم، دیدم سرم بر دامن عمه ام زینب علیها السلام است. اولین حرفی که فاطمه صغری علیها السلام می گوید این است که: «یا عمته هل من خرقة أستر بها رأسي عن أعين النظر» یعنی «ای عمه جان! آیا پارچه ای هست تا با آن سرم را از نگاه ناظران بپوشانم؟» (1) نمی گوید گوشواره ام

ص: 119

1- . البته حجت الاسلام دکتر ناصر رفیعی می گوید: من به دلایلی معتقدم که روز عاشورا حجاب از این خانواده گرفته نشده هر چند که پوشش آنها را از سر کشیدند، ولی لباس های ایشان متعدد بوده. و اینکه در زیارت ناحیه مقدسه آمده: «نَاشِرَاتِ الشُّعُورِ عَلَى الْخُدُودِ لِأَطْمَآتٍ لِلْوُجُوهِ»، اینها کنایه است، همان طور که ما نیز در زبان فارسی می گوئیم: «زنان مویه کنان، به سرزنان» یعنی اینها توصیفات است که به کار برده شده و همچنین قضیه شعر شیخ هادی کاشف الغطاء در مورد حضرت زینب علیها السلام است که امام زمان علیه السلام در ادامه آن برایش این چنین مرقوم فرموده بودند: «و هي باستار من الانوار تحجبها عن أعين النظر» یعنی «پرده هایی از نور، زینب را فرا گرفته بودند، که همان پرده ها مانع نگاه بینندگان به او می شدند». برگرفته از سخنان حجت الاسلام دکتر ناصر رفیعی، برنامه سمت خدا، شبکه 3 سیما، تاریخ 17/11/1401 و سایت کتابخانه مدرسه فقاقت، کتاب المقبولة الحسينية، شیخ هادی کاشف الغطاء، کلمة الناشر، چاپ اول، ص 10.

را بردند، گوشم مجروح است، می گوید سرم مکشوفه (بی حجاب) است آیا پارچه ای هست که سرم را بپوشانم؟» (1).

البته بعداً زنی از اهل کوفه برایشان جامه و مقنعه می آورد (2) و وقتی وارد شهر شام می شوند، پوشش کامل داشتند ولی پوشیه و روپندی نداشتند که چهره های خود

ص: 120

1- . برگرفته از بحار الانوار، ج 45، ص 60 و 61 و مقتل الحسين مقرر، ص 300 به نقل از کتاب 200 داستان از فضایل و کرامات و مصایب حضرت زینب علیها السلام، عباس عزیزی، ص 102 و پایگاه اطلاع رسانی دفتر حضرت آیت الله مکارم شیرازی دام ظلّه، تحت عنوان: کشف حجاب و بی حرمتی دشمنان در کربلاء، با گردآوری از کتاب: «عاشورا ریشه ها، انگیزه ها، رویدادها، پیامدها»، سعید داودی و مهدی رستم نژاد، (زیر نظر آیت الله العظمی ناصر مکارم شیرازی دام ظلّه)، امام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم، 1388 ه. ش، تحت عنوان: غارت خیمه ها، ص 357. و همچنین طبقات، شرح حال امام حسین علیه السلام، ص 78 و امالی، ص 139 به نقل از مقتل امام حسین علیه السلام، گرد آورنده: گروه حدیث پژوهشکده باقرالعلوم علیه السلام، ترجمه جواد محدثی، ص 206 و 207.

2- . «فَأَشَدَّ رَفَتِ امْرَأَةٌ مِنَ الْكُوفِيِّاتِ فَقَالَتْ مِنْ أَيِّ الْأَسْأَرِیِ أَنْتِ فَقُلْنَ نَحْنُ أَسْأَرِیِ آلِ مُحَمَّدٍ فَنَزَلَتْ مِنْ سَدِّ طَحِیْهَا وَجَمَعَتْ مَلَأً وَ أُزْرًا وَ مَقَانِعَ فَأَعْطَتْهُنَّ فَتَغَطَّیْنَ» یعنی «زنی از زنان کوفه از بالای بام فریاد زد: شما از اسیران کدام مملکت و کدام قبیله اید؟ در پاسخ گفتند: ما اسیران آل محمدیم. آن زن از بام فرود آمد و از خانه خود برای آنها جامه و مقنعه جمع کرد و به اهل بیت علیهم السلام داد تا خود را بپوشانند». بحار الانوار، ج 45، ص 108، ح 1 - اللهوف، ص 143- مشیر الاحزان، ج 1، ص 80 به نقل از مقتل امام حسین علیه السلام، گرد آورنده: گروه حدیث پژوهشکده باقرالعلوم علیه السلام، ترجمه جواد محدثی، ص 221.

را بپوشانند(1) و نگاه نامحرم برای ایشان آزار دهنده بود و یکی از مصائب بزرگ بانوان بنی هاشم بالا-خص عقيله بنی هاشم، زینب مظلومه علیها السلام در آن مسافرت طاقت فرسا، این بود که گاهی زنان، با وجود پوشش کامل، مجبور بودند بدون چادر باشند(2).  
همچنین وقتی خواستند اسیران را وارد دمشق کنند، ام کلثوم علیها السلام که جزء اسیران بود، نزد شمر رفت و گفت: خواسته ای دارم.  
گفت: چیست؟ گفت:

ص: 121

1- . طریحی در منتخب می نویسد: «کانت تتخفی بین النساء و هی تستر وجهها بکمها لان قناعها اخذ منها» یعنی «هنگامی که حضرت زینب علیها السلام به مجلس پسر زیاد وارد می شد، لباس کهنه ای به تن داشت و صورتش را با آستین پوشانده بود، او میان زنان، خود را مخفی می کرد و صورتش را با آستین می پوشانده، چون روینده اش را از او گرفته بودند». و در تاریخ طبری نیز آمده که در گوشه ای نشست و زنان و دختران دورادور او را گرفتند. (طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ج 5، ص 457 و تقدی، جعفر، زینب کبری علیها السلام، ص 50 و ابومخنف الازدی، لوط بن یحیی، مقتل الحسین علیه السلام، ص 205 و ابن اثیر جزری، ابوالحسن علی بن ابی الکریم، الکامل فی التاریخ، ج 4، ص 81 و محمدی ری شهری، محمد، الصّحیح من مقتل سید الشهداء و أصحابه علیهم السلام، ج 1، ص 1051 به نقل از سایت ویکی فقه، دانشنامه حوزوی، تحت عنوان: حماسه حجاب زینب علیها السلام، منبع: پایگاه اطلاع رسانی حوزه، برگرفته از مقاله «الگوی حضور»، بازنویسی توسط گروه پژوهشی ویکی فقه. همچنین در کتاب زینب الکبری علیها السلام من المهد الی اللحد، القزوینی، السید محمد کاظم، ج 1، صفحه 380 چنین آمده: «وکانت بینهن امرأة تستر وجهها بزندها، لأنها لم تكن عندها ما تستر به وجهها. فقال یزید: من هذه؟ قالوا: سکینه بنت الحسین. فقال: أنت سکینه؟ فبکت واختنقت بعبرتها، حتی کادت تطلع روحها!! فقال لها: و ما بیکیک؟ قالت: کیف لا تبکی من لیس لها ستر تستر وجهها ورأسها، عنک و عن جلسائك؟!». یعنی حضرت سکینه علیها السلام هنگام ورود به مجلس یزید، صورت خود را با آستین خود پوشانده بود و اشک می ریخت. یزید پرسید چرا گریه می کنی؟ فرمود: چگونه گریه نکند کسی که پوشش و نقابی برای او نیست که صورت و سر خود را از تو و حضار مجلست بپوشاند. (سایت کتابخانه مدرسه فقاها، کتاب «المنتخب» للطریحی، ج 2، ص 473، المجلس العاشر).

2- . برگرفته از نظر آیت الله مظاهری دام ظلّه درباره حضرت زینب علیها السلام و حجاب و عفاف حضرت زینب علیها السلام، و بلاگ زینبیه.

«إِذَا دَخَلْتَ بِنَا الْبَلَدَ فَاحْمِلْنَا فِي دَرْبِ قَلِيلِ النَّظَارَةِ وَتَقَدَّمْ إِلَيْهِمْ أَنْ يُخْرِجُوا هَذِهِ الرَّؤُوسَ مِنْ بَيْنِ الْمَحَامِلِ وَيُنْحُونَا عَنْهَا فَقَدْ خُزِينَا مِنْ كَثْرَةِ النَّظَرِ إِلَيْنَا وَنَحْنُ فِي هَذِهِ الْحَالِ» یعنی وقتی ما را وارد شهر می کنی از دروازه ای وارد کن که تماشاگران کمتری باشند و بگو این سرها را هم از بین محمل ها کنار ببرند، بس که ما را در این حال تماشا کردند، خوار شدیم. ولی شمر از روی دشمنی و طغیان دستور داد سرها را بر نیزه ها وسط کجاوه ها قرار دهند و آنان را همان طور از میان تماشاچیان ببرند تا به دروازه دمشق رسیدند. (1)

و در شام نیز، سکینه علیها السلام دختر امام حسین علیه السلام از سهل بن سعد یکی از صحابی پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و راوی حدیث می خواهد که به نیزه داری که سر امام حسین علیه السلام را دارد، بگوید که: «أَنْ يُقَدَّمَ الرَّأْسَ أَمَامَنَا حَتَّى يَشْتَغَلَ النَّاسُ بِالنَّظَرِ إِلَيْهِ وَلَا يَنْظُرُوا إِلَى حَرَمِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ» سر را در جلوی آنها ببرد تا مردم مشغول نگاه به آن شوند و به زنان نگاه نکنند و سهل هم با دادن 400 دینار به آن شخص این کار را می کند (2)

و یا در کوفه ام کلثوم علیها السلام به دربان ابن زیاد گفت:

«وَيْدَاكَ هَذِهِ الْأَلْفُ دِرْهَمٍ خُذْهَا إِلَيْكَ وَاجْعَلْ رَأْسَ الْحُسَيْنِ أَمَامَنَا وَاجْعَلْنَا عَلَى الْجِمَالِ وَرَاءَ النَّاسِ لِيَشْتَغَلَ النَّاسُ بِنَظَرِهِمْ إِلَى رَأْسِ الْحُسَيْنِ عَنَّا» این هزار درهم را بگیر و سر امام حسین علیه السلام را

ص: 122

- 
- 1- . بحار الأنوار، ج 45، ص 127 - اللهوف، ص 210 به نقل از مقتل امام حسین علیه السلام، گرد آورنده: گروه حدیث پژوهشکده باقرالعلوم علیه السلام، ترجمه جواد محدثی، ص 238.
  - 2- . بحار الأنوار، ج 45، ص 127 - مقتل الحسين عليه السلام (تسليية المجالس وزينة المجالس)، ج 2، ص 60 به نقل از مقتل امام حسين عليه السلام، گرد آورنده: گروه حدیث پژوهشکده باقرالعلوم علیه السلام، ترجمه جواد محدثی، ص 239.

پیشاپیش ما قرار بده و ما را سوار بر شتران، پشت مردم قرار بده تا مردم مشغول نگاه به سر امام شوند و به ما ننگرند. (1)

در اینجا توجه به دو نکته خیلی مهم است :

الف - این خانواده با وجود عزت نفسی که داشتند و در حالی که بچه ها از گرسنگی چهره هایشان زرد و لب هایشان خشک شده بود، وقتی کوفیان به کودکان نان و خرما و گردو می دادند، آنها را از دست و دهان کودکان می گرفتند و به زمین می انداختند و می گفتند صدقه بر ما حرام است. (2)

چون مخالف شخصیت آنها بود. اما گرفتن جامه و مقنعه را به خاطر اهمیت حفظ حدود الهی و رعایت حجاب قبول می کنند حتی اگر به صورت صدقه هم بوده باشد. (3)

ص: 123

1- . بحار الأنوار، ج 45، ص 304 - مناقب، ج 4، ص 60 به نقل از مقتل امام حسین علیه السلام، گرد آورنده: گروه حدیث پژوهشکده باقرالعلوم علیه السلام، ترجمه جواد محدثی، ص 227.

2- . «صَارَ أَهْلُ الْكُوفَةِ يُنَاوِلُونَ الْأَطْفَالَ الَّذِينَ عَلَى الْمَحَامِلِ بَعْضُ التَّمْرِ وَالْخُبْزِ وَالْجَوْزِ فَصَاحَتْ بِهِمْ أُمَّ كُلْثُومٍ وَقَالَتْ يَا أَهْلَ الْكُوفَةِ إِنَّ الصَّدَقَةَ عَلَيْنَا حَرَامٌ وَصَارَتْ تَأْخُذُ ذَلِكَ مِنَ الْأَيْدِي الْأَطْفَالِ وَأَفْوَاهِهِمْ وَ تَرْمِي بِهِ إِلَى الْأَرْضِ». بحار الأنوار، ج 45، ص 114 به نقل از مقتل امام حسین علیه السلام، گرد آورنده: گروه حدیث پژوهشکده باقرالعلوم علیه السلام، ترجمه جواد محدثی، ص 221.

3- . برگرفته از سایت پایگاه اطلاع رسانی حوزه، گنجینه معارف/تحت عنوان: عفاف و حجاب درسیره حضرت زینب علیها السلام، منبع: مبلغان، اسفند و فروردین 1399، شماره 249؛ برگرفته از مقاله: عفاف و حجاب درسیره حضرت زینب علیها السلام، اصالحي. البته با این توضیح که صدقات بر دو قسم است: صدقات مستحب و صدقات واجب که از آن به زکات (زکات مال و زکات بدن که به آن فطره هم گفته می شود) نیز تعبیر می شود و این قسم دوم از صدقات (که غیرسید نمی تواند به سید بدهد)، بر فرزندان زهرا علیها السلام حرام است و کوفیان از همین قسم از صدقات که برای رساندن آن به فقرا و دیگر نیازمندان کنار گذاشته بودند، به کودکان حرم حسینی می دادند و همین امر، مورد اعتراض جناب ام کلثوم علیها السلام قرار گرفت. اما لباس و مقنعه و امثال آن از مواردی نیست که متعلق زکات گردد. برگرفته از کتاب «عاشورا: ریشه ها، انگیزه ها، رویدادها، پیامدها»، سعید داودی و مهدی رستم نژاد، (زیر نظر آیت الله العظمی ناصر مکارم شیرازی دام ظلّه)، فصل دوم: از کربلا تا مدینه، مبحث: صدقه بر ما حرام است!، ص 549، پایگاه اطلاع رسانی دفتر آیت الله العظمی مکارم شیرازی دام ظلّه.

ب - با وجود اینکه اگر سرهای شهدا در بین محمل ها و بین اُسرا باشد، بالاخره همه کودکان و خانم ها، تمام سرها را نمی بینند و کمتر ناراحت می شوند و رنج می کشند اما باز هم ناراحتی را به جان می خردند و می خواهند که سرها در جلوی محمل ها حرکت داده شوند تا آنها کمتر در معرض دید نامحرم باشند، چون مردم فکر می کردند که این بانوان را می توانند به عنوان کنیز بخرند. لذا نگاه می کردند تا بهترین و زیباترین ایشان را انتخاب کنند. (1) و اگر هم اشخاصی نمی خواستند که به آنها نگاه کنند، چون سرهای شهدا در بین اُسرا بود با نگاه کردن به سرها، ناخواسته چشمشان به بانوان می افتاد. لذا با وجود اینکه مسلماً درخواست کردن از چنین دشمنان ناجوانمردی برای ایشان بسیار سخت و ناخوشایند و مخالف شخصیت آنها بوده، شاید به دلیل «وَالْعَارُ أَوْلَى مِنْ دُخُولِ النَّارِ» (2)، نزد شخص پست و لعینی مانند شمر رفته و درخواست می کنند که

ص: 124

1- . «فَقَالَتْ فَاطِمَةُ بِنْتُ الْحُسَيْنِ وَ لَمَّا جَلَسْنَا بَيْنَ يَدَيْ يَزِيدَ رَقَّ لَنَا فِقَامَ إِلَيْهِ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الشَّامِ أَحْمَرُ فَقَالَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ هَبْ لِي هَذِهِ الْجَارِيَةَ يَعْنِينِي وَ كُنْتُ جَارِيَةً وَضِيئَةً فَأُزْعِدْتُ وَ ظَنَنْتُ أَنَّ ذَلِكَ جَائِزٌ لَهُمْ فَأَخَذْتُ بِيَثَابِ عَمَّتِي زَيْنَبَ وَ كَانَتْ تَعْلَمُ أَنَّ ذَلِكَ لَا يَكُونُ». بحار الأنوار، ج 45، ص 136 - ارشاد شیخ مفید، ج 2، ص 246 به نقل از کتاب مقتل امام حسین علیه السلام، گرد آورنده: گروه حدیث پژوهشکده باقرالعلوم علیه السلام، ترجمه جواد محدثی، ص 241 - برگرفته از زنان بزرگ اسلام، فاطمه دختر امام حسین علیه السلام، علی محمد علی دخیل، ترجمه صادق آینه وند، ص 11.

2- . در بحار الأنوار، ج 44، ص 192، ح 4 چنین آمده که امام حسین علیه السلام در روزی که شهید شدند فرمودند: «وَالْعَارُ أَوْلَى مِنْ دُخُولِ النَّارِ» یعنی «عار از داخل شدن در جهنم اولی و سزاوارتر است». البته با این توضیح که اهل بیت امام حسین علیه السلام با وجود اینکه در مراعات نشدن حدود الهی هیچ کوتاهی نداشتند که موجب دخولشان در آتش جهنم باشد اما آنقدر بدون پوشش مناسب، در جلوی دیدگان نامحرمان قرار گرفتن برایشان سخت بوده که این عار را به جان خریدند و از کسی مثل شمر لعنت الله علیه چنین درخواستی را نمودند. پس بآدا به حال کسانی که عمداً و بدون هیچ اجباری و از روی رضایت قلبی حدود واجب الهی را مراعات نمی کنند و نه تنها بدون حجاب اسلامی و پوشش لازم خود را در معرض دید نامحرمان قرار می دهند بلکه با زینت و آرایش باعث بیشتر جلوه دادن خود در نظر آنان نیز می گردند که در واقع موجبات دخول خود را در آتش جهنم فراهم می کنند. برای توضیح بیشتر در مورد این کلام امام حسین علیه السلام به سخنان حجت الاسلام محمد جواد نظافت یزدی در پاسخ به سؤال سوم رجوع شود.

سرها را جلو ببرند تا توجه نامحرمان به سرهای شهدا جلب شود و کمتر به زنان و کودکان نگاه کنند.

باز نقل است زمانی که اسراء را وارد مجلس یزید کردند، با وجود اینکه در آنجا دیگر پوشش بانوان کامل بوده (اما همان طور که قبلاً نیز گفته شد رو بند و پوشیه نداشتند) حضرت زینب علیها السلام به یزید فرمود: ای فرزند آزاد شدگان! (1)

آیا از عدالت است که زنان و کنیزان خود را پشت پرده ها جا داده ای و دختران پیامبر را به اسیری گرفته و می گردانی، پرده های حُرمتشان را دریده و چهره هاشان را آشکار ساخته ای و دشمنان، آنان را شهر به شهر می گردانند و مردم بیابانی و کوهستانی به آنان می نگرند و دور و نزدیک و غایب و حاضر و شریف و پست به چهره آنان چشم می دوزند، اینها همه از روی طغیان تو بر خدا و انکارت نسبت به پیامبر و دین خداست و از تو شگفت نیست. (2)

و اما چقدر برای حضرت زینب علیها السلام این ایام زجر آور و دردناک بوده، زینبی که قبل از این وقایع یحیی مازنی می گوید: من مدت ها در مدینه در خدمت حضرت علی علیه السلام به سر بردم و خانه ام نزدیک خانه زینب دختر امیرالمومنین علیه السلام بود. به خدا سوگند هیچ گاه چشمم به او نیفتاده، صدایی از او به گوشم نرسید. به هنگامی که می خواست به زیارت جد بزرگوارش رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم برود، شبانه از خانه بیرون می رفت، در حالیکه حسن علیه السلام در سمت راست او و حسین علیه السلام در سمت چپ او و

ص: 125

1- . چون پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بعد از فتح مکه پدر و پدر بزرگ یزید یعنی معاویه و ابوسفیان را که مستحق مجازات بودند، بخشیدند و به بردگی نگرفتند و آزاد کردند.

2- . «أَمِنَ الْعَدْلُ يَا ابْنَ الطُّلَقَاءِ تَخْدِيرُكَ حَرَائِكَ وَسَوْفَكَ بَنَاتِ رَسُولِ اللَّهِ سَبَايَا قَدْ هَتَكَتَ سَتُورَهُنَّ وَأَبْدَيْتَ جُوهَهُنَّ يَحْدُو بِهِنَّ الْأَعْدَاءُ مِنْ بَلَدٍ إِلَى بَلَدٍ وَيَسْتَشِرُّ رِفْهُنَّ أَهْلُ الْمَنَاقِلِ وَيَبْرُزْنَ لِأَهْلِ الْمَنَاهِلِ وَيَصَفِّحُ جُوهَهُنَّ الْقَرِيبُ وَالْبَعِيدُ وَالْغَائِبُ وَالشَّهِيدُ وَالشَّرِيفُ وَالْوَضِيعُ وَالِدَنِيُّ وَالرَّفِيعُ لَيْسَ مَعَهُنَّ مِنْ رَجَالِهِنَّ وَلِيٌّ وَلَا مِنْ حُمَاتِهِنَّ حَمِيمٌ عُنْتُوا مِنْكَ عَلَى اللَّهِ وَجُوداً لِرَسُولِ اللَّهِ وَدَفَعَا لِمَا جَاءَ بِهِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَلَا عَزَّوَمِنْكَ وَلَا عَجَبَ مِنْ فِعْلِكَ». بحار الأنوار، ج 45، ص 158، ح 5 - احتجاج، ص 307 به نقل از مقتل امام حسین علیه السلام، گرد آورنده: گروه حدیث پژوهشکده باقرالعلوم علیه السلام، ترجمه جواد محدثی، ص 247.

امیرالمؤمنین علیه السلام پیش رویش راه می رفتند. هنگامی که به قبر شریف رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نزدیک می شد، حضرت علی علیه السلام جلو می رفت و نور چراغ را کم می کرد، یکبار امام حسن علیه السلام از پدر بزرگوارش درباره این کار سؤال کرد، حضرت فرمود:

«أخشى أن ينظر أحد الی شخص أختک». می ترسم کسی به خواهرت زینب نگاه کند. (1)

واقعاً با وجود الگوهای این چنین با حیاء و عفت که گوشه هایی ارزنده از زندگی آنان در تاریخ اسلام ما ثبت است آیا جای هیچ گونه عذر و بهانه برای بدحجابی و بی حجابی زن مسلمان باقی می ماند؟! و در زمان ما هم کم نیستند دختران و زنانی که شاید در شرایط سخت تر از ما نیز زندگی می کنند ولی با این وجود، با الگو قرار دادن زنان بزرگ اسلام، در جامعه با حجاب اسلامی ظاهر می شوند و خداوند به وسیله آنان حجت را بر دیگران تمام می کند و در روز قیامت به آنها احتجاج کرده و برای کسی عذری باقی نخواهد ماند.

ص: 126

---

1- . فاطمه زهرا علیها السلام شادمانی دل پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، ص 862 به نقل از 200 داستان از فضایل و کرامات و مصایب حضرت زینب علیها السلام، عباس عزیزی، ص 31 - عوالم العلوم و المعارف و الاحوال من الآیات و الاخبار و الاقوال، ج 11، ص 955 - زندگانی حضرت زینب علیها السلام، شهید دستغیب رحمه الله، ص 15 - ریاحین الشریعة، ج 3، ص 90 به نقل از سایت پرسمان دانشگاهیان، مقاله: حضرت زینب علیها السلام و حجاب.



با وجود اینکه هنوز در جامعه ما در مورد حجاب و فلسفه آن به مقدار کافی کار نشده و زنان و دختران ما در این زمینه توجیه نگردیده اند، آیا باز هم می شود از آنان انتظار داشت که مقید به حجاب اسلامی باشند؟

پاسخ : توجیه شدن و آگاهی نسبت به فلسفه احکام الهی و از جمله حجاب اسلامی، خیلی خوب است و باعث می شود که انسان، با ایمان بیشتر و عزمی راسخ تر به احکام الهی عمل کند. ولی آیا اگر ما فلسفه احکام الهی را ندانیم، این مجوز می شود تا به آنها عمل نکنیم و از نظر خداوند هم عذر ما پذیرفته است و عقاب در انتظار ما نخواهد بود؟! آیا فردی که به تکلیف می رسد، می شود به او بگویند: درست است که تو از امروز مکلف شده ای اما تا زمانی که علت و فلسفه هر حکمی (مثل نماز، روزه، حجاب و...) را نفهمیدی، لازم نیست به آن عمل کنی؟! هر وقت و هر حکمی که فلسفه اش را نفهمیدی فقط همان را عمل کن!! همان طور که در پاسخ به سؤال یازدهم نیز بیان شد، در تعالیم اسلامی به ما آموخته اند که حتی فرزندان خود را چند سال قبل از زمان تکلیف به انجام احکام الهی مقید کنید تا با آن انس و الفت بگیرند و در خصوص حجاب و نماز از نزدیکان امام خمینی رحمه الله نقل است که ایشان هم معتقد بودند قبل از رسیدن به سن تکلیف، بچه را باید با احکام الهی خصوصاً نماز و حجاب (که مورد نظر ماست) مأنوس نمود. (1)

از این گذشته احکام الهی و از جمله حجاب از اصول دین نیست تا هر مسلمانی برای اعتقاد به آن موظف باشد که خود را مجهز به دلایل عقلی کند. البته دانستن فلسفه احکام الهی نه تنها هیچ اشکالی ندارد بلکه علم به آن ترجیح

ص: 127

هم دارد ولي دانستن فلسفه احكام، شرط لازم براي عمل به آنها نيست. هر مسلمان كه به خدا و رسول صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و قيامت يعني به اصول دين ايمان آورد مي فهمد كه تنها راه سعادت واقعي او تسليم امر خدا بودن است و بايد دستوراتش را اطاعت كند هر چند كه علت و فلسفه آن را نداند. قرآن كريم در سوره بقره آيه 208 مي فرمايد:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً» يعني «اي كساني كه ايمان آورده ايد بدون هيچ اختلافي همگي تسليم خدا شويد».

علامه طباطبائي رحمه الله در تفسير اين آيه مي فرمايد:

«سليمي كه همگان بدان دعوت شده اند، عبارت است از تسليم شدن براي خدا، بعد از ايمان به او. پس بر مؤمنين واجب است كه امر را تسليم خدا كنند و براي خود صلاحديد و استبداد قائل نباشد كه هيچ قومي هلاك نشد مگر به خاطر همين كه راه خدا را رها کرده و راه هواي نفس را پيمودند».(1)

همان طور كه هر انسان عاقلي وقتي به پزشك متخصص رجوع مي كند، چون مي داند او علم لازم را دارد و هدفش هم درمان مريض است لذا حتي اگر علت مصرف دارو هاي تجويز شده و دستورات پزشك را نداند كه اكثر اوقات هم نمي داند، باز هم به آنها عمل مي كند و داروها را نيز مصرف مي كند. در اجراي دستورات الهي هم چون ايمان داريم كه خالق ما عالم است و هدف او از خلقت ما، رسيدن انسان به كمال و سعادت است ديگر لازم نيست كه حتماً براي اجراي احكام الهي به علت و فلسفه آنها نيز آگاهی داشته باشيم و لذا خود را تسليم اوامر او می كنيم.(2)

ص: 128

---

1- . برگرفته از تفسير الميزان، علامه سيد محمد حسين طباطبائي رحمه الله ، ترجمه سيد محمد باقر موسوي همداني رحمه الله ، ج 3، ص 193.

2- [2]. يكي از اين اوامر نيز حجاب است كه از ضروريات دين است و همان طور كه ذكر گرديد منكر آن محكوم به كفر است. (رجوع شود به پاسخ سؤال چهارم و البته توضيح بيشتري آن نيز در پاورقی صفحات بعدي پاسخ به همين سؤال ذكر گرديده).

از این گذشته آیا سیره و روش پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و ائمه معصومین علیهم السلام در بیان احکام الهی این بوده که اول به طور مفصل برای تک تک مسلمانان، فلسفه هر حکمی را بیان می کردند و بعد می گفتند حالا که علتش را فهمیدید، به آن عمل کنید؟! یا اینکه چون مسلمین به خدا و رسولش ایمان آورده بودند و نسبت به اصول اسلام، اعتقادی عمیق و بنیادی داشتند تسلیم احکام الهی بودند، هر چند که دلیل و فلسفه تک تک آن را هم نمی دانستند؟! البته در بعضی از سخنان و خطبه های معصومین علیهم السلام از جمله حضرت زهرا علیها السلام فلسفه بعضی از احکام بیان شده ولی آن هم به صورت خیلی اجمالی و مختصر و مفید مطرح گردیده است. (1)

علاوه بر این آیا واقعاً در مورد تمامی قوانین جامعه خود، نیز چنین اعتقادی داریم که مثلاً باید تک تک افراد جامعه دلیل و فلسفه هر یک از قوانین راهنمایی و رانندگی را بدانند تا بشود از آنها انتظار عمل کردن به آن قوانین را داشت؟! و اگر کسی دلیلش را نمی دانست و به آن عمل نکرد، آیا متخلف به حساب نمی آید و پلیس هم او را جریمه نمی کند؟! یا حتی وقتی شما فرضاً برای ثبت نام به مدرسه ای مراجعه کنید و مدارکی را از شما مطالبه کنند، باید حتماً بدانید هر کدام از مدارک را به چه دلیل می خواهند و در چه موردی استفاده می شود و فایده و کاربرد آنها چیست تا به اولیاء مدرسه تحویل دهید؟! و اگر تحویل ندهید آنان موظفند که علت نیاز هر کدام از مدارک را به طور جداگانه برای شما بازگو کنند؟! و اصلاً مگر علم به فلسفه احکام همیشه و صد در صد باعث عمل به آن احکام می گردد؟ چه بسیار افراد عالم و دانشمند و با سواد که کاملاً نسبت به فواید و مضرات اموری آگاهند ولی عامل به آنها نیستند به طور مثال شاید همگی در طول عمر خود شاهد بوده ایم که بسیاری از دانشمندان و دکترها با وجود آگاهی نسبت به مضرات سیگار و ... خود معتاد به آن بوده اند.

ص: 129

---

1- . رجوع شود به بانوی نمونه اسلام، ابراهیم امینی، ص 228 - صدای فاطمی فدک، محمد باقر انصاری و سید حسین رجایی، ص 18.

لذا دانستن فلسفه احکام، شرط لازم عمل به آنها نیست. بلکه این ایمان و یقین است که موجب عمل می شود و یکی از دلایل تأکید اسلام بر تقلیدی نبودن اصول دین نیز همین است، که موجب می شود شخص از اعماق وجودش به امور اساسی ایمان آورد و به یقین برسد و در نتیجه قلباً تسلیم امور الهی گردد.

پس جامعه اسلامی نیز مانند هر جامعه دیگری قوانین و مقرراتی دارد که افرادش ملزم به اجرای آنها می باشند. البته همان طور که ذکر شد، چه بهتر که متخصصین با بیان فلسفه احکام و توجیه بیشتر افراد در این زمینه، هر چه بیشتر موجبات شناخت و ازدیاد و تقویت ایمان افراد را فراهم کنند، تا در آنها گرایش ایجاد شود و در نتیجه به رفتار برسند (1) که انصافاً هم تا کنون در این زمینه کم کار نشده و ان شاء الله از این به بعد نیز باز هم تلاش های بیشتری صورت بگیرد، ولی در این میان نباید «اختیار انسان» که یکی از مهمترین عوامل اساسی است را نادیده گرفت خداوند متعال نیز به رسولش می فرماید:

وظيفة تو فقط رساندن پیام (2)

و انذار و تبشیر است (3) و تو را نگهبان ایشان نگردانیم و تو وکیل آنها نیستی (4).

و در سوره ق آیه 45 می فرماید:

ص: 130

- 1- . برگرفته از سخنان دکتر علی غلامی، برنامه بدون توقف، شبکه 3 سیما، تاریخ 17/5/1401.
- 2- . در سوره عنکبوت، آیه 14 می فرماید: «وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ» یعنی «و بر پیامبر جز ابلاغ آشکار وظیفه ای نیست» و در سوره آل عمران آیه 20 نیز می فرماید: «فَإِنْ أَسْلَمُوا فَقَدِ اهْتَدَوْا وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ» یعنی «پس اگر اسلام آوردند قطعاً هدایت یافته اند و اگر روی برتافتند فقط رساندن پیام بر عهده توست».
- 3- . «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا مُبَشِّرًا وَنَذِيرًا» سوره فرقان آیه 56 و در سوره سبأ آیه 28 نیز می فرماید: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا» یعنی «و ما تو را جز بشارتگر و هشدار دهنده برای تمام مردم نفرستادیم» و در سوره فاطر آیه 24 نیز می فرماید: «إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا» یعنی «ما تو را به حق برای بشارت و انذار فرستادیم».
- 4- . «وَمَا جَعَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ». سوره انعام، آیه 107.

«وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِجَبَّارٍ فَذَكَرْ بِالْقُرْآنِ مَنْ يَخَافُ وَعِيدِ» یعنی «و تو مأمور نیستی که آنها را مجبور (به ایمان) کنی (و با قهر و اجبار به سوی اسلام بکشانی وظیفه تو تنها ابلاغ رسالت و دعوت به سوی حق و بشارت و انداز است، چون چنین است) آنان را که از عذاب و عقاب من می ترسند، به وسیله قرآن متذکر ساز (و پند و اندرز ده)».(1)

و نیز می فرماید:

اگر ما می خواستیم می توانستیم کاری کنیم که همه مردم ایمان بیاورند و هدایت شوند.(2) ولی خدا اراده کرده است که انسان مختار باشد.(3)

و درست به دلیل همین اختیار است که همیشه انسان های خلاف کار و گمراه وجود داشته و خواهند داشت و به همین جهت است که اسلام هم مجازات هایی همچون دیه، کفارات، قصاص، حدود و تعزیرات... را معین نموده. پس وجود افراد متخلف، دلیل بر کم کاری کسانی که مأمور به انجام رسالت الهی بوده اند، نیست. تاریخ نمایان گر این واقعیت است که متأسفانه معمولاً تعداد دفعاتی که اکثریت

ص: 131

- 
- 1- [1]. تفسیر نمونه، آیت العظمی مکارم شیرازی دام ظلّه، چاپ بیست و چهارم، ج 22، ذیل آیه 45 سوره ق، ص 307.
  - 2- «وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَمَعَهُمْ عَلَى الْهُدَى». سوره انعام آیه 35 - همچنین سوره شعراء آیه 4 نیز به همین مطلب اشاره دارد و می فرماید: «إِنْ نَشَاءُ نُنَزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَافُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ» یعنی «اگر بخواهیم معجزه ای از آسمان بر آنان فرود می آوریم تا در برابر آن گردن هایشان خاضع گردد» و در سوره یونس آیه 99 می فرماید: «وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَأَمَنَّ مَنْ فِي الْأَرْضِ كُلَّهُمْ جَمِيعاً» یعنی «اگر پروردگار تو می خواست قطعاً کسانی که در زمین اند همه آنها یکسره (به اجبار) ایمان می آوردند».
  - 3- . سوره انسان آیه 3 می فرماید: «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا». یعنی «به حقیقت راه را به انسان نمودیم حال خواهد هدایت پذیرد و خواهد کفران کند».

افراد جامعه مؤمن بوده و راه حق را بروند و تابع دین خدا باشند، خیلی کم بوده است. (1)

قرآن کریم نیز در مورد مخالفان و دشمنان پیامبر اسلام صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ می فرماید:

«وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ» (2) یعنی «بیشترشان ایمان آورنده نیستند».

همچنین در مورد قوم انبیاء گذشته مانند حضرت ابراهیم و موسی و نوح و هود و صالح و لوط و شعیب علیهم السلام نیز قرآن کریم می فرماید:

«وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ» (3) یعنی «اکثر آنان ایمان آورنده نبودند».

مثلاً حضرت نوح علیه السلام 950 سال مردم را به دین خدا دعوت نمود (4) اما طبق نقل تواریخ حدود 80 نفر ایمان آوردند یعنی به طور متوسط هر دوازده سال فقط یک نفر، (5)

و حضرت یونس علیه السلام سی و سه سال مردم را دعوت به دین حق نمود و فقط دو نفر ایمان آوردند (6)

و طبق بعضی از روایات چهل سال تبلیغ کرد و تنها

ص: 132

1- امام کاظم علیه السلام در این باره فرمودند: «أَمَّا وَاللَّهِ إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَلْقَلِيلُ وَإِنَّ أَهْلَ الْكُفْرِ لَكَثِيرٌ» یعنی «هان به خدا مؤمن کم است و اهل کفر بسیارند». الکافی، ج 3، باب في قلة عدد المؤمنين، ص 341، ح 5.

2- سوره شعراء، آیه 8 - و سوره یس، آیه 7 نیز می فرماید: «لَقَدْ حَقَّ الْقَوْلُ عَلَى أَكْثَرِهِمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ» یعنی «وعدۀ عذاب بی شک درباره اکثرشان تثبیت شد، پس ایمان نخواهند آورد».

3- سوره شعراء، آیات 67 و 103 و 121 و 139 و 158 و 174 و 190.

4- «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَى قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا» یعنی «و به راستی نوح را به سوی قومش فرستادیم. پس در میان آنها هزار سال جز پنجاه سال بماند». سوره عنکبوت، آیه 14.

5- برگرفته از تفسیر نمونه، آیت الله ناصر مکارم شیرازی دام ظلّه، چاپ بیست و سوم، ج 16، ص 245، ذیل آیات 14 تا 19 سوره عنکبوت.

6- «وَأَنَّهُ أَقَامَ فِيهِمْ يَدْعُوهُمْ إِلَى الْإِيمَانِ بِاللَّهِ وَالتَّصَدِيقِ بِهِ وَاتَّبَاعِهِ ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ سَنَةً فَلَمْ يُؤْمِنْ بِهِ وَ لَمْ يَتَّبِعْهُ مِنْ قَوْمِهِ إِلَّا رَجُلَانِ اسْمُهُمَا زُوْبَيْلٌ وَاسْمُ الْآخَرِ تَنْوَخًا». بحار الأنوار، ج 14، باب 26 (قصص یونس و آیه متی .....)، ص 392، ح 12 برگرفته از سایت ویکی فقه، دانشنامه حوزوی.

گروه اندکی که شاید از دو نفر تجاوز نکردند («عابد» و «عالمی») به او ایمان آوردند،<sup>(1)</sup> و حضرت صالح علیه السلام نیز حدود صد و چهار سال<sup>(2)</sup>

قوم خود را دعوت به ایمان نمود و فقط چهار هزار نفر ایمان آوردند.<sup>(3)</sup> در زمان ائمه معصومین علیهم السلام نیز تعداد مؤمنان واقعی بسیار کم بوده است.

امام باقر علیه السلام در این باره می فرماید:

«الْمُهَاجِرُونَ وَالْأَنْصَارُ ذَهَبُوا إِلَّا وَ أَشَارَ بِيَدِهِ ثَلَاثَةً»<sup>(4)</sup> یعنی «مهاجرین و انصار (پس از پیغمبر از حقیقت ایمان) بیرون رفتند مگر - با انگشت اشاره کردند - سه تن».

مگر ائمه معصومین علیهم السلام تعداد کم یاران واقعی را علت قیام نکردن مطرح نمی کردند؟!<sup>(5)</sup> حضرت علی علیه السلام فرمودند:

«اگر در آن روز که همه بنو تیم بن مره با ابوبکر بیعت کردند چهل نفر گوش به فرمان می یافتم حقاً با آنان جهاد می کردم».<sup>(6)</sup>

ص: 133

---

1- . تفسیر نمونه، آیت الله مکارم شیرازی دام ظلّه، چاپ بیست و چهارم، جلد 19، ص 170 و 171 ذیل آیات 139 و 140 سوره صافات.

2- . «قَالَ لَهُمْ يَا قَوْمِ بَعِثْتُ إِلَيْكُمْ وَأَنَا ابْنُ سِتِّ عَشْرَةَ سَنَةً وَقَدْ بَلَغْتُ عَشْرِينَ وَمِائَةَ سَنَةٍ» حضرت صالح علیه السلام 16 ساله بودند که مبعوث شدند و تا 120 سالگی مردم را دعوت می نمودند یعنی حدود 104 سال. بحار الأنوار، ج 11، باب 6 (قصه صالح علیه السلام و قومه.....)، ص 383، ح 8 برگرفته از ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج 9، ص 159.

3- . برگرفته از ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج 18، ص 124، ذیل آیه 53 سوره نمل: «وَأَنْجَيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا وَ كَانُوا يَتَّقُونَ».

4- . الکافی، ج 2، باب فی قلة عدد المؤمنین، ص 244، ح 6.

5- . اصول کافی، ج 2، باب کمی تعداد مؤمنین (فی قلة عدد المؤمنین)، ص 242.

6- . «لَوْ وَجَدْتُ يَوْمَ بُوَيْعِ أَخَوَتَيْمِ أَرْبَعِينَ رَهْطًا لَجَاهَدْتُهُمْ فِي اللَّهِ». مستدرک الوسائل، ج 11، ص 74، ح 2.

و یا امام حسن علیه السلام فرمودند:

«اگر یارانی داشتیم که در جنگ با دشمنان خدا با من همکاری می کردند هرگز خلافت را به معاویه واگذار نمی کردم زیرا خلافت بر بنی امیه حرام است»<sup>(1)</sup>.

و همچنین امام صادق علیه السلام با نگاه کردن به سمت جوانی که بزغاله می چراند، به سدیر صیرفی فرمودند:

«به خدا اگر شیعیانم به شماره این بزغاله ها (هفده عدد) می بودند خانه نشستن برایم روا نبود»<sup>(2)</sup>.

مگر قرآن کریم نیز در آیات زیادی تصریح ننموده که:

«أَكْثَرُهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ، أَكْثَرُهُمْ لَا يَشْكُرُونَ، أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ، قَلِيلًا مَّا يُؤْمِنُونَ، قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ، قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ و...»<sup>(3)</sup>.

این عبارات همه به دلیل وجود اختیار در انسان است که او مطابق هوای نفس خود عمل می کند و راه هوی و هوس که آسان تر است و زودتر او را به لذات دنیایی می رساند را برمی گزیند. همیشه این طور نبوده و نیست که اگر مسائل و دلایل به طور درست و صحیح بیان گردد منجر به این شود که اکثریت افراد راه درست را انتخاب کنند. آیا امام حسین علیه السلام نعوذ بالله مسائل را بیان نکردند و یا

ص: 134

---

1- . «وَلَوْ وَجَدْتُ أَعْوَانًا مَا سَلَّمْتُ لَهُ الْأَمْرَ لِأَنَّهُ مُحَرَّمٌ عَلَيَّ بِنَبِيِّ أُمَّيَّةٍ». بحار الأنوار، ج 44، ص 44، ح 4 برگرفته از سیره پیشوایان، مهدی پیشوائی، ص 111.

2- . «وَ اللَّهُ يَا سَدِيرُ لَوْ كَانَ لِي شِيعَةٌ بَعْدَ هَذِهِ الْجِدَاءِ مَا وَسَعَنِي الْقُعُودُ». الکافی، ج 3، ص 341، ح 4.

3- . سوره بقره آیه 100، سوره یونس آیه 60، سوره مائده آیه 103، سوره بقره آیه 88، سوره اعراف آیه 3 و 10، ..... برای تحقیق بیشتر در این مورد می توان الفاظ «اکثر» و «قلیل» را در قرآن کریم جستجو نمود.



درست توجیه نمودند و در انجام رسالت و وظیفه خود کوتاهی کردند که اکثر افراد زمانش به دنبال یزید و یزیدیان رفتند؟! مگر عملکرد پیامبر اسلام صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نعوذ بالله درست نبود که قرآن کریم خطاب به کسانی که ایمان نمی آوردند می فرماید:

«قَلِيلًا مَا تُؤْمِنُونَ... قَلِيلًا مَا تَدَّكَّرُونَ» (1) یعنی «چه اندک ایمان می آورید... چه اندک متذکر می شوید».

همان پیامبری که قرآن کریم درباره اش می فرماید:

«لَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسًا أَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ... وَ مَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ» (2) یعنی «گویی می خواهی جان خود را از شدت اندوه از دست دهی به خاطر اینکه آنها ایمان نمی آورند... ولی بیشترشان ایمان آورنده نیستند».

از همه این مطالب که بگذریم، بر فرض که شرط عمل نمودن به احکام الهی، دانستن فلسفه آنها باشد، آیا فقط دیگران هستند که وظیفه دارند فلسفه احکام را به مکلفین بفهمانند؟! و خود فرد مکلف، وظیفه ندارد برای فهم مطالب سعی و تلاش کند؟! و اگر در فهمیدن دلیل کوتاهی کرد، دیگر مقصّر نیست و تکلیف از او ساقط می شود و در برابر عمل نکردن به احکام الهی عذاب نخواهد شد؟! و یا برعکس حُکْم جاهل مُقَصِّر (3)

را خواهد داشت؟

این همه کتاب و مقاله و جزوه و سخنرانی و نوار و فیلم و... و برنامه های آموزشی و تربیتی که در تلویزیون و مدارس و... در این زمینه اجرا شده و می شود، هر مقدار

ص: 135

- 
- 1- . سوره حاقه، آیه 41 و 42.
  - 2- . سوره شعراء، آیات 3 الی 8 و سوره کهف، آیه 6 نیز به همین مطلب اشاره دارد.
  - 3- . جاهل مقصّر یعنی جاهلی که امکان آموختن مسائل را داشته ولی عمداً در فراگیری آن کوتاهی کرده لذا در عمل نکردن به احکام تقصیر کار است و مرتکب گناه شده.

که مطالب و بیان ها گویا و هر قدر که سخن ها رسا و دلنشین هم که باشد (1) آیا اگر کسی نخواهد مطلبی را بشنود و بفهمد، می شود مطلبی را به او فهماند؟ آیا می شود این مطالب را به او تزریق نمود؟! قرآن کریم در آیات مختلف مثلاً سوره یونس آیه 99 می فرماید:

«أَفَأَنْتَ تُكْرِهُ النَّاسَ حَتَّىٰ يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ» (2) یعنی «تو کی می توانی مردم را به جبر و اکراه، همه را مؤمن و خداپرست گردانی».

و تو اصلاً مأمور نیستی که آنها را مجبور (به ایمان) کنی (3)

و در سوره یوسف آیه 103 می فرماید:

«وَمَا أَكْثَرُ النَّاسِ وَلَوْ حَرَصْتَ بِمُؤْمِنِينَ» یعنی «و تو هر چند جهد و ترغیب در ایمان مردم کنی باز اکثر آنان ایمان نخواهند آورد».

و به بیان دیگر انسان خواب را می توان بیدار کرد ولی انسانی که خود را به خواب زده و نمی خواهد بیدار شود را نمی توان بیدار نمود. و به بیان قرآن کریم:

«إِنَّكَ لَا تَسْمَعُ الْمَوْتَىٰ وَلَا تَسْمَعُ الدُّعَاءَ إِذَا وَلَّوْا مُدْبِرِينَ وَ مَا أَنْتَ بِهَادِي الْعُمَىٰ عَنْ ضَلَالَتِهِمْ إِنْ تُسْمِعُ إِلَّا مَنْ يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ مُسْلِمُونَ» (4)

ص: 136

1- . برگرفته از تفسیر نمونه، آیت العظمی مکارم شیرازی دام ظلّه، چاپ بیست و چهارم، ج 18، ذیل آیه 22 و 24 سوره فاطر، ص 250 و 258.

2- . همچنین مضمون این آیه در سوره یوسف آیه 103 آمده است که می فرماید: «وَمَا أَكْثَرُ النَّاسِ وَلَوْ حَرَصْتَ بِمُؤْمِنِينَ» یعنی «و تو هر چند جهد و ترغیب در ایمان مردم کنی باز اکثر آنان ایمان نخواهند آورد».

3- . سوره ق، آیه 45.

4- . سوره نمل آیه 80 و 81 - شبیه همین مطلب در سوره فاطر آیه 22 نیز ذکر گردیده: «وَمَا أَنْتَ بِمُسْمِعٍ مَّن فِي الْقُبُورِ» یعنی «تو نمی توانی سخن خود را به گوش آنان که در گور خفته اند برسانی».

یعنی «مسلماً تو نمی توانی صدای خود را به گوش مُردگان برسانی و نه سخنت را به گوش کُران هنگامی که روی برگردانند و دور شوند. و نیز نمی توانی نابینایان را از گمراهی شان هدایت کنی، توفیق می توانی سخن خود را به گوش کسانی برسانی که آماده پذیرش ایمان به آیات ما هستند و مسلمانند (در برابر حق تسلیمند)».

اگر گفته شود آیه مربوط به کافران است نه مسلمانانی که گناه می کنند. پاسخ این است که:

اولاً - کفر مراتبی دارد و یکی از مراتب کفر، ترک واجبات و انجام محرمات است. قرآن کریم نیز می فرماید:

«أَفْتَوُْمُنُونَ بِيَعْضِ الْكِتَابِ وَ تَكْفُرُونَ بِبَعْضِ» (1) یعنی «آیا به بعضی از دستورات کتاب آسمانی ایمان می آورید، و به بعضی کافر می شوید؟!»،

امام صادق علیه السلام نیز فرمودند: در قرآن کفر پنج نوع است و نوع اول آن انکار ربوبیت و بهشت و جهنم است (که بالاترین درجه کفر است) تا اینکه فرمودند:

«وَالْوَجْهُ الرَّابِعُ مِنَ الْكُفْرِ تَرْكُ مَا أَمَرَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِهِ وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ... "أَفْتَوُْمُنُونَ بِيَعْضِ الْكِتَابِ وَ تَكْفُرُونَ بِبَعْضِ"» (2).

یعنی نوع چهارم کفر ترک کردن چیزی است که خداوند به آن امر فرموده، چنان که خداوند فرموده: «أَفْتَوُْمُنُونَ بِيَعْضِ الْكِتَابِ وَ تَكْفُرُونَ بِبَعْضِ» بعد ایشان فرمودند: «خدا (در این آیه) آنها را کافر دانسته به واسطه ترک آنچه خدا به آنها فرمان داده است و نسبت ایمان به آنها داده ولی از آنها نپذیرفته و ایمان شان را سودمند برای آن در

ص: 137

1- . سوره بقره، آیه 85.

2- . الکافی، ج 2، باب وجوه الکفر، ص 389، ح 1.

نزد خودش ندانسته و فرموده است: نیست جزای ایشان جز رسوایی در دنیا و عذاب سخت تر در آخرت.

همچنین ابو بصیر از امام صادق علیه السلام در مورد تفسیر آیه 137 سوره نساء روایت می کند که ایشان فرمودند:

«إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ أُرَادُوا كُفْرًا» مَنْ زَعَمَ أَنَّ الْخَمْرَ حَرَامٌ ثُمَّ شَرِبَهَا وَ مَنْ زَعَمَ أَنَّ الزَّانَا حَرَامٌ ثُمَّ زَنَى وَ مَنْ زَعَمَ أَنَّ الزَّكَاةَ حَقٌّ وَ لَمْ يُؤَدِّهَا»<sup>(1)</sup> یعنی «منظور آیه شریفه از کسانی که ایمان آوردند، سپس کافر شدند.... کسی است که شراب را حرام می داند ولی آن را می آشامد، زنا را حرام می داند ولی مرتکب می گردد، و زکات را حق می داند اما آن را نمی دهد».

به بیان دیگر در عین حرام دانستن عملی، مرتکب آن می شوند و یا در عین واجب دانستن عملی از انجام آن سر باز می زنند. بنابراین در عین مسلمان بودن و ایمان به بعضی از احکام و قوانین الهی، کفر به بعضی دیگر از آنها، برای همگان و برای ما مسلمانان امروز نیز نه تنها ممکن است بلکه بسیار هم شایع است. در طول تاریخ اسلام نیز کم نبوده و نیستند کسانی که به اسم مسلمانان ولی بر اثر اصرار در گناه و پیروی از هوای نفس و غوطه ور شدن در تعصب و عناد و ظلم و فساد کم دلشان زنگار گرفته و قلبشان سیاه می گردد تا جایی که دیگر مانند مردگان در قبرها مطلب و سخن حق را نه می شنوند و نه در آنها اثری می کند.<sup>(2)</sup>

حتی پیامبر اکرم صَدِّقِیَ اَللَّهِ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ می فرمایند: فرو رفتن در گناهان و سبک شمردن آنها موجب مبتلا شدن انسان به بالاترین مرتبه کفر نیز می گردد.

ص: 138

1- . بحار الأنوار، ج 70، ص 360، ح 82.

2- . برگرفته از تفسیر نمونه، آیت الله مکارم شیرازی دام ظلّه، ج 1، چاپ چهل و هفتم، ص 386، مبحث: تبعیض در احکام خدا و انگیزه آن، ذیل آیه 85 سوره بقره و همچنین ترجمه تفسیر المیزان، محمد جواد حجتی کرمانی، ج 9، چاپ دوم، ص 188، مبحث: بحث روایتی، ذیل آیه 137 سوره نساء.

«يا عباد الله، فاحذروا الإنهماك في المعاصي و التهاون بها، فإن المعاصي يستولى بها الخذلان على صاحبها، حتى يوقعه فيما هو أعظم منها، فلا يزال يعصى و يتهاون و يخذل و يوقع فيما هو أعظم مما جنى، حتى يوقعه في ردّ ولاية وصيّ رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ وَ سَلَّمَ و دفع نبوة نبيّ الله، و لا يزال أيضاً بذلك حتى يوقعه في دفع توحيد الله، و الإلحاد في دين الله»<sup>(1)</sup> یعنی «ای بندگان خدا از فرو رفتن در گناهان و سبک شمردن آنها بپرهیزید، زیرا گناهان خواری و پستی را بر گنهکار چیره می سازد تا آنکه او را به ارتکاب گناهان بزرگتر مبتلا می کند، پس پیوسته نافرمانی می کند و آن را سبک می شمارد و خود را ذلیل می کند و به انجام گناهان بزرگتر مبتلا می شود تا اینکه به مرحله انکار ولایت جانشین رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ وَ سَلَّمَ می رسد، و نبوت پیغمبر خدا را رد می کند، و کم کم در شقاوتش ادامه می دهد تا توحید پروردگار را هم منکر می گردد و یک آدم ملحد و کافری در دین خدا می شود».

ثانیاً - در مورد رعایت نکردن همین حکم حجاب نیز اگر کسی کارش به جایی برسد که منکر حجاب شود، به فتوای همه مراجع عظام چون حجاب جزء ضروریات دین است، منکر هر یک از ضروریات دین، مرتد است و بنابر نظر بعضی از علماء مانند علامه مجلسی رحمه الله و امام خمینی<sup>(2)</sup> و آیات عظام خامنه ای دام ظلّه و بهجت رحمه الله و سیستانی دام ظلّه و مکارم شیرازی دام ظلّه اگر کسی علم به ضروری بودن آن داشته باشد و انکارش به انکار رسالت یا تکذیب پیامبر اکرم اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ وَ سَلَّمَ، منجر شود، باعث کفر و ارتداد است.<sup>(3)</sup>

ص: 139

1- التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن العسكري عليه السلام، ص 264، ح 132.

2- رجوع شود به پاورقی پاسخ به سؤال چهارم.

3- برگرفته از سایت ویکی شیعه و سایت گناه شناسی.

می گویند که در بعضی از شهرها اگر کسی با حجاب کامل اسلامی در کوچه و خیابان برود، مردان مریض دل، بیشتر توجهشان به او جلب می شود و او را مورد اذیت و آزار قرار می دهند. آیا برای دفع آزار چنین افرادی می توان برای مدتی حجاب را کنار گذاشت؟

پاسخ :

اولاً- دشمن با انتشار چنین شایعاتی می خواهد با رُعب و وحشتی که ایجاد می کند، دختران و زنان ما را وادار کند که خود با دست خود حجاب را کنار گذاشته، تا آنان به اهداف شوم خود که از طریق اشاعه فساد و فحشاء، سریعتر به آن می رسند، نزدیک شوند.

ثانیاً- بر فرض که این مطلب حقیقت هم داشته باشد، آیا واقعاً راه چاره این است که زنان و دختران ما، خود به دست خود و از روی ترس کشف حجاب کنند؟! در این صورت که از نظر خداوند عذرش پذیرفته نیست و خود مقصّر است و گناهکار به حساب می آید و دچار عذاب الهی خواهد شد. اما اگر برای اجرای این حکم الهی مانند دیگر احکام، ثبات قدم از خود نشان دهد، حتی اگر در این راه آزار و صدمه ای هم ببیند برای او پاداش الهی منظور می گردد و تکلیف الهی خود را انجام داده و برای کسانی که مرتکب آزار به افراد باحجاب می شوند، عذاب الهی در پیش خواهد بود. قرآن کریم می فرماید:

ص: 140

«إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»<sup>(1)</sup> یعنی «آنان که گفتند آفریننده ما خداست و بر این سخن پایدار و ثابت ماندند بر آنها هیچ ترس و اندوهی نخواهد بود».

همیشه و در همه جا ممکن است افراد مریض و بیمار دل وجود داشته باشند ولی اگر ما در انجام وظایف الهی خود کوتاهی نکنیم و تقصیری نداشته باشیم، حتی اگر بیمار دلان، موجبات آزار و اذیت ما را نیز فراهم کنند، خداوند این رنج و سختی را که به خاطر اجرای دستورات او متحمل شده ایم بی پاداش نخواهد گذاشت. لذا بر فرض صحت چنین مطالبی در درجه اول باید زنان و دختران به این شهرها و نقاط خاص تا حد امکان رفت و آمد نکنند مگر در صورت ضرورت، آن هم با احتیاط کامل، همچنان که در زمان رضا شاه که به زور چادر از سر زنان می کشیدند زنان سعی می کردند مخفیانه رفت و آمد کنند هر چند که کاری مشکل بوده ولی آنها حاضر به تحمل چنین رنجی بودند تا مبادا پرده حیا و حجاب آنان توسط دشمنان دین دریده شود و در مرحله بعد، اگر با همه این احتیاطات باز هم به ناچار با چنین افرادی برخورد نمودند باید به هر وسیله ای که می توانند از خود دفاع کنند و تسلیم نشوند و تن به ظلم ندهند.

حتی به خاطر دارم زمانی یکی از دختران دانش آموز پرسید: «کسی که در معرض خطر جدی تجاوز به عنف (که یکی از شنیع ترین مصادیق آزار و اذیت افراد بیمار دل است) قرار گرفته، اگر برای حفظ آبرو خودکشی کند، آیا گناهی مرتکب شده است؟».

من پس از تحقیق در مورد این سؤال به این نتیجه رسیدم که: واضح است که خودکشی هم مثل کشف حجاب به دست خود، گناه است و تخلف از احکام الهی

ص: 141

محسوب می گردد و شخص با ایمان و مؤمن خودکشی نمی کند(1)

و قرآن کریم نیز می فرماید:

«لَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ عَدْوَانًا وَظُلْمًا فَسَوْفَ نُصَلِّيه نَارًا وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا»(2) یعنی «خودکشی نکنید خداوند نسبت به شما مهربان است و هر کس از روی تجاوز و ستم چنین کند به زودی او را در آتشی وارد خواهیم ساخت و این کار برای خدا آسان است».

در بیان یکی از وجوه این آیه بیان شده که «عدواناً» اشاره به کشتن دیگران و «ظلماً» اشاره به خودکشی است.(3)

و چنین فردی نه فقط در آتش وارد می شود بلکه مخلد در آتش است و برای همیشه در آتش خواهد ماند.(4)

و امام صادق علیه السلام نیز در این باره فرموده اند:

ص: 142

1- . امام باقر علیه السلام فرمودند: «إِنَّ الْمُؤْمِنَ يُبْتَلَى بِكُلِّ بَلِيَّةٍ وَيَمُوتُ بِكُلِّ مِيتَةٍ إِلَّا أَنَّهُ لَا يَقْتُلُ نَفْسَهُ» یعنی «مؤمن به هر بلایی مبتلا می شود و به هر مرگی می میرد ولی خودکشی نمی کند». وسائل الشیعة، ج 29، ص 24، ح 35061.

2- . سوره نساء، آیات 29 و 30.

3- . برگرفته از گناهان کبیره، شهید دستغیب رحمه الله، ج اول، ص 118 و 121.

4- . قرآن کریم در سوره نساء آیه 93 می فرماید: «وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعَنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا» یعنی «کسی که مؤمنی را به عمد بکشد مجازاتش آتش جهنم است که در آن همیشه معذب خواهد بود و خدا بر او خشم و لعن کند و عذابی بسیار شدید برایش مهیا سازد». البته در قتل نفس که از گناهان کبیره بلکه از اشد کبائر است، همان طور که در بیان یکی از وجوه آیه 29 و 30 سوره نساء ذکر گردید فرقی بین کشتن خود یا دیگری نیست، پس تمام عقوبت هایی که بر قتل نفس مترتب می شود برای کسی هم که خودکشی می کند هست. رجوع شود به گناهان کبیره، شهید دستغیب رحمه الله، ج اول، مبحث: آدمکشی، ص 118 و 119 و 121.



«مَنْ قَتَلَ نَفْسَهُ مُتَعَمِّدًا فَهُوَ فِي نَارِ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا» (1) یعنی «کسی که عمداً خود را بکشد، همیشه در آتش جهنم خواهد بود».

و اما در مورد کسی که در معرض خطر جدی تجاوز به عنف است گفته شده به هر وسیله ای که می تواند از خود دفاع نماید و بر او واجب است با آن فرد متجاوز مبارزه کند و حتی اگر در این میان ضرورتاً فرد مهاجم نیز صدمه ببیند یا کشته شود، فرد دفاع کننده ضامن نخواهد بود و قانون هم او را مجرم نمی داند و مجازات نمی کند، (2) و چنانچه خود فرد دفاع کننده نیز در این میان کشته شود، خداوند برای او درجه ای از شهادت را منظور می گرداند. (3)

لذا انسان باید در عمل به دستورات دین استوار و ثابت قدم باشد و احکام الهی را ارج نهد، نه اینکه از ترس خلاف کاران و بدکاران، به دست خود و از روی اختیار، حکم خدا را زیر پا بگذارد.

ص: 143

1- . وسائل الشیعة، ج 29، ص 24، ح 35059 و 35060 به نقل از گناهان کبیره، شهید دستغیب رحمه الله، ج اول، مبحث: آدمکشی، ص 122.

2- . برگرفته از تحریر الوسیله، امام خمینی رحمه الله، ج 1، فصل الدفاع، القول فی القسم الثانی، مسائل 1 تا 7 و مسئله 12 و ترجمه تحریر الوسیله، سید محمد باقر موسوی همدانی رحمه الله، ج 2، قسمت دوم دفاع، ص 281، مسائل 1 تا 7 و مسئله 12. همچنین قانون جدید مجازات اسلامی: کلیات - حدود - قصاص - دیات، مصوب 1/2/1392، تدوین جهانگیر منصور، کتاب اول کلیات، بخش چهارم، فصل دوم، ص 81، ماده 156.

3- . امام باقر علیه السلام می فرماید پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «مَنْ قَتَلَ دُونَ مَظْلَمَتِهِ فَهُوَ شَهِيدٌ ثُمَّ قَالَ يَا أَبَا مَرْيَمَ هَلْ تَدْرِي مَا دُونَ مَظْلَمَتِهِ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ الرَّجُلُ يُقْتَلُ دُونَ أَهْلِهِ وَ دُونَ مَالِهِ وَ أَشَدَّ بَأْسَهُ ذَلِكَ فَقَالَ يَا أَبَا مَرْيَمَ إِنَّ مِنَ الْفَقْهِ عِرْفَانَ الْحَقِّ» یعنی «هرکس مظلومانه کشته شود شهید است. آن گاه امام باقر علیه السلام فرمودند: ای ابا مریم! آیا می دانی مظلومانه کشته شدن یعنی چه؟ عرض کردم: فدایت شوم! یعنی اینکه مردی در دفاع از خانواده اش و دارایی اش و نظیر اینها کشته شود. فرمودند: ای ابا مریم بخشی از فقه شناخت حقیقت است». کتاب «جواهر»، چاپ بیروت، ج 41، باب الثالث فی الدفاع، ص 651 - وسائل الشیعة، ج 15، باب 46 (جواز قتال المحارب و اللص....)، ص 121، ح 20117 و 20118.

اگر جایز بود که مردم کوفه از ترس جان و مال و ... به خاطر تهدیدات عبیدالله بن زیاد، امام حسین علیه السلام را یاری نکنند و یا با او بجنگند (خلاف حکم خدا عمل کنند) پس بر ما هم جایز خواهد بود که مثل آنان از ترس دشمنان و افراد شرور، حکم الهی را زیر پا نهمیم!!

فقط ادعای دین و ایمان داشتن کفایت نمی کند. انسان ها در شرایط سخت است که محک زده می شوند تا معلوم شود در عمل تا چه حد حاضرند برای اسلام و اجرای احکامش از خود گذشتگی کنند. قرآن کریم در این زمینه می فرماید:

«أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ»<sup>(1)</sup> یعنی «آیا مردم گمان کردند همین که بگویند ایمان آوردیم به حال خود رها می شوند و آزمایش نخواهند شد؟!».

در جای دیگر می فرماید:

«أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخَلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ مَسْتَهْمِبِينَ»<sup>(2)</sup> یعنی «آیا گمان کردید داخل بهشت می شوید بدون آنکه حوادثی (امتحاناتی) همچون حوادث گذشتگان به شما برسد؟! همانان که رنج و زیان ها به آنها رسید و همواره پریشان خاطر و هراسان بودند...».

و هیچ انسانی از این قاعده مستثنی نیست. خداوند حتی ابراهیم خلیل الرحمن علیه السلام را نیز امتحان نمود.<sup>(3)</sup>

مگر ائمه دین علیهم السلام و اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم همگی به علت پایداری و استقامت برای برپایی احکام الهی در برابر ظالمان و مخالفان دین، به شهادت نرسیدند و متحمل رنج و سختی نشدند؟! مگر حجاب را از سر زنان و دختران امام حسین علیه السلام نکشیدند؟<sup>(4)</sup> آیا آنان تسلیم شدند؟! پس

ص: 144

1- . سوره عنکبوت، آیه 2.

2- . سوره بقره، آیه 214.

3- . رجوع شود به گناهان کبیره، شهید دستغیب رحمه الله، ج اول، ص 107.

4- . همان طور که در پاسخ به سؤال شانزدهم ذکر گردید.

معنای این عبارت معروف «كُلُّ يَوْمٍ عَاشُورَا وَ كُلُّ أَرْضٍ كَرْبَلَا» چیست؟! (1)

لذا انسان نباید آن قدر ضعیف باشد که با يك شایعه خود به دست خود حکم الهی را زیر پا بگذارد. باید بدانیم ما هم مانند هر انسان دیگری در هر مرحله از ایمان و یقین هم که باشیم با امتحان و آزمایش است که درجه ایمان و پایداری مان به اسلام رقم زده می شود تا سزاوار بهشت یا جهنم شویم. همچنان که هر دانش آموزی با امتحان است که قابلیت ارتقاء به کلاس بالاتر و یا ماندن در کلاس پایین تر را پیدا می کند. قرآن کریم می فرماید:

«وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ» (2) یعنی «و به یقین همه شما را با سختی هایی همچون ترس، گرسنگی، کاهش در اموال، جان ها و آفات زراعت آزمایش می کنیم و بشارت و مژده آسایش از آن سختی ها را به صابران بده».

ص: 145

- 1- امام خمینی رحمه الله در سخنان خود (صحیفه امام، ج 9، ص 445 و ج 10، ص 10 و 122 و 315) منظور از این جمله را ضرورت گریستن همیشگی بر مصایب امام حسین علیه السلام نمی داند؛ بلکه معتقد است این جمله بیانگر لزوم مبارزه همیشگی با ظلم است. هر چند ایشان در برخی موارد (صحیفه نور، ج 10، ص 191 و ج 16، ص 151) تفسیر دیگری را نیز ارائه داده است. همچنین آیت الله خامنه ای دام ظلّه نیز این جمله را در بیانات خود (در مراسم مشترک دانش آموختگی دانشجویان دانشگاه امام حسین علیه السلام، پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری) چنین تفسیر می کند که: «در هر دوره ای انسان ها نقشی دارند که اگر آن نقش را به درستی، در لحظه مناسب، در زمان خود ایفا کنند، همه چیز به سامان خواهد رسید، ملت ها رشد خواهند کرد، انسانیت گسترده خواهد شد». همچنین استاد شهید مطهری رحمه الله (کتاب حق و باطل، مجموعه آثار، ج 3، ص 434) در تبیین پیروزی واقعی امام حسین علیه السلام در نهضت عاشورا، می گوید این نهضت همواره در حال کسب پیروزی های جدید است و معنی «کل یوم عاشورا» این است که هر روز به نام امام حسین علیه السلام با ظلم و باطلی مبارزه می شود و حق و عدالتی احیاء می شود. برگرفته از سایت ویکی شیعه.
- 2- . سوره بقره، آیه 155.

مگر شما معتقد نیستید که انسان در انتخاب راه سعادت و گمراهی آزاد است و با اختیار خود می تواند هر راهی را که می خواهد انتخاب کند (1) و مگر خداوند حتی در مورد دین نمی فرماید که: «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ» (2) یعنی «در دین هیچ اجباری نیست». پس چرا در مورد مسئله حجاب می خواهید زنان و دختران را به زور چکش و اجبار وادار به داشتن حجاب اسلامی کنید؟

پاسخ: بله همان طور که در پاسخ به سؤال هفدهم نیز ذکر شد، ما معتقدیم اگر خداوند می خواست همه مردم مؤمن می شدند ولی او اراده کرده که انسان در ایمان آوردن مختار باشد و همچنین معتقدیم که «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ» (3)، چون دین

ص: 146

1- «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا» یعنی «ما راه را به او (انسان) نشان دادیم، خواه شاکر باشد (و پذیرا گردد) یا ناسپاس». سوره انسان، آیه 3.

2- سوره بقره، آیه 256.

3- اما در چه چیز دین اکراه و اجبار نیست؟ پاسخ: شاید با این مثال بتوان مطلب را بهتر بیان نمود که وقتی کسی در آزمون کنکور دانشگاه شرکت می کند و نمره قبولی پذیرش چندین رشته را در چندین دانشگاه مختلف کسب می کند، ابتدا خصوصیات و شرایط و امتیازات هر رشته و دانشگاه را بررسی می کند که مثلاً شهریه، دوران تحصیل، تعداد واحدها، مدت زمان دفاع پایان نامه و .... چقدر است و بدون هیچ اکراه و اجباری اختیار دارد که رشته و دانشگاه خود را انتخاب کند، ولی پس از ورود به دانشگاه در رعایت قوانین و مقررات آن دانشگاه اکراه و اجبار هست و نمی تواند بگوید بعضی قوانین را قبول دارم و عمل می کنم و بعضی دیگر را قبول ندارم و عمل نمی کنم برای اینکه در اصل ورود به این دانشگاه اجباری نداشتیم، پس چرا باید در اجرای این قانون که مثلاً 5/3 سال فقط حق دفاع وجود دارد و اگر بیشتر از این مدت طول بکشد باید جریمه مالی پرداخت شود، اجبار وجود داشته باشد؟!!!!. چون شما وقتی وارد دانشگاه شدید ملزم هستید تمام شرایط و قوانین آن را رعایت کنید. حالا اینکه قرآن کریم می فرماید: «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ» یعنی در اصل پذیرش و انتخاب دین اکراه و اجباری نیست ولی وقتی وارد دین شدید دیگر در انتخاب احکام دین اختیار ندارید و طبق آیه 150 سوره نساء نمی توانید «تُؤْمِنُ بِبَعْضٍ وَنَكَفُرُ بِبَعْضٍ» باشید و باید به تمام دین و احکامش پایبند باشید. اگر کسی بگوید: «من اصلاً نمی خواهم دین داشته باشم». پاسخ: همان قرآن کریمی که می فرماید در پذیرش دین اکراهی نیست، در آیه 85 سوره آل عمران می فرماید: «وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ» یعنی «هر کس جز اسلام (و تسلیم در برابر فرمان حق) دین و آیینی برای خود انتخاب کند، از او پذیرفته نخواهد شد و در آخرت از زیانکاران است». چرا؟ چون در ادامه آیه «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ» می فرماید: «قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ» یعنی «(زیرا) راه هدایت و رشد از راه گمراهی روشن شده است» و در سوره انسان آیه 3 و 4 در ادامه آیه «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا» می فرماید: «إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَلَاسِلَ وَأَغْلَالًا وَسَعِيرًا» یعنی ما راه هدایت را به انسان نشان دادیم و اختیار دارد که شاکر باشد یا ناسپاس ولی اگر از اختیارش سوء استفاده کرد و ناسپاسی نمود، ما برایش غل و زنجیر و شعله های آتش سوزان آماده کرده ایم. به بیان دیگر خدای مهربان در این آیات به انسان هشدار می دهد که ای انسان تو در دنیا در انتخاب راه زندگی خود آزادی ولی بدان که اگر راه غلط را انتخاب نمودی نتیجه اش غل و زنجیر و آتش است. همان طور که اگر کسی برای رسیدن به مقصد خود دور راه پیش رو داشته باشد و در همان ابتدای دوراهی نیز با تابلو مشخص شده باشد که یکی از آنها راهی است مستقیم و بی خطر که می تواند او را به سلامت به مقصد برساند و دیگری راهی است بیراهه و پرخطر که پر از حیوانات درنده است و در انتها نیز منجر به درّه ای می شود که در آن سقوط

خواهد نمود، و او با اختیار خود بیراهه را انتخاب کند و از آن مسیر برود، در نتیجه به خاطر سوء استفاده از اختیار خود و انتخاب اشتباهش گرفتار حیوانات درنده می شود و در آخر هم سقوط خواهد نمود. مثال دیگری که شاید ذکر آن در اینجا بی مناسبت نباشد اینکه همه انسان ها آزادند تا در جامعه زندگی کنند ولی اگر کسی از آزادی خود سوء استفاده نمود و به بیراهه رفت و غلط زندگی کرد، خردمندانه است که حتی در این دنیا و با همین قوانین بشری نیز مجازات و زندان و ... شود. اگر گفته شود: پس دیگر «اکراه و اجباری در دین نیست»، چه معنا دارد؟ و اصلاً دیگر چرا قرآن کریم گفته: «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ»؟ پاسخ: اینکه قرآن کریم می فرماید در دین اکراه و اجبار نیست، چون اعتقاد به دین قابل اکراه و اجبار و الزام نیست مثلاً کسی که معتقد به خدا و یا صفات او مانند وحدانیت و علم و قدرت و ... و یا معاد و نبوت و ... نیست، نمی توان او را به اکراه و اجبار معتقد به این امور نمود؟! چون اختیار اعتقاد و ذهن و فکر او به دست ما نیست. پس دین قابل اکراه نیست. و اگر گفته شود: اگر در اصل اعتقاد به دین اکراه و اجبار نیست پس چرا احکام و آثار دین را اکراه و اجبار می کنید؟ می گوئیم: احکام و آثار دین هم قابل اکراه نیست. چون احکام دارای بُعد اعتقادی و بُعد عملی هستند و هیچ یک در بُعد اعتقادی قابل اکراه نیستند. البته بعضی از احکام که فردی هستند، در هیچ کدام از ابعاد اعتقادی و عملی قابل اکراه نیستند مانند غسل که نمی توان فردی را مجبور کرد که اعتقاد به غسل کردن داشته باشد و یا در عمل نیز غسل کند. اما بعضی دیگر از احکام فردی اجتماعی هستند مانند روزه که از نظر بُعد اعتقادی قابل اکراه و اجبار نیست و نمی توان کسی را مجبور کرد که اعتقاد به روزه گرفتن داشته باشد ولی از نظر بُعد عملی و اجتماعی و بیرونی، دین به او اختیار نداده که حتی اگر عذر شرعی داشته باشد، تظاهر به روزه خواری در ماه مبارک رمضان کند و می تواند مانع او شود. حجاب نیز از احکام فردی اجتماعی است یعنی نمی توان کسی را اجبار کرد که معتقد به حجاب باشد اما دین به او اجازه نمی دهد که در عرصه عمومی تظاهر به بد پوششی کند و قانون می تواند مانع او شود ولو اینکه اعتقادی به حجاب نیز نداشته باشد (البته معیار در تمام مراحل امر به معروف و نهی از منکر، علنی یا مخفی بودن گناه است که بعداً بیان می گردد). ان شاء الله حتی بانوانی که اعتقادی نیز به حجاب ندارند به این درک برسند که اگر شده با قانون هم حجاب را رعایت نمایند، این هم برای خودشان خوب است و هم برای دیگر افراد جامعه همان طور که رعایت قوانین راهنمایی و رانندگی هم برای خود راننده نفع دارد و هم برای دیگر افراد جامعه. برگرفته از سخنان دکتر علی غلامی، برنامه بدون توقف، قسمت بیست و سوم، موضوع: بررسی چالش های حجاب، شبکه 3 سیما، تاریخ 26/6/1399.



و مذهب با روح و فکر مردم سر و کار دارد و شالوده اش بر ایمان و یقین استوار است و به بیان دیگر دین عبارت است از یک سلسله معارف علمی که معارفی عملی را به دنبال دارد و آن معارف همان اعتقادات است و اعتقاد و ایمان از امور قلبی است، و از آنجا که کاربرد اکراه و اجبار تنها در مرحله اعمال ظاهری است

و مذهب با روح و فکر مردم سر و کار دارد و شالوده اش بر ایمان و یقین استوار است و به بیان دیگر دین عبارت است از یک سلسله معارف علمی که معارفی عملی را به دنبال دارد و آن معارف همان اعتقادات است و اعتقاد و ایمان از امور قلبی است، و از آنجا که کاربرد اکراه و اجبار تنها در مرحله اعمال ظاهری است

لذا فقط بر حرکات مادی و افعال بدنی و جسمانی ما می تواند اثر بگذارد نه در افکار و اعتقادات قلبی ما. البته اعتقاد قلبی نیز برای خود علل و اسباب دیگری از سنخ خود اعتقاد و ادراک دارد همچون منطق و استدلال و ایمان. در ادامه همین آیه کریمه خدای متعال علت اینکه در دین اکراه نیست را چنین بیان فرموده:

ص: 148

«قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ» یعنی «(زیرا) راه هدایت و رشد از راه گمراهی روشن شده است».

به بیان دیگر در پرتو دلائل روشن و معجزات آشکار، حقایق دین روشن و راهش با بیانات الهیه واضح است و همچنین سنت نبویه، آن بیانات را روشن تر کرده پس راه حق از باطل آشکار شده و خوبی و بدی آن نیز واضح است و آثار خیر و شرش نیز معلوم است و روشن شده که هدایت در پیروی دین و گمراهی در ترک و روگردانی از آن است و مسلّم است که همه انسان های سلیم الفطره خواهان هدایت هستند. لذا در چنین جایی دیگر نیازی به اکراه و اجبار نیست. و این خود انسان است که یکی از دو طرف خیر و شر را انتخاب می کند و عاقبت آن را هم چه خوب و یا چه بد می پذیرد. (1)

بنابراین اکراه در مرحله ایمان و اعتقاد که از امور قلبی است معنا ندارد ولی بديهی است که اکراه در مرحله اعمال ظاهری مادی و بدنی، در مورد اجراء بعضی از احکام دین، گاهی اوقات نه تنها جایز بلکه واجب و لازم است، به عنوان نمونه لزوم این اکراه در مراحل مختلف امر به معروف و نهی از منکر، حدود و دیات و ... قابل انکار نیست و این طور نیست که در انجام احکام الهی هیچ اکراه و اجباری در کار نباشد بلکه برای سعادت جامعه لازم است که در اجرای بعضی امور، اکراه و اجبار باشد و برای همین است که در تمام جوامع بشری نیز به نوعی، این اجبار و اکراه وجود دارد. (2)

ص: 149

1- . برگرفته از تفسیر المیزان، علامه سید محمد حسین طباطبایی رحمه الله ، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی رحمه الله ، چاپ دهم، ج 4، ص 244 و 245 و همچنین تفسیر نمونه، آیت العظمی مکارم شیرازی دام ظلّه، چاپ چهلم، ج 2، ذیل آیه 256 سوره بقره، ص 279 و 281.

2- . چون عرصه خصوصی با عرصه عمومی متفاوت است. در حریم عمومی حق الناس و حقوق همه شهروندان مطرح است و افراد حق ندارند به بهانه آزادی حقوق دیگران را ضایع کنند. برگرفته از سخنان آقای رحیم ازغدی، تحت عنوان: حجاب قانونی یا اجباری؟، سایت مشرق نیوز، کد خبر: 1120166، تاریخ انتشار: 29 شهریور 1399.



به عبارت دیگر در ایمان آوردن به اسلام که از امور درونی و قلبی است اشخاص مجبور نیستند(1)

اما در مقید بودن به بعضی از احکام اسلامی در جامعه اسلامی مانند هر جامعه دیگر بشری اجبار وجود دارد هر چند که اشخاص معتقد به آن نباشند. در اسلام حتی کفار ذمی (اهل کتاب) که نمی خواهند به اسلام ایمان بیاورند ولی می خواهند در سرزمین اسلام بمانند و در پناه بسر برند و از حمایت اسلام برخوردار شوند باید مبلغی به عنوان جزیه به حکومت اسلامی پرداخت کنند و شرایطی را هم رعایت کنند(2)

مثلاً علیه حکومت توطئه نکنند و دست به جنگ نزنند و نباید به آنچه پیش مسلمین منکر و زشت است مثل شرابخواری، خوردن گوشت خوک و... تظاهر کنند و باید احکام مسلمین را قبول نمایند مانند اداء حق و ترك حرام و اجرائی حدود الهی یعنی اگر تخلف کردند باید طبق قانون اسلام حد یا تعزیر بر آنان جاری گردد و اگر از این شرایط و پرداخت جزیه امتناع نمودند جزء کفار حربی محسوب می شوند و باید از سرزمین اسلام بروند.(3) لذا حتی چنین افرادی هم باید مقرراتی را رعایت کنند

ص: 150

---

1- البته گاهی در شرایطی خاص حتی اکراه و اجبار در دین نیز جایز و بی اشکال است هر چند که موجب پذیرفتن دین حق از روی ایمان و اعتقاد قلبی هم نباشد و فقط اقرار به زبان باشد. برای اطلاع بیشتر رجوع شود به تفسیر المیزان، علامه سید محمد حسین طباطبایی رحمه الله، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی رحمه الله، ج 3، ذیل آیات 190 تا 195 سوره بقره، مبحث: معرفی جهادی که قرآن بدان فرمان داده، ص 127.

2- بنابر این اصل مسلم در فقه اسلام: «الكفار مكلفون بالفروع كما انهم مكلفون بالاصول». برگرفته از درس خارج فقه آیت الله مکارم شیرازی دام ظلّه، سایت مدرسه فقاها.

3- برگرفته از تحریر الوسیله، امام خمینی رحمه الله، ج 2، احکام اهل الذمه، ص 627 تا 637، و ترجمه تحریر الوسیله، سید محمد باقر موسوی همدانی رحمه الله، ج 4، احکام اهل ذمه، ص 383 تا 393 و رساله نوین تحریر الوسیله امام خمینی رحمه الله، ترجمه و توضیح عبدالکریم بی آزار شیرازی، ج 4، ص 335 تا 337.

تا چه رسد به کسی که می گوید من مسلمان هم هستم و باید تسلیم اوامر الهی باشد. (1)

آیا وجداناً واقعاً این حرف عاقلانه است که کسی بگوید: مگر انسان آزاد نیست، پس باید خوب و بد هر عملی را خودش درک کند تا انجام بدهد یا ندهد؟! و نباید برای اموری چون شراب خواری، دزدی، زنا، قتل و ... اسلام مجازات هایی مثل حدود، دیات و کفارات، تعزیرات و یا قصاص را معین می نمود؟! در حالیکه ما شاهد هستیم حتی همان مکتب ها و کشورهای ضدّ اسلامی که این افکار را در میان مسلمانان رواج می دهند و این قوانین را خشن و مخالف آزادی انسان می نامند، خود برای اداره جامعه خودشان، ناچار به وضع و اجرای قوانین و مجازات متخلفین می باشند!! پس این طور نیست که در جامعه هر فردی هر کار که دلش خواست بتواند انجام دهد.

بله خیلی خوب است که زن مسلمان بداند بی حجابی چه مصدّرات و مفسدتی برای خودش و دیگر افراد جامعه اش به بار می آورد تا از جان و دل طالب اجرای این حکم الهی باشد، اما اگر این امور را نفهمید و یا نخواست که بداند و بفهمد، آن وقت چه باید کرد؟ مگر این قرآن کریم نیست که می فرماید:

«وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ» (2) یعنی «بسیاری از جن و انس را برای جهنّم واگذارده ایم چون آنها دارای دل هستند ولی با آن چیزی را درک نمی کنند و معرفتی را کسب نمی کنند و چشم دارند ولی با آن

ص: 151

- 
- 1- . همان طور که در پاسخ به سؤال هفدهم ذکر شد که قرآن در سوره بقره آیه 208 می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً» یعنی «ای کسانی که ایمان آورده اید بدون هیچ اختلافی همگی تسلیم خدا شوید».
  - 2- . سوره اعراف، آیه 179.

نمی بینند و گوش دارند ولی با آن نمی شنوند. حقیقتاً آنان مانند چهارپایان هستند بلکه گمراه تر و اینان جزء غافلانند».

آیا این افراد در دنیا باید رها شوند تا هر چه می خواهند بر سر خود و دیگران بیاورند؟! اگر انسان دیوانه یا مست یا کودکی از روی جهل بخواهد خانه ای را به آتش بکشد آیا شما او را رها می کنید تا هر چه می خواهد انجام بدهد؟! یا سعی می کنید اول با زبان خوش، اگر نشد حتی به اجبار و زور مانع او شوید؟ در اینجا آیا هیچ انسان عاقلی می گوید چرا به زور چکش مانع کار او شدید مگر انسان آزاد نیست؟! آیا انسان عاقل مثلاً در مورد اجرای قوانین راهنمایی و رانندگی می گوید که چرا کسی را که از چراغ قرمز گذشت، روی خط کشی توقف کرد و یا با بی مبالایی موجب آسیب رساندن به دیگران شد جریمه و مجازات می کنید؟ مگر اینها اجبار نیست؟! پس باید همه آزاد باشند و هر کس هر کاری دلش خواست بتواند انجام دهد؟ آیا در این صورت جامعه دچار هرج و مرج، نا امنی، فحشاء و فساد و .... نمی شود؟!!

لذا اسلام برای رسیدن به جامعه ای که هرج و مرج و فساد و نا امنی و ... در آن نباشد قوانینی وضع نموده و حتی برای پیشگیری از این آسیب ها امر به معروف و نهی از منکر را با شرایطی خاص، واجب نموده و برای آن مراحل مختلفی که شامل بهترین شیوه ها برای هشدار دادن به فرد خطاکار است را مدبرانه تدوین نموده (1).

تا شاید خود فرد قبل از رسیدن به مرحله مجازات پی به خطایش برده و به راه درست باز گردد. اما به هر حال هر جامعه ای مقرراتی دارد و افراد آن جامعه ملزم به رعایت آن مقررات و قوانین هستند. شما حتی وقتی وارد کشورهای غیرمسلمان هم که می شوید، آنان مقرراتی دارند که ملزم به رعایت آنها هستید و

ص: 152

---

1- . رجوع شود به رساله امام خمینی رحمه الله، مبحث: ملحقات، ص 1 تا 9 - تحریر الوسیله امام خمینی رحمه الله، ج 1، کتاب الامر بالمعروف و النهی عن المنکر، ص 462 تا 482- ترجمه تحریر الوسیله، سید محمد باقر موسوی همدانی رحمه الله، ج 2، کتاب امر به معروف و نهی از منکر، ص 250 تا 278 - رساله نوین تحریر الوسیله امام خمینی رحمه الله، ترجمه و توضیح عبدالکریم بی آزار شیرازی، ج 4، ص 156.

اگر رعایت نکنید با شما به عنوان متخلف برخورد خواهند کرد. لذا در اسلام هم برای جوامع اسلامی مقرراتی وضع شده که همه باید اجرا کنند. حتی در قوانین فعلی جامعه ما که برگرفته از اسلام است نیز قوانینی مخصوص به حجاب وضع شده (هرچند که امروزه عملاً هیچیک از این قوانین اجراء نمی شود). مثلاً در ماده 638، فصل «جرایم ضد عفت و اخلاق عمومی»، کتاب «قانون تعزیرات و مجازات های بازدارنده»<sup>(1)</sup> چنین آمده:

«هرکس علناً در انظار و اماکن عمومی و معابر، تظاهر به عمل حرامی نماید، علاوه بر کیفر عمل، به حبس از ده روز تا دو ماه یا تا 74 ضربه شلاق محکوم می گردد و در صورتی که مرتکب عملی شود که نفس آن عمل دارای کیفر نباشد ولی عفت عمومی را جریحه دار نماید، فقط به حبس از ده روز تا دو ماه یا تا 74 ضربه شلاق محکوم خواهد شد».

و به طور صریح در ذیل همین ماده از قانون به عنوان تبصره ذکر گردیده:

«زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر شوند به حبس از ده روز تا دو ماه و یا از پنجاه هزار تا پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد».

حتی در قانون رسیدگی به تخلفات اداری به تأیید شورای نگهبان، رعایت نکردن حجاب اسلامی، جزء تخلفات اداری محسوب می شود<sup>(2)</sup>،

و مراحل مختلفی

ص: 153

---

1- . مصوب خرداد ماه 1375، به کوشش احمد حقانی، فصل هجدهم، ص 71 - همچنین قانون جدید مجازات اسلامی: کلیات - حدود - قصاص - دیات، مصوب 1/2/1392، تدوین جهانگیر منصور، کتاب پنجم تعزیرات و مجازات های بازدارنده، فصل هجدهم، ص 279، ماده 638 و تبصره آن.

2- . رجوع شود به مجموعه قوانین و مقررات استخدامی، تدوین جهانگیر منصور، بخش: قانون رسیدگی به تخلفات اداری، مصوب 7/9/1372، فصل دوم، بند 20 از ماده 8، ص 418.

نیز برای تنبیه و مجازات این تخلفات بیان شده (1)، که از اخطار و توبیخ کتبی شروع می شود تا اخراج از دستگاه متبوع و حتی انفصال دائم از خدمات دولتی. (2)

حتی در مسائل فقهی ما که در رساله های عملیه مذکور است، یکی از مراتب امر به معروف و نهی از منکر را توسل به زور و جبر بیان می کند و می فرماید:

«اگر (کسی که می خواهد امر و نهی کند) بداند یا اطمینان داشته باشد که (عاصی) ترک منکر نمی کند یا واجب را به جا نمی آورد مگر به اِعمال زور و جبر، (توسل به زور و جبر) واجب است، لکن باید تجاوز از قدر لازم نکند». (3)

ص: 154

1- . همان مدرک، فصل سوم، ماده 9، ص 419.

2- . حتی شهادت شرعی زنی که بی حجاب یا بد حجاب است نزد مقام قضایی معتبر و دارای حجیت نیست چون در قانون جدید مجازات اسلامی ذکر گردیده یکی از شرایط شاهد شرعی در زمان ادای شهادت، عدالت است و عادل کسی است که اهل معصیت نباشد. شهادت شخصی که اشتها به فسق (علنی و آشکار گناه کردن) داشته باشد، مرتکب گناه کبیره شود یا بر گناه صغیره اصرار داشته باشد پذیرفته نیست. لذا از آنجا که مسلماً بی حجابی یا بدحجابی گناهی آشکار است، برفرض اینکه گناه صغیره هم باشد (که نیست) زنی که اصرار بر انجام این گناه داشته باشد شهادتش به عنوان شاهد پذیرفته نیست. برگرفته از قانون جدید مجازات اسلامی: کلیات - حدود - قصاص - دیات، مصوب 1/2/1392، تدوین جهانگیر منصور، کتاب اول کلیات، بخش پنجم، فصل سوم، بند ت ماده 177 و ماده 181 ص 87 و 88.

3- . رساله امام خمینی رحمه الله، مبحث: ملحقیات، مراتب امر به معروف و نهی از منکر، مسئله 2818 - البته برخی از مراتب امر به معروف از وظایف نظام اسلامی است و از همین رو رهبر معظم انقلاب مراتب دوم و سوم را که نوعاً منجر به برخورد عملی می شود به عهده نیروهای انتظامی و قضایی نهاده اند، لیکن مرتبه اول آن - که جنبه ارشادی و راهنمایی دارد - به دوش همگان است. سایت پرسمان دانشگاهیان، تحت عنوان: نهی از منکر بدحجاب. ضمناً امر به معروف و نهی از منکر وظیفه همه افراد است چه حاکمیت الهی در اجتماعشان شکل گرفته باشد یا نگرفته نباشد و مؤمنین در اقلیت باشند و قدرت اقدام و ابراز نداشته باشند که حتی در این شرایط نیز تمام مراحل امر به معروف و نهی از منکر از آنها ساقط نمی شود و اقلش این است که باید در درون خود هر منکری را زشت بدانند و نسبت به آن احساس انزجار داشته باشند و نسبت به هر معروفی شوق داشته باشند. چنانچه مؤمنین این فریضة مهم را ترک کنند به اندازه فردی که مرتکب گناه شده، مقصر خواهند بود. در کتاب کافی، ج 5، باب امر به معروف و نهی از منکر، ص 56، ح 1 امام باقر علیه السلام در این باره می فرمایند: «فَأَنْكِرُوا بِقُلُوبِكُمْ وَ الْفُطُورِ بِاللِّسَانِ نِتَكُمْ» یعنی «با دل هایتان منکر و کار بد را انکار کنید و زشت بدانید، و با زبان های خود این مطلب را بگویند» و در ادامه حضرت، قضیه عذاب صد هزار نفر از قوم شعیب علیه السلام را بازگو می فرماید که چهل هزار نفرشان از بدکاران و شصت هزار نفرشان از نیکان آن قوم بودند و خدای متعال به حضرت شعیب علیه السلام وحی نمود که علت عذاب نیکان، کنار آمدنشان با معصیت کاران بود و اینکه از گناه آنان ناراحت و خشمگین نمی شدند. برگرفته از سخنان حجت الاسلام محمد رضا عابدینی، برنامه ذکر حکیم، شبکه قرآن سیمما، تحت عنوان: شرح تفسیر المیزان (سوره آل عمران)، تاریخ 15/9/1401.

البته چون حجاب از واجبات اسلام است اما شرع مقدّس برای کسی که در انظار مردم و معابر بدون حجاب اسلامی ظاهر شود مجازات معین را مشخص نکرده، لذا تعیین مقدار مجازات آن بستگی به نظر قاضی دارد و شخص متخلف باید تعزیر شود<sup>(1)</sup>

(هر چند که در قانون تعزیرات يك حدّاكثر و حدّاقلی در قانون مصوب مجلس شورای اسلامی برای آن معین شده ولی قاضی در تعیین آن حدّاكثر و حدّاقل مختار است) و این گونه مجازات (تعزیرات) از زمان صدر اسلام هم موجود بوده. ضمناً توجّه داشته باشید منظور این نیست که این کار از اول فقط باید به وسیله جبر و زور انجام پذیرد بلکه همان طور که در پاسخ به سؤال هفدهم نیز ذکر گردید، نباید در موعظه و تذکر و نصیحت و توجیه افراد در این زمینه و کارهای فرهنگی مختلف در مورد حجاب کوتاهی شود و تا آنجا که ممکن است باید با زبان استدلال و منطق افراد را بر اجرای احکام الهی مشتاق نمود ولی همیشه کم نبوده و نیستند کسانی که به دنبال لذائذ آنی و هوای نفس می روند و نمی خواهند تسلیم اوامر

ص: 155

---

1- . تعزیرات به مجازات هایی گفته می شود که مقدار و خصوصیت آنها در شرع مقدّس تعیین نشده و با توجه به چگونگی جرم و علل و شرایط مختلف، توسط قاضی تعیین می گردد. برگرفته از رساله نون تحریر الوسیله امام خمینی رحمه الله، ترجمه و توضیح عبدالکریم بی آزار شیرازی، ج 4، ص 253.

الهی باشند. آیا در این گونه موارد راه چاره این است که بگذاریم به بهانه آزادی و مختار بودن انسان، رها باشند تا موجب هرگونه فساد و بی بند و باری در جامعه شوند یا به حکم عقل هم که شده باید مانع آنان شد و جامعه را از آسیب حفظ نمود؟

خلاصه اینکه: در پاسخ به کسانی که می گویند جلوگیری نمودن از بی حجابی و بد حجابی، در واقع زنان را به اجبار و به زور چکش باحجاب نمودن است و خلاف آزادی انسان است و با قانون نمی شود بی حجابی را ممنوع کرد.

می گوییم: پس همه مجازات های قانونی دیگر نیز که در قبال تخلفات مختلف افراد وجود دارد مثل مجازات های راهنمایی و رانندگی یا مجازات هایی که در مورد مواد مخدر، دزدی، زنا، شراب خواری و ..... و حتی قتل صورت می گیرد همه و همه در واقع مانع شدن از ارتکاب خطا به زور چکش و از روی اجبار است و خلاف آزادی و اختیار انسان است!! (1)

ص: 156

1- . پاسخ دیگر اینکه: مگر بعضی کشورهای لیبرال همچون فرانسه که به اصطلاح مهد انقلاب و پدر جمهوری هم محسوب می شود، بی حجابی را اجباری نکردند؟! چطور با قانون می شود حجاب را ممنوع و برهنگی و بی حجابی را قانونی کرد ولی با قانون نمی شود حجاب را واجب و بی حجابی را غیر قانونی و ممنوع کرد؟! اگر گفته شود آنها ( لیبرال ها ) اشتباه کردند و ما اصلاً آنها را قبول نداریم، شما چرا می خواهید حجاب را به زور چکش و قانون اجباری کنید؟ پاسخ این است: ما که نمی گوییم کار آنها طبق مبنای ما اشتباه است و حق چنین کاری را نداشتند، بلکه می گوییم کار آنها طبق مبنای خودشان اشتباه است چون لیبرال یعنی آزادیخواه و طرفدار آزادی ( آزادی مذهب، آزادی پوشش و ... ) و آنها به عنوان لیبرال هم حق ندارند که حجاب را ممنوع کنند ولی ما به عنوان مسلمان وظیفه داریم بی حجابی را ممنوع و حجاب را واجب کنیم. چون جزء آئین دین ما و از دستورات واجب الهی است. البته الآن که در عمل حجاب اجباری نیست و قانونش اجراء نمی شود. افرادی که این شبهات را مطرح می کنند، می خواهند حجاب حتی در تئوری هم واجب و اجباری نباشد!!!! و ما می گوییم حجاب حتی به حکم اولیه، شرعی و قانونی و عقلی است و به نفع جامعه است. بعضی می گویند: اگر حجاب اجباری باشد زنان به بی حجابی و بد حجابی حریص تر می گردند و در نتیجه مفسد ناشی از آن نیز بیشتر خواهد شد!!!! پاسخ این است که: با آزاد شدن گناه، گنهکار کم نمی شود همان طور که با آزاد شدن مواد مخدر معتادین نه تنها کم نمی شوند بلکه بیشتر نیز خواهند شد. در مورد حجاب نیز شاهد هستیم که در این مدت چهل و سه سالی که از پیروزی انقلاب اسلامی ایران گذشته و حجاب هم اجباری نبوده، وضعیت حجاب بعضی از بانوان در جامعه بهتر نشده (برای توضیح بیشتر به پاسخ سؤال دوم رجوع شود). بعضی دیگر نیز می گویند: بدن و لباس خودمان است و هر جور که دوست داشته باشیم لباس می پوشیم و این یک مسئله شخصی است!!!! پاسخ این است که: نحوه لباس پوشیدن فرد در عرصه عمومی، مسئله شخصی و خصوصی نیست. بله نحوه پوشش فرد در اتاق خواب و حریم خصوصی او، مسئله خصوصی است و حق شخصی او مطرح است ولی محیط بیرون از خانه عرصه عمومی است و حق فرد به تنهایی مطرح نیست بلکه حق الناس و حق شهروندان جامعه مطرح است. جالب است حتی لیبرال ها نیز این را قبول دارند برای نمونه در واشنگتن، نیویورک و ... با وجود اینکه خرید و فروش و حتی خوردن مشروب در خانه و مشروب فروشی ها آزاد است ولی آوردن شیشه مشروب بدون پاکت و پوشش در خیابان و محل رفت و آمد عمومی ممنوع است چون حریم عمومی است. برگرفته از سخنان آقای رحیم ازغدی، تحت عنوان: حجاب قانونی یا اجباری؟، سایت مشرق نیوز، کد خبر: 1120166، تاریخ انتشار: 29 شهریور 1399. به بیان دیگر رعایت نکردن خیلی از احکام الهی ممکن است فردی و شخصی باشد و ما از جهت دینی نیز حق دخالت نداریم (حتی حق تجسس نیز نداریم). ولی این در جایی است که گناه مخفی باشد و در این صورت چون دیگران اطلاعی هم از آن ندارند، لذا در قبال آن وظیفه امر به معروف و نهی از منکر

هم ندارند و گناهی نیز به گردنشان نخواهد بود. اما اگر فرد گنهکار علناً و به طور آشکار حکم خدا را رعایت نکند، دیگران نسبت به آن وظیفه امر به معروف و نهی از منکر دارند و باید از خود حساسیت نشان دهند و در غیر این صورت به اندازه همان فرد گناهکار مقصرند و مستوجب عذاب الهی خواهند بود. مانند نیکوکاران قوم شعیب علیه السلام که در موردشان چنین آمده: «أَنْتِي مُعَذَّبٌ مِنْ قَوْمِكَ مِائَةَ أَلْفٍ أَرْبَعِينَ أَلْفًا مِنْ شِدَارِهِمْ وَسِتِّينَ أَلْفًا مِنْ خِيَارِهِمْ» همراه با گناهکاران عذاب شدند، چون با آنها کنار آمدند و از گناه آنان ناراحت و خشمگین هم نبودند (کافی، ج 5، ص 56، ح 1). پس رعایت نشدن حکم خدا در جایی که مخفی باشد با جایی که علنی باشد خیلی متفاوت است. برگرفته از سخنان حجت الاسلام محمد رضا عابدینی، برنامه ذکر حکیم، شبکه قرآن سیمما، تحت عنوان: شرح تفسیر المیزان (سوره آل عمران)، تاریخ 15/9/1401.





در حالی که قرآن کریم می فرماید:

«وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ» (1) یعنی «ای خردمندان، حکم قصاص برای شما مایه حیات (و امنیت) است».

و پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ می فرمودند:

اگر خودم هم مرتکب اشتباهی شدم تن به قصاص خواهم داد. (2)

در حالی که قرآن کریم می فرماید:

«وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ» (3) یعنی «ای خردمندان، حکم قصاص برای شما مایه حیات (و امنیت) است».

و پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ می فرمودند:

اگر خودم هم مرتکب اشتباهی شدم تن به قصاص خواهم داد. (4)

همچنان که در برابر شخصی که مدعی شده بود عصای رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ در حین حرکت به شانه اش اصابت نموده، حاضر شدند که آن شخص ایشان را قصاص نماید. (5)

ص: 158

1- . سوره بقره، آیه 179.

2- . «يا أيها الناس، إنما أنا بشرٌ مثلكم، ولعلَّه أن يكونَ قد قَرَّبَ مِنِّي خُفُوفٌ مِن بَيْنِ أَظْهُرِكُمْ، فَمَنْ كُنْتُ أَصَدَّبْتُ مِنْ عَرَضِهِ أَوْ مِنْ شِدِّ عَرِهِ أَوْ مِنْ بَشَرِهِ أَوْ مِنْ مَالِهِ شَيْئًا، هَذَا عَرَضٌ مُحَمَّدٍ وَ شِدِّ عَرِهِ وَ بَشَرُهُ وَ مَالُهُ فَلْيَقْتَصَّ! وَ لَا يَقُولَنَّ أَحَدٌ مِنْكُمْ: إِنِّي أَتَخَوَّفُ مِنْ مُحَمَّدٍ الْعَدَاوَةَ وَ الشَّحْنَاءَ، أَلَا وَ إِنَّهُمَا لَيْسَتْ تَا مِنْ طَبِيعَتِي وَ لَيْسَتْ تَا مِنْ خُلُقِي» یعنی «هان، ای مردم! جز این نیست که من هم مانند شما بشری هستم و شاید که رفتن من از میان شما نزدیک باشد. پس اگر به آبرو یا مو یا پوست و یا مال کسی لطمه ای زده ام، اینک این آبروی محمد و مو و پوست و مال او. برخیزد و قصاص کند! و هرگز کسی از شما نگوید: من از دشمنی و کینه محمد می ترسم. بدانید که این دو خصلت از طبیعت من و از اخلاق من به دورند». کنز العمال: 39831.

3- . سوره بقره، آیه 179.

4- . «يا أيها الناس، إنما أنا بشرٌ مثلكم، ولعلَّه أن يكونَ قد قَرَّبَ مِنِّي خُفُوفٌ مِن بَيْنِ أَظْهُرِكُمْ، فَمَنْ كُنْتُ أَصَدَّبْتُ مِنْ عَرَضِهِ أَوْ مِنْ شِدِّ عَرِهِ أَوْ مِنْ بَشَرِهِ أَوْ مِنْ مَالِهِ شَيْئًا، هَذَا عَرَضٌ مُحَمَّدٍ وَ شِدِّ عَرِهِ وَ بَشَرُهُ وَ مَالُهُ فَلْيَقْتَصَّ! وَ لَا يَقُولَنَّ أَحَدٌ مِنْكُمْ: إِنِّي أَتَخَوَّفُ مِنْ مُحَمَّدٍ الْعَدَاوَةَ وَ الشَّحْنَاءَ، أَلَا وَ إِنَّهُمَا لَيْسَتْ تَا مِنْ طَبِيعَتِي وَ لَيْسَتْ تَا مِنْ خُلُقِي» یعنی «هان، ای مردم! جز این نیست که من هم مانند شما بشری هستم و شاید که رفتن من از میان شما نزدیک باشد. پس اگر به آبرو یا مو یا پوست و یا مال کسی لطمه ای زده ام، اینک این آبروی محمد و مو و پوست و مال او. برخیزد و قصاص کند! و هرگز کسی از شما نگوید: من از دشمنی و کینه محمد می ترسم. بدانید که این دو خصلت از طبیعت من و از اخلاق من به دورند». کنز العمال: 39831.

5- . «فَنَاشِدُكُمْ بِاللَّهِ أَيُّ رَجُلٍ مِنْكُمْ كَانَتْ لَهُ قِبَلِ مُحَمَّدٍ مَظْلَمَةٌ إِلَّا قَامَ فَلْيَقْتَصَّ مِنْهُ فَالْقِصَاصُ فِي دَارِ الدُّنْيَا أَحَبُّ إِلَيَّ مِنَ الْقِصَاصِ فِي دَارِ الْآخِرَةِ عَلَى رُءُوسِ الْمَلَائِكَةِ وَ الْأَنْبِيَاءِ فَقَامَ إِلَيْهِ رَجُلٌ مِنْ أَقْصَى الْقَوْمِ يُقَالُ لَهُ سَوَادَةُ بْنُ قَيْسٍ فَقَالَ لَهُ فِدَاكَ أَبِي وَ أُمِّي يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّكَ لَمَّا

أَقْبَلْتِ مِنَ الطَّائِفِ اسْتَمْبَلْتِكِ وَأَنْتِ عَلَيَّ نَاقِيَتِكَ الْعَصَبِ بَاءٍ وَبِيَدِكَ الْقَضِيَّةُ الْمَمْسُوقُ فَرَفَعْتَ الْقَضِيَّةَ وَأَنْتِ تُرِيدُ الرَّاحِلَةَ فَأَصَابَ بَطْنِي فَلَا أَدْرِي عَمْدًا أَوْ خَطَا... فَقَالَ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) تَعَالَ فَاقْتَصَّ مِنِّي حَتَّى تَرْضَى فَقَالَ الشَّيْخُ فَاكْشِفْ لِي عَنْ بَطْنِكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَكَشَفَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ عَنْ بَطْنِهِ فَقَالَ الشَّيْخُ يَا بِي أَنْتِ وَأُمِّي يَا رَسُولَ اللَّهِ أَتَأْذُنُ لِي أَنْ أَضَعَ فَمِي عَلَى بَطْنِكَ فَأَذِنَ لَهُ فَقَالَ أَعُوذُ بِمَوْضِعِ الْقِصَاصِ مِنْ بَطْنِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ مِنَ النَّارِ يَوْمَ النَّارِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَا سَوَادَةَ بِنْتُ قَيْسٍ أَتَعْفُو أَمْ تَقْتَصُّ فَقَالَ بَلْ أَعْفُو يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ اللَّهُمَّ اغْفُ عَن سَوَادَةَ بِنْتِ قَيْسٍ كَمَا عَفَا عَن نَبِيِّكَ» یعنی «شما را به خدا سوگند می‌دهم که به هر یک از شما از سوی محمد ستمی شده است برخیزد و قصاص کند که قصاص در این خانه دنیا برای من محبوب تر است از قصاص در خانه آخرت که در محضر فرشتگان و پیامبران باشد. از آخر مردم مردی به نام سواده بن قیس برخاست و گفت: ای رسول خدا پدر و مادرم فدای شما باد در آن هنگام که از طائف باز می‌گشتی من به استقبال شما آمدم و شما سوار بر ناقة عضبای خود بودید و تازیانه ای دارم و باریک در دست شما بود. تازیانه را بلند کردی که به شتر بزنی ولی تازیانه به شکم من خورد و نمی‌دانم که این کار عمداً بود یا از خطا..... رسول خدا (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) فرمود: بیا و قصاص کن تا راضی شوی. پیرمرد گفت: شکم خود را برای من برهنه فرمای و پیامبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) جامه از شکم خود کنار زد. پیرمرد گفت: ای رسول خدا پدر و مادرم فدایت باد. آیا اجازه می‌فرمایی لب‌های خود را بر شکمت نهم؟ و چون اجازه فرمود پیرمرد گفت: من به این موضع شکم رسول خدای از آتش دوزخ در رستاخیز پناه می‌برم. پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمودند: آیا عفو می‌کنی یا می‌خواهی قصاص بگیری؟ گفت: حتماً می‌بخشم و رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود: پروردگارا از سواده در گذر همچنان که از پیامبرت درگذشت». روضة الواعظین و بصيرة المتعظین، ج 1، ص 73 - مستدرک الوسائل، ج 18، (باب نوادر ما يتعلق بأبواب قصاص)، ص 287، ح 2- برگرفته از رساله نوین تحریر الوسیله امام خمینی رحمه الله، ترجمه و توضیح عبدالکریم بی‌آزار شیرازی، ج 4، ص 253.

لذا همان طور که برای جلوگیری از پیشرفت مرض و بیماری گاهی لازم است، داروی تلخ خورد و به درمان های حتی سخت و دردناک تن داد و گاهی نیز حتی کار به جراحی منتهی می گردد و فرد برای نجات کل بدن راضی می شود عضوی را مجروح کند، شرع و عقل حکم می کند که برای حفظ سلامت جامعه و افرادش نیز اگر لازم باشد به جبر و زور هم متوسل شد تا موانع رشد و ترقی و کمال مسلمانان را تا حد ممکن در جامعه کاهش یابد و افراد جامعه سریع تر و راحت تر مراحل رشد و کمال را طی کنند. دشمنان اسلام چون می دانند که کوتاه ترین راه برای سقوط ملت ها و بهره کشی از آنها رواج فساد و صفات زشت و بی بند و باری در جامعه است (1)

یکی از اولین

ص: 159

1- [1]. شکست و ضربه زدن به ملت ها فقط از طریق هجوم نظامی نیست بلکه تهاجم فرهنگی خطرناک تر از هجوم نظامی است. در هجوم نظامی درگیری در مرزهاست و طمع دشمن به خاک است و زمین از دست می رود ولی در شیخون فرهنگی آسیب متوجه درون خانه هاست و طمع دشمن به اخلاق و ایمان است و شرف و دین از دست می رود. هجوم نظامی با سر و صدا و سرعت است و ترسناک و نفرت انگیز می باشد و دشمن علناً اعلام دشمنی و جنگی آشکار می کند که موجب می شود افراد در مقابل دشمن مقاومت و دفاع کنند و ملت مقاوم تر می گردد ولی تهاجم فرهنگی آهسته و آرام و فریبنده و جذاب است و دشمن ظاهراً اعلام دوستی می کند و در واقع با جنگی پنهان موجب استقبال و پذیرش افراد از بی بند و باری می شود و غارت اندیشه و عقیده می کند تا با ایجاد شک و دودلی و به ابتذال کشیدن افراد، اراده ملت را در همه زمینه ها سست کند و مانع پیشرفت آنان گردد. حمله نظامی پیداست و صفیر اولین گلوله همه را متوجه خطر می سازد اما تهاجم فرهنگی پنهان است و گاهی تا شلیک گلوله آخر دشمن هم هنوز عده ای شیخون را باور نمی کنند. در حمله نظامی سلاح دشمن موشک و بمب های خوشه ای و ... است که در نهایت موجب می شود عده ای به افتخار شهادت و جانبازی و آزادی نائل شوند که مایه سربلندی و افتخار دنیا و آخرت است ولی در تهاجم فرهنگی سلاح دشمن ماهواره و امواج تصویری و فضای مجازی و کتاب و مجله و ژمان و فیلم و ... است که قربانیان را آلوده به گناه و هوسرانی و اعتیاد کرده تا نسلی را به ابتذال بکشاند و برگردان آنان سوار شوند و ثرویشان را به یغما برند و آنان را مستعمرة خود گردانند که مایه خسران دنیا و آخرت است. در حمله نظامی تیر و ترکش بر سر و دست می نشیند و بدن را مجروح می کند ولی در تهاجم فرهنگی زهر هوس و ویروس گناه بر روح و فکر و اندیشه می نشیند و دین و ایمان آسیب می بیند. بکوشیم تا از مجروحان این جبهه و ترکش خوردگان این حمله و تهاجم فرهنگی نباشیم. اگر هم آسیب دیده ایم هرچه سریعتر به درمانگاه توبه پناه ببریم و تا دیر نشده غده گناه را جراحی کنیم. آیا سلامت روح و فکر به اندازه جسم مهم نیست؟! برگرفته از بروشور «یک میدان و دو هجوم»، جواد محدثی.

قدم هایی که برای رسیدن به چنین اهدافی برمی دارند بد حجابی و بی حجابی و برهنگی زنان است همچنان که علّت سقوط اندلس نیز، رواج فساد در بین جوانان بود. (1) و همچنین در ایران قبل از انقلاب و در الجزایر استعمارگران تلاش کردند که زنان را از حجاب جدا کنند و آنان را از ارزش های اسلامی دور کنند و با فرهنگ غربی آلوده سازند.

ان شاء الله که خداوند به همگی ما بیش و بصیرت در دین را عطا فرماید: «اللَّهُمَّ اجْعَلِ ..... الْبَصِيرَةَ فِي دِينِي». (2)

ص: 160

- 
- 1- . برگرفته از کتاب عربی دوم تجربی، عیسی متقی زاده، حمید رضا میرحاجی، عبدالعلی آل بویه لنگرودی، ص 53.
  - 2- . فرازی از دعای عرفه امام حسین علیه السلام .

در مورد حجاب خیلی هم نباید سخت گرفت. امام خمینی رحمه الله حتی نسبت به نماز که یکی از مهم ترین واجبات الهی است و نخستین عملی است که در روز قیامت از آن باز خواست می شود و در صورتی که پذیرفته نشود، هیچ عملی از انسان پذیرفته نخواهد شد، نیز خیلی سخت نمی گرفتند چنان که عروس ایشان می گوید: «(امام) هیچ وقت صبح بچه ها را از خواب بیدار نمی کردند که نماز بخوانند» (1) و یا دختر ایشان می گوید: امام يك بار هم به ما نگفتند بیائید نماز بخوانید. (2) پس چرا شما طرفدار سخت گیری درباره حجاب هستید؟

پاسخ :

اولاً- همان طور که گفته شد (3) برخی از احکام اسلامی، فردی است مانند نماز و کسی که به آن عمل نمی کند آسیب و زیانش متوجه خودش می شود ولی برخی دیگر از احکام اسلامی، فردی اجتماعی است مانند حجاب و کسی که به آن عمل نمی کند هم موجب آسیب و زیان خود و هم دیگر افراد جامعه می گردد، همانطور که رعایت نکردن قوانین راهنمایی و رانندگی توسط راننده، هم موجب آسیب و ضرر و زیان خود راننده می شود و هم دیگر افراد جامعه.

ثانیاً- قضیه حجاب با مطالب ذکر شده در مورد نماز، خیلی تفاوت دارد، چرا که در کتاب پا به پای آفتاب خانم فاطمه طباطبائی، عروس امام خمینی رحمه الله در ادامه همان مطلب فوق (که از قول ایشان نقل شده) می فرماید:

ص: 161

- 1- . پا به پای آفتاب، گردآوری و تدوین امیر رضا ستوده، ج 1، ص 190.
- 2- . برگرفته از همان مدرک، ص 100.
- 3- . رجوع شود به پاورقی پاسخ به سؤال نوزدهم در رابطه با آیه شریفه «لا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ».

«(امام) معتقد بودند که خواب تکلیف ندارد».(1)

یعنی انسان چون خواب است مثل شخص بیهوش، تا زمانی که در این حال است، تکلیف ندارد(2)

و در حدیث مشهور رفع قلم نیز آمده که:

«از سه گروه تکلیف برداشته شده: از شخص خواب تا زمانی که بیدار شود و از دیوانه تا هشیار گردد و از صغیر تا زمانی که بزرگ شود (و به سن بلوغ برسد)».(3)

اما قضیه حجاب که در مورد انسان در حین خواب نیست بلکه درباره انسانی است که در حالت بیداری و با اختیار کامل در مقابل نامحرم، بی حجاب و یا بدحجاب ظاهر می شود در حالی که خداوند او را مکلف به اجرای حکم حجاب نموده است.

ثالثاً- اگر خانم فریده مصطفوی دختر امام رحمه الله می فرماید که: «(ایشان) در مورد نماز با ما هیچ سخت گیری نکردند».(4) به این معنا نیست که ایشان به خواندن و نخواندن و یا قضا شدن و نشدن نماز بیچه ها و نوه هایشان کاری نداشتند و اجباری در کار نبوده بلکه منظور این است که ایشان در مسائل شرعی سخت گیری افراطی که پا را فراتر از شرع بگذارند، نداشتند، ولی در مورد واجبات و از جمله نماز و دوری از محرّمات خیلی هم سخت گیر بودند به این معنا که به طور جدی پایبند تکالیف الهی بودند، چرا که خود خانم فریده مصطفوی در چند سطر قبل از این جمله می فرماید:

ص: 162

1- . پا به پای آفتاب، گردآوری و تدوین امیر رضا ستوده، ج 1، ص 190.

2- . با این تفاوت که نمازهایی که در حال دیوانگی یا بیهوشی (اگر خودش، خودش را بیهوش نکرده باشد) ترک کرده، واجب نیست قضا کند ولی کسی که در تمام وقت نماز خواب بوده، باید نمازش را قضا کند. برگرفته از رساله امام خمینی رحمه الله، مسئله 1370 و تحریر الوسیله، امام خمینی رحمه الله، ج 1، ص 223، القول فی صلاة القضاء و ترجمه تحریر الوسیله، سید محمد باقر موسوی همدانی رحمه الله، ج 1، ص 350.

3- . «أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ رَفَعَ الْقَلَمَ عَنْ ثَلَاثَةٍ عَنِ النَّائِمِ حَتَّى يَسْتَيْقِظَ وَ عَنِ الْمَجْنُونِ حَتَّى يُفِيقَ وَ عَنِ الصَّغِيرِ حَتَّى يَكْبُرَ وَ هَذِهِ مَجْنُونَةٌ قَدْ رُفِعَ عَنْهَا الْقَلَمُ». مستدرک الوسائل، ج 1، ص 84، ح 10.

4- . پا به پای آفتاب، گردآوری و تدوین امیر رضا ستوده، ج 1، ص 101.

«امام به جز در مسائل شرعی در بقیة مسائل خیلی سخت گیری نمی کردند. ایشان همیشه مقید بودند که ما دستورات خدا را انجام دهیم تا بتوانیم از گناهان دور باشیم».(1)

و باز خود ایشان می فرماید:

«در منزل حق انجام هیچ گونه گناهی از جمله غیبت، دروغ، بی احترامی به بزرگتر و توهین به مسلمان را نداشتیم».(2)

همچنین ایشان در مورد نماز نیز می فرماید:

وای به حال کسی بود اگر نماز نخواند آن وقت باید از خانه بیرون برود یعنی برخورد امام با او این گونه بود که اصلاً اولاد آقا نباشد.(3)

و یا خانم فاطمه طباطبایی عروس امام رحمه الله می فرمایند:

«آقا در مسائل شرعی با کسی شوخی نداشتند. البته کاملاً در چهارچوب شرع بودند .... اما بعد از سنّ تکلیف مگر کسی جرأت می کرد بیدار باشد و نمازش را نخواند؟!».(4)

رابعاً- در این مورد نیز که خانم فاطمه طباطبایی عروس امام رحمه الله می فرماید:

«(امام) هیچ وقت صبح بچه ها را از خواب بیدار نمی کردند که نماز بخوانند. معتقد بودند که خواب تکلیف ندارد».(5)

اما در مورد اینکه دختر ایشان خانم فریده مصطفوی می فرماید:

«صبح هم کسی را از خواب بیدار نمی کردند و می گفتند: خودتان اگر بیدار می شوید، بلند شوید نماز بخوانید».(6)

چند نکته مهم را باید مد نظر داشت:

ص: 163

1- . همان مدرک، ص 100.

2- . همان مدرک، ص 101.

3- . برگرفته از همان مدرک.

4- . همان مدرک، ص 190.

5- . همان مدرک.

6- . همان مدرک، ص 101.



1- امام خمینی رحمه الله معتقد بودند: پیش از رسیدن به سن تکلیف باید کارهای خوب و بد و مسائل شرعی را به بچه آموخت و کودکان را به انجام آن عادت داد(1)

و در خصوص نماز می فرمودند:

«بچه ها قبل از سن تکلیف باید رو به نماز بایستند تا عادت کنند».(2)

و یا درباره همان مسئله مورد نظر ما، یعنی «حجاب» نیز، ایشان معتقد و مقید بودند که دخترها از بچگی حجاب شرعی خود را باید حفظ کنند.(3)

البته فرزند بعد از تکلیف اگر کوتاهی کرد و یا مرتکب خطایی شد باید به شیوه ای مناسب تنبیه شود. خانم فریده مصطفوی دختر امام رحمه الله درباره روش تربیتی امام خمینی رحمه الله، زمانی که فرزندان ایشان کاری از روی بچگی یا شیطننت انجام می دادند، می فرماید:

«شیوه تربیتی شان این گونه نبود که صدایمان کنند و بگویند: "من به شما نگفتم این کار را نکنید، چرا کردید؟...". و ما را تنبیه کنند و ما هم بگوییم: "آقا! ببخشید". حضرت امام، آنچنان جذبه ای داشتند که ما خود به خود از ایشان حساب می بردیم و مواظب رفتارمان بودیم. در صورتی که ایشان تغییر نداشتند و کتکی نمی زدند. گاهی اوقات یک تشر

ص: 164

1- . همان مدرک، ص 190 و 101 و 56 - البته شاید یکی از دلایلی این باشد که آنچه در کودکی آموخته می شود در جان و روح فرد می نشیند و در تمام دوران زندگانی او مؤثر است همان طور که امام علی علیه السلام فرمودند: «الْعِلْمُ مِنَ الصَّغَرِ كَالنَّقْشِ فِي الْحَجَرِ» یعنی «علم و دانش در کودکی مانند حکاکی (حک کردن) در سنگ است». بحارالانوار، ج 1، ص 224.

2- . پا به پای آفتاب، گردآوری و تدوین امیر رضا ستوده، ج 1، ص 190 و 56 - حتی امام خمینی رحمه الله در رساله خود، مبحث: نماز قضا، م 1389 می فرمایند: «مستحب است بچه ممیز یعنی بچه ای که خوب و بد را می فهمد، به نماز خواندن و عبادت های دیگر عادت دهند، بلکه مستحب است او را به قضای نمازها هم وادار نمایند». و شاید یکی از عللی که در احادیث (بعضی از این احادیث در پاسخ به سؤال یازدهم ذکر گردید) نیز، تاکید بر انجام وضو و نماز قبل از رسیدن به سن تکلیف شده، به خاطر همین عادت دادن فرزندان به انجام فرائض باشد.

3- . برگرفته از پا به پای آفتاب، گردآوری و تدوین امیر رضا ستوده، ج 1، ص 101.

می زدند یا تنیدی می کردند و همان برای چندین روز کافی بود. اگر کار خلافی می کردیم که می دانستیم چنانچه ما را ببیند ناراحت می شوند دو، سه روز خودمان را از ایشان مخفی می کردیم که مبادا ما را ببینند و ما را دعوا کنند». سپس ایشان نمونه ای از برخورد حضرت امام رحمه الله را از سن ده یازده سالگی خودش نقل می کند که در خیابان صورتش را خیلی خوب نگرفته بوده و حضرت امام هم ایشان را می بیند و او به قدری می ترسد و وحشت می کند که دو روز در منزل پنهان می شود و امام رحمه الله نیز طوری با او رفتار نموده بودند که قبح قضیه از بین نرود و آن وحشت برایش باقی بماند تا تکرار نکند. البته دختر حضرت امام رحمه الله می گوید: من مکلف بودم. تا مکلف نبودیم هیچ تکلیفی بر ما بار نمی کردند، و در ادامه می گوید: این روش ایشان اثر خوبی داشت و باعث می شد ما کار خلافی انجام ندهیم، نه اینکه دائماً انجام دهیم یا تنبیه شویم یا ببخشید بگوییم و باز دو مرتبه همان کار را انجام دهیم. (1)

همچنین ایشان خاطره ای را از دورانی که تازه مکلف شده بودند نقل می کند که:

«شب خوابیده بودم که آقا با اخوی وارد شدند. خیلی سرحال و خوشحال بودند. از من پرسیدند که آیا نماز خواند ام؟ من فکر کردم چون الان آقا سرحالند، دیگر نماز خواندن من هم برایشان مسئله ای نیست. گفتم: نه. ایشان به قدری تغییر حالت دادند و عصبانی شدند که ناراحتی سراسر وجودشان را فرا گرفت و من خیلی ناراحت شدم که چرا با حرف و عملم مجلس به آن شادی را تلخ کردم». (2)

البته حتماً ایشان بعدش بلند می شود و می رود نمازش را می خواند. (3)

ص: 165

- 1- . برگرفته از همان مدرک ص 99 و 100.
- 2- . همان مدرک، ص 101.
- 3- . تذکر این نکته لازم است که پدر و مادر باید با شیوه های مختلف و مناسب، فرزندان خود را قبل از سن تکلیف نیز به نماز وادارند. مسئله نماز به اندازه ای اهمیت دارد که طبق روایات پدر و مادر حتی گاهی می توانند با مراعات شرایطی خاص اگر لازم شود فرزند خود را به خاطر بی اعتنائی به نماز و یا ترک آن تنبیه بدنی نیز بنمایند. پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَسَلَّمَ به امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: «أَدَّبْ صِغَارَ أَهْلِ بَيْتِكَ بِلِسَانِكَ عَلَى الصَّلَاةِ وَ الطَّهْوَرِ فَإِذَا بَلَغُوا عَشْرَ سِنِينَ فَاصْرَبْ وَ لَا تَجَاوِزْ ثَلَاثًا» یعنی «فرزندان خردسالت را با زبان بر نماز و وضو انس و عادت بده و آن گاه که به ده سالگی رسیدند آنها را (به خاطر بی اعتنائی و ترک نمودن نماز) بزن، ولی از سه ضربه فراتر نرو»، و در بعضی روایات سن هفت، هشت، نه و سیزده سالگی نیز ذکر شده: «مُرُوا صِبْيَانَكُمْ بِالصَّلَاةِ إِذَا بَلَغُوا سَبْعَ سِنِينَ وَ اصْرَبُوهُمْ عَلَى تَرْكِهَا إِذَا بَلَغُوا تِسْعًا». مستدرک الوسائل، ج 15، ص 159، ح 1 برگرفته از سایت ویکی فقه، تنبیه بدنی کودکان (روانشناسی اسلامی) - پرتوی از اسرار نماز، محسن قرائتی، ص 83 - پرورش مذهبی کودک، دکتر علی قائمی، ص 39 - رساله آیت الله بهجت رحمه الله، مبحث: امر به معروف و نهی از منکر، م 1609 - رساله آیت الله بروجردی رحمه الله با حواشی بعضی علماء، م 2820. ضمناً توجه به این نکته نیز ضروری است که این تنبیه بدنی باید در حدی باشد که حتی موجب خراش یا سرخی یا کبودی و سبزی پوست نیز نشود (در واقع یک تلنگری است فقط به ظاهر کمی خشن تا بچه نماز را جدی بگیرد) در غیر این صورت اسلام برایش دیه معین نموده. برگرفته از استفتانات حضرت امام خمینی رحمه الله، ج 3، احکام دیات، مبحث تنبیه بدنی، ص 475، پاسخ به سؤالات شماره 34 و 36 و همچنین رساله نوین تحریر الوسیله امام خمینی رحمه الله، ترجمه و توضیح عبدالکریم بی آزار شیرازی، ج 4، مبحث: دیات، ص 307 و 308 و همچنین قانون جدید مجازات اسلامی: کلیات - حدود - قصاص - دیات، مصوب 1/2/1392، تدوین جهانگیر منصور، کتاب چهارم دیات، بخش دوم، فصل ششم، ص 227 و 230، ماده 709 و 714.

2- امام خمینی رحمه الله در مورد نماز و اهمیت آن و حتی نماز اول وقت (که واجب هم نیست، بلکه مستحب است) به فرزندان و نزدیکان خود بسیار تاکید و توصیه می نمودند. به عنوان نمونه: عروس و نوه های حضرت امام رحمه الله نقل می کنند که ایشان:

«هر وقت که بچه ها را می دیدند می پرسیدند: نماز را خوانده ای؟ اگر نخوانده بودند، جا نمازشان را می دادند و می گفتند: "برو وضویت را بگیر و بیا نماز را بخوان" و بعد از نماز نصیحت می کردند: "بین که اگر همین نماز را سر موقع می خواندی چقدر بهتر بود، خدا هم خوشش می آید"» (1).

ص: 166

---

1- . پا به پای آفتاب، گردآوری و تدوین امیر رضا ستوده، ج 1، ص 190 و همچنین رجوع شود به همان کتاب ص 217 و 232.

در مورد اهمیت دادن به نماز خانم فاطمه طباطبائی عروس حضرت امام رحمه الله می فرمایند:

«روایتی از امام جعفر صادق رحمه الله نقل می کردند که اگر کسی نمازش را سبک بشمارد از شفاعتشان محروم می شود. (1) من یکبار به ایشان (امام خمینی رحمه الله) عرض کردم: "سبک شمردن نماز، شاید به این معنی باشد که شخص نمازش را يك وقت بخواند و يك وقت نخواند". (ایشان) گفتند: "نه اینکه خلاف شرع است، منظور امام صادق علیه السلام این بوده است

که وقتی ظهر می شود و فرد در اول وقت نماز نمی خواند، در واقع به چیز دیگری رجحان داده است". (2)

و همچنین خانم فریده مصطفوی دختر امام خمینی رحمه الله می فرماید:

«امام خیلی به نماز اهمیت می دادند، خیلی سفارش نماز را می کردند، همیشه می گفتند: "در مورد نمازتان اهمال نکنید" و به ما می گفتند: "همین که شما می گوئید اول این کار را بکنم، بعد نماز بخوانم، این خلاف است، نگویید این حرف را، به نمازتان اهمیت دهید، اول نماز". (3)

البته خود ایشان نیز تا آخرین لحظات زندگی برای نماز اول وقت اهمیت ویژه ای قائل بودند و این نه تنها فقط برای فرزندان و نزدیکان ایشان بلکه برای تمام مسلمانان عصر ما، درسی عملی از بزرگمردی است که اگر نگوئیم بی نظیر، از کم نظیرترین مردان تاریخ معاصر ماست. خانم نعیمه اشراقی نوه امام رحمه الله در این باره می گوید که امام رحمه الله در آخرین روز عمرشان در بیمارستان با آن وضع جسمانی خود، چون ساعت دم دستشان نبود و آنقدر هم قدرت نداشتند که به ساعت نگاه کنند، يك ربع

ص: 167

---

1- «إِنَّ شَفَاعَتَنَا لَا تَدَّأُلُ مُسْتَخْفًا بِالصَّلَاةِ». من لايحضره الفقيه، ج 1، ص 206، ح 618 برگرفته از سید الشهداء، شهید آیت الله دستغیب رحمه الله، ص 95.

2- پابه پای آفتاب، گردآوری و تدوین امیر رضا ستوده، ج 1، ص 181.

3- همان کتاب، ج 1، ص 118.

به يك ربع از ما درباره وقت نماز مي پرسيدند، نه به خاطر اينکه نمازشان قضا نشود بلکه به خاطر اينکه نماز را اول وقت بخوانند.<sup>(1)</sup>

3- امام خميني رحمه الله با عمل نمودن به تکالیف الهی و خصوصاً نماز، از نظر تربیتی برای فرزندان و نزديکان خود الگویی مجسم بودند. خانم فریده مصطفوی دختر امام رحمه الله در این زمینه می فرماید: «کارهای دینی به ما ديکته نمی شد. در خانواده وقتی ما رفتار امام را می دیدیم، خود به خود در ما تأثیر می گذاشت و همیشه سعی می کردیم که مثل ایشان باشیم، ولو اینکه مثل ایشان نمی شدیم. از نظر تربیتی، خود ایشان برای ما یک الگو بودند. وقتی کاری را به ما می گفتند: "انجام ندهید" و ما می دیدیم ایشان در عمرشان آن کار را نمی کنند، قهراً ما هم انجام نمی دادیم. مثلاً به ما می گفتند: "باید نماز بخوانید" خودشان از نیم ساعت به ظهر وضو می گرفتند و مشغول نماز خواندن می شدند و ما هم داخل حیاط مشغول بازی کردن بودیم. يك مرتبه هم نیامدند صدا کنند که: "دخترها! بایستید برای نماز. بیایید من ایستاده ام، پشت سر من یا خودتان نماز بخوانید". ایشان تمام سال، اول اذان، نماز می خواندند ولي يك بار هم به ما نگفتند که: "الان دست از کارتان بردارید، موقع اذان است، دست از بازی تان بردارید و بایستید برای نماز". ولي می گفتند: "شما باید در طول این ساعت نماز بخوانید، وای به حال کسی که در طول این ساعت نماز را نخواند، آن وقت اگر آن نماز را نخواند، باید از خانه بیرون برود".  
يعني اصلاً اولاد آقا نباشد. این گونه با او برخورد می شد».<sup>(2)</sup>

ص: 168

- 1- . برگرفته از مجله گلچین میلاد 3، ویژه دانش آموزان دوره تحصیلی راهنمایی، سال 1378، ص 23، به نقل از کتاب امام در سنگر نماز - پایه پای آفتاب، گردآوری و تدوین امیر رضا ستوده، ج 1، ص 216.
- 2- . پایه پای آفتاب، گردآوری و تدوین امیر رضا ستوده، ج 1، ص 100 و 101 - بله اگر دختر امام رحمه الله فرموده اند که امام رحمه الله در مورد نماز سخت گیری نکردند و یا اینکه یک بار هم به ما نگفتند بیایید نماز بخوانید، نباید فقط يك جمله را به تنهایی گرفت و مطلب دلخواه خود را از آن برداشت نمود. اگر مطالب ماقبل و ما بعدش در نظر گرفته شود، کاملاً مشخص است منظور ایشان این است که امام رحمه الله به نماز اول وقت یا نماز جماعت (که مستحب است) اجبار نمی کردند، هر چند که در عمل، خود الگوی کامل آن بودند و زیاد هم بر آن توصیه و تأکید می کردند. اما واضح است منظور این نیست که اگر کسی عمداً هم نمازش قضا می شد، امام رحمه الله چیزی نمی گفتند و اجباری نمی کردند.

بنابراین فرزندی که با چنین روش های تربیتی بزرگ شده و به تکلیف رسیده باشد، خود به خود نماز برایش اهمیت خواهد داشت و قاعدتاً دیگر نیاز چندانی نیست که دیگران او را برای نماز از خواب بیدار کنند، چون برای خودش مهم خواهد بود که نمازش قضا نشود.

اما اگر به هر دلیل بیدار نکردن افراد خانواده (مکلف کم سن و سال باشند یا بزرگسال) برای نماز موجب سهل انگاری و سبک شمردن به امر نماز باشد، خود امام خمینی رحمه الله صریحاً می فرمایند: «اگر بیدار نکردن آنها موجب سهل انگاری و استخفاف به امر نماز باشد، باید آنها را بیدار نماید».(1)

لذا از افرادی که چنین شبهاتی را مطرح می کنند باید پرسید: آیا انصافاً فرزندان خود را از کودکی با نماز مأنوس کرده اید و آنان را به اندازه لازم به ارزش و اهمیت نماز آگاه نموده اید و خودتان واقعاً در عمل نیز برایشان الگوی مناسبی بوده اید که حالا فقط یکی، دو جمله را (آن هم بدون در نظر گرفتن و اشاره نمودن به مطالب قبل و بعدش) در بوق و کرنا می کنید و آن را دست آویزی برای ترك واجبات دینی از جمله حجاب اسلامی قرار می دهید؟! (2)

ص: 169

1- . استفتانات حضرت امام خمینی رحمه الله ، ج 1، مبحث: وقت نماز، ص 133، س 25 - البته اگر فردی واقعاً دغدغه نماز خواندن داشته باشد و برایش مهم باشد که نمازش قضا نشود حتماً از قبل تمهیدات لازم مانند سفارش به دیگران برای بیدار نمودن یا تنظیم زنگ ساعت و ..... را برای به موقع بیدار شدن نیز به کار خواهد گرفت و در غیر این صورت چنانچه مکرراً این قضیه تکرار شود مسلماً جزء کسانی است که در امر نماز سهل انگاری می کنند و به آن اهمیت نمی دهند و نماز را سبک می شمارند همان طور که اگر فردی برای رفتن به کلاس درس و یا محل کار فقط به تعداد دفعات معدودی خواب بماند و دیر برسد قابل اغماض است ولی اگر مکرراً به علت خواب ماندن دیر برسد نشانه سهل انگاری و اهمیت ندادن و بی اعتنائی او نسبت به وظایفش خواهد بود.

2- . واقعاً خیلی بی انصافی است که این همه تأکید و توصیه امام خمینی رحمه الله در صفحات مختلف کتاب پا به پای آفتاب در مورد خواندن نماز حتی خواندن نماز اول وقت نادیده گرفته شود. مانند ص 115 و 118 و 162 و 216 و 228 و 231 و 270 و 286 و ....

تذکر مهم: مبدا از مطالبی که در پاسخ به این سؤال بیان گردید، این طور تصوّر شود که چون «انسان در حین خواب تکلیف ندارد» پس اگر فرد مکلف عمداً هم بخوابد تا نمازش قضا شود، اشکالی ندارد و مرتکب هیچ خطا و خلافی نشده!!

خیر مطلب چنین نیست، بلکه اگر در واقع فرد مکلفی برای نماز خواب بماند (نه اینکه از قبل هم با تصمیم خواب ماندن و نماز نخواندن، بخوابد و یا تمهیدات لازم برای بیدار شدن در وقت نماز را انجام نداده باشد) و نمازش قضا شود، مرتکب گناهی نشده (که البته در این صورت هم امام خمینی رحمه الله، باز می فرمودند مقید باشید در اولین فرصت یعنی قبل از نماز واجب بعدی، آن نماز قضا شده را بخوانید). (1) اما اگر کسی از روی بی اعتنائی به نماز و اهمیّت ندادن و اهمال کردن نمازش قضا شود، مسلم است که از ضایع کنندگان و سبک شمارندگان نماز محسوب می شود و آنچه در روایات در این زمینه بیان گردیده شامل حالش خواهد شد (2) و شیطان بر او جرأت پیدا می کند تا او را داخل در گناهان بزرگ کند. (3)

ص: 170

- 
- 1- . برگرفته از پا به پای آفتاب، گردآوری و تدوین امیر رضا ستوده، ج 1، ص 101.
  - 2- . همان طور که اگر هر فردی نسبت به انجام وظایفش اهمال کند و سهل انگار و بی اعتنا باشد و اهمیتی برای کار خود قائل نباشد و مکرراً دیر به محل کار برسد، چنانچه اخراج نشود مسلماً از امتیازاتی محروم خواهد شد، شخصی هم که نماز را سبک بشمارد از امتیازاتی از جمله شفاعت محروم خواهد شد. رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در این باره فرموده اند: «لَا يَنَالُ شَفَاعَتِي غَدًا مَنْ أَخَّرَ الصَّلَاةَ الْمُفْرُوضَةَ بَعْدَ وَقْتِهَا» یعنی «آن کس که نماز واجب را پس از فرارسیدن وقت آن به تأخیر بیندازد تا وقت آن بگذرد به شفاعتم نرسد». امالی صدوق، ص 399، ح 15 و بحار الانوار، ج 80، ص 11، ح 11 برگرفته از گناهان کبیره، شهید دستغیب رحمه الله، ج دوم، مبحث: ترک نماز چند قسم است، ص 170 و نماز شناسی، حسن راشدی، ص 478.
  - 3- . پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «لَا يَزَالُ الشَّيْطَانُ هَائِبًا لِابْنِ آدَمَ ذَعْرًا مِنْهُ مَا صَلَّى الصَّلَاةَ الْخَمْسَ لَوْ قَتَبْنَهَا فَإِذَا ضَيَعَهُنَّ اجْتَرَأَ عَلَيْهِ فَأَدْخَلَهُ فِي الْعَطَائِمِ» یعنی «تا وقتی که شخص مواظب باشد نمازهای پنجگانه شبانه روز را در وقت خود بجا آورد شیطان از او ترسناک است و نزدیکش نمی شود و هرگاه آنها را ضایع ساخت شیطان بر او جرأت می کند تا او را داخل در گناهان بزرگ کند». وسائل الشیعة، ج 4، باب 1، ص 111، ح 4646 برگرفته از گناهان کبیره، شهید دستغیب، ج دوم، مبحث: ترک نماز چند قسم است، ص 170.

حتی اگر کسی برای عزاداری امام حسین علیه السلام نیز که این همه به آن سفارش و تاکید شده، دیر بخوابد و بداند که چنانچه دیر بخوابد، صبح برای نماز بیدار نمی شود، باید شب زود بخوابد تا نمازش قضا نشود. چون همان طور که امام خمینی رحمه الله فرموده اند خود سید الشهداء علیه السلام در همان جنگ بزرگ ظهر عاشورا که همه در معرض خطر بودند، وقتی یکی از اصحاب گفت: ظهر شده است، حضرت فرمود:

«ذکرت الصلاة جعلك الله من المصلين»<sup>(1)</sup> نماز را یاد من آوردی، خدا تو را از نمازگزاران حساب کند، و ایستاد همان جا نماز خواند.

نگفت که ما می خواهیم جنگ بکنیم. خیر، جنگ را برای نماز کردند.<sup>(2)</sup>

پس در جایی که خود جنگ حضرت برای برپایی نماز است<sup>(3)</sup> دیگر مسلم است که یکی از مهمترین اهداف آن همه سفارش به اقامه عزاداری برای آن حضرت نیز برای برپایی نماز است چرا که عزاداری مستحب و اقامه نماز یومیّه واجب است. البته در اداء هیچ يك از واجبات دین نمی توان سهل انگاری نمود (تا چه رسد به نماز که از مهمترین واجبات الهی است و بعد از ولایت از همه ارکان دیگر دین اسلام افضل است<sup>(4)</sup>) و اگر در قیامت پذیرفته شود، اعمال دیگر هم پذیرفته می شوند و

ص: 171

1- . بحار الأنوار، ج 45، ص 21.

2- . برگرفته از صحیفه نور، امام خمینی رحمه الله، ص 383 تا 395، سخنرانی 14 خرداد 1359 در جمع دانشجویان دانشگاه تهران (تحول درونی- اتحاد حوزه و دانشگاه) به نقل از سایت جامع امام خمینی رحمه الله و کتاب فضایل و سیره امام حسین علیه السلام، عباس عزیزی، ص 177.

3- . همان طور که حضرت علی علیه السلام نیز در جنگ صفین فرمودند: «إِنَّمَا نَقَاتِلُهُمْ عَلَى الصَّلَاةِ» یعنی «جنگ ما با آنها برای برپایی نماز است». وسائل الشیعة، ج 4، باب 41، ص 246، ح 5051.

4- . «بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسَةِ شَيْءٍ عَلَى الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالْحَجِّ وَالصَّوْمِ وَالْوَلَايَةِ قَالَ زُرَّارَةُ فَأَيُّ ذَلِكَ أَفْضَلُ قَالَ الْوَلَايَةُ أَفْضَلُ لِأَنَّهَا مِفْتَاحُهَا وَ الْوَالِي هُوَ الدَّلِيلُ عَلَيْهِنَّ قُلْتُ ثُمَّ الَّذِي يَلِي ذَلِكَ فِي الْفَضْلِ قَالَ الصَّلَاةُ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَالَ الصَّلَاةُ عَمُودُ دِينِكُمْ». بحار الأنوار، ج 79، ص 234، ح 59 و الكافي، ج 2، ص 18، ح 5 به نقل از گناهان کبیره، ج دوم، ص 168.



چنانچه قبول نشود، کارهای دیگر را هم نمی پذیرند(1).

مثلاً امام خمینی رحمه الله در رساله عملیه خود می فرماید:

کسی که در شب ماه رمضان جنب است و می داند که اگر بخوابد تا صبح بیدار نمی شود، نباید قبل از غسل کردن بخوابد و اگر بخوابد و بیدار نشود روزه اش باطل است و قضا و کفاره هم بر او واجب می شود.(2) و کسی که در شب ماه رمضان جنب است و می داند یا احتمال می دهد که اگر بخوابد پیش از اذان صبح بیدار می شود، اگر تصمیم داشته باشد که بعد از بیدار شدن از خواب (قبل از اذان صبح) غسل کند و با این تصمیم بخوابد، ولی تا اذان صبح خواب بماند، روزه اش صحیح است.(3)

ولی اگر نخواهد بعد از بیدار شدن غسل کند یا تردید داشته باشد که غسل کند یا نه، در صورتی که بخوابد و بیدار نشود، روزه اش باطل است.(4)

و یا در کتاب «عروة» در مورد نماز آیات که از نمازهای واجب است، چنین آمده است که :

اگر کسی در خواندن آن اهمال کند، هم معصیت کرده و هم باید قضای آن را به جا آورد.(5)

ص: 172

---

1- «أَوَّلُ مَا يُحَاسَبُ عَلَيْهِ الْعَبْدُ الصَّلَاةُ فَإِذَا قُبِلَتْ قُبِلَ سَائِرُ عَمَلِهِ وَإِذَا رُدَّتْ عَلَيْهِ رُدَّ عَلَيْهِ سَائِرُ عَمَلِهِ». بحار الأنوار، ج 79، ص 236، ح 64 برگرفته از گناهان کبیره، شهید دستغیب رحمه الله، ج دوم، ص 167 - به قول استاد ارجمند محسن قرائتی قضیه نماز و سایر اعمال مانند نخ و سوزن است به این معنا که اگر سوزن از پارچه رد شود نخ هم می تواند رد می شود و اگر سوزن رد نشود نخ هم نمی تواند رد شود.

2- برگرفته از رساله امام خمینی رحمه الله، مسئله 1625.

3- برگرفته از همان مدرک، مسئله 1627.

4- برگرفته از همان مدرک، مسئله 1629.

5- تقریباً شبیه به همین مسئله را نیز امام خمینی رحمه الله در رساله عملیه خود، مسئله 1498 دارند.

حَتَّىٰ امام خمینی رحمه الله در مورد نماز جماعت که مستحب است، نه واجب می فرمایند:

«حاضر نشدن به نماز جماعت از روی بی‌اعتنایی جایز نیست، و سزاوار نیست که انسان بدون عذر نماز جماعت را ترک کند».(1)

خود امام خمینی رحمه الله در عمل نیز واقعاً مقید به این بودند که مبدا نمازشان قضا نشود، به طوری که حَتَّىٰ يك شب قبل از وفاتشان در بیمارستان با وجود نهایت درد و شدت بیماری که داشتند، آقای حسین سلیمانی نقل می کند که: امام رحمه الله از ساعت ده شب تا پنج صبح چند بار از خواب بیدار شدند و ساعت را پرسیدند و مرتب می گفتند:

«مواظب باشید، نکند آفتاب بزند و نمازم قضا شود».(2)

بله نماز در هیچ شرایطی نباید عملاً ترك شود و به طور کلی نسبت به هیچ یک از واجبات دینی نباید سستی نمود. در روایت است که حضرت علی علیه السلام در جنگ صفین در حال نبرد مراقب خورشید بودند، ابن عباس علت را پرسید، حضرت فرمودند:

«برای اینکه نماز اول وقت از دستم نرود». ابن عباس گفت: آیا در این گیرودار که مشغول جنگ هستیم وقت نماز خواندن است؟ حضرت فرمودند: «ما برای چه با آنها می جنگیم؟ جنگ ما با آنها برای این است که نماز برپا شود».(3)

ص: 173

1- رساله امام خمینی رحمه الله ، مسئله 1401.

2- برگرفته از مجله گلچین میلاد 3، ویژه دانش آموزان دوره تحصیلی راهنمایی، سال 1378، ص 22، به نقل از کتاب امام در سنگر نماز.

3- «كَانَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمًا فِي حَرْبٍ صَيْفِيْنَ مُشْتَغَلًا بِالْحَرْبِ وَالْقِتَالِ وَهُوَ مَعَ ذَلِكَ بَيْنَ الصَّفَيْنِ يُرَاقِبُ الشَّمْسَ فَقَالَ لَهُ ابْنُ عَبَّاسٍ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ مَا هَذَا الْفِعْلُ قَالَ أَنْظِرْ إِلَى الزَّوَالِ حَتَّى نَصَلِّيَ فَقَالَ لَهُ ابْنُ عَبَّاسٍ وَهَلْ هَذَا وَقْتُ صَلَاةٍ إِنَّ عِنْدَنَا لَشَّ غُلًّا بِالْقِتَالِ عَنِ الصَّلَاةِ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَيَّ مَا نَقَاتِلُهُمْ إِنَّمَا نَقَاتِلُهُمْ عَلَى الصَّلَاةِ». وسائل الشيعة، ج 4، ص 246، باب 41، ح 5051 - بحار الأنوار، ج 80، ص 23، ح 43 - إرشاد القلوب، ج 2، ص 217، الجزء الثاني في فضائل و مناقب أمير المؤمنين عليه السلام برگرفته از گناهان کبیره، شهید دستغیب رحمه الله ، ج دوم، ص 171 - پرتوی از اسرار نماز، محسن قرائتی، ص 94.

همچنین امام حسین علیه السلام و یارانش در میدان نبرد روز عاشورا در حالیکه تیرهای دشمن مانند قطرات باران به سوی آنها سرازیر بود و با وجود اینکه تعداد یاران حضرت بسیار معدود بود، چند تن از آنان به هنگام اقامه نماز ظهر شهید شدند و به خاک و خون غلتیدند. (1)

خلاصه اینکه شخص مکلف اگر خود از روی عمد و با تصمیم به اینکه برای نماز صبح بیدار نشود، بخوابد و نمازش قضا شود، مقصر و گناهکار است. فردی که به تکلیف رسیده باید به نماز اهمیت دهد و به نماز بی اعتنا نباشد. البته این وظیفه هر فرد مکلف نسبت به خودش است، اما نسبت به دیگران وظیفه فرق

ص: 174

1- . «فقال الحسين عليه السلام لزهير بن القين وسعيد بن عبد الله تقدما أمامي حتى أصلي الظهر فتقدما أمامه في نحو من نصف أصحابه حتى صلى بهم صلاة الخوف. وروي أن سعيد بن عبد الله الحنفي تقدم أمام الحسين فاستهدف لهم يرمونه بالنبل كلما أخذ الحسين عليه السلام يمينا و شمالا قام بين يديه فما زال يرمي به حتى سقط إلى الأرض و هو يقول اللهم العنهم لعن عاد و ثمود اللهم أبلغ نبيك السلام عني و أبلغه ما لقيت من ألم الجراح فإني أردت بذلك نصرة ذرية نبيك ثم مات رضوان الله عليه فوجد به ثلاثة عشر سهما سوى ما به من ضرب السيوف و طعن الرماح» یعنی «امام حسین علیه السلام به زهیر بن قین و سعید بن عبد الله فرمود: شما در جلوی من قرار بگیرید تا نماز ظهر را بخوانم. آنان در جلو آن بزرگوار ماندند تا آن حضرت با نصفی از اصحاب خود نماز خوف خواندند. و روایت شده: سعید بن عبد الله حنفی در جلو امام حسین علیه السلام قرار گرفت آنچه که امام حسین علیه السلام به طرف چپ و راست حرکت می کرد او در مقابل آن حضرت بود دشمنان او را هدف تیر قرار دادند و به قدری تیر بارانش نمودند که در روی زمین سقوط کرد و گفت: بار خدایا! این گروه را نظیر قوم عاد و ثمود لعنت کن. پروردگارا! سلام مرا به رسول خود برسان و آن حضرت را از درد این همه زخم و جراحاتی که بر من وارد شده آگاه کن. زیرا منظور من از این عمل نصرت ذریه پیامبر تو می باشد. وی پس از این جریان شهید شد، رحمت و رضوان خدا بر او باد. پس از شهادت وی تعداد سیزده تیر در جسد مبارکش یافتند، غیر از زخم شمشیر و نیزه هائی که در بدنش بود». لهوف، ص 96 - بحار الانوار، ج 45، ص 21 - مقتل ابومخنف برگرفته از گناهان کبیره، شهید دستغیب رحمه الله، ج دوم، ص 171 - فضایل و سیره امام حسین علیه السلام، عباس عزیزی، ص 176.

می‌کند یعنی ما تکلیف نداریم انسانی را که برای نماز خواب مانده و از قبل هم به ما نگفته که مرا برای نماز بیدار کن، بیدار کنیم، چون وظیفه ما در مورد نماز دیگران چنین است (البته همان طور که گفته شد این نیز در صورتی است که موجب سهل انگاری و استخفاف به امر نماز نباشد) (1) ولی این بدان معنا نیست که خود فرد مکلف نیز شرعاً اجازه داشته باشد عمداً و از روی اهمال و سهل انگاری آنقدر بخوابد تا نمازش قضا شود.

گذشته از مطالبی که در مورد نماز بیان شد، در مورد حجاب نیز که مسئله اصلی مورد بحث ما می‌باشد، کافی است که نظرات و طرز برخورد خود امام خمینی رحمه الله را در این رابطه بیشتر بررسی کنیم، تا به اهمیت این مسئله واقف گردیم:

خانم فاطمه طباطبایی عروس امام خمینی رحمه الله می‌فرماید:

«در برخورد با پدیده بدحجابی، امام شدیداً از کسی که خلاف شرع انجام می‌داد، ناراحت می‌شدند و خیلی برانگیخته می‌شدند. (حتی) اگر سر سفره دست ما (در برابر نامحرم) بیش از حد مجاز از آستین بیرون می‌آمد، تذکر می‌دادند». (2)

البته عروس امام رحمه الله در مورد نظر ایشان درباره رعایت حدود حجاب، می‌فرماید:

«حضرت امام معتقد بودند که پوشش زن نباید مفسده انگیز باشد و نباید برجستگی های بدن را نمایان کند. رنگ لباس هم باید سنگین باشد. به این معنی که مثلاً قرمز تند ممکن است مفسده ای داشته باشد. بیرون بودن گردی صورت (شرعاً) اشکال ندارد، (3) منتها نباید آرایش شده

ص: 175

---

1- برگرفته از استفتائات حضرت امام خمینی رحمه الله، ج 1، مبحث: وقت نماز، ص 133، س 25.

2- پا به پای آفتاب، گردآوری و تدوین امیر رضا ستوده، ج 1، ص 177.

3- البته این نه تنها به آن معنی نیست که پوشاندن مقدار بیشتری از صورت اشکالی داشته باشد، بلکه این کار بهتر نیز می‌باشد. همچنان که وقتی می‌گویند نمره قبولی در امتحانات 12 می‌باشد، یعنی این حداقل نمره برای قبولی است، نه اینکه نمره بالاتر از آن قبول نیست، بلکه بهتر نیز می‌باشد. ضمناً همان طور که در پاسخ به سؤال ششم بیان شد امام خمینی رحمه الله نیز در پاسخ به استفتائات به این مطلب تصریح نموده اند (رجوع شود به استفتائات حضرت امام خمینی رحمه الله، ج 3، احکام حجاب، ص 247، س 3 و مبحث: نظر، لمس، صدای نامحرم و...، ص 266، س 35). همچنین خانم عاطفه اشراقی نوه امام رحمه الله می‌فرمایند: «(امام رحمه الله نیز) همیشه می‌گفتند: "درست است که می‌گویند (جایز است) وجه و کفین پیدا باشد، اما جوان ها بهتر است که کمی بیشتر خود را بپوشانند"». پا به پای آفتاب، گردآوری و تدوین امیر رضا ستوده، ج 1، ص 214.

درباره کار کردن خانم ها، امام می گفتند تا جایی که ممکن است نباید با نامحرم صحبت کنند. این را که خانمی بگوید من تمام موازین را رعایت کرده ام و عفیتم، پس مسئله ای نیست اگر با نامحرم صحبت کنم، قبول نداشتند. چون ضرورتی برای صحبت بی مورد نمی دیدند. در خانه خودشان هم وقتی یکی از نوه هایشان مکلف می شد، دیگر با ما در یک اتاق نمی نشست. چون امام در این کار ضرورتی نمی دیدند. جالب اینجاست که وقتی ما نزدشان بودیم به آنها می گفتند که بیرون بروند نه به ما. یا اگر من نزد ایشان بودم و نوه مکلف شده شان، که مثل پسر خود من است، می خواست وارد اتاق شود، می گفتند که کسی اینجاست. از یک طرف، به حق، این سخت گیری ها را از ایشان می دیدیم، و از طرف دیگر وقتی نزدشان می رفتم و می گفتم که در دانشگاه با استاد صحبت کردم و مسئله ای را از او پرسیدم و جواب گرفتم، نمی گفتند که چرا با او حرف زدی، چون احساس می کردند که ضرورت علمی مطرح بوده است.

معتقد بودند که لحن و نگاه باید پاک باشد. در محیط کار خنده های بلند و صحبت های بی جا را اصلاً مناسب نمی دانستند و در کل توصیه شان بر حفظ عفاف و حجاب بود. (2)

نوه امام رحمه الله خانم عاطفه اشراقی می فرماید:

ص: 176

- 
- 1- . سوره نور، آیه 31 می فرماید: «وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ» یعنی زینت های خود را برای نامحرمان آشکار نکنید. برای توضیح بیشتر رجوع شود به پاسخ سؤال دوازدهم.
  - 2- . پا به پای آفتاب، گردآوری و تدوین امیر رضا ستوده، ج 1، ص 176 و 177.

«حتی امام) خیلی تأکید می کردند که در خارج از منزل، هیچ گونه عطری مصرف نشود. یادم است که در یکی از عیدها، امام به نواده

دختری دیگرشان عطر هدیه دادند و به من یک چیز دیگر، و فرمودند: "چون تو ازدواج نکرده ای، بنابراین احتیاجی به عطر نداری".» (1)

در مورد نوع حجاب، به طور کلی از سخنان عروس امام خمینی رحمه الله و خانم مرضیه حدیدچی (دباغ)، برمی آید که نظر امام رحمه الله این بوده که اگر پوشیدن مانتو و روسری و مقنعه، طوری باشد که پوشش و حجاب را حفظ کند، کافی است و ایرادی ندارد ولی با این حال ایشان چادر را برای زن بهتر و برازنده تر می دانستند و مکرراً نیز به این مطلب تصریح نموده اند. (2)

بنابراین واقعاً اگر برای ما رفتار و نظرات امام رحمه الله ملاک است، از مطالب گذشته به خوبی می توان به نظرات ایشان در مورد حجاب و رعایت حد و حدود آن، پی برد.

ص: 177

1- . همان مدرک، ص 214 - البته از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم روایت است که: «أَيُّ امْرَأَةٍ تَتَطَيَّبُ ثُمَّ خَرَجَتْ مِنْ بَيْتِهَا فَهِيَ تُلْعَنُ حَتَّى تَرْجِعَ إِلَى بَيْتِهَا مَتَى رَجَعَتْ» یعنی «هر زنی که خود را خوشبو کند و از خانه خارج شود، پیوسته تا وقتی که به خانه برمی گردد - هر وقت که بازگردد - مورد لعنت خواهد بود». ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص 259، باب عقاب المرأة تتطيب لغير زوجها و تخرج من بيته ..... (باب كيف زني که خود را برای غیر همسرش خوشبو کند و از خانه خارج شود ...) - همچنین امام باقر علیه السلام نیز فرمودند: «لَا يَجُوزُ لَهَا أَنْ تَتَطَيَّبَ إِذَا خَرَجَتْ مِنْ بَيْتِهَا» یعنی «بر زن جایز نیست که خود را خوشبو کند هنگامی که از خانه اش خارج می شود». وسائل الشیعة، ج 20، ص 221، ح 25473 - برای اطلاع از نظر علمای دیگر در مورد عطر زدن زن به پاورقی پاسخ به سؤال دهم رجوع شود.

2- . رجوع شود به پا به پای آفتاب، گردآوری و تدوین امیر رضا ستوده، ج 1، ص 177 و 178 و 336 و استفتائات امام خمینی رحمه الله ، ج 3، احکام حجاب، ص 248، سؤال 5، 9، 19، 21، 22، 24، 25، 26 و ..... - برای توضیح بیشتر رجوع شود به پاسخ سؤال اول.

آیا پوشیدن لباس های نیمه عریان برای بانوان در مجالس زنانه، اخلاقاً ایرادی دارد؟

پاسخ :

1 - البته پاسخ این سؤال برای هر فطرت پاک و وجدان بیداری کاملاً واضح است و هر انسانی در اعماق وجود خود می تواند پاسخ صحیح این پرسش را به روشنی درک کند. اما علاوه بر این یادآوری این نکته لازم است که ما مسلمانان و خصوصاً بانوان در اسلام بانویی داریم که می توانند در تمامی زمینه ها برای ما الگو باشند چون شخصی مانند رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم (1)، درباره ایشان فرموده اند:

«لَوْ كَانَ الْحُسْنُ شَخْصًا [هَيْئَةً] لَكَانَتْ فَاطِمَةَ بَلْ هِيَ أَعْظَمُ إِنَّ فَاطِمَةَ ابْنَتِي خَيْرُ أَهْلِ الْأَرْضِ عُنْصُرًا وَ شَرَفًا وَ كَرَمًا» (2) یعنی «اگر حُسن و نیکی به صورت شخصی درآید (اگر خوبی ها و زیبایی ها و حُسن های گفتاری و رفتاری و کرداری عالم و هر آنچه خوبان عالم همه دارند را بخواهیم در شخصی جمع کنیم) آن شخص فاطمه است بلکه او فوق این است. به راستی که دخترم فاطمه علیها السلام از جهت ریشه و شرافت و کرم، بهترین اهل زمین است».

ص: 178

- 
- 1- . که قرآن درباره ایشان می فرماید: «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ» یعنی «او از روی هوی سخن نمی گوید». سوره نجم، آیه 3.
  - 2- . عوالم العلوم و المعارف و الاحوال من الآيات و الاخبار و الاقوال، ج 11، ص 127 - مائة منقبة، ابن شاذان، ص 135 برگرفته از سخنان حجت الاسلام سید میرهاشم حسینی، برنامه سمت خدا، شبکه 3 سیما، تاریخ 3/11/1400.

همچنین در جایی که امام حاضر و پیشوای ما امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در توقیع خود می فرمایند:

«فِي ابْنَةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ لِي أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ»<sup>(1)</sup> یعنی «در خصوص دختر رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ همین بس که برای من الگویی نیکو است».

و همچنین منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام است که به بُعد دیگری در خصوص نقش الگویی حضرت زهرا علیها السلام برای همه معصومین علیهم السلام اشاره نموده و می فرماید:

«نحن حجج الله على خلقه و جدتنا فاطمة حجة الله علينا»<sup>(2)</sup> یعنی «ما حجت و راهنمای الهی بر مردم هستیم و مادر ما فاطمه حجت و راهنمای خدا بر ماست».

لذا مسلم است که حضرت زهرا علیها السلام الگوی تمام زنان مسلمان است و حداقل تمام بانوان شیعه دوست دارند که پیرو ایشان باشند. پس بیایید بیشتر و عمیق تر در زندگی ایشان بیندیشیم و ان شاء الله رفتارهای حضرتش را در عمل نیز الگوی خویش قرار دهیم:

ما همه می دانیم که حضرت زهرا علیها السلام در شب زفاف، لباس عروسی خود را که به تن داشتند به زن فقیری بخشیدند<sup>(3)</sup> حال جا دارد از خود سؤال کنیم این لباس

ص: 179

- 
- 1- بحار الانوار، ج 53، ص 180، ح 9 به نقل از مادران مسیح، سیمین دخت بهزادپور، ص 34.
  - 2- عوالم العلوم و المعارف و الاحوال من الآيات و الاخبار و الاقوال، ج 11، ص 1030- فاطمة الزهراء علیها السلام بهجة قلب المصطفى صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، ص 744 برگرفته از مادران مسیح، سیمین دخت بهزادپور، ص 35.
  - 3- «أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ صَنَعَ لَهَا قَمِيصًا جَدِيدًا لَيْلَةَ عَرْسِهَا وَزَفَافِهَا... فَدَفَعَتْ لَهُ الْجَدِيدَ». ابن جوزی (از علمای بزرگ عامه)، کتاب نزهة المجالس به نقل از زندگانی فاطمه زهرا علیها السلام، شهید دستغیب، ص 97 - عوالم العلوم و المعارف و الاحوال من الآيات و الاخبار و الاقوال، ج 11، ص 230 به نقل از تحلیل سیره فاطمه زهراء علیها السلام، علی اکبر بابا زاده، ص 130 - سیری در سیره نبوی، استاد شهید مطهری، جلسه سوم، تحت عنوان: «اسکندر و دیوژن»، ص 114 - الوقایع و الحوادث، ملبوبی، ج 4، ص 186 به نقل از سایت ویکی شیعه، تحت عنوان: انفاق حضرت فاطمه علیها السلام - پایگاه اطلاع رسانی دفتر حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی، تحت عنوان: درس هایی از انفاق حضرت زهرا علیها السلام در شب عروسی.



که مناسب جشن عروسی بوده، چگونه لباسی بوده که ایشان آن را به زن فقیری بخشیده اند که مسلماً می خواهد در همه جا (کوچه و خانه و...) از آن استفاده کند؟! و حضرت زهرا علیها السلام هم به همین منظور لباس خود را از تن درآوردند و به او دادند؟! به نظر می رسد این قضیه بسیار واضح است و هر کس می تواند بفهمد که آن زن فقیر برای نیازهای عادی و روزمره خود در همه جا (نه فقط مراسم جشن زنانه) محتاج به لباس بوده و آن لباس هم لباسی بوده که اندام ظاهری بدن را می پوشانده و نیمه عریان نبوده و این در حالی است که برای جشن عروسی تدارک شده بوده.

2 - همچنین همه می دانیم فاطمه بنت اسد علیها السلام، مادر حضرت علی علیه السلام یکی از بانوان نمونه اسلام و از زنان بهشتی است (1)

که پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ در مورد ایشان فرمودند:

«جبرئیل از جانب پروردگار خبر داد که او اهل بهشت است و نیز خبر داد که خداوند تعالی هفتاد هزار فرشته را امر کرده است تا بر (جنازه) او نماز بخوانند». (2)

ص: 180

1 - . پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ فرمودند: «وَالَّذِي نَفْسِي مَحْمَدٍ بِيَدِهِ مَا خَرَجْتُ مِنْ قَبْرِهَا حَتَّى رَأَيْتُ مِصْبَاحَيْنِ مِنْ نُورٍ عِنْدَ رَأْسِهَا وَ مِصْبَاحَيْنِ مِنْ نُورٍ عِنْدَ يَدَيْهَا وَ مِصْبَاحَيْنِ مِنْ نُورٍ عِنْدَ رِجْلَيْهَا وَ مَلَكَاهَا الْمُؤَكَّلَانِ بِقَبْرِهَا يَسْتَتَعْفِرَانِ لَهَا إِلَى أَنْ تَقُومَ السَّاعَةُ» یعنی «به آنکه جان محمد در دست او است از قبرش بیرون نشدم تا دیدم دو چراغ نور بالای سر او است و دو چراغ نور برابر او و دو چراغ نور نزد پاهای او و دو فرشته بر قبر او موکلند که تا روز قیامت برایش آمرزش جویند». اُمّالی الصدوق، ص 315، مجلس 51، ح 14 - و نیز فرمودند: «أَسْأَلُ رَبِّي فِي قَبْرِهَا حَتَّى فُتِحَ لَهَا بَابٌ مِنْ قَبْرِهَا إِلَى الْجَنَّةِ فَصَارَ رَوْضَةً مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ» یعنی «از خدا خواستم که دری از بهشت به سوی قبر او بگشاید پس باغی از باغ های بهشت گردید». بحار الأنوار، ج 6، ص 233، ح 44.

2 - . المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 108 به نقل از «فاطمه بنت اسد»، علی محمد علی دُخَيْل، ترجمه صادق آئینه وند، ص 33 - شیخ صدوق، ابی جعفر محمد بن علی، الامالی، تحقیق قسم الدراسات الاسلامیه، قم، مؤسسه البعثه، 1417ق، ص 391 به نقل از سایت ویکی فقه - حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، دار المعرفه، ج 3، ص 108 به نقل از سایت ویکی شیعه.

و رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در نمازی که بر جنازه ایشان خواندند چهل تکبیر و به نقلی هفتاد تکبیر (1) گفتند و وقتی از حضرت علش را سؤال کردند: نمازی بر او خواندی که بر احدی پیش از او نخواندی؟ فرمودند:

«الْتَفْتُ عَنْ يَمِينِي فَنَظَرْتُ إِلَى أُرْبَعِينَ صَفًّا مِنَ الْمَلَائِكَةِ فَكَبَّرْتُ لِكُلِّ صَفٍّ تَكْبِيرَةً» (2) یعنی «به سمت راست خود نگریستم چهل صف فرشته حاضر بودند برای هر صفی تکبیری گفتم».

همچنین پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پس از تدفین فاطمه بنت اسد علیها السلام فرمودند:

«إِنَّ الْمَلَائِكَةَ قَدْ مَلَأَتِ الْأُفُقَ وَفُتِحَ لَهَا بَابٌ مِنَ الْجَنَّةِ وَ مُهِّدَ لَهَا مِهَادٌ مِنْ مِهَادِ الْجَنَّةِ وَ بُعِثَ إِلَيْهَا بَرِيحَانٌ مِنْ رِيَّاحِينَ الْجَنَّةِ فَهِيَ فِي رَوْحٍ وَ رِيحَانٍ وَ جَنَّةٍ وَ نَعِيمٍ وَ قَبْرُهَا رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ» (3) یعنی «فرشتگان افق را پر کردند و در بهشت را برای او (فاطمه) گشودند و فرش های بهشتی را برای او گسترده و ریحان بهشتی به ملاقات او آمدند و او در روح و ریحان و نعمت بهشتی غوطه ور است و قبرش باغی از باغ های بهشت است».

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم درباره این بانوی بزرگوار فرمودند:

«إِنِّي ذَكَرْتُ الْفِيَامَةَ وَ أَنَّ النَّاسَ يُحْشَرُونَ عُرَاءَةً فَقَالَتْ وَ سَوَاتَاةَ فَضَمِنْتُ لَهَا أَنْ يَبْعَثَهَا اللَّهُ كَاسِيَةً» (4) یعنی «فاطمه بنت اسد شنید که من از

ص: 181

1- « فَلَمَّا صَلَّى أَيُّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سَلَّمَ عَلَيْهَا كَبَّرَ سَبْعِينَ تَكْبِيرَةً ثُمَّ لَحَدَّهَا فِي قَبْرِهَا بِيَدِهِ الْكَرِيمَةِ إِلَى أَنْ قَالَ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سَلَّمَ وَ أَمَّا تَكْبِيرِي سَبْعِينَ تَكْبِيرَةً فَإِنَّمَا صَلَّى عَلَيْهَا سَبْعُونَ صَفًّا مِنَ الْمَلَائِكَةِ الْخَبَرِ ». مستدرک الوسائل، ج 2، ص 266، ح 19.

2- . أمالي الصدوق، ص 315، مجلس 51، ح 14.

3- . بحار الأنوار، ج 35، ص 71.

4- . اصول کافی، ج 2، باب زندگانی امیرالمؤمنین علیه السلام، ص 349، ح 2.

روز قیامت یاد کردم و گفتم: مردم برهنه محشور می شوند. او گفت: وای از این رسوایی (از این عریانی ناراحت شد). من ضامن شدم که خدا او را با لباس محشور کند». و ابن ذاب گفته: «فاطمه بنت اسد کسی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم او را در پیراهن خود کفن کردند و در ردای مبارکشان او را پیچیدند و از جانب خداوند بزرگ بر او تضمین گرفتند که کفنش پوشیده نشود».(1)

این احادیث نشان دهنده این است که این بانوی بهشتی و نمونه حتی از عریانی قیامت هم ناراحت می شود در صورتی که می داند آنجا دیگر اصلاً دار تکلیف نیست و علاوه بر این در قیامت همه افراد زن یا مرد به قدری درگیر عمل خود هستند که دیگر توجهی به عریانی دیگران ندارند و این امور در آنجا برایشان اهمیتی ندارد قرآن کریم در این باره می فرماید:

«يَوْمَ

يَقْرَأُ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ وَ أُمِّهِ وَ أَبِيهِ وَ صَاحِبَتِهِ وَ بَنِيهِ لِكُلِّ

أَمْرٍ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ»(2) یعنی «روزی که آدمی از برادرش و مادر و پدرش و همسر و پسرانش می گریزد و در آن روز هر کدام از آنان وضعی دارد که او را کاملاً به خود مشغول می سازد».

ولی با این وجود حیای این بانو باعث ناراحتی او از عریانی قیامت می گردد که البته این نشان دهنده تقوای درونی ایشان است و قرآن کریم هم داشتن چنین تقوایی را تأیید می کند، آنجا که می فرماید:

«وَلِبَاسُ التَّقْوَى ذَلِكُمْ خَيْرٌ»(3) یعنی «لباس تقوی بهتر است».

ص: 182

---

1- «فَاطِمَةُ بِنْتُ أَسَدِ بْنِ هَاشِمِ النَّبِيِّ خَاطَبَتْهَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ وَ سَلَّمَ فِي لَحْدِهَا وَ كَفَّنَهَا فِي قَمِيصِهِ وَ لَفَّهَا فِي رِدَائِهِ وَ ضَمِنَ لَهَا عَلَى اللَّهِ أَنْ لَا تُبَلَى أَكْفَانُهَا». بحار الأنوار، ج 40، ص 102، ح 117 - الاختصاص، ص 143 به نقل از «فاطمه بنت اسد»، علی محمد علی دُخَيْل، ترجمه صادق آئینه وند، ص 36.

2- .سوره عبس، آیات 34 تا 37.

3- .سوره اعراف، آیه 26.

و مفسران در اینکه منظور از لباس تقوی چیست؟ در ذیل همین آیه می گویند «حیا» یکی از مصادیق تقوا است. (1) پس به بیان دیگر اگر گفته شود «لباس حیا برای شما بهتر است» هم درست و هم صحیح است چون تقوا شامل حیا نیز می شود. همچنین در روایات نیز حیا داشتن یک ارزش محسوب می گردد.

امام حسن علیه السلام فرمودند:

«لَا حَيَاءَ لِمَنْ لَا دِينَ لَهُ» (2) یعنی «حیا ندارد کسی که دین ندارد».

و امام صادق علیه السلام نیز فرمودند:

«لَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا حَيَاءَ لَهُ» (3) یعنی «ایمان ندارد کسی که حیا ندارد».

و همچنین فرمودند:

«الْحَيَاءُ وَالْإِيمَانُ مَقْرُونَانِ فِي قَرْنٍ فَإِذَا ذَهَبَ أَحَدُهُمَا تَبِعَهُ صَاحِبُهُ» (4) یعنی «حیا و ایمان هم سنگ و هم دوش یکدیگرند هنگامی که یکی از آن دو برود دیگری هم به دنبال آن خواهد رفت».

به بیان دیگر این دو تأثیر متقابل بر هم دارند. حتی حضرت علی علیه السلام فرمودند:

«مَنْ لَا حَيَاءَ لَهُ فَلَا خَيْرَ فِيهِ» (5) یعنی «هرکس حیا ندارد، خیری در او نیست».

ص: 183

- 
- 1- برگرفته از تفسیر نمونه، آیت الله مکارم شیرازی دام ظلّه، چاپ سی ام، ج 6، ذیل آیه 26 سوره اعراف، ص 163 و 164.
  - 2- بحارالانوار، ج 75، ص 111، ح 6.
  - 3- کافی، ج 2، باب حياء، ص 106، ح 5.
  - 4- کافی، ج 2، ص 106، ح 4.
  - 5- تصنیف غررالحکم، ص 257، حدیث 5465.

این روایات در مقام بیان ارزش حیا داشتن برای حفظ دین و ایمان و خوبی ها است. به بیان دیگر می خواهد بگوید لازمه دین و ایمان، حیا داشتن است و اینکه اگر کسی می خواهد خوبی ها در وجودش حفظ شوند باید حیا داشته باشد. اگر حیا کنار گذاشته شود، کم کم دین و ایمان و خوبی ها در وجود انسان پایدار نمی ماند و از بین می رود، تا آنجا که امام علی علیه السلام می فرماید:

«مَنْ قَلَّ حَيَاؤُهُ قَلَّ وَرَعُهُ وَ مَنْ قَلَّ وَرَعُهُ مَاتَ قَلْبُهُ وَ مَنْ مَاتَ قَلْبُهُ دَخَلَ النَّارَ»<sup>(1)</sup> یعنی «کسی که حیا او کم باشد، پرهیزکاریش کم گردد و کسی که پرهیزکاری کمتر کند، قلبش بمیرد و کسی که قلبش بمیرد، وارد جهنم می شود».

نکته دیگر اینکه همان طور که ایمان و عمل صالح از هم جدا نیستند و اصولاً میوه درخت ایمان، عمل صالح است<sup>(2)</sup> و ایمان باید در عمل انسان آشکار شود تا نجات دهنده باشد،<sup>(3)</sup> حیا هم باید در اعمال ما و از جمله لباس ظاهری ما نمودار باشد،<sup>(4)</sup> همچنان که در مورد بانوانی که باید الگوی زندگی ما باشند نیز، چنین بوده چون با

ص: 184

- 
- 1- . نهج البلاغه، ص 993، سخن 355.
  - 2- . ایمان بدون عمل صالح، درختی است بی میوه همان گونه که عمل صالح بدون ایمان، درختی است بی ریشه که ممکن است چند روزی سرپا بماند اما سرانجام می خشکد. برای توضیح بیشتر رجوع شود به تفسیر نمونه، چاپ بیست و هفتم، ج 9، ص 265 ذیل آیات 94 و 95 سوره هود و همچنین چاپ بیست و سوم، ج 13، ص 336 ذیل آیه 112 سوره طه.
  - 3- . «إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ، إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ». سوره عصر، آیات 2 و 3 - «إِلَّا مَنْ تَابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صَالِحًا فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ». سوره مریم، آیه 60 - «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ». سوره نحل، آیه 97 - «وَ أَمَّا مَنْ آمَنَ وَ عَمِلَ صَالِحًا فَلَهُ جَزَاءُ الْحُسْنَى». سوره كهف، آیه 88.
  - 4- . بعضی از ائمه علیهم السلام فرموده اند: «حَاسِبُوا أَنْفُسَكُمْ قَبْلَ أَنْ تُحَاسَبُوا وَ زِنُوا أَعْمَالَكُمْ بِمِيزَانِ الْحَيَاءِ قَبْلَ أَنْ تُوزَنُوا» یعنی «خودتان به حساب خودتان برسید قبل از اینکه به حساب شما برسند و اعمال خود را با معیار و میزان حیا بسنجید قبل از آن که شما را بسنجند». بحار الأنوار، ج 68، ص 265، ذیل ح 8- مصباح الشریعة، باب 38، ص 86.

وجود اینکه مسلماً ایشان در مجالس زنانه شرکت می کرده اند ولی حتی یک روایت هم وجود ندارد که بیان کننده این باشد که لباس ایشان در این گونه مجالس نیمه عریان بوده بلکه برعکس همان طور که ذکر گردید در تاریخ به مواردی اشاره شده که نشان دهنده این است که ایشان در این گونه مجالس لباسی به تن داشتند که بدن را بطور کامل می پوشانده. (1)

بعضی افراد مطرح می کنند که پوشیدن این گونه لباس های نیمه عریان، منافاتی با حیا داشتن ندارد همچنان که در گذشته نیز بانوان در حمام های عمومی اندام های یکدیگر را مشاهده می کرده اند و این دو با هم تفاوتی ندارند!!!

در حالیکه باید توجه داشت در آن زمان به دلیل ضرورت از حمام های عمومی استفاده می کردند چرا که یا هنوز حمام های خصوصی وجود نداشت و یا در اثر نداشتن بودجه کافی مجبور به استفاده از حمام عمومی می شدند و یا ... لذا آنجا مسئله اضطرار و ضرورت مطرح بوده. همان طور که اگر ضروری باشد حتی دکتر مرد نامحرم هم می تواند اعضای بدن زن را لمس کند و یا اگر خوردن گوشت میته برای حیات فردی ضروری باشد و چاره ای نداشته باشد، خوردنش به قدر ضرورت بر او حلال می گردد. گذشته از اینکه معصومین علیهم السلام ما را حتی از حمام رفتن بدون لنگ نیز نهی کرده اند و در احادیث معتبر وارد شده:

«هرکه ایمان به خدا و روز قیامت دارد باید که بی لنگ داخل حمام نشود» (2)

و امام صادق علیه السلام فرمودند:

«هر که با لنگ به حمام رود خدا گناهان او را می پوشاند» (3).

ص: 185

---

1- . مانند لباس عروسی حضرت زهرا علیها السلام که بیان گردید. و البته شاید با تفحص بیشتر در تاریخ زندگی بانوان بزرگ اسلام، موارد دیگری نیز یافت شود.

2- . «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلَا يَدْخُلُ الْحَمَّامَ إِلَّا بِمِنْزَرٍ». الكافي، ج 6، ص 497، ح 3 برگرفته از حلیة المتقین، باب آداب حمام رفتن، ص 120.

3- . «مَنْ دَخَلَ الْحَمَّامَ بِمِنْزَرٍ سَدَّ اللَّهُ بَسِطَهُ». بحار الأنوار، ج 73، ص 74، ح 14 برگرفته از حلیة المتقین، باب آداب حمام رفتن، ص 120.

و رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ می فرماید:

« ای علی بپرهیز از اینکه بدون لنگ وارد حمام شوی زیرا هر که بدون لنگ وارد حمام شود، و دیگری که به او نگاه کند هر دو لعنت شده و ملعونند». (1)

حتی رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ می فرماید:

« ای علی! خدا عریان شدن و بدون لنگ زیر آسمان غسل کردن و ورود در نهر آب و حمام را نمی پسندد». (2)

و به طور کلی امام علی علیه السلام فرموده اند:

«هرگاه برهنه می شوید، شیطان با چشم طمع به شما می نگرد، پس خود را بپوشانید». (3)

3 - در ضمن شاید دقت در قضیه آدم و حوا (4) نیز برای روشن شدن پاسخ سؤال مذکور، بی مناسبت نباشد.

قرآن کریم داشتن پوشش را برای آدم و حوا نشانه شخصیت و کرامت و اطاعت و بندگی خدا معرفی می کند و شیطان هم که به دنبال راهی بود تا آنان را به مخالفت با فرمان الهی بکشانند، انواع دام ها را بر سر راهشان گسترد و فرمان الهی را در نظرشان به گونه دیگری جلوه داد و آنقدر وسوسه کرد تا از درخت ممنوع چشیدند و جالب

ص: 186

- 1- «يَا عَلِيُّ إِيَّاكَ وَ دُخُولَ الْحَمَّامِ بِغَيْرِ مِئْزَرٍ فَإِنَّ مَنْ دَخَلَ الْحَمَّامَ بِغَيْرِ مِئْزَرٍ فَلَعْنَةُ الْمُنَظَّرِ إِلَيْهِ». بحار الأنوار، ج 74، ص 68 - مفاتيح الحياة، جوادی آملی دام ظلّه، ص 157.
- 2- «يا علي! كره الله عز وجل لا أمّتي ..... الغسل تحت السماء إلا بمئزرٍ .....». مكارم الاخلاق، ص 435 به نقل از مفاتيح الحياة، جوادی آملی دام ظلّه، ص 158.
- 3- «إِذَا تَعَرَّى أَحَدُكُمْ نَظَرَ إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ فَطَمَعَ فِيهِ فَاسْتَبْرَأْ». تهذيب الاحكام، ج 1، ص 373، ح 2 به نقل از مفاتيح الحياة، جوادی آملی دام ظلّه، ص 158.
- 4- . برای توضیح بیشتر رجوع شود به تفسیر نمونه، آیت الله مکارم شیرازی دام ظلّه، چاپ سی ام، ج 6، ذیل آیات 19 تا 27 سوره اعراف، ص 143 تا 169 و همچنین چاپ بیست و سوم، ج 13، ذیل آیات 116 تا 124 سوره طه، ص 346 تا 362.

اینکه قرآن کریم اولین اثر نافرمانی و غفلت از یاد خدا را، فروریختن لباس ها از تنشان و آشکار شدن اندامشان بیان می کند و آنها که ذاتاً و فطرتاً زشتی بدون پوشش بودن را درک می کردند، با برگ درختان خود را پوشاندند(1)

و توبه هم کردند ولی از بهشت اخراج شدند و دچار رنج و سختی زندگی دنیا شدند.(2)

در اینجا توجه به چند نکته حائز اهمیت است:

الف - آدم و حوا قبل از نافرمانی خدا برهنه نبودند و پوشش داشتند، آن هم پوششی که نشانه اطاعت و بندگی خدا بوده و مایه شخصیت و احترام و کرامت در نزد ملکوتیان برایشان محسوب می شده.(3)

مسئلاً در اینجا منظور از پوشش فقط پوشش معنوی که همان تقوی و بندگی خدا بوده نمی باشد بلکه شامل پوشش ظاهری هم می شود(4) و این دو با هم است که از آثار طاعت و بندگی خداست و باعث شخصیت و کرامت انسان می گردد و همان طور که گفته شد نخستین نتیجه نافرمانی خدا و تسلیم و سوسه های شیطان شدن هم علاوه بر اینکه پوشش معنوی را فرو می ریزد، باعث فروریختن همین لباس ظاهری از تن و آشکار شدن اندام هم می شود،(5) چرا که قرآن کریم می فرماید با برگ درختان خود را پوشاندند.(6)

ص: 187

- 1- . برگرفته از تفسیر نمونه، آیت الله مکارم شیرازی دام ظلّه، چاپ سی ام، ج 6، ذیل آیات 20 تا 22 سوره اعراف، ص 145 تا 148.
- 2- . سوره اعراف، آیات 23 و 24 «قَالَ رَبِّنا ظَلَمْنَا انْفُسَنَا وَ انْ لَمْ تَغْفِرْ لَنَا وَ تَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخاسِرِينَ قَالَ اهْبِطُوا» و سوره طه، آیه 123 و 124 «قَالَ اهْبِطَا مِنْهَا جَمِيعاً بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ فَاِمْا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنْيْ هُدًى فَمَنِ اتَّبَعَ هُدَايَ فَلَا يَضِلُّ وَ لَا يَشْقَى وَ مَنْ اَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَاِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكاً».
- 3- . برگرفته از تفسیر نمونه، آیت الله مکارم شیرازی دام ظلّه، چاپ سی ام، ج 6، ذیل آیه 22 سوره اعراف، ص 147.
- 4- . برگرفته از همان مدرک، ذیل آیات 26 و 27 سوره اعراف، ص 162 تا 165.
- 5- . برگرفته از همان مدرک، ذیل آیات 20 تا 26 سوره اعراف، ص 147 و 164.
- 6- . « وَ فَلَمَّا ذاقَا الشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُما سَوْآتُهُما وَ طَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِما مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ». سوره اعراف، آیه 22.



پس بترسیم و احتمال بدهیم که اگر لباس و پوشش ظاهری ما نیز کم کم دارد رو به برهنگی می رود، شاید در اثر اغوای شیطان باشد که آن را نه تنها زشت نمی دانیم بلکه آن را آنچنان برایمان جلوه داده که به نظرمان زیبا هم می آید(1) و آن گونه به ذهنمان القا می کند تا بتوانیم با توجیهاات گوناگون مسئله را برای خود و دیگران عادی جلوه دهیم!! و این در حالی است که قرآن کریم می فرماید پوشش و لباسی که اندام ها را آشکار نکند، موجب زینت و زیبایی بیشتر اندام انسان است(2)

و آن را نشانه اطاعت و بندگی خدا و مایه شخصیت انسان می داند.(3)

بر سر زنان ما چه آمده که فکر می کنند هر چه در مجالس، لباس آنها عریان تر باشد و اندام شان آشکارتر، در نظر دیگران از شخصیت بیشتری برخوردار خواهند بود و دیگران آنان را متمدن تر و متجددتر می دانند در صورتی که اگر این طرز فکر صحیح باشد حیوانات از ما با شخصیت تر، متمدن تر و متجددتر بوده و هستند!!!

ب- این نکته خیلی حائز اهمیت است که کسانی که تورات را تحریف کرده اند تا مردم را گمراه کنند نیز اقرار دارند که «بدون پوشش بودن زشت است و درک نکردن این زشتی از کم خردی است»(4) این نشان می دهد که این مطلب به قدری واضح و روشن است که نه تنها فطرت پاک و وجدان بیدار بلکه عقل و خرد هم این زشتی را درک می کند. البته این مطلب با بیان دیگری در روایات هم بیان شده:

ص: 188

---

1- قرآن کریم در سوره فاطر آیه 8 می فرماید: «فَمَنْ زُيِّنَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ فَرَآهُ حَسَدًا» یعنی «کسی که عمل بدش برایش زینت داده شده و آراسته شده و آن را زیبا می بیند».

2- «يا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُؤَارِي سَوْآتِكُمْ وَرِيشًا». برگرفته از تفسیر نمونه، آیت الله مکارم شیرازی دام ظلّه، چاپ سی ام، ج 6، ذیل آیه 26 سوره اعراف، ص 162 تا 164.

3- . البته به این اشکال نیز که «برهنگی آدم و حوا به صورت کامل بوده به طوری که حتی عورت ایشان آشکار شده ولی لباس های نیمه عریان خانم ها در مجالس که این گونه نمی باشد لذا نمی توان نتایج مذکور از این آیات را بر آن منطبق نمود»، در صفحات بعد پاسخ داده خواهد شد.

4- . تورات تحریف شده، سفر پیدایش، فصل دوم و سوم به نقل از تفسیر نمونه، آیت الله مکارم شیرازی دام ظلّه، چاپ سی ام، ج 6، ذیل آیه 22 سوره اعراف، ص 147.

حضرت علی علیه السلام فرمودند:

«جبرئیل بر آدم نازل شد و گفت: من مأمورم تو را در انتخاب یکی از سه چیز مخیر سازم و آن سه عبارتند از: عقل و حیا و دین. آدم گفت: عقل را برگزیدم. جبرئیل به حیا و دین گفت: شما بازگردید و او را واگذارید، آن دو گفتند: ای جبرئیل ما مأموریم هر جا که عقل باشد، با او باشیم. جبرئیل گفت: خود دانید و بالا رفت.» (1)

و به قول کلینی (رحمه الله) از این روایت چنین استفاده می شود که عقل با حیا و دین لازم و ملزومند و از یکدیگر جدا نمی شوند و کسی که دین و حیا دارد باید او را عاقل هم بدانیم و همان طور که در صفحات قبل گفته شد پوشش جسمانی یکی از مصادیقی است که نمایانگر حیا و تقوای درونی انسان است (2)

و قرآن کریم نیز لباس حیا را برای انسان بهتر می داند. (3)

ص: 189

1- «هَبَطَ جَبْرَائِيلُ عَلَى آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ يَا آدَمُ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أُخَيِّرَكَ وَاحِدَةً مِنْ ثَلَاثٍ فَاخْتَرِهَا وَدَعِ اثْنَيْنِ فَقَالَ لَهُ آدَمُ يَا جَبْرَائِيلُ وَمَا الثَّلَاثُ فَقَالَ الْعَقْلُ وَالْحَيَاءُ وَالذِّينُ فَقَالَ آدَمُ إِنِّي قَدْ اخْتَرْتُ الْعَقْلَ فَقَالَ جَبْرَائِيلُ لِلْحَيَاءِ وَالذِّينِ انصَبْ رِفًا وَدَعَاهُ فَقَالَ يَا جَبْرَائِيلُ إِنَّا أُمِرْنَا أَنْ نَكُونَ مَعَ الْعَقْلِ حَيْثُ كَانَ قَالَ فَشَانِكُمْمَا وَعَرَجَ». اصول کافی، ج 1، کتاب عقل و جهل، ص 10، حدیث 2.

2- همان طور که در پاورقی پاسخ به سؤال دهم نیز ذکر گردید آقای علی محمد نیاکان پس از ذکر شواهدی در مورد پوشش زنان ایرانی در دوره های مختلف مادها، هخامنشیان، اشکانیان و ساسانیان، چنین ادامه می دهد که: «بنابراین، تاریخ این نظریه را تأیید می کند که حیا و آزر همواره در میان ملل عالم یکی از فلسفه های پوشش بوده است». حجاب و عفاف و فلسفه آن، علی محمد نیاکان، سایت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان ایلام.

3- رجوع شود به مطالبی که در ذیل آیه 26 سوره اعراف «وَلِبَاسُ التَّقْوَى ذَلِكَ حَيْرٌ» بیان گردید.

همچنین عملکرد فاطمه زهرا علیها السلام که یکی از مصادیق بارز عقل کامل (1) در جهان خلقت است در رابطه با پوششِ برخاسته از حیای درونی، بسیار واضح و روشن است و در صفحات قبل بیان شد.

ص: 190

1- . برای اثبات اینکه حضرت زهرا علیها السلام یکی از مصادیق بارز عقل کامل در عالم هستی است لازم به ذکر چند روایت است: امام صادق علیه السلام فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خَلَقَ الْعَقْلَ وَهُوَ أَوَّلُ خَلْقٍ مِنَ الرُّوحَانِيِّينَ عَنِ الْعَرْشِ مِنْ نُورِهِ» یعنی «خداوند عزوجل عقل را از نور خویش و از طرف راست عرش آفرید و آن اولین مخلوق از روحانیین بود». (اصول کافی، ج 1، کتاب عقل و جهل، ص 21) و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «أَوَّلُ مَا خَلَقَ اللَّهُ ذُرِّيَّ» یعنی «اولین چیزی که خدا خلق کرد نور من بود». (بحار الانوار، ج 1، ص 97، باب 2، ح 7) و همچنین امام باقر علیه السلام فرمودند: «يَا جَابِرُ إِنَّ اللَّهَ أَوَّلَ مَا خَلَقَ خَلْقًا مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَعِزَّتُهُ الْهُدَاةُ الْمُهْتَدِينَ» یعنی «ای جابر! همانا خدا اولین چیزی که خلق کرد محمد صلی الله علیه و آله و سلم و عترت و خاندان راهنما و هدایت شده او را آفرید». (اصول کافی، ج 2، باب مولد نبی صلی الله علیه و آله و سلم و وفاته، ص 328، ح 10) بنابراین طبق این روایات حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و عترت او همان عقل کامل هستند که اولین مخلوق الهی بوده و از نور عظمت الهی آفریده شدند و صریح تر از حدیث قبل، حدیثی است از حضرت علی علیه السلام که می فرماید: «نُورُ فَاطِمَةَ مِنْ نُورِنَا» یعنی «نور فاطمه از نور ماست». (بحار الانوار، ج 43، ص 8، ح 11) و این در حالی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «خُلِقْتُ أَنَا وَعَلِيٌّ مِنْ نُورٍ وَاحِدٍ» یعنی «من و علی از یک نور خلق شدیم». (خصال، ج 1، ص 31، باب خلق نبی و علی از نور واحد، ح 108). علامه امینی رحمه الله نیز با توجه به روایت بحار الانوار، ج 43، ص 44، ح 4 «قَالَ لَمَّا خَلَقَ اللَّهُ الْجَنَّةَ خَلَقَهَا مِنْ نُورٍ وَجْهِهِ ثُمَّ أَخَذَ ذَلِكَ النُّورَ فَقَدَفَهُ فَأَصَابَنِي ثُلُثُ النُّورِ وَأَصَابَ فَاطِمَةَ ثُلُثُ النُّورِ وَأَصَابَ عَلِيًّا وَأَهْلَ بَيْتِهِ ثُلُثُ النُّورِ» می فرمایند حضرت فاطمه علیها السلام از یک سوم نور عظمت حضرت حق، نوری که در علم خدا پوشیده و پنهان است، آفریده شده همان طور که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نیز از یک سوم دیگر آن نور و علی و اولاد علی علیهم السلام نیز از یک سوم دیگر همان نور خلق شده اند. (برگرفته از کتاب فاطمة زهراء، علامه امینی رحمه الله، ص 88 و 107). پس همان طور که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت علی علیه السلام عقل کامل هستند، حضرت زهرا علیها السلام و امامان دیگر علیهم السلام نیز همگی عقل کاملند و از نور عظمت الهی خلق شده اند.

ج- قرآن کریم در شرح دادن چگونگی آسایش بهشت، به حضرت آدم علیه السلام می فرماید:

«فَلَا يُخْرِجُكُمَا مِنَ الْجَنَّةِ فَتَشْقَىٰ إِنَّ لَكَ أَلَّا تَجُوعَ فِيهَا وَلَا تَعْرَىٰ» (1) یعنی «مبادا شیطان شما را از بهشت بیرون کند که به زحمت و رنج خواهی افتاد. تو در اینجا گرسنه نخواهی شد و برهنه نمی شوی».

پس طبق این آیات برهنگی مایه رنج و زحمت است و پوشش از نعم بهشتی است، و در جای دیگر می فرماید:

«ذَلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ» (2) یعنی «این لباس هایی که خدا برای شما قرار داده (اعم از لباس مادی و معنوی، لباس جسمانی و لباس تقوا) همگی از آیات و نشانه های خداست تا بندگان متذکر نعمت های پروردگار شوند».

و یا می فرماید:

«كَذَلِكَ يُتِمُّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ» (3) یعنی «لباس را بر شما مقرر گردانید تا اینچنین نعمت های خود را بر شما کامل گرداند».

لذا قرآن کریم طبق این آیات همین لباس ظاهری دنیا را هم نعمت الهی معرفی می کند.

ص: 191

- 
- 1- . تفسیر نمونه، آیت الله مکارم شیرازی دام ظلّه، چاپ بیست و سوم، ج 13، سوره طه، آیه 117 و 118، ص 350.
  - 2- . تفسیر نمونه، آیت الله مکارم شیرازی دام ظلّه، چاپ سی ام، ج 6، سوره اعراف، آیه 26، ص 164.
  - 3- . سوره نحل، آیه 81 برگرفته از تفسیر نمونه، آیت الله مکارم شیرازی دام ظلّه، چاپ سی ام، ج 6، ذیل آیه 26 سوره اعراف، ص 164.

پس لباس و پوشش، نعمت الهی است و ما باید شکرگزار نعم الهی باشیم و کفران نعمت نکنیم و شکر نعمت تنها به زبان نیست و انسان در عمل هم باید شکرگزار باشد و شکر عملی آن است که درست بیاندهشیم که هر نعمتی برای چه هدفی به ما داده شده و آن را در همان مورد صرف کنیم و اگر نکردیم، کفران نعمت کرده ایم. (1)

قرآن کریم در مورد لباس می فرماید:

«يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُؤَارِي سَوْآتِكُمْ وَرِيشًا وَ لِبَاسُ التَّقْوَى ذَٰلِكَ خَيْرٌ» (2) یعنی «ای فرزندان آدم لباسی برای شما فرستادیم که اندام شما را می پوشاند و مایه زینت شماست، اما لباس پرهیزگاری بهتر است!».

پس اگر بخواهیم عملاً شکرگزار خدا در مورد لباس که یکی از نعمت های الهی است باشیم باید آن را برای پوشاندن اندام و زینت به کار بریم چون خدا لباس را به همین منظور برای انسان قرار داده.

اگر گفته شود آن لباس های مذکور (نیمه عریان) نیز به نوعی زینت محسوب می شود!

در پاسخ گفته می شود: برای اینکه بدانیم قرآن کریم چگونه لباسی را مایه زینت می داند، توجه به سه نکته ضروری است:

اول - شاید بتوان گفت یکی از عللی که قرآن کریم بلافاصله بعد از سخن گفتن در مورد لباس ظاهری، همین لباسی که برای زینت هم به کار می رود، می فرماید:

ص: 192

---

1- برگرفته از تفسیر نمونه، آیت الله مکارم شیرازی دام ظلّه، چاپ بیست و پنجم، ج 10، ص 323 و 324، ذیل آیه 7 سوره ابراهیم.

2- رجوع شود به تفسیر نمونه، آیت الله مکارم شیرازی دام ظلّه، چاپ سی ام، ج 6، سوره اعراف، آیه 26، ص 161 تا 163.

«لباس تقوی بهتر است»، این باشد که در همین لباس ظاهری که برای زینت هم به کار می رود، نباید از مرز تقوی خارج شد و بهتر است همان نیز نمایانگر تقوی و از جمله حیا که یکی از مصادیق تقوی است،<sup>(1)</sup> باشد.

دوم - لباس با پوشش دادن به بدن است که باعث زینت و زیبایی انسان می گردد و نمایان نمودن اندام عریان در لباس ها که امروزه در اوهام و خیالات بعضی زینت و مایه زیبا جلوه نمودن بدن به شمار می آید، اگر واقعاً باعث زیبایی و زینت انسان بود اصلاً لزومی نداشت که خداوند متعال برای بشری که خود عریان به دنیا می آید لباس را بفرستد. شاید به همین دلیل است که در قرآن کریم ابتدا مسئله پوشاندن اندام به وسیله لباس مطرح شده و بعد فرموده که لباس مایه زینت است.<sup>(2)</sup>

پس می توان نتیجه گرفت: لباسی که اندام را بپوشاند مایه زینت است نه لباسی که اندام های عریان را بیشتر جلوه دهد. (البته منظور از زینت، زینتی است که خدا آن را زینت می داند نه آن اوهام و القانات شیطانی که بعضی آن را زینت می پندارند).

سوم - برفرض که لباس های مذکور باعث زیباتر جلوه کردن بدن باشند و زینت هم محسوب شوند ولی اگر این زینت برخلاف مصالح فرد و جامعه به کار گرفته شود و به جای اینکه مایه آسایش و راحتی باشد،<sup>(3)</sup>

ایجاد مفسده و رنج و زحمت نماید، مسلماً آن زینتی نیست که منظور خدای متعال در قرآن بوده. چون واضح است آن زینت مایه تجمل گرایی و اسراف و تبذیر و تکبر و خودنمایی و تفاخر و فخر فروشی، حسادت و چشم و هم چشمی و مدپرستی و ... نباید باشد، زیرا اسلام با این امور سخت مخالف است.

ص: 193

---

1- . رجوع شود به مطالبی که در ذیل آیه 26 سوره اعراف «لِبَاسُ التَّقْوَى ذَٰلِكَ خَيْرٌ»، در بند 2 و بند 3، قسمت ب در پاسخ به همین سؤال بیان گردید.

2- . «يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُؤَارِي سَوْآتِكُمْ وَرِيشًا». سوره اعراف ، آیه 26.

3- . چون همان طور که گفته شد قرآن کریم پوشش داشتن و برهنه نبودن را مایه آسایش و راحتی در بهشت می داند و می فرماید: «إِنَّ لَكَ أَلَّا تَجُوعَ فِيهَا وَلَا تَعْرَى». سوره طه، آیه 118.

ولی متأسفانه در عصر ما این جنبه های نامطلوب و زننده لباس به قدری گسترش یافته که دارد فلسفه اصلی لباس را تحت الشعاع قرار می دهد. همین مبالغی که از طریق لباس های گوناگون و مدپرستی های مختلف و چشم و هم چشمی ها در مسئله لباس، نابود می شود اگر همه با هم جمع شود، رقم بسیار مهمی را تشکیل می دهد که اگر صرفه جویی می شد بسیاری از مشکلات اجتماعی را حل می کرد و مرهم های مؤثری بر زخم های جانکاه جمعی از محرومان جامعه می گذاشت. علاوه بر این پرداختن به این مسائل قسمت مهمی از وقت ها و نیروهای انسانی را نیز بر باد می دهد. (1)

همچنین واضح است آن زینتی که قرآن می گوید، نباید باعث توسعه فساد و تحریک شهوات شود و ایجاد مفسده در جامعه کند. برای نمونه اسلام به زنان مسلمان می گوید که باید حجاب خود را در مقابل زنان غیرمسلمان حفظ کنند و امام صادق علیه السلام علت و فلسفه این حکم اسلام را این طور بیان می کنند که ممکن است آنان بروند و آنچه را دیده اند برای شوهر و مردان خود توصیف کنند و این برای زنان مسلمان صحیح و شایسته نیست. (2) البته به قول استاد شهید مطهری رحمه الله باید توجه داشت که در اینجا مسئله ای وجود دارد و آن این است که چون برای هیچ زن

ص: 194

1- . برگرفته از تفسیر نمونه، آیت الله مکارم شیرازی دام ظلّه، چاپ سی ام، ج 6، ذیل آیه 26 تا 28 سوره اعراف، ص 173 و 174 - برای توضیح بیشتر در مورد نظر اسلام درباره زینت و تجمل به تفسیر نمونه، چاپ سی ام، ج 6، ص 172 تا 174 و ص 185 تا 187 رجوع شود.

2- . «لَا يَنْبَغِي لِلْمَرْأَةِ أَنْ تَتَكَشَّفَ بَيْنَ يَدَيْ الْيَهُودِيَّةِ وَالنَّصْرَانِيَّةِ فَإِنَّهُنَّ يَصِفْنَ ذَلِكَ لِأَزْوَاجِهِنَّ». الكافي، ج 5، ص 519، ح 5 و من لا يحضره الفقيه، ج 3، ص 561، ح 4928 طبق نقل نورالثقلین، ج 3، ص 593. برگرفته از تفسیر نمونه، آیت الله مکارم شیرازی دام ظلّه، چاپ بیست و ششم، ج 14، ذیل آیه 31 سوره نور، ص 483 و تفسیر المیزان، علامه سید محمد حسین طباطبایی رحمه الله، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی رحمه الله، چاپ سوم، ج 29، بحث روایتی ذیل آیه 27 تا 34 سوره نور، ص 169 - امام خمینی رحمه الله نیز در پاسخ به این سؤال که: «آیا زن مسلمان باید خود را در برابر زن غیر مسلمان بپوشاند؟ حدود این پوشش چقدر است؟» می فرماید: «پوشاندن بهتر است و منظور پوشاندن مواضعی است که پوشاندن آن در برابر زن مسلمان لازم نیست». استفتانات، ج 3، احکام حجاب، ص 256، س 31 - استاد شهید مطهری رحمه الله نیز می فرماید فقهاء معمولاً در این مسئله قائل به وجوب نیستند و به کراهت فتوا می دهند. برگرفته از مسئله حجاب، استاد شهید مطهری رحمه الله، ص 144.

مسلمانی جایز نیست که زیبایی‌ها و محاسن زن دیگر را برای شوهر و مردان خود توصیف کند،(1)

به خاطر وجود این تکلیف، قرآن کریم برای زنان مسلمان در برابر یکدیگر امنیت قائل است و آنان را ملزم به حفظ حجاب در برابر یکدیگر نمی‌کند ولی در مورد زنان غیر مسلمان اطمینانی نیست و ممکن است آنان برای مردان خود از وضع زنان مسلمان سخن بگویند.(2) ولی متأسفانه شما ببینید همین مسئله توصیف از زنان نامحرم در مقابل مردان نامحرم در بین خود زنان مسلمان یا به خاطر جهالت و یا مقید بودن به دستورات اسلامی چقدر شایع است(3)

و چه مفسده‌ها که از آن درست نمی‌شود

ص: 195

1- . پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «مَنْ وَصَفَ امْرَأَةً لِرَجُلٍ وَ ذَكَرَهَا جَمَالَهُ [ذَكَرَ جَمَالَهَا] فَافْتَنَّ بِهَا الرَّجُلُ فَأَصَابَ فَاحِشَةً لَمْ يَخْرُجْ مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى يَغْضَبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ مَنْ غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ غَضِبَ بَتُّ عَلَيْهِ السَّمَّ أَوَاتُ السَّبْعِ وَ الْأَرْضُونَ السَّبْعُ وَ كَانَ عَلَيْهِ مِنَ الْوِزْرِ مِثْلُ الَّذِي أَصَابَهَا» یعنی «هر که زنی را برای مردی وصف کند و آن چنان از زیبایی او بگوید که آن مرد شیفته او گردد و به هرزگی کشیده شود، از دنیا نرود تا اینکه خداوند بر او غضب کند و هر که خدا بر او غضب کند هفت آسمان و هفت زمین بر او غضب کنند و گناهش همچون گناه آن مرد است». بحار الأنوار، ج 73، ص 366، ح 30.

2- . برگرفته از مسئله حجاب، استاد شهید مطهری رحمه الله، ص 143.

3- . البته علامه سید محمد حسین طباطبایی رحمه الله، در المیزان فی تفسیر القرآن، ج 15، ذیل آیه 31 سوره نور، ص 112 می‌فرمایند: «وقوله: "أَوْ نِسَائِهِنَّ" في الإضافة إشارة إلى أن المراد بهن المؤمنات من النساء فلا يجوز لهن التجرد لغيرهن من النساء» که در چاپ سوم، جلد 29 ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی رحمه الله، ذیل همان آیه، ص 163 این طور ترجمه شده: «اینکه خداوند متعال در قرآن کریم فرمود "نساءهن" و زنان را اضافه کرد به ضمیر زنان برای اشاره به این معنا بوده که مراد به نساء، زنان مؤمنین است، که جایز نیست خود را در برابر زنان غیر مؤمن برهنه کنند». که در اینجا اگر تفاوت مسلم (کسی فقط به زبان شهادتین را گفته) و مؤمن (کسی که زبناً و قلباً ایمان آورده) مدّ نظر علامه طباطبایی رحمه الله بوده باشد، شاید بتوان این طور نتیجه گرفت که زن مسلمان و مؤمن جایز نیست که حتی در برابر زن مسلمان غیر مؤمن نیز خود را نپوشاند، چون فقط در برابر چنین زنی که قلباً ایمان داشته و مقید به انجام دستورات شرع مقدس اسلام باشد، می‌توان امنیت داشت و مطمئن بود که زیبایی‌ها و محاسن زنان دیگر را برای مردان توصیف نکند. (و شاید این احتمال با فرموده استاد شهید مطهری رحمه الله که چون زن مسلمان تکلیف دارد محاسن زنان دیگر را برای مردان توصیف نکند لذا زنان مسلمان دیگر در برابر او امنیت دارند، سازگارتر باشد) که در این صورت با فرض نبود موانع دیگر، در این برهه از زمان ما، در کدامین مجلس، آن هم با لباس نیمه عریان می‌توان حضور یافت که از مؤمن (نه مسلم) بودن تمامی زنان آن مطمئن بود؟!!!!!



و چه خانواده هایی که بنیان شان متزلزل و از هم گسیخته نمی گردد و در نتیجه آن چه بسیار مشکلاتی که در سطح جامعه ایجاد می شود و چه بسا همین به اصطلاح تعریف و تمجیدهای رایج بین خانم ها که از اندام و لباس های نیمه عریان همدیگر صورت می گیرد حتی در بین خودشان هم در بعضی باعث تحریک شهوت و ایجاد مفسده نماید تا چه رسد به اینکه به گوش مردان نامحرم برسد که بعضی از این مردان به اقرار خودشان حتی از دیدن کفش های زنانه هم تحریک می شوند!

یا نمونه دیگر اینکه امروزه شاهد هستیم که چگونه با موبایل و کامپیوتر و ... به طرق گوناگون از عکس ها و فیلم های همین مجالس زنانه هم برای تحریک شهوات و ایجاد فساد و فحشاء، به طور گسترده در سطح جوامع گوناگون سوء استفاده می شود.

این موارد و موارد دیگر فقط نمونه ای از زحمت و رنج و سختی و مشقت هایی است که خودآگاهانه یا ناآگاهانه مسبب ایجاد آنها در زندگی و جامعه خود هستیم چون از یاد خدا غافل شده ایم و توجه نداریم انسانی که می خواهد واقعاً بنده خدا باشد، در تمام حرکات و سکنات خود باید رضای خدا را در نظر بگیرد و از اطاعت فرمان الهی دور نشود. قرآن کریم نیز در این رابطه می فرماید: «هرکس از یاد من غافل و رویگردان شود، زندگی سخت و پرمشقتی خواهد داشت»<sup>(1)</sup>.

همان طور که آدم و حوا غافل شدند و در نتیجه بر خلاف فرمان الهی عمل کردند و به مشقت دچار شدند.

پس خلاصه اینکه: لباس از نعم الهی در دنیا و آخرت است و شکر عملی این نعمت آن است که در مسیر هدفی که خدا خواسته از آن استفاده شود و آن هدف این است که برای پوشش و زینت به کار رود که این زینت مسلماً نباید بر خلاف مصالح فرد و جامعه باشد که در این صورت کفران نعمت است و بر خلاف فرمان الهی عمل شده و در نتیجه فرد و جامعه دچار رنج و زندگی سخت و پرمشقت خواهند شد.

ص: 196

---

1- . «وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا». سوره طه، آیه 124.

هر چند که ممکن است افراد جامعه به طور انفرادی متوجه این رنج ها و مشکلات، برای مدتی نباشند ولی کم کم به قدری شدت می گیرد که گریبان همه را فرا می گیرد و خواهی نخواهی در زندگی همگان تأثیر خواهد گذاشت. در ضمن این نکته نیز قابل توجه است که آدم و حوا با وجود اینکه متوجه اشتباه خود شدند و توبه کردند و توبه آنها هم پذیرفته شد ولی باز هم از بهشت بیرون شدند و گرفتار رنج و زحمت دنیا و زندگی سخت شدند.<sup>(1)</sup> پس بر سر ما چه خواهد آمد که نه تنها اصلاً توجه نداریم که کارهایمان در جهت اطاعت فرمان خدا نیست بلکه «اعمال زشت را زیبا هم می دانیم»<sup>(2)</sup> و این همان غفلت از یاد خداست که نتیجتاً حتی ممکن است توبه ای را هم در پی نداشته باشد.

اگر گفته شود: قرآن کریم از نیمه عریان شدن آدم و حوا سخنی به میان نیاورده بلکه مطالبش دلالت بر برهنگی کامل و آشکار شدن عورت های آنان دارد، ولی نکاتی که در اینجا پیرامون قضیه آدم و حوا بیان شد و نتایجی که از این قضیه با استفاده از آیات گرفته شد بر مسئله نیمه عریان بودن انطباق داده شده! و به بیان دیگر موضوع مورد بحث درباره نیمه عریانی است نه برهنگی کامل!؟

در پاسخ لازم به ذکر است که :

اولاً - مشهور است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «الْمَرْأَةُ عَوْرَةٌ»<sup>(3)</sup> یعنی «تمام قسمت های بدن زن عورت است». پس آشکار شدن عورت برای آدم و حوا ممکن است

ص: 197

---

1- «ثُمَّ اجْتَبَاهُ رَبُّهُ فَتَابَ عَلَيْهِ وَ هَدَى قَالَ اهْبِطَا مِنْهَا جَمِيعاً بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى فَمَنِ اتَّبَعَ هُدَايَ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشْقَى وَ مَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكاً وَ نَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى». سوره طه، آیات 122 تا 124 برگرفته از تفسیر نمونه، آیت الله مکارم شیرازی دام ظلّه، چاپ سی ام، ج 6، ذیل آیه 23 و 24 سوره اعراف، ص 158.

2- «أَفَمَنْ زُيِّنَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ فَرَآهُ حَسَنًا». سوره فاطر، آیه 8.

3- . مجموعه ورام (تنبيه الخواطر)، ج 2، ص 119.

یکسان منظور نبوده باشد چون طبق این حدیث فقط به یک قسمت خاص از بدن زن عورت نمی گویند. بنابراین نیمه عریان بودن هم مصداقی برای آشکار شدن عورت می باشد.

ثانیاً- برای روشن شدن مطلب بهتر است به پاسخ این سؤال پردازیم که اصلاً چه لزومی داشت که قرآن کریم قضیه برهنگی آدم و حوا را برای مسلمانان بیان فرماید؟! چون اهل ایمان و مخصوصاً زنان مسلمان و مؤمن که مسئله پوشش را رعایت می کنند و برهنه در جامعه حاضر نمی شوند؟!!!

با دقت در آیات مذکور می توان مطالبی را استنباط نمود که شاید تا حدودی ضرورت مطرح شدن مسئله برهنگی را برای اهل ایمان و مخصوصاً بانوان مسلمان و مؤمن، بتواند روشن سازد:

1- بله قرآن کریم می توانست فقط بگوید که آدم و حوا در اثر نافرمانی از نعم بهشتی محروم شدند و از بهشت اخراج گشتند ولی نه تنها قضیه برهنگی را مطرح می کند بلکه بر آن تأکید هم می کند و می فرماید بعد از برهنه شدن خود را با برگ درختان پوشاندند و همچنین لباس را از نعم الهی به شمار می آورد و فلسفه خلق لباس را مطرح می فرماید و می گوید چه لباسی برای شما بهتر است!!

قرآن کریم خود در ادامه آن مطالب، علت این همه تأکید را ذکر می کند و می فرماید:

«يَا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُم مِّنَ الْجَنَّةِ يَنْزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا...» (1) یعنی «ای فرزندان آدم! شیطان شما را فریب ندهد آن چنان که پدر و مادرتان را از بهشت بیرون کرد و لباس آنها را از نشان جدا ساخت...».

منظور اینکه خداوند خواسته که به تمام افراد بشر هشدار دهد تا فریب شیطان را نخورند و جالب اینکه در این هشدار دادن هم، باز مسئله جدا شدن

ص: 198

لباس (ظاهر و معنوی) را یادآور می شود تا به انسان باز تأکید کند نخستین نتیجه تسلیم شدن در برابر وسوسه های شیطان و شیطان صفتان، فروریختن لباس از اندام آدمی است (1) و در ضمن، این هشدار مسلماً برای اهل ایمان ضروری تر است چون شیطان این افراد را صریحاً به گناه دعوت نمی کند بلکه بیشتر با وسوسه رسیدن به مقامات معنوی آن هم به وسیله عواملی که در نظرشان مقدس است، فریب می دهد. همان طور که در قضیه آدم و حوا نیز شیطان به آنها گفت با چشیدن از درخت ممنوعه، هر دو فرشته می شوید و برای همیشه در بهشت می مانید و گرنه از بهشت بیرون خواهید شد (2) و برای اینکه بتواند بیشتر آنها را فریب دهد قسم نیز خورد که خیرخواه آنها هست!! (3)

بنابراین هرکسی به راحتی نمی تواند تشخیص دهد عملی که حتی برای رسیدن به مقامات معنوی انجام داده است تحت تأثیر القانات شیطانی بوده یا در اثر الهامات ربّانی و خدای مهربان برای اینکه در این موارد هم ما را راهنمایی کند و ملاک تمیز و تشخیص را به ما بیاموزد می فرماید که اگر عمل در جهت نافرمانی خدا باشد، اولین نتیجه آن افتادن لباس از اندام های بدن است و این علامت و نشانه است برای تشخیص درستی و نادرستی اعمال. (البته در اینجا منظور از لباس در اکثر موارد لباس تقوی است و بعضاً شامل لباس ظاهری نیز می شود).

ص: 199

- 1- . برگرفته از تفسیر نمونه، آیت الله مکارم شیرازی دام ظلّه، چاپ سی ام، ج 6، ذیل آیات 23 تا 25، ص 160- برای توضیح بیشتر رجوع شود به بند 3، قسمت الف، مطالب مربوط به قضیه آدم و حوا که در پاسخ به همین سؤال بیان گردید.
- 2- . «قَالَ مَا نَهَاكُمَا رَبُّكُمَا عَنْ هَذِهِ الشَّجَرَةِ إِلَّا أَنْ تَكُونَا مَلَكَيْنِ أَوْ تَكُونَا مِنَ الْخَالِدِينَ». سوره اعراف، آیه 20 - همچنین این مطلب در روایات نیز ذکر گردیده: «وَقَالَ مَا نَهَاكُمَا رَبُّكُمَا عَنْ هَذِهِ الشَّجَرَةِ وَ إِنَّمَا نَهَاكُمَا أَنْ تَقْرَبَا غَيْرَهَا وَ لَمْ يَنْهَكُمَا عَنِ الْأَكْلِ مِنْهَا إِلَّا أَنْ تَكُونَا مَلَكَيْنِ أَوْ تَكُونَا مِنَ الْخَالِدِينَ وَ قَاسَمَهُمَا إِنِّي لَكُمَا لَمِنَ النَّاصِحِينَ». بحار الانوار، ج 11، ص 78 و 164، ح 8 و مستدرک الوسائل، ج 16، ص 78، ح 1 به نقل از تفسیر نمونه، آیت الله مکارم شیرازی دام ظلّه، چاپ سی ام، ج 6، ص 146، ذیل آیه 20 سوره اعراف.
- 3- . «وَقَاسَمَهُمَا إِنِّي لَكُمَا لَمِنَ النَّاصِحِينَ». سوره اعراف، آیه 21.

پس با توجه به جنبه هشدار دهنده این آیات، آیا واقعاً نباید احتمال داد که مبادا ارتکاب اعمالی که اثرش افتادن تدریجی لباس از اندام‌ها است، در واقع فریب شیطان باشد که با توجیهاات به ظاهر عقلی و شرعی آن را برایمان جلوه داده؟! به طوری که آن را نه تنها زشت نمی‌دانیم بلکه زیبا هم می‌بینیم!!

2- البته این آیات هشداری به تمام افراد بشر است ولی شاید بتوان گفت ضرورت آن برای زنان مسلمان و مؤمن بیشتر است چون مسئله لباس و پوشش اندام برای بانوان از حساسیت بیشتری برخوردار است. در ضمن واضح است که یک زن مؤمن بدون هیچ ضرورتی یک مرتبه به طور کامل عریان نمی‌شود ولی شیطان هم گام به گام انسان پاکدامن و با ایمان را فریب می‌دهد. قرآن کریم در این مورد می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ وَ مَنْ يَتَّبِعْ خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَ الْمُنْكَرِ» (1) یعنی «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از گام‌های شیطان پیروی نکنید، که هرکس قدم به قدم از پی شیطان برود، به انحراف و گمراهی و فحشاء و منکر کشیده می‌شود».

در توضیح «خطوات شیطان» گفته شده که هرگز یک انسان پاکدامن و با ایمان، یک مرتبه در آغوش فساد قرار نمی‌گیرد، بلکه گام به گام این راه را سپری می‌کند: اول معاشرت و دوستی با آلودگان است بعد شرکت در مجالس آنان و گام بعدی فکر گناه است و بعد از آن ارتکاب مصادیق مشکوک و شبهات و گام بعد انجام گناهان صغیره و بالاخره در گام‌های بعد گرفتار بدترین کبائر می‌شود. (2)

همان طور که ما خود شاهد بوده‌ایم از سال‌های ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی تا کنون، شیاطین چگونه در مورد لباس و پوشش بانوان در جامعه، گام به گام

ص: 200

1- . سوره نور، آیه 21.

2- . برای توضیح بیشتر رجوع شود به تفسیر نمونه، آیت الله مکارم شیرازی دام‌ظله، چاپ بیست و ششم، ج 14، ذیل آیه 21 سوره نور، ص 441.

عمل کردند: در ابتدا فقط کمی مانتوها را کوتاه تر کردند بعد دم آستین ها را گشاد کردند تا مچ و مقداری از ساعدها نمایان شد و بعد کمی یقه لباس ها بازتر شد و کم کم روپوش ها و لباس ها تنگ و تنگ تر و کوتاه و کوتاه تر شد و ... وضع پوشش بانوان به شکل فعلی درآمد. این کار به قدری ماهرانه و آرام آرام صورت گرفت که الان در این زمان آن چنان عادی و معمولی به نظر می رسد که شاید خیلی از بانوان جامعه ما این نوع پوشش را حتی بدون اشکال و ایراد هم می دانند!!<sup>(1)</sup>

ص: 201

1- . در حالی که حضرت فاطمه علیها السلام به قدری به حیا و حجاب و عفاف اهمیت می دهند که از مشخص بودن حجم و برجستگی های بدن زنان حتی بعد از مرگ نیز ناراحت بودند چون جنازه زنان را روی یک سطح صاف (تخته ای صاف و بدون دیواره که هنوز هم در فلسطین یا بعضی کشورهای عربی مرسوم است) می گذاشتند و حمل می کردند و حجم بدن معلوم بود، با وجود اینکه حتماً این بدن کفن دارد و معمولاً روی آن نیز پارچه ای یا پتویی نیز می اندازند و با وجود اینکه انسان دیگر بعد از مرگ تکلیفی هم ندارند ولی با این حال باز ایشان به خاطر حیایی که داشتند، آن را قبیح می دانستند. اسماء بنت عمیس نقل می کند: «أَنَّ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ قَالَتْ لَهَا إِنِّي قَدْ اسْتَبَحْتُ مَا يُصْنَعُ بِالنِّسَاءِ إِنَّهُ يُطْرَحُ عَلَى الْمَرْأَةِ التُّوبُ فَيَصْفُهَا لِمَنْ رَأَى فَقُلْتُ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ أَنَا أَصْنَعُ لَكَ شَيْئاً رَأَيْتُهُ بِأَرْضِ الْحَبَشَةِ قَالَتْ فَدَعَوْتُ بِجَرِيدَةٍ رَطْبَةٍ فَحَبَسْتُهَا ثُمَّ طَرَحْتُ عَلَيْهَا تَوْباً فَقَالَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ مَا أَحْسَنَ هَذَا وَأَجْمَلَهُ لَا تُعْرِفُ بِهِ الْمَرْأَةَ مِنَ الرَّجُلِ» یعنی «فاطمه علیها السلام دختر حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: من این عمل را زشت می دانم که (جنازه را روی تخته ای می گذارند و) یک پارچه روی جنازه زنان می اندازند زیرا (جنازه ظاهر است و) هر کسی از حجم و وصف آن جنازه آگاه می شود. اسماء گفت: ای دختر رسول خدا! من نظیر آن تابوتی را که در سرزمین حبشه دیده ام، به تو نشان می دهم. آن گاه فرستاد تا شاخه های تازه خرما آوردند و او تابوتی نیکو ساخت و یک پارچه روی آن انداخت. حضرت زهرا علیها السلام فرمود: چقدر این تابوت خوب است، زیرا جنازه ای که در میان آن باشد تشخیص داده نمی شود که جنازه زن یا جنازه مرد است». همچنین شبیه این روایت از ابن عباس نیز نقل شده که وقتی بیماری حضرت زهرا علیه السلام شدید شد به اسماء فرمودند: «فَلَا تَحْمِلِينِي عَلَى سَرِيرٍ ظَاهِرٍ...» یعنی «مبادا مرا روی تخته ای بگذارید که جنازه ام ظاهر و آشکار باشد...». وسائل الشیعة، ج 3، ص 221، ح 3458 و 3459 و بحار الأنوار، ج 43، ص 189، ح 19. با وجود اینکه امام صادق علیه السلام می فرمایند ایشان به علت شدت بیماری بسیار ضعیف و لاغر شده بودند و دیگر گوشتی در بدنشان نمانده بوده و لذا قاعدتاً بدنشان دیگر چندان برجستگی هم نداشته. «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ أَوَّلُ نَعْسٍ أُحْدِثَ فِي الْإِسْلَامِ نَعْسُ فَاطِمَةَ إِنَّهَا اسْتَبَحَتْ شُكُونَهَا الَّتِي قُبِضَتْ فِيهَا وَقَالَتْ لِاسْمَاءِ إِنِّي نَحَلْتُ وَذَهَبَ لِحَمِي أَلَا تَجْعَلِينَ لِي شَيْئاً يَسْتُرُنِي...» یعنی «اولین تابوتی که در اسلام ساخته شد، تابوت فاطمه علیها السلام بود. زیرا آن بانو در آن بیماری که از دنیا رفت، به اسماء فرمود: من لاغر شده ام و گوشت بدنم از بین رفته است، آیا چیزی که بدنم را بپوشاند، برای من درست نمی کنی؟...». بحار الأنوار، ج 43، ص 213، ح 43. لذا حضرت زهرا علیها السلام به امام علی علیه السلام وصیت می کنند که برای جنازه ایشان تابوت (سطح صافی که اطرافش دیواره دارد) تهیه کنند تا حجم بدنشان مشخص نباشد، به طوری که بیننده تشخیص ندهد که میت زن است یا مرد. «مَرَضَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ مَرَضاً شَدِيداً وَ مَكَثَتْ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً فِي مَرَضِهَا إِلَى أَنْ تُوَفِّيَتْ صَدْلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهَا... قَالَتْ أَوْصِيكَ يَا ابْنَ عَمٍّ أَنْ تَتَّخِذَ لِي نَعْشاً». یعنی «حضرت زهرا علیها السلام مریض شد و مدت چهل شب بیماری او ادامه پیدا کرد... فرمود: ای پسر عمو! من به تو وصیت می کنم که تابوتی برایم تهیه نمائی». بحار الأنوار، ج 43، ص 192، ح 20. برگرفته از سخنان حجت الاسلام سید میرهاشم حسینی، برنامه سمت خدا، شبکه 3 سیما، تاریخ 12/10/1400 و سخنان حجت الاسلام دکتر ناصر رفیعی، در همان برنامه، تاریخ 20/7/1400.

و یا اگر مروری بر همین مسئله «پوشیدن لباس های نیمه عریان در مجالس زنانه»، از ابتدای پیروزی انقلاب داشته باشیم، متوجه خواهیم شد که مقدار پوشیدگی اندام ها به وسیله لباس در این گونه مجالس چگونه بود و کم و گام به گام وضع این چنین شد و اگر به همین صورت هم پیش رود شاید فقط همان عورت به معنای قسمت خاص بدن، باشد که پوشیده بماند چون آشکار شدن بقیه قسمت های بدن را اصلاً برهنگی و عریانی نمی دانند!!!

نتیجه :

پس لااقل می توان آیات مورد نظر را در مورد مسئله «نیمه عریانی» از جهت هشدار دهندگی آنان مورد بررسی و دقت بیشتری قرار داد، باشد که ان شاء الله خداوند متعال همگی ما را با نور خود هدایت فرماید.

ضمناً ممکن است از نظر حکم شرعی، پوشیدن لباس های نیمه عریان در مجالس زنانه، حرام نباشد ولی قدر مسلم این است که پوشیدن این گونه لباس ها به حیا نزدیک تر است و بانوانی که خود را مقید به رعایت این امور می کنند، از نظر ظاهر هم که باشد، به حضرت زهرا علیها السلام شبیه ترند و این شباهت هر چند که کافی نیست ولی به

ص: 202

که ایشان را به شفاعت حضرتش نزدیک تر می گرداند و البته این فضیلت وقتی به کمال خود می رسد که همچون امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف که فاطمه زهرا علیها السلام را اُسوه و الگوی خود می دانند، ما نیز سعی کنیم در تمام امور زندگی پیرو این بانوی شفیعة محشر باشیم و ایشان را در همه زمینه ها الگوی خود قرار دهیم و به این وسیله شباهت و سنخیت بیشتری با حضرتش پیدا کنیم تا ان شاء الله مورد شفاعت ایشان قرار بگیریم.

ص: 203

---

1- . چون با حیای فطری انسان سازگارتر است و در روایات هم آن چنان که ذکر شد، حیا از صفات پسندیده محسوب می گردد. و کسی که حیای او کم باشد، کمتر پرهیزکاری می کند و به مرور قلبش می میرد و در نتیجه جهنمی می شود. «مَنْ قَلَّ حَيَاؤُهُ قَلَّ وَرَعُهُ وَ مَنْ قَلَّ وَرَعُهُ مَاتَ قَلْبُهُ وَ مَنْ مَاتَ قَلْبُهُ دَخَلَ النَّارَ». نهج البلاغه، ص 993، سخن 355.



مگر نمی گویند «رطب خورده منع رطب کی تواند کرد» پس چرا بعضی افراد که خودشان در هنگام جوانی هر کاری که خواسته اند کرده اند و مرتکب گناهان متعدد مثل بی حجابی یا بدحجابی شده اند، امروز به دیگران و یا فرزندان خود تذکر می دهند و امر به معروف و نهی از منکر می کنند که انجام دادن فلان کار گناه و خلاف شرع است و یا انجام ندادن فلان کار عقوبت دارد؟

پاسخ: البته «رطب خورده منع رطب کی تواند کرد» ضرب المثلی است که از قول مشهوری (1) برگرفته شده و آن اینکه می گویند: مادری کودکش را نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آورد تا حضرت به او امر کند که خرما نخورد. حضرت فرمودند: برو فردا بیا و فردا به آن کودک فرمودند: خرما نخور. علت را از ایشان جویا شدند که چرا دیروز نفرمودید؟ حضرت گفتند: چون دیروز خودم خرما خورده بودم.

بر فرض که این ضرب المثل واقعاً برگرفته از حدیث معتبری هم باشد ولی متأسفانه عموماً از آن برداشت اشتباهی می کنند و آن این است که فکر می کنند اگر کسی خودش در زمانی مرتکب عمل اشتباه یا کار خلاف و گناهی شد، دیگر

ص: 204

---

1- . دوازده هزار مثل فارسی، آقای شکورزاده، ص 571 - داستان های امثال، حسن ذوالفقاری، تهران، مازیار، ج 2، 1385، ص 539 برگرفته از سایت اداره کل پژوهش های اسلامی رسانه ای، گزیده های معارفی / ضرب المثل - صد حکایت تربیتی، مرتضی بذرافشان، نشر دفتر تبلیغات اسلامی، قم، 1379، چاپ دوم، ص 27 برگرفته از سایت اداره کل پژوهش های اسلامی رسانه ای، گزیده های معارفی / داستان - ولی با توجه به اینکه در منابع احادیث قابل دسترس برای نویسنده، منبعی برایش یافت نشد، لذا گفته شد که قولی است مشهور.

هیچ وقت نباید در آن مورد به دیگران تذکر دهد و یا حتی امر به معروف و نهی از منکر کند!!!

در حالیکه اگر دقت کنیم در همین قضیه نیز که از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نقل می شود، حضرت فقط در همان روزی که خود، خرما خورده بودند کودک را منع نکردند، بلکه فردای آن روز که دیگر خودشان رطب نخورده بودند، کودک را نیز منع نمودند. (1)

پس این اشتباه است اگر فکر کنیم کسی که زمانی خودش مرتکب عمل خلافی شده و بعد به خطای خود پی برده و حتی توبه کرده، نباید به دیگران تذکر دهد و یا امر به معروف و نهی از منکر کند. چون امام صادق علیه السلام فرموده اند:

«مَنْ رَأَى أَخَاهُ عَلَى أَمْرٍ يَكْرَهُهُ فَلَمْ يَرُدَّهُ عَنْهُ وَهُوَ يَقْدِرُ عَلَيْهِ فَقَدْ خَانَ» (2) یعنی «هرکه برادرش را در کاری ناپسند ببیند و بتواند او را از آن باز دارد و چنین نکند، به او خیانت کرده است».

و اگر ملاک، ضرب المثل است، در مقابل آنچه ذکر شد، ضرب المثل دیگری هم هست که می گوید: «چو می بینی که ناپینا و چاه است اگر خاموش بنشینی گناه است». (3)

یعنی حتی اگر خودت ته چاه هم که باشی باز وقتی فهمیدی مسیر و کار تو اشتباه بوده وظیفه داری عقلاً و شرعاً به خاطر خیرخواهی هم که شده اگر می بینی

ص: 205

1- . استاد ارجمند محسن قرائتی از شهید محراب آیت الله مدنی رحمه الله پرسیده بودند: آیا ما خودمان هم باید به تمام حرف هایی که در تلویزیون می زنیم (مانند تمامی مستحبات)، عمل کنیم؟ آیت الله مدنی رحمه الله فرموده بودند: حداقل چند روزی به آن عمل کنید مثلاً اگر می خواهید راجع به نماز شب صحبت کنید 2 ، 3 شبی یا یکی، دو هفته ای خودتان نماز شب بخوانید و گرنه اگر عمل نکنی وقتی راجع به آن صحبت می کنی سلول های بدنت می گویند لعنت بر تو که خودت عمل نمی کنی. برگرفته از سخنان استاد ارجمند محسن قرائتی، برنامه سمت خدا، شبکه 3 سیما، تاریخ 20/10/1400.

2- . امالی صدوق، ص 270، ح 1 - بحار الأنوار، ج 71، ص 190، ح 2.

3- . دوازده هزار مثل فارسی، ص 131 برگرفته از سایت پایگاه اطلاع رسانی حوزه.

دیگران دارند به همان چاه می افتند، به آنها هشدار دهی تا آنها مبتلا به آن گرفتاری که تو شدی، نشوند و اگر هم دین و شرع ملاک است، خداوند وظیفه امر به معروف و نهی از منکر را به عهده هر مسلمانی قرار داده و واجب نموده، هر چند که خودش در گذشته مرتکب همان خلاف شده باشد و بعد به اشتباه خود پی برده باشد، تا چه رسد به اینکه توبه هم کرده باشد. چون اگر غیر از این بود این فریضة مهم الهی باید تعطیل می شد.

برای نمونه مگر در زمان رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ عده بسیار زیادی از اصحاب و تابعین حضرت در دوران جاهلیت مشرک و کافر نبودند مثل سلمان، عمار یاسر و اویس قرنی و ابوذر و... آیا این افراد بعد از ایمان آوردن در رکاب پیامبر خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ برای نابودی و مبارزه با کفر و شرک جهاد نکردند؟! که خود بالاترین امر به معروف و نهی از منکر است و یا خُر بن یزید ریاحی مگر در لشکر عمر سعد نبود و خودش آب را بر امام حسین علیه السلام و یارانش نسبت، پس چرا بعد از پیوستن به لشکر حق در مقابل لشکر یزیدیان ایستادگی و مبارزه کرد تا شهید شد؟! مبارزه ای که در راستای هدف امام حسین علیه السلام بود و خود حضرت فرمودند:

«إِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْطِحَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِّي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ أُرِيدُ أَنْ أَمَرَ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ»<sup>(1)</sup> یعنی «من برای اصلاح در امت جدم خارج شدم و می خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم».

از این گذشته مگر بشر با استفاده از تجربه گذشتگان در علوم مختلف مثل علوم تجربی، (که اصلاً به همین خاطر آن را علوم تجربی نامیده اند) صنعت، تمدن و... پیشرفت نکرده است به این معنا که تجارب غلط را تکرار نکرد و تجارب صحیح را وسیله پیشرفت این علوم قرار داد و حتی در تاریخ نیز باید تجارب گذشتگان مایه عبرت قرار گیرد و اگر غیر از این باشد نقل تاریخ کاری عبث خواهد بود. در حالی که قرآن کریم که کتابی هدایت گر است و به بشر درس زندگی می دهد وقتی تاریخ

ص: 206

---

1- . بحار الأنوار، ج 44، ص 329 برگرفته از حماسه حسینی، استاد شهید مطهری رحمه الله، ج دوم، ص 133.

گذشتگانی مثل قوم عاد و ثمود یا افرادی مثل فرعون، نمرود، یا حتی حضرت آدم و حوا و ... را ذکر می کند، اشتباهات آنان را نیز نقل می کند و عاقبت و نتیجه عملشان را نیز بازگو می کند تا آیندگان مرتکب همان اشتباهات نشوند و به همان عاقبت گرفتار نگردند و بعضی مواقع حتی صریحاً می گوید شما مرتکب فلان عمل خطا نشوید و هشدار می دهد. (1)

پس قطعاً اگر کسی در گذشته تجربه تلخ و اشتباهی داشت و به دیگران گفت شما از آن عبرت بگیرید و مرتکب نشوید تا از عواقب دنیوی و اخروی آن در امان باشید، عملی درست و صالح را مرتکب شده.

علاوه بر این مسلماً نزد خداوند کسی که عملی را ندانسته و از روی جهالت انجام دهد و در این جهالت و نادانی مقصر نباشد و کوتاهی نکرده باشد با کسی که همان عمل را با آنکه می دانسته اشتباه و خطاست و یا حداقل می توانسته خطا بودن آن را بفهمد ولی کوتاهی کرده و انجام داده، یکسان نیستند و عقوبت و جزای آنها نیز فرق می کند. مثلاً فردی که در زمان طاغوت زندگی می کرده و به علت تبلیغات مخالفان دین و تحت تأثیر شرایط محیط و جامعه تبعاً از دستورات دینی و عقاید اسلامی چندان اطلاعی نداشته و غافل بوده و نتیجتاً آلوده به بعضی گناهان بوده با فردی که در دوران حکومت اسلامی رشد و نمو کرده و در این دوران مکلف شده که رادیو و تلویزیون و افراد مؤمن و عالم، آزادی عمل دارند و همه برای آگاهی و نجات انسان از گمراهی در حال تلاشند، خصوصاً در شهرهای مذهبی مثل قم و مشهد که هر کسی به راحتی می تواند از غلط یا درست بودن اعمال و افکار خود مطلع گردد، یکسان است؟! و چنین فردی اگر باز هم آلوده به گناهان شود، کوتاهی نکرده و نزد خدا با فرد گناهکار

ص: 207

1- . قرآن کریم در سوره اعراف، آیه 27 می فرماید: «یا بنی آدم لا یفتنکم الشیطان کما أخرج أبویکم من الجنة ینزع عنهما لباسهما لیریهما سوءاتهما إینه یراکم هو و قبیلہ من حیث لا ترؤنهم إنا جعلنا الشیاطین اولیاء للذین لا یؤمنون» یعنی «ای فرزندان آدم! شیطان شما را فریب ندهد آن چنان که پدر و مادران را از بهشت بیرون کرد و لباس آنها را از تنشان جدا ساخت ...».

دوران طاغوت، یکسان محاسبه می شود؟! مَثَلِ این دو مَثَلِ تاریکی به نور و کور به بینا و جاهل به دانا است که قرآن کریم درباره آن می فرماید: «قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ أَمْ هَلْ تَسْتَوِي الظُّلُمَاتُ وَالنُّورُ» (1) یعنی «بگو آیا چشم نابینای جاهل و دیده بینای عارف یکسان است یا ظلمات جاهلیت با نور معرفت و خداپرستی یکسان و مساوی است».

و باز می فرماید:

«قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ» (2) یعنی «بگو آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند».

و حتی فرض کنید فردی آگاهانه و از روی عمد کار اشتباه و خلافی را مرتکب شده مثلاً وارد یک منطقه ممنوعه و خطرناک شده که حشرات آنجا برای سلامتی انسان بسیار مضرند و دچار بیماری صعب العلاجی شده ولی همین فرد به فرزندش یا کسانی که دوستشان دارد می گوید: تو وارد آن منطقه نشو.

حالا به نظر شما اگر آن فرزند بگوید: تو خودت به حرف هیچ کس گوش نکردی و هر کار که خواستی کردی حالا نوبت ما که شده، به ما می گویی این کار را نکن!! این حرف درست است؟! و یا فکر می کنید اگر هم آن فرزند به حرف او گوش نکند و هر کار بخواهد بکند، چه کسی ضرر خواهد کرد؟!

همچنین سخن حضرت علی علیه السلام نیز پاسخ مناسبی برای سؤال مورد نظر ماست. ایشان می فرمایند:

«خُذِ الْحِكْمَةَ وَ لَوْ مِنْ أَهْلِ الضَّلَالِ» (3) یعنی «گفتار حکیمانه را از هرکس بگیر ولو گوینده آن از نظر مذهبی گمراه باشد»

ص: 208

---

1- . سوره رعد، آیه 16.

2- . سوره زمر، آیه 9.

3- . الحدیث، ج 1 و 3، ص 375 و 114 - همچنین ایشان فرموده اند: «فَخُذِ الْحِكْمَةَ وَ لَوْ مِنْ أَهْلِ النَّفَاقِ» یعنی «حکمت را بگیر هر چند از اهل نفاق صادر شود». نهج البلاغه، کلمات قصار، ص 481، سخن 80 برگرفته از تفسیر نمونه، آیت العظمی مکارم شیرازی دام ظلّه، چاپ بیست و چهارم، ج 19، ذیل آیه 17 تا 20 سوره زمر، ص 439.

که شاید یک مصداق از این حدیث شریف نیز، این باشد که «گفتار درست و صحیح را از هر که گفت قبول کن و بپذیر ولو اینکه خود آن فرد به آن گفته عمل نکند و فردی گمراه باشد»<sup>(1)</sup>

تا چه رسد به آنکه در گذشته گمراه بوده و الآن که این سخن را می گوید به اشتباه خود پی برده باشد و می خواهد عزیزان و دوستان خود را هشدار دهد تا دچار همان اشتباه نشوند و به آن عقوبت مبتلا نگردند. و از این واضح تر اینکه باز حضرت علی علیه السلام می فرماید:

«لَا تَنْظُرْ إِلَى مَنْ قَالَ وَانْظُرْ إِلَى مَا قَالَ»<sup>(2)</sup> یعنی «نگاه نکن به گوینده سخن، به گفتار و آنچه می گوید توجه کن».

البته تذکر این نکته لازم است که در این گونه موارد، روی خطاب فقط با شنوندگان است و منظور این است که اگر می خواهید سعادت مند شوید باید این گونه باشید که سخن حق را از هرکس بپذیرید و از طرفی به گویندگان گفتارها نیز در قرآن و روایات تذکر داده شده که باید با عمل خود (علاوه بر گفتار) مردم را به کار نیک دعوت کنند. قرآن کریم در این رابطه می فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَعْمَلُونَ»<sup>(3)</sup> یعنی «ای کسانی که ایمان آورده اید چرا چیزی را به زبان می گوید که خودتان در عمل به خلاف آن می کنید».

و امام صادق علیه السلام نیز فرمودند:

ص: 209

---

1- برگرفته از تفسیر نمونه، آیت العظمی مکارم شیرازی دام ظلّه، چاپ بیست و چهارم، ج 19، ذیل آیه 18 سوره زمر، ص 432.

2- الحدیث، ج 3، ص 114 - غررالحکم، ص 438، ح 10037.

3- سوره صف، آیه 2.

«كُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ بِغَيْرِ اَلْسِنَتِكُمْ» (1) یعنی «مردم را با غیر زبانتان به راه حق دعوت کنید».

اما توجه داشته باشید که در هیچ یک از این موارد منظور این نیست که اگر در گذشته هم مرتکب عمل خلافی شدید، هیچ وقت نباید دیگران را در آن مورد به راه حق دعوت کنید. بلکه اگر دقت کنید افعال این جملات از نظر زمان، به صورت امر یا مضارع است که دلالت بر حال یا آینده می کند در نتیجه منظور این است که اگر در حال حاضر خودتان مشغول به انجام آن کار اشتباه هستید یا در آینده واقعاً تصمیم دارید آن را انجام دهید، نباید در این مورد خاص به دیگران تذکر دهید.

البته در اینجا نیز لازم به ذکر است که در این گونه موارد نیز روی خطاب فقط با گویندگان است نه شنوندگان. به بیان دیگر گوینده وظیفه دارد خودش به سخنی که می گوید عمل کند (در زمان حال و آینده) و اگر نکرد، خدا او را مؤاخذه خواهد نمود. اما شنونده هم باید سخن حق را بپذیرد ولو گوینده آن، خود به آن سخن عمل نکند. چرا که شاید خدا آن گوینده را به عنوان وسیله ای بر سر راه دیگران قرار داده تا باعث نجات آنان از گمراهی باشد ولو اینکه خودش به خاطر عمل نکردن (و احتمالاً باعث بدبین نمودن عده ای از مردم به دین) سزاوار عقوبت باشد.

ص: 210

## سؤال بیست و سوم :

آیا اینکه بانوان زود به گریه می افتند، نقطه ضعفی برایشان محسوب می شود که بعضی از آقایان به این خاطر آنان را تحقیر می کنند و یا می گویند: «گریه، اسلحه زن است» و نباید به آن توجه کرد؟

پاسخ :

اولاً - صرف زود گریه کردن و پُر اشک بودن نه تنها نشانه ضعف و نقص نیست بلکه قرآن کریم می فرماید سجده و گریه کردن یکی از خصوصیات اولیاء الهی است: «سُجِّدًا وَ بُكِّيًّا»<sup>(1)</sup> و امام علی و امام حسین علیهما السلام می فرمایند:

«بُكَاءُ الْعُيُونِ وَ خَشْيَةُ الْقُلُوبِ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ»<sup>(2)</sup> یعنی «گریه چشم ها و ترس دل ها از رحمت خداست».

در روایات و ادعیه بسیار به پُر اشک بودن و زیاد گریه کردن توصیه شده و ما در اینجا فقط به بعضی از آنها اشاره می کنیم:

امام صادق علیه السلام فرمودند:

خدا به حضرت عیسی علیه السلام وحی نمود که ای عیسی از ترس من گریه کن.<sup>(3)</sup>

ص: 211

---

1- . سوره مریم، آیه 58، برگرفته از سخنان استاد ارجمند محسن قرائتی، برنامه درس هایی از قرآن، شبکه اول سیما، تاریخ 16/8/1383.

2- . مستدرک الوسائل، ج 5، ص 207، ح 4 - جامع الأخبار، ص 97.

3- . «هَبْ لِي مِنْ عَيْنَيْكَ الدُّمُوعَ». إرشاد القلوب إلى الصواب، ج 1، ص 95، الباب الثاني والعشرون في فضل صلاة الليل ..... .



پیغمبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نیز در وصیت خود، حضرت علی علیه السلام را به زیاد گریه کردن توصیه نمودند(1) و

باز ایشان صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمودند:

هر مؤمنی که به اندازه بال مگسی اشک از چشمش بیرون آید و به گونه اش برسد خدا آتش دوزخ را بر او حرام گرداند.(2)

و امام باقر علیه السلام فرمودند:

هر چیزی وزن و اندازه ای دارد مگر اشک که يك قطره از آن، دریاهایی از آتش را خاموش می کند.(3)

اشک در درگاه الهی به قدری ارزشمند است که حتی فرشتگان الهی نیز گریه می کنند.(4)

ص: 212

1- «يَا عَلِيُّ أَوْصِيكَ فِي نَفْسِكَ بِخِصَالٍ فَاحْفَظْهَا ثُمَّ قَالَ اللَّهُمَّ أَعِنِّي وَعَدِّ خِصَالًا وَالرَّابِعَةُ كَثْرَةُ الْبُكَاءِ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ يُبْنَى لَكَ بِكُلِّ دَمْعَةٍ أَلْفٌ بَيْتٍ فِي الْجَنَّةِ» یعنی «ای علی! تو را به چند خصلت سفارش می کنم که باید آنها را حفظ نمایی. سپس فرمود: خدایا! علی را بر این کار کمک کن. آنگاه حضرت آن خصال را برشمرد تا اینکه فرمود: صفت چهارم، گریه زیاد از ترس خداوند عزیز و جلیل است که در برابر هر قطره اشکی، برایت هزار خانه در بهشت ساخته می شود». عدة الداعي ونجاح الساعي، ص 171، العاشر البكاء حالة الدعاء .....

2- «قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: «مَا مِنْ مُؤْمِنٍ يَخْرُجُ مِنْ عَيْنَيْهِ مِثْلُ رَأْسِ الذُّبَابَةِ مِنَ الدُّمُوعِ فَيُصِيبُ حَرَّ وَجْهِهِ إِلَّا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ النَّارَ». إرشاد القلوب إلى الصواب، ج 1، ص 97، الباب الثالث والعشرون في البكاء من خشية الله تعالى .....

3- «مَا مِنْ شَيْءٍ إِلَّا وَهُوَ زَنْ أَوْ ثَوَابٌ إِلَّا الدُّمُوعُ فَإِنَّ الْقَطْرَةَ تَطْفِئُ الْبَحَارَ مِنَ النَّارِ فَإِنْ اغْرُورَقَتْ عَيْنَاهُ بِمَائِهَا حَرَّمَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ سَائِرَ جَسَدِهِ عَلَى النَّارِ وَإِنْ سَالَتِ الدُّمُوعُ عَلَى خَدَّيْهِ لَمْ يَرَهَقْ وَجْهَهُ قَتْرٌ وَلَا ذَلَّةٌ» یعنی «هر چیزی وزن و اندازه ای دارد مگر اشک که يك قطره از آن، دریاهایی از آتش را خاموش می کند، هرگز چشمی از ترس خدا با اشک پُر نشد مگر آنکه ذات اقدس الهی سایر اعضای بدنش را بر آتش حرام گردانید و نشد این اشک جاری شود و آن چهره سختی و ذلت ببیند. اگر چشمی از اشک پُر شود ذات اقدس الهی سایر اعضای بدنش را بر آتش حرام گرداند و اگر این اشک جاری شود، آن چهره سختی و ذلت نبیند». مستدرک الوسائل، ج 11، ص 242، ح 22.

4- پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمودند: «لَمَّا عُرِجَ بِي إِلَى السَّمَاءِ الرَّابِعَةِ سَمِعْتُ بُكَاءَ قُلَّتْ يَا جَبْرَيْلُ مَا هَذَا قَالَ هَذَا بُكَاءُ الْكَرُوبِيِّينَ عَلَى أَهْلِ الذُّنُوبِ» یعنی «هنگامی که به آسمان چهارم عروج داده شدم صدای گریه شنیدم. به جبرئیل گفتم این چیست؟ گفت این گریه فرشتگان بر اهل گناه است». مستدرک الوسائل، ج 11، ص 240، باب استحباب كثرة البكاء من خشية الله تعالى، ح 13.

در مقابل، بیان شده که خشکی چشم و نیامدن اشک بر اثر قساوت قلب است(1) و در روایت است که رقت قلب از جانب فرشته به دل انسان خطور می کند و قساوت قلب از جانب شیطان(2) و خشک شدن چشم و قساوت قلب نشانه شقاوت و بدبختی است.(3) و لذا حضرت علی علیه السلام در مورد حالات پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ می فرماید:

آن حضرت با آنکه جرم و گناهی نداشت آن چنان از ترس خدای عزّ و جلّ گریه می کرد که محل نماز ایشان از آن تر می شد.(4)

همچنین ضِرَارُ بْنُ صَمْرَةَ که از اصحاب بسیار خوب و یاران با وفای حضرت علی علیه السلام است درباره ایشان می گوید:

حضرت علی علیه السلام «عَزِيرُ الْعَبْرَةِ» یعنی «پُر اشک» بود.(5)

ص: 213

1- قال الصادق عليه السلام: «إذا اقشعر جلدك ودمعت عينك ووجل قلبك فدونك دونك فقد قصد قصدك ولأن جمود العين من قساوة القلب على ما ورد به الخبر وهو يؤذن بالبعد من الله سبحانه وتعالى» یعنی «آنگاه که پوست بدنت لرزید و چشمانت پر از اشک گردید و قلبت هراس برداشت، آن حال را خوب نگهدار که مقصودت حاصل شده است. و در مقابل، خشکی چشم و نیامدن اشک، بر اثر قساوت قلب است که در خبر بدان اشاره شده است، چنین حالتی نشانه دوری از خداست». عدة الداعی، ص 167.

2- امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: «لَمَتَّانِ لَمَةً مِنَ الشَّيْطَانِ وَ لَمَةً مِنَ الْمَلَكِ فَلَمَّةُ الْمَلَكِ الرَّقَّةُ وَ الْفَهْمُ وَ لَمَّةُ الشَّيْطَانِ السَّهْوُ وَ الْفُسُوءَةُ» یعنی آنچه به دل انسان خطور می کند دو نوع است: یکی از جانب شیطان است و دیگری از جانب فرشته. آنچه از جانب فرشته است: رقت قلب (نرمی دل) و فهم است و آنچه از جانب شیطان است: فراموشی و قساوت قلب (سخت دلی) است. الکافی، ج 2، ص 330، ح 3.

3- قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: «مِنْ عَلَامَاتِ الشَّقَاءِ جُمُودُ الْعَيْنِ وَ قَسْوَةُ الْقَلْبِ وَ شِدَّةُ الْحِرْصِ فِي طَلَبِ الرِّزْقِ وَ الْإِصْرَارُ عَلَى الدَّنْبِ» یعنی «رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمودند: «از نشانه شقاوت، خشک شدن چشم و قساوت قلب و شدت حرص در طلب روزی و اصرار بر گناهان می باشد». بحار الأنوار، ج 90، ص 330، ح 10.

4- «أَنَّه ذَكَرَ مِنْ حَالَاتِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَ كَانَ يَبْكِي حَتَّى يَبْتَلَّ مُصَلَّاهُ خَشْيَةً مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ غَيْرِ جُرْمٍ». مستدرک الوسائل، ج 11، ص 240، باب استحباب كثرة البكاء من خشية الله تعالى، ح 9.

5- كشف اليقين في فضائل أمير المؤمنين عليه السلام، ص 116، المبحث الثامن في حسن الخلق ..... - وفضائل الخمسة من الصحاح الستة، ج 3، ص 27، باب في وصف ضرار عليا عليه السلام حتى بكى معاوية ....، برگرفته از سخنان حجت الاسلام حسين حسيني قمی، برنامه سمت خدا، شبکه 3 سيما، تاريخ 23/11/1400.

و امام حسین علیه السلام نیز فرموده اند:

هرگاه بر پدرم وارد می شدم می دیدم که او گریه می کند. (1)

همچنین حضرت فاطمه علیها السلام و امام سجاد علیه السلام و پیامبرانی همچون آدم و یعقوب و یوسف (2) علیهم السلام از کسانی بودند که زیاد گریه می کردند. حضرت یحیی نیز از کسانی بود که زیاد گریه می کرد. (3)

لذا چون زن مظهر رأفت حق (4) و موجودی عاطفی و رقیق القلب تر از مرد است، زودتر گریه می کند و به همین دلیل می تواند نصیب او از دعا و مناجات و موعظه نیز بیشتر باشد، چون در راه ذات اقدس اله رقت دل و عاطفه و احساس نقش مؤثری دارد. بنابراین زن می تواند با این وسیله (استعداد الهی) حتی در راه رسیدن به تکامل از مردها موفق تر نیز باشد. (5) پس پُراشک بودن و زیاد گریه کردن نقطه ضعفی برای زن محسوب نمی شود بلکه برعکس، نقطه قوت و امتیاز محسوب می شود.

ثانیاً - بله واقعاً از گریه می توان به عنوان اسلحه استفاده کرد همان طور که امام علی علیه السلام نیز در فقراتی از دعای کمیل فرموده اند:

«إِرْحَمَنَّ رَأْسُ مَالِهِ الرَّجَاءَ وَ سَيْلَاحُهُ الْبُكَاءُ» یعنی «خدایا رحم کن بر کسی که تمام سرمایه اش امید به توست و اسلحه اش گریه کردن است». (6)

ص: 214

1- . «مَا دَخَلْتُ عَلَى أَبِي قَطُّ إِلَّا وَجَدْتُهُ بَاكِياً». إرشاد القلوب إلى الصواب، ج 1، ص 97، الباب الثالث والعشرون في البكاء من خشية الله تعالى . . . . .

2- . «الْبُكَاءُ وَنَ خَمْسَةَ آدَمَ وَ يَعْقُوبُ وَ يُوْسُفُ وَ فَاطِمَةُ وَ عَلِيُّ بْنُ الْحَسَنِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ». إرشاد القلوب إلى الصواب، ج 1، ص 95، الباب الثالث والعشرون في البكاء من خشية الله تعالى - قرآن کریم نیز در سوره یوسف آیه 84 در مورد حضرت یعقوب علیه السلام می فرماید: «وَ ابْيَضَّتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ فَهُوَ كَظِيمٌ» یعنی «چشمان او از اندوه سفید شد».

3- . «لَمْ يَزَلْ زَكَرِيَّا عَلَيْهِ السَّلَامُ يَرَى وَآدَهُ يَحْيَى مَعْمُوماً بَاكِياً مَسْغُولاً بِنَفْسِهِ» یعنی «همیشه حضرت زکریا (علیه السلام) فرزندش حضرت یحیی (علیه السلام) را اندوهگین، گریان و به خود مشغول می دید». مجموعه ورام (تنبيه الخواطر)، ج 1، ص 86، باب العتاب . . . . .

4- . برگرفته از زن در آئینه جلال و جمال، آیت الله جوادی آملی دام ظلّه، ص 175.

5- . برگرفته از همان مدرک، ص 210 و 175.

6- . برگرفته از همان مدرک، ص 213.

معصومین علیهم السلام در واقع با زبان ادعیه به ما نیز آموخته اند که این سلاح کارآمد را از درگاه الهی طلب کنیم، همان طور که پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نیز در دعاهای خود از خداوند دو چشم پر اشک طلب می کردند(1) و امام سجّاد علیه السلام از خدا می خواستند که ایشان را در فراهم نمودن این سلاح کمک کند و در دعای ابوحمره ثمالی می فرمایند:

«وَاعْنِي بِالْبُكَاءِ عَلَيَّ نَفْسِي» یعنی «مرا در گریه بر نفسم اعانت کن».(2)

و باز ایشان در نهمین مناجات از مناجات های خمس عشر می فرمایند:

«خدایا ما را از کسانی قرار ده که اشکشان روان است».(3)

و همچنین ایشان به ما می آموزند از چشمی که خشک است و اشک ندارد به خدا شکایت کنیم(4) و با گریه و زاری به درگاه حق، عواطف رحمت الهی را به سوی خود جلب کنیم.(5)

پس معلوم می شود دل شکسته و گریه و ناله، اسلحه خیلی مهمی برای تهذیب نفس و جهاد اکبر که همان مبارزه با دشمن درون است، می باشد و انسان (مرد یا

ص: 215

1- . «وَ عَنهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَالَ اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي عَيْنَيْنِ هَطَّالَتَيْنِ يَبْكِيَانِ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ قَبْلَ أَنْ تَكُونَ الدُّمُوعُ دَمًا وَ الْأَضْرَاسُ جَمْرًا» یعنی «خداوندا از تو دو چشم پر اشک می خواهم که از خشیت تو بگریند پیش از آنکه اشک ها خون و دندان ها آتش شود». مستدرک الوسائل، ج 11، ص 240، باب استحباب كثرة البكاء من خشية الله تعالى، ح 14

2- حضرت در فقراتی دیگر از همین دعا می فرمایند: چرا ننالم و گریه نکنم برای برزخی که «دارالغربة» است و سفر طولانی و تاریکی که در پیش دارم و برای قبر تاریک و تنگی که به انتظار من است «فَمَا لِي لَا أَبْكِي، أَبْكِي لِخُرُوجِ نَفْسِي، أَبْكِي لِظُلْمَةِ قَبْرِي، أَبْكِي لِضَيْقِ لِحْدِي». برگرفته از زن در آئینه جلال و جمال، آیت الله جوادی آملی دام ظلّه، ص 214 و 215.

3- . «اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مَمَّنْ ... دُمُوعُهُمْ سَائِلَةٌ مِنْ خَشْيَتِكَ». مفاتيح الجنان، الْمُنَاجَاةُ التَّاسِعَةُ مُنَاجَاةُ الْمُحِبِّينَ - بحار الأنوار، ج 91، ص 148، باب 32- أدعية المناجاة ...

4- . «إِلَهِي إِلَيْكَ أَشْكُو ... عَيْنًا عَنِ الْبُكَاءِ مِنْ خَوْفِكَ جَامِدَةً». مفاتيح الجنان، الْمُنَاجَاةُ الثَّانِيَةُ مُنَاجَاةُ الشَّاكِينَ - بحار الأنوار، ج 91، ص 143، باب 32 (أدعية المناجاة....).

5- . «أَسْأَلُكَ بِسُبُحَاتِ وَجْهِكَ وَ بِأَنْوَارِ قُدْسِكَ وَ أَبْتَهِلُ إِلَيْكَ بِعَوَاطِفِ رَحْمَتِكَ» یعنی «گریه و زاری می نمایم بدرگاهت به عواطف رحمت». مفاتيح الجنان، الْمُنَاجَاةُ الْخَامِسَةُ مُنَاجَاةُ الرَّاعِبِينَ - بحار الأنوار، ج 91، ص 145، باب 32 (أدعية المناجاة....).

زن) تا گریه نکند نجات نمی یابد و الحمدلله که خداوند این سلاح کارآمد را به زنان بیشتر از مردان عنایت فرموده (1) و

شاید به همین جهت هم باشد که پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمودند:

«إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلَى الْإِنَاثِ أَرَأْفُ مِنْهُ عَلَى الذُّكُورِ» (2) یعنی «خدای بزرگ به زنان مهربان تر از مردان است».

چون طبق روایات گریه موجب خاموش کردن غضب پروردگار (3)

و نجات از آتش جهنم است (4) و خدا کسانی را که بسیار گریه می کنند، دوست دارد (5) و پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نیز فرمودند:

«هیچ قطره ای در نزد خدا از این دو قطره محبوبتر نیست: قطره خونی که در راه خدا ریخته شود و قطره اشکی که در دل شب از خوف خدا ریخته شود». (6)

ص: 216

1- . برگرفته از زن در آئینه جلال و جمال، آیت الله جوادی آملی دام ظلّه، ص 213 تا 216.

2- . مسند امام رضا علیه السلام، ج 2، ص 277، ح 89.

3- . پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمودند: «مَا مِنْ عَمَلٍ إِلَّا لَهُ وَزْنٌ وَ ثَوَابٌ إِلَّا الدَّمْعَةُ فَإِنَّهَا تُطْفِئُ غَضَبَ الرَّبِّ» یعنی «هیچ عملی نیست مگر اینکه وزن و اجر معینی دارد جز اشک چشم که باعث خاموش کردن غضب پروردگار است». مستدرک الوسائل، ج 11، ص 240، باب استحباب كثرة البكاء من خشية الله تعالى، ح 12.

4- . پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمودند: «الْبُكَاءُ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ نَجَاةٌ مِنَ النَّارِ» یعنی «گریه از ترس خدا موجب نجات از آتش است». مستدرک الوسائل، ج 11، ص 241، باب استحباب كثرة البكاء من خشية الله تعالى، ح 15.

5- . «قَالَ اللَّهُ تَعَالَى لِيَدَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ ادْعُنِي بِهَذَا الْإِسْمِ يَا حَبِيبَ الْبُكَاءِينَ» یعنی «خداوند به داود (علیه السلام) فرمود: مرا با این نام "ای دوست گریه کنندگان" بخوان». مستدرک الوسائل، ج 11، ص 240، باب استحباب كثرة البكاء من خشية الله تعالى، ح 10 - امام سجاد علیه السلام نیز در فقرة 87 از دعای جوشن کبیر نیز می فرماید: «یا حبيب الباكين».

6- . «مَا مِنْ قَطْرَةٍ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ مِنْ قَطْرَتَيْنِ قَطْرَةَ دَمٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَطْرَةَ دَمٍ فِي سَوَادِ اللَّيْلِ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ». مستدرک الوسائل، ج 11، ص 239، باب استحباب كثرة البكاء من خشية الله تعالى، ح 8.

بنابراین اگر عواملی مانند تحجر فکری جامعه و تربیت محیط و خانواده و سنت و عادت .... مانع رشد فرهنگی زن نشود(1)

و اگر زنان نیز از اشک این موهبت الهی درست و بجا استفاده کنند، می توانند از راه دل (که البته اساس، هم همان راه دل است) با زحمت کمتری به سعادت برسند(2)

و در این راه اگر موفق تر از مردها نباشند، کمتر از آنان نیستند،(3) هرچند که ممکن است در نزد خلق دنیا کمتر شناخته شده باشند چون در تاریخ به دلالتی جریان زنان تاریخی همانند جریان مردان تاریخ ثبت نشده است، ولی این دلیل نمی شود که در رسیدن به قرب الهی که اصل کمالات است کمتر از مردان سهم داشته باشند.(4)

در اسلام زنانی همچون حضرت خدیجه علیها السلام و سمیه و عمه رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و سوده و .... در یاری دین خدا نسبت به اکثریت مردان آن دوره پیشگام بودند(5)

و عده ای از آنان در حالی اسلام آوردند که حتی شوهران آنها کافر بودند مانند دختر ولید بن مغیره که شوهرش صفوان بن امیه بود و ام حکیم دختر حارث بن هشام که شوهرش عکرمة بن ابی جهل بود.(6) در عصر ما نیز کم نیستند زنانی که با ایمانی استوارتر از پدران و همسران و برادران و پسران خود ندای رهبران انقلاب اسلامی را لبیک گفته اند و در یاری دین خدا پیشگام هستند.

ص: 217

- 
- 1- . برگرفته از زن در آئینه جلال و جمال، آیت الله جوادی آملی دام ظلّه، ص 30 و 170 و 172 و 232.
  - 2- . برگرفته از همان مدرک، ص 189 و 215 - شاید ذکر این حدیث از امام جواد علیه السلام نیز در اینجا بی تناسب با موضوع مورد نظر نباشد که می فرماید: «الْقَصْدُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى بِالْقُلُوبِ أَبْلَغُ مِنْ إِتْعَابِ الْجَوَارِحِ بِالْأَعْمَالِ» یعنی «حرکت به جانب خدا با دلها مفیدتر و بارزتر است (انسان را زودتر و بهتر به مقصد می رساند) از رنج بردن و به زحمت انداختن اعضا و جوارح به وسیله اعمال». بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج 75، ص 364، ح 4.
  - 3- . برگرفته از زن در آئینه جلال و جمال، آیت الله جوادی آملی دام ظلّه، ص 175 تا 218.
  - 4- . برگرفته از همان مدرک، ص 170 و 327.
  - 5- . رجوع شود به همان مدرک، ص 290 تا 324.
  - 6- . برگرفته از همان مدرک، ص 30 به نقل از موطاء، مالک بن انس، کتاب نکاح، ص 370 تا 371.

اگر سخنی از رهبران آسمانی برسد، نه آن سخن مخصوص مرد صادر شده و نه مخصوص صدر اسلام است. (1)

پس از کجا معلوم که تعداد زیادی از زنان، مصداق این حدیث امام علی علیه السلام نبوده و نباشند که می فرمایند:

«إِنَّ اللَّهَ أَخْفَىٰ وَلِيَّهُ فِي عِبَادِهِ فَلَا تَسْتَصْغِرُوا شَيْئاً مِنْ عِبَادِهِ قُرْبَمَا كَانَ وَلِيَّهُ وَ أَنْتَ لَا تَعْلَمُ» (2) یعنی «خداوند ولیّ خودش را در میان بندگان خود مخفی داشته پس کسی را کوچک نشمارید، چه بسا (ممکن است) که او ولیّ خدا باشد و شما ندانید».

و شاید زنانی باشند که با همین اسلحه اشک موجب رشد خود و دیگر افراد جامعه خود باشند، چون پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

«وَلَوْ أَنَّ عَبْدًا بَكَى مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ فِي أُمَّةٍ لَرَحِمَ اللَّهُ تِلْكَ الْأُمَّةَ بِبِكَائِهِ» (3) یعنی «اگر بنده ای در میان قومی اشک بریزد خدا بواسطه گریه او تمام آن مردم را نجات عنایت فرماید».

حتی بانویی همچون حضرت فاطمه علیها السلام با همین سلاح اشک موجبات بیداری و رشد و هدایت نسل های آینده امت اسلام را فراهم نمود، چرا که مضامین روایات و اشعار (4) مستند به حضرت زهرا علیها السلام نشان می دهد که بکارگیری اسلحه گریه یکی از

ص: 218

1- . برگرفته از زن در آئینه جلال و جمال، آیت الله جوادی آملی دام ظلّه، ص 300.

2- . بحار الانوار، ج 72، ص 155- شرح کافی، ملا صالح، ج ، ص 398 - مرآة العقول، ج 10، ص 380.

3- . مستدرک الوسائل، ج 11، ص 240، باب استحباب كثرة البكاء من خشية الله تعالى، ح 12- همچنین امام باقر علیه السلام فرمودند: «لَوْ أَنَّ عَبْدًا بَكَى فِي أُمَّةٍ لَرَحِمَهَا اللَّهُ» یعنی «اگر بنده ای در میان امتی بگرید، خداوند متان آن امت را به واسطه گریه همین بنده مشمول رحمت خویش می نماید». مستدرک الوسائل، ج 11، ص 242، ح 22.

4- . «دَخَلَتْ أُمُّ سَلَمَةَ عَلَىٰ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ فَقَالَتْ لَهَا كَيْفَ أَصْبَحْتَ عَنْ لَيْلَتِكَ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ؟ قَالَتْ: أَصْبَحْتُ بَيْنَ كَمَدٍ وَ كَرْبٍ فَقَدْتُ النَّبِيَّ وَ ظَلِمَ الْوَصِيُّ هُنِكَ وَ اللَّهُ حِجَابُهُ مَنْ أَصْبَحَتْ إِمَامَتُهُ مَقْبُضَةً عَلَىٰ غَيْرِ مَا شَرَعَ اللَّهُ...» یعنی «ام سلمه بحضور حضرت فاطمه اطهر علیها السلام مشرف شد و گفت: یا بنت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم! امشب را چگونه صبح کردی؟ فرمود: صبح کردم در حالی که در میان حزن شدید و اندوه بزرگ هستم، از یک سو جدایی و فراق پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و از سوی دیگر ظلمی که به وصی او علی (علیه السلام) روا داشتند» (بحار، ج 43، ص 156). اگر گریه ایشان فقط به علت از دست دادن پدری مهربان بود، قاعدتاً می بایست از روز هفتم به بعد عزاداری و گریه عادی می شد در حالیکه گریه حضرت بیشتر هم شد و وقتی علت را از خود ایشان پرسیدند، نفرمودند «فقد ابی و ظلم بعلی» یعنی نفرمودند «به خاطر فقدان پدرم و ظلم به شوهرم». بلکه فرمودند: به خاطر فقدان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ظلمی که به وصی او شد و در واقع مسیر حاکمیت الهی بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم عوض شد و تبدیل به حاکمیت بشری شد. چون عده زیادی جریانات و تبلیغات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را برای وصایت امام علی علیه السلام و غدیر را دیده بودند و هفتاد روز هم بیشتر از غدیر نگذشته بود و لذا تا روز هفتم هنوز امیدی بود که شاید عده ای که اولش داغ بودند، متنبه شوند و برگردند و جریان حاکمیت الهی تحقق پیدا کند ولی از روز هفتم، حکومت بشری و غیر الهی تثبیت شد و آنچه به نصب خدا و رابطه الهی بود تبدیل به حاکمیت بشری شد و حضرت زهرا علیها السلام خیلی خوب می دانستند که با این تبدیل چه چیز گریبان مردم را گرفت. حاکمیت بشر خیلی هم که خوب و عالی باشد فقط محدود در دنیا است و نهایت

می تواند بشر را در نظام ظاهری دنیا سیر دهد ولی حاکمیت خدا می توانست انسان را تا عمق قرب مطلق الی الله سیر دهد اما این مسیر الهی بعد از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ عوض شد و انتخاب الهی تبدیل به انتخاب بشری شد که تفاوتش مطابق با فرموده پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ «كَحَلَقَتْنِي فِي فَلَاةٍ» است یعنی مانند یک انگشتر کوچک در بیابان هاست (الكافي، ج 8، ص 153، ح 143). حتی زمانی هم که امیرالمؤمنین علیه السلام به حاکمیت رسید، مردم با ایشان به عنوان حاکمی که خودشان انتخاب کرده اند بیعت نمودند نه به عنوان وصی و جانشینی که خدا او را نصب کرده است. البته در این میان تعداد اندکی از افراد مؤمن هم بودند که امام را به عنوان وصی قبول داشتند و نگاهشان به حاکمیت ایشان، نگاه نصب الهی بود و از ایشان اطاعت می کردند. برگرفته از سخنان حجت الاسلام محمد رضا عابدینی، برنامه سمت خدا، شبکه 3 سیما، تاریخ 21/4/1401. فضنه خادمه نیز نقل می کند: موقعی که پیغمبر خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ از دنیا رحلت کرد ... کسی نبود که حزن و غم و اندوه وی از بانوی من فاطمه زهرا علیها السلام شدیدتر باشد. .... حضرت زهرا علیها السلام برای پدر بزرگوارش ناله و ندبه می کرد. .... و می فرمود: «يَا أَبَتَاهُ مَا أَعْظَمَ ظُلْمَةً مَجَالِسِكَ ..... ثُمَّ زَفَرَتْ زُفْرَةً وَأَنْتَ أَنْتَ كَادَتْ رُوحَهَا أَنْ تَخْرُجَ ثُمَّ قَالَتْ ..... وَبَكَكَ الْإِسْلَامُ إِذْ صَارَ فِي النَّاسِ غَرِيباً مِنْ سَائِرِ الْغُرَبَاءِ لَوْ تَرَى الْمُنْتَبِرَ الَّذِي كُنْتَ تَعْلُوهُ عَلَاهُ الظُّلَامُ بَعْدَ الصِّيَاءِ» یعنی «پدر جان! آن مجالسی که تو داشتی (با رفتن تو) دچار ظلمت بزرگی شده اند. .... سپس آن بانو فریادی زد و ناله ای کرد که نزدیک بود روح از بدنش مفارقت نماید و سپس فرمود. .... دین اسلام که در میان مردم یکی از غربا به شمار می رود، در مصیبت تو گریان شد. کاش آن منبری را که بر فراز آن می رفتی می دیدی که چگونه بعد از نور وجودت، اکنون ظلمت آن را فرا گرفته». (بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام، ج 43، ص 176 تا 178، باب 7 ما وقع عليها من الظلم و بكائها و حزنها و شكائيتها في مرضها إلى شهادتها).





شیوه های مبارزاتی حضرت فاطمه علیها السلام پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، در دفاع از حریم ولایت بوده و ایشان اعتراض خود را در دوران خفقان پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم که حق و حقیقت به فراموشی سپرده شده بود، در قالب گریه و حزن و اندوه به مخالفان و هیئت حاکمه که غاصبانه بر مسند جانشینی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم تکیه زدند نمایان ساخت تا فریاد مظلومانه خود را به دیگران برساند. حضرت فاطمه علیها السلام از این طریق می خواست بر علیه وضعیت موجود بشورد تا شاید با اشک و ناله های جانکاه خویش روح و احساس مرده امت اسلامی را جان تازه بخشد و وجدان خفته آنان را بیدار سازد و انسان ها ی طول تاریخ (1) را در مسیر بصیرت افزایی و روشننگری به تأمل

ص: 219

1- . محمود بن لبید می گوید: «زهرا (علیها السلام) پس از مرگ رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) بر مزار عمویش حضرت حمزه آمده گریه می کرد، در یکی از روزها گذرم به مزار شهدای احد افتاد، فاطمه (علیها السلام) را دیدم که به شدت گریه می کرد صبر کردم تا آرام گیرد، پیش رفته ضمن سلام، عرض نمودم: بانوی من گریه های شما رگ های قلبم را پاره می سازد... سپس گفتم: بانوی من دوست دارم مسأله ای را از شما سؤال نمایم. فرمود: بپرس، گفتم: آیا رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در زمان حیاتش بر امامت امام علی (علیه السلام) تصریح نمود؟ فرمود: واعجباً! آیا داستان غدیر خم، را فراموش نموده اید، عرض کردم غدیر خم را می دانم، ولی می خواهم بدانم رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به شما در این باره چه فرموده است، فرمود: خداوند گواه است که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به من فرمود: بعد از من علی (علیه السلام) رهبر و امام شما و پس از او دو فرزندم حسن و حسین (علیهما السلام) و نه تن از صلب حسین (علیه السلام) امام و رهبر شما می باشند. «لئن أبتعتموهم لوجدتموهم هادین مهدیین، وإن خالفتموهم لیکون الإختلاف فیکم إلى یوم القیامة...» اگر از آنان پیروی نمائید هدایت می شوید، و اگر با آنان مخالفت ورزید دامنة اختلاف تا روز قیامت در بین شما خواهد بود... سپس (حضرت زهرا علیها السلام) فرمودند: «أما والله لو ترکوا الحق علی أهله و اتبعوا عتره نبیهم لما اختلف فی الله تعالی إثنان، و لورثها سلف عن سلف و خلف بعد خلف حتی یقوم قائمنا التاسع من ولد الحسین» به خدا سوگند اگر می گذاشتند که حق بر محور خود بچرخد و آن را برای اهلس باقی می گذاشتند و از خاندان رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) پیروی می کردند، هیچ گاه دو نفر درباره خدا با یکدیگر مخالفت نمی کردند، آیندگان از گذشتگان آن را به ارث می بردند و گذشتگان برای آیندگان خود می گذاشتند، تا اینکه قائم ما (علیه السلام) که نهمین فرزند حسین (علیه السلام) است به پا خیزد، اما اینان آن کسی را که خداوند مؤخر دانسته مقدم داشته و آنکه را خداوند پیشوا قرار داده کنار زده اند. آنگاه که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) از دنیا رفت، هوا و هوس را برگزیده به آرا و افکار خود عمل کردند، نفرین بر آنان». الإنصاف فی النص علی الأئمة علیهم السلام، متن عربی، ص 410 تا 413.

شیوه های مبارزاتی حضرت فاطمه علیها السلام پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، در دفاع از حریم ولایت بوده و ایشان اعتراض خود را در دوران خفقان پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم که حق و حقیقت به فراموشی سپرده شده بود، در قالب گریه و حزن و اندوه به مخالفان و هیئت حاکمه که غاصبانه بر مسند جانشینی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم تکیه زدند نمایان ساخت تا فریاد مظلومانه خود را به دیگران برساند. حضرت فاطمه علیها السلام از این طریق می خواست بر علیه وضعیت موجود بشورد تا شاید با اشک و ناله های جانکاه خویش روح و احساس مرده امت اسلامی را جان تازه بخشد و وجدان خفته آنان را بیدار سازد و انسان ها ی طول تاریخ (1) را در مسیر بصیرت افزایی و روشننگری به تأمل

ص: 220

1- . محمود بن لبید می گوید: «زهرا (علیها السلام) پس از مرگ رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) بر مزار عمویش حضرت حمزه آمده گریه می کرد، در یکی از روزها گذرم به مزار شهدای احد افتاد، فاطمه (علیها السلام) را دیدم که به شدت گریه می کرد صبر کردم تا آرام گیرد، پیش رفته ضمن سلام، عرض نمودم: بانوی من گریه های شما رگ های قلبم را پاره می سازد... سپس گفتم: بانوی من دوست دارم مسأله ای را از شما سؤال نمایم. فرمود: بپرس، گفتم: آیا رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در زمان حیاتش بر امامت امام علی (علیه السلام) تصریح نمود؟ فرمود: واعجباً! آیا داستان غدیر خم، را فراموش نموده اید، عرض کردم غدیر خم را می دانم، ولی می خواهم بدانم رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به شما در این باره چه فرموده است، فرمود: خداوند گواه است که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به من فرمود: بعد از من علی (علیه السلام) رهبر و امام شما و پس از او دو فرزندم حسن و حسین (علیهما السلام) و نه تن از صلب حسین (علیه السلام) امام و رهبر شما می باشند. «لئن اتبعتموهم لوجدتموهم هادین مهدیین، وإن خالفتموهم لیکون الإختلاف فیکم إلى یوم القیامة...» اگر از آنان پیروی نمائید هدایت می شوید، و اگر با آنان مخالفت ورزید دامنة اختلاف تا روز قیامت در بین شما خواهد بود... سپس (حضرت زهرا علیها السلام) فرمودند: «أما والله لو ترکوا الحق علی أهله و اتبعوا عتره نبیهم لما اختلف فی الله تعالی إثنان، و لورثها سلف عن سلف و خلف بعد خلف حتی یقوم قائمنا التاسع من ولد الحسین» به خدا سوگند اگر می گذاشتند که حق بر محور خود بچرخد و آن را برای اهلس باقی می گذاشتند و از خاندان رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) پیروی می کردند، هیچ گاه دو نفر درباره خدا با یکدیگر مخالفت نمی کردند، آیندگان از گذشتگان آن را به ارث می بردند و گذشتگان برای آیندگان خود می گذاشتند، تا اینکه قائم ما (علیه السلام) که نهمین فرزند حسین (علیه السلام) است به پا خیزد، اما اینان آن کسی را که خداوند مؤخر دانسته مقدم داشته و آنکه را خداوند پیشوا قرار داده کنار زده اند. آنگاه که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) از دنیا رفت، هوا و هوس را برگزیده به آرا و افکار خود عمل کردند، نفرین بر آنان». الإنصاف فی النص علی الأئمة علیهم السلام، متن عربی، ص 410 تا 413.

و دارد و از این طریق موجبات هدایتشان را به صراط مستقیم فراهم نماید. (1)

بنابراین اگر احیاناً کسانی زن را به خاطر عاطفی بودن که لازمه خلقت است (2) و موهبت الهی اشک زیاد داشتن تحقیر می کنند سخت در اشتباهند و در واقع باید به زن از جهت داشتن این نعمت عظیم غبطه بخورند.

ثالثاً - سوء استفاده عدّه ای از نعم الهی، اختصاصی به این نعمت خاص ندارد همچنان که مختص به جنس خاصی نیز نمی باشد برای نمونه در طول تاریخ بشری کم نبودند و نیستند افرادی از مرد یا زن که نعمت های معنوی یا مادی همچون عقل، هوش، شجاعت، فصاحت، ثروت، زیبایی و قدرت و .... را نادرست و نابجا بکار گرفته و از آنها در راه رسیدن به اهداف شیطانی خود استفاده کرده اند ولی این دلیل نمی شود که بعضی به این خاطر، اصل آن نعمت را هم زیر سؤال برده و یا تمامی صاحبان آن نعم را مورد تحقیر و تمسخر قرار دهند. لذا شاید

ص: 221

---

1- برگرفته از سخنان حجت الاسلام و المسلمین حبیب رضا ارزانی به مناسبت ولادت حضرت فاطمه (علیها السلام)، سایت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی - ستاد هماهنگی کانون های فرهنگی هنری مساجد کشور، اخبار سه شنبه 19 بهمن 1400 و همچنین نشریات دیجیتال سایت سازمان تبلیغات اسلامی تحت عنوان: نقش حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) در دفاع از ولایت، شناسه: 740601، زمان انتشار: دوشنبه 6/27/1396.

2- عاطفی بودن زن لازمه خلقت است چون اساس خانواده که بر مهر و وفا و پیوند پی ریزی شده به عهده مادر است، زیرا مادر مبدء پیدایش و پرورش فرزندان است که هرکدام به دیگری وابسته اند، و مهمترین عاملی که بین اعضاء خانواده رافت و گذشت و ایثار را زنده می کند روح مادر در بین اعضاء خانواده است. برگرفته از زن در آئینه جلال و جمال، آیت الله جوادی آملی دام ظلّه، ص 31.

بعضی از خانم‌ها از اسلحه اشک نیز در راه درست و بجا استفاده نکنند (1) ولی آیا به این دلیل می‌توان به هر چشم‌گریانی با دید بدبینی نگریست و صاحبانش را با این گونه دلایل واهی تحقیر نمود؟! پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ فرمودند:

«ما أكرم النساء إلا كريم ولا أهانهن إلا لئيم» (2) یعنی «بزرگ مردان زنان را گرامی می‌شمارند و فرومایگان زنان را حقیر و خوار می‌دارند».

خصوصاً بعضی از آقایانی که به زنی ظلم می‌کنند و به این بهانه‌ها با قساوت به آه و اشک او نیز توجّهی نمی‌کنند، بدانند که آنها نیز در واقع به طریقی می‌خواهند پیرو کسانی باشند که پس از رحلت پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ، دوباره نگاهشان نسبت به زن تقریباً به دوران جاهلیت برگشت؟! (3)

آیا این افتخار است که عده‌ای می‌خواهند در

ص: 222

1- . البته بانوان نیز باید خود را بازیچه دست شیطان نکنند و از این اسلحه در راه رسیدن به قرب الهی بهره بگیرند نه رسیدن به آمال بی‌ارزش و زودگذر دنیوی زیرا ذات اقدس اله سرمایه رقت قلب و احساس را برای آن نداده تا انسان در اثر چشم و هم‌چشمی برای مظاهر دنیا و لباس و زیور گریه کند چون حیف است انسان این اسلحه را بی‌جا مصرف کند. برگرفته از زن در آئینه جلال و جمال، آیت الله جوادی آملی دام‌ظله، ص 225.

2- . نهج الفصاحة، ص 303، ح 2040.

3- . بعضی از آیات قرآن کریم در ارتباط با اتفاقات همان عصر است مثلاً در آن زمان به زنی ظلم شد و بعدش به پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ آیه نازل شد که حق این زن گرفته شود. لذا عبدالله بن عمر می‌گوید ما تا زمانی که پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ زنده بود می‌ترسیدیم زنان خود را بزنیم چون می‌ترسیدیم آیه نازل شود. این جمله خودش نشان از آن است که بعد از رحلت پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ دوباره در مورد زن یک نگاه تقریباً شبیه نگاه عصر جاهلی در جامعه شکل گرفت و این بار تئوریزه نیز شد و با بحث‌های یونانی و رومی خودش را محکم کرد و به عنوان یک امر اندیشه‌ای و علمی خود را مطرح نمود. با این توضیح که در طول تاریخ اسلام تا حدود قرن 3، 4 اتفاقات مهمی افتاده، یکی از آنها نهضت ترجمه است که در زمان منصور عباسی شکل می‌گیرد. در این نهضت کتاب‌های ارسطو و افلاطون یعنی یونانی‌ها و رومی‌ها و ایرانی‌ها (البته ایرانی‌ها نسبت به یونانی‌ها و رومی‌ها، نگاه بهتری به زن داشتند) را وارد پایگاه حکومت اسلامی کردند و شروع به ترجمه این آثار نمودند و به تبع مؤلفه‌های زن ستیزانه آنان را نیز وارد اسلام کردند. شما اگر در کتب یونانی‌ها، دیدگاه ارسطو در مورد زن را بررسی کنید، مشاهده خواهید کرد همین افکار و روایاتی که الآن منتسب به اهل بیت علیهم السلام است، در یونان وجود داشته و آنان به زن نگاه فرودستی داشتند. در دوران مأمون بیت الحکمة ایجاد شد که مؤسسه‌ای عریض و طویل با کارمندان بسیار زیاد بود و در آنجا همان آثار یونانی‌ها را می‌آوردند و ترجمه می‌کردند و بعد از آن شما می‌بینید که متأسفانه کم‌کم اسم افلاطون و ارسطو و... برداشته می‌شود ولی دیدگاه‌های آنها باقی می‌ماند و عده‌ای در بصره و کوفه از همین دیدگاه‌ها استفاده می‌کنند. طبق بررسی دقیقی که آقای خویترینبل (حدیث‌پژوی بسیار قدر و توانایی که تاریخ‌گذاری حدیث را کار می‌کند) انجام داده، روایات زن ستیزانه را عمدتاً بصره ایجاد کرده و کوفه رشدش داده. و عمدتاً هم ابن مسعود در این‌ها نقش داشته. لذا بعد از رحلت رسول اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ یکسری اتفاقات مهم و از جمله نهضت ترجمه در تاریخ اسلام رخ داد که باعث شد فضای جامعه و سیاست، فضایی ضد زن شود و یکسری دیدگاه‌های زن ستیزانه وارد جامعه اسلامی شود، و از طرفی هم چون فاصله‌چندانی با

عصر جاهلیت نداشتیم و متأسفانه هنوز آثار و ریشه های جاهلی کاملاً از بین نرفته بود، زمینه کاملاً برای این گونه عقاید فراهم شد و روایاتی با تعبیراتی پیرامون مذمت و تحقیر زنان در بصره ایجاد و از آنجا خارج گردید که نمایانگر سابقه وجود این تعبیرات در فرهنگ عمومی و ادبیات عصر جاهلی است و کوفیان نیز آنها را ترویج دادند و به این شکل رجعت جاهلیت در این مورد اتفاق افتاد. برگرفته از سخنان خانم دکتر ناهید طیبی (که هجده سال شاگرد آیت الله جوادی آملی دام ظلّه بوده و دانش آموخته دکتری رشته اهل بیت علیهم السلام در مجتمع عالی بنت الهدی جامعه المصطفی العالمیه قم، و استاد دانشگاه می باشند) کارشناس برنامه سوره، فصل نهج البلاغه، موضوع: عدالت جنسیتی در نهج البلاغه، دبیر و مجری برنامه: آقای مسعود دینانی، تهیه شده: گروه فرهنگ و اندیشه شبکه 4 سیما، تاریخ پخش: 26/1/1401 - و برگرفته از پژوهشنامه خانم دکتر ناهید طیبی، موضوع: رابطه روایت "النِّسَاءُ عَنِّي وَعَوْرَةٌ" و وجوب حجاب شرعی تا قرن پنجم، پژوهشنامه علوم حدیث تطبیقی، سال هشتم، شماره 14، بهار و تابستان 1400، ص 93 تا 135 (خصوصاً ص 118، کوفیان و بصریان مروج روایت النِّسَاءُ عَنِّي وَعَوْرَةٌ)، سایت جامعه المصطفی العالمیه، مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث.

را نیز سفید کنند؟! چرا که تاریخ می گوید حزن و گریه زن حتی آنان را نیز تحت تأثیر قرار

ص: 223

1- . حضرت زینب علیها السلام در روز عاشورا وقتی به نزد برادرش آمد و دید که عمر سعد با جمعی از یارانش به حضرت نزدیک شده اند و برادرش در حال جان دادن است فرمود: «أَيُّ عُمَرُ! أَيُّ قَتْلُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ وَأَنْتَ تَنْتَظِرُ إِلَيْهِ؟» ای عمر سعد آیا ابا عبدالله علیه السلام می کشند و توبه او نگاه می کنی؟ عمر سعد صورت خود را برگردانید و اشک هایش بر روی ریشش جاری بود. مقتل مقرر، ص 333 از کامل، ابن اثیر، ج 4، ص 32، برگرفته از لمعات الحسین، علامه آیت الله حاج سید محمد حسین حسینی طهرانی رحمه الله، ص 94. همچنین قال أبو الحسن الأخفش في شرح الكامل: «وقد كانت تخرج الى البقيع كل يوم ترثيه، تحمل ولده [العباس] عبيد الله، فيجتمع لسماع رثائها أهل المدينة وفيهم مروان بن الحكم فيكون لشجى الندبة» یعنی «حضرت ام البنین علیها السلام هر روز به همراه عبیدالله فرزند حضرت عباس علیه السلام به بقیع می آمد و برای فرزندش عباس علیه السلام نوحه سرایی می کرد و مردم مدینه که در میان آنان مروان بن حکم نیز بود به منظور شنیدن نوحه او جمع می شدند و به سبب جانسوز بودن نوحه سرایی او همگی اشک می ریختند». شرح الأخبار في فضائل الأئمة الأطهار عليهم السلام، ج 3، ص 186 برگرفته از ام البنین نماد از خود گذشتگی، محمد رضا عبد الامیر انصاری، ترجمه موسی دانش، ص 31 همچنین شبیه این حدیث نیز در بحار الانوار، ج 45، ص 40 ذکر گردیده «تَخْرُجُ إِلَى الْبَقِيعِ فَتَنْدُبُ بَنِيهَا أَشَجَى نُدْبَةً وَأَحْرَقَهَا- فَيَجْتَمِعُ النَّاسُ إِلَيْهَا يَسْمَعُونَ مِنْهَا- فَكَانَ مَرْوَانَ يَجِيءُ فِيمَنْ يَجِيءُ لِدَلِكِ- فَلَا يَزَالُ يَسْمَعُ نُدْبَتَهَا وَبَيْكِي».

داده و اشک آنان را نیز جاری ساخته. البته هر چند که باز هم حبّ دنیا در دلشان مانع از بازگشتشان به راه حق و حقیقت بوده ولی لااقل دیگر اشک زنان مظلوم را به تمسخر نگرفته و تحقیر ننمودند. لذا این گونه آقایان واقعاً باید مواظب باشند تا کاری نکنند که زن با همین سلاح کارآمد و بُران شکایت ظلم آنان را به درگاه الهی برَد. (1)

ص: 224

---

1- . رسول اکرم صَ لَمَّى اللّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ فرمودند: «اتَّقُوا دَعْوَةَ الْمَظْلُومِ وَإِنْ كَانَ كَافِرًا فَإِنَّهَا لَيْسَ دُونَهَا حِجَابٌ» یعنی «از نفرین مظلوم بترسید اگر چه کافر باشد، زیرا در برابر نفرین مظلوم، حجاب و مانعی نیست». نهج الفصاحه، ص 164، ح 48.



## سؤال بیست و چهارم:

آیا فقط خانه دار بودن زن مورد تأیید اسلام است؟ به طور کلی نظر اسلام نسبت به اشتغال و استقلال مالی زنان چیست؟

پاسخ:

اولاً - بزرگترین وظیفه زن، کوشش در انجام وظایف شوهرداری و تربیت صحیح و اسلامی فرزندان است. (1)

امام خمینی رحمه الله می فرمودند:

«خانه را دست کم نگیرید. تربیت بچه ها کم نیست. اگر کسی بتواند یک نفر را تربیت کند خدمت بزرگی به جامعه کرده است. (2)

ایشان به نوة دختری خود که از شیطنت بچه اش گله می کرد، می فرمودند:

«من حاضرم ثوابی را که تو از تحمل شیطنت حسین می بری، با ثواب تمام عبادات خودم عوض کنم». (3)

خانه داری و شوهرداری و بچه داری ممکن است نفع اقتصادی نداشته باشد (4)

ولی از نظر اسلام کاری بسیار با ارزش است و پاداش اخروی آن نیز وصف ناشدنی است تا جایی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

ص: 225

1- استفتائات حضرت امام خمینی رحمه الله، ج 3، مبحث: خدمات اجتماعی زنان، ص 348، پاسخ س 11 و مبحث حقوق اولاد، ص 233، پاسخ س 8.

2- پا به پای آفتاب، گردآوری و تدوین امیر رضا ستوده، جلد 1، ص 172.

3- همان مدرک، ص 107.

4- البته هر چند که شرعاً می تواند همراه با نفع اقتصادی نیز باشد مثلاً با شرایطی در مقابل خدماتی که در منزل انجام داده اجرة المثل دریافت نماید. برگرفته از استفتائات حضرت امام خمینی رحمه الله، ج 3، مبحث: مهریه، ص 179، پاسخ س 5 و مبحث: حق حضانت و بچه داری، پاسخ س 22 بند 3 - مبحث اشتغال زنان، پاسخ به س 30. همچنین مادر شرعاً می تواند حتی برای شیر دادن به طفل خود از شوهر اجرت دریافت نماید. برگرفته از تحریر الوسیله، سید روح الله موسوی خمینی رحمه الله، ج 2، مبحث القول فی احکام الولادة و ما یلحق بها، ص 449، م 12 و ترجمه تحریر الوسیله، سید محمد باقر موسوی همدانی رحمه الله، ج 4، مبحث گفتار در احکام ولادت و ملحقات آن، ص 111، م 12.

1- . مستدرک الوسائل، ج 8، ص 8، ح 5- در مورد اینکه چرا فرمودند: جهاد زن خوب شوهر داری کردن است؟ و چرا فرمودند جهاد مرد هم خوب زن داری کردن است؟! این طور پاسخ داده شده که عبادات دو نوعند: نوع اول عباداتی که در امتداد عزت ظاهری انسان است، یعنی با انجام آنها انسان احترام و عزت پیدا می کند و اعتماد مردم را جلب می کند مثلاً شما که نماز بخوانید نزد مردم عزت پیدا می کنید و اعتماد آنها را جلب می کنید. نوع دوم بعضی عباداتی است که خلاف جهت عزت ظاهری می باشد. و در واقع برای اطاعت امر خدا باید پا روی نفس گذاشت و این آسان نیست. عیناً مانند جریان ابلیس که 6000 هزار سال نماز خوانده است و هر چه هم نماز خوانده باشد عزیزتر و محترم تر شده است و همشسین با فرشتگان شده. ولی حاضر نشد سجده ای که زمان زیادی هم نمی خواست را انجام دهد و با هوای نفس خود مخالفت نمود، 6000 سال عبادت، برای ابلیس راحت تر بود از یک سجده برای آدم. رعایت کردن وظایف مرد برای همسرش نیز، از نوع عبادت 6000 ساله است ولی اطاعت زن از شوهر از نوع عبادت دومی است. چون قرآن کریم در سوره نساء آیه 34 می فرماید: «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» یعنی مرد سرپرست خانواده است و همچنین در سوره تحریم آیه 6 می فرماید: «قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ نَارًا» که معنای آیه از اینکه می فرماید خانواده خود را هم از آتش جهنم حفظ کنید، طبق روایت امام صادق علیه السلام این است که باید خانواده خود را با امر به خوبی ها و نهی از بدی ها از آتش جهنم حفظ کرد «كَيْفَ بَقِيَهُنَّ قَالَ تَأْمُرُوهُنَّ وَ تَنْهَوْنَهُنَّ» (من لایحضره الفقیه، ج 3، ص 442، ح 4533). این وظیفه مرد یعنی سرپرستی و حرف آخر را زدن و افراد خانواده خود را امر به خوبی ها و نهی از بدی ها کردن، از نوع اول عبادات است و در امتداد عزت انسان است و نفس هم از امر و نهی کردن و سرپرستی نمودن لذت می برد ولی پذیرفتن و زیربار رفتن این سرپرستی و امر و نهی مرد، برای زن مثل دواى تلخ خوردن است و به ظاهر خلاف عزت نفس انسان است و پذیرش آن برای نفس آسان نیست، که البته بدون تحمل این سختی زن به اجر جهاد و عزت واقعی و بالاترین درجه قرب الهی که همان مقام بندگی است، نخواهد رسید. اگر زن در زندگی به خاطر اطاعت دستور پروردگار، این قوامیت شوهر را پذیرفت و از امر و نهی او اطاعت نمود، عبادتش از نوع دوم عبادات می شود چون مخالفت با هوای نفس نموده. به همین دلیل اطاعت زن جهاد است اما مسئولیت آقایان جهاد نیست. بلکه این اطاعت برای زن، جهاد اکبر است و از جهاد آقایان در جنگ نیز که جهاد اصغر بالاتر است. چون پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ فرمودند که جهاد با نفس بالاتر از جهاد در جنگ است «مَرْحَبًا بِقَوْمٍ فَضَّوْا الْجِهَادَ الْأَصْغَرَ وَ بَقِيَ عَلَيْهِمُ الْجِهَادُ الْأَكْبَرُ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَا الْجِهَادُ الْأَكْبَرُ قَالَ جِهَادُ النَّفْسِ» (أمالي الصدوق، مجلس 71، ص 466، ح 8). برگرفته از سخنان آیت الله حائری شیرازی رحمه الله به نقل از سایت پایگاه نشر آثار و اندیشه های حضرت آیت الله حائری شیرازی رحمه الله، موضوع: درس اخلاق، جلسه یازدهم، در مسجد امیرالمومنین علیه السلام و همچنین سایت کانون فرهنگی بانو امین رحمه الله، سلسله نشست های زن در اسلام، جلسه دوم، پاسخ های آیت الله حائری شیرازی به اساتید حوزه و دانشگاه در تاریخ 8/10/93 با موضوع «زن در اسلام» در مسجد امیرالمومنین علیه السلام (شهرک شهید محلاتی) و همچنین تفسیر نمونه، آیت الله مکارم شیرازی دام ظلّه، چاپ سی و ششم، ذیل آیه 34 سوره نساء، ص 469.

و همچنین فرمودند:

«ما من امرأة دهنت رؤوس أولادها. و سرحت شعورهم. و غسلت ثيابهم. و قتلت قملهم. إلا كتب الله لها - بكل شعرة - حسنة. و محاسنها - بكل شعرة - سيئة»<sup>(1)</sup> یعنی «زنی که سر فرزندان خود را روغن مالی می کند و موهای سر فرزندان خود را شانه می کند. و لباس های فرزندان خود را می شوید و به نظافت فرزندان خود رسیدگی نموده و آنها را تمیز می نماید خدای متعال در نامه اعمال چنین زنی - به عدد هر تار موئی - حسنه ای می نویسد و - به عدد هر تار موئی - گناهی از او را محو می فرماید».

حتی برای دوران بارداری و زایمان و شیردهی زن نیز پاداش های بسیار بزرگی منظور گردیده. برای نمونه:

پیامبر صَلَّی اللهُ عَلَيْهِ وَ آٰلِهِ وَ سَلَّمَ به حواء عطاره فرمودند:

ص: 227

---

1- . عوالم علوم سیده النساء علیها السلام و مستدرکاتها، ج 1، ص 523 به نقل از سایت تبیان تحت عنوان: مادر نمونه مسلمان.

«مَا مِنْ امْرَأَةٍ تَحْمِلُ مِنْ زَوْجِهَا وَلَدًا إِلَّا كَانَتْ فِي ظِلِّ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ حَتَّى يُصِيبَهَا طَلْقٌ يَكُونُ لَهَا بِكُلِّ طَلْقَةٍ رَقَبَةٌ مُؤْمِنَةٌ فَإِذَا وَضَعَتْ حَمْلَهَا وَأَخَذَتْ فِي رَضَاعِهِ فَمَا يَمَضُّ الْوَلَدُ مِصَّةً مِنْ لَبَنِ أُمِّهِ إِلَّا كَانَ بَيْنَ يَدَيْهَا نُورًا سَاطِعًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ يُعْجِبُ مَنْ رَأَاهَا مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ وَكُتِبَتْ صَائِمَةً قَائِمَةً وَإِنْ كَانَتْ مُفْطِرَةً كُتِبَ لَهَا صِيَامُ الدَّهْرِ كُلِّهِ وَقِيَامُهُ فَإِذَا فَطَمَتْ وَلَدَهَا قَالَ الْحَقُّ جَلَّ ذِكْرُهُ يَا أَيَّتُهَا الْمَرْأَةُ قَدْ غَفَرْتُ لَكَ مَا تَقَدَّمَ مِنَ الذُّنُوبِ فَاسْتَأْنِفِي الْعَمَلَ رَحِمَكَ اللَّهُ»<sup>(1)</sup> یعنی «زنی که از شوهرش باردار می‌گردد (تا هنگام زایمان) زیر سایه خدای متعال قرار دارد و وقتی که درد زایمان می‌گیرد برای هر دردی که می‌کشد ثواب آزاد کردن بنده مؤمنی را خواهد داشت و پس از بدنی آمدن فرزند، وقتی به او شیر می‌دهد خدای متعال برای هر بار مکیدن نور درخشانی در روز قیامت به او عنایت می‌فرماید و درخشش این نور همگان را به تعجب و خواهد داشت و خدای متعال این زن را جزء زنانی که روزها را روزه و شبها را به شب زنده داری مشغول بودند، به شمار خواهد آورد و ثواب روزه و اجر شب زنده داری یک عمر را در نامه عمل او خواهد نوشت و آن هنگام که به فرزندش شیر می‌دهد خدای متعال به او می‌فرماید: ای زن گناهان گذشته تو آمرزیده شد، پس زندگی را از نو شروع کن و خدای عز و جل تو را مورد رحمت خود قرار داده است».

همچنین فرمودند:

ص: 228

1- . مستدرک الوسائل، ج 14، ص 245، ح 2 و ج 15، ص 156، ح 1 برگرفته از سایت تبیان، تحت عنوان: مادر نمونه مسلمان.

«إِذَا هِيَ حَمَلَتْ كَتَبَ اللَّهُ لَهَا أَجْرَ الصَّائِمِ الْقَائِمِ فَإِذَا أَخَذَهَا الطَّلِقَ لَمْ يَدْرَ مَا لَهَا مِنَ الْأَجْرِ إِلَّا اللَّهُ الْوَاحِدَ الْقَهَّارَ فَإِذَا وَضَعَتْ كَتَبَ اللَّهُ لَهَا بِكُلِّ مِصَّةٍ يَعْنِي مِنَ الرِّضَاعِ حَسَنَةً وَمَحِي عَنْهَا سَيِّئَةٌ وَقَالَ النَّفْسَاءُ إِذَا مَاتَتْ مِنَ النَّفَاسِ جَاءَتْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِغَيْرِ حِسَابٍ لِأَنَّهَا تَمُوتُ بِغَمِّهَا» (1) یعنی «هنگامی که زنی باردار می شود خدای متعال در نامه عمل او ثواب شخصی را که روزها را روزه و شب ها را به شب زنده داری مشغول است می نویسد و هنگامی که درد زایمان می گیرد هیچ شخصی غیر از خدای متعال مقدر و اندازه اجر و ثواب او را نمی داند و هنگامی که فرزند خود را شیر می دهد برای هر مکیدنی حسنه ای (در نامه عمل او) ثبت می شود و گناهی از او پاک می گردد و اگر زن در حال نفاس (خونریزی بعد از زایمان) بمیرد روز قیامت بدون حساب می آید (گناهانش بخشیده شده و بدون حساب به بهشت می رود) چون با ناراحتی و اندوه فوت کرده».

و باز فرمودند:

«يَا أُمَّ سَلَمَةَ إِنَّ الْمَرْأَةَ إِذَا حَمَلَتْ كَانَ لَهَا مِنَ الْأَجْرِ كَمَنْ جَاهَدَ بِنَفْسِهِ وَ مَالِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَإِذَا وَضَعَتْ... فَإِذَا أَرْضَعَتْ فَلَهَا بِكُلِّ رَضْعَةٍ تَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مِنْ وُلْدِ إِسْمَاعِيلَ» (2) یعنی «ای ام سلمه! زنی که باردار می شود اجر و ثواب او مانند شخصی است که با جان و مال خود در راه خدا جهاد می نماید و پس از آن که وضع حمل نمود.... برای هر باری که فرزندش را شیر می دهد ثواب آزاد کردن فرزندی از فرزندان در بند حضرت اسماعیل علیه السلام را خواهد داشت».

و باز ایشان فرمودند:

ص: 229

---

1- . عوالي اللآلی، ج 3، ص 292، ح 54 و دعائم الإسلام، ج 2، ص 191، ح 690 برگرفته از سایت تبیان، تحت عنوان: مادر نمونه مسلمان.

2- . الأمالی للطوسي، ص 619، ح 9 برگرفته از سایت تبیان، تحت عنوان: مادر نمونه مسلمان.

«لِلْمَرْأَةِ مَا بَيْنَ حَمْلِهَا إِلَى وَصْفِ عَمَلِهَا إِلَى فِطَامِهَا مِنَ الْأَجْرِ كَالْمَرْأَةِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَإِنْ هَلَكَتْ فِيمَا بَيْنَ ذَلِكَ كَانَ لَهَا مِثْلُ مَنْزِلَةِ الشَّهِيدِ» (1)

یعنی «هنگامی که زنی باردار می شود از هنگام بارداری تا وقتی که زایمان نماید و تا پایان دوران شیردهی به فرزند مانند مجاهدی است که در راه خدا جهاد می نماید و چنانچه در این مدت از دنیا برود ثواب و اجری مانند شهید به او داده خواهد شد» (2).

و خلاصه اینکه پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ فرمودند:

«الْجَنَّةُ تَحْتَ أَقْدَامِ الْأُمَّهَاتِ» (3) یعنی «بهشت زیر پای مادران است».

البته از نظر اسلام خانه داری و انجام کارهای خانه بر زن واجب نیست (4) ولی برای انجام دهنده آن اجر عظیمی در نظر گرفته شده. از جمله اینکه رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ می فرماید:

ص: 230

- 1- من لا يحضره الفقيه، ج 3، ص 561، ح 4926 - مكارم الأخلاق، ص 234 - برگرفته از سایت تبیان، تحت عنوان: مادر نمونه مسلمان.
- 2- البته در مكارم الأخلاق، ص 238 در این روایت به جای «لَهَا مِثْلُ مَنْزِلَةِ الشَّهِيدِ»، چنین آمده: «فلها أجر شهيد». یعنی نه اینکه اجرش مشابه اجر شهيد باشد بلکه اجر شهيد دارد.
- 3- مستدرک الوسائل، ج 15، ص 180، ح 4 برگرفته از سایت تبیان، تحت عنوان: مادر نمونه مسلمان.
- 4- امام خمینی رحمه الله در این خصوص می فرماید: «لا يتحقق النشوز بترك طاعته فيما ليست بواجبة عليها، فلو امتنعت من خدمات البيت و حوائجه التي لا تتعلق بالاستمتاع من الكنس أو الخياطة أو الطبخ أو غير ذلك حتى سقى الماء و تمهيد الفراش لم يتحقق النشوز» یعنی «نشوز در زن (که عبارت است از خروج او از اطاعت شوهر در اموری که بر زن واجب است) به واسطه ترک کارهایی که انجام آنها بر زن واجب نیست تحقق نمی یابد؛ پس اگر زن از امور منزل و حوائج مرد که به امور جنسی بین آنها ارتباط ندارد، از قبیل جارو کردن یا خیاطی یا غذا پختن یا غیر اینها، حتی آب دادن و پهن کردن رختخواب، خودداری نماید نشوز تحقق پیدا نمی کند» (تحریر الوسيلة، ج 2، کتاب النکاح، القول فی النشوز، ص 442). بنابراین معلوم می گردد که به فتوای امام خمینی رحمه الله انجام هیچ یک از کارهای منزل واجب شرعی زنان نیست. برگرفته از پرتال امام خمینی رحمه الله، کد مطلب: 42053، تحت عنوان: انجام کارهای منزل بر دوش چه کسی است؟ به فتوای امام رحمه الله وظیفه شرعی زن است یا شوهر؟.

«أَيُّمَا امْرَأَةٍ رَفَعَتْ مِنْ بَيْتِ زَوْجِهَا شَيْئاً مِنْ مَوْضِعٍ إِلَى مَوْضِعٍ تُرِيدُ بِهِ صَاحِباً نَظَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهَا وَ مَنْ نَظَرَ اللَّهُ إِلَيْهِ لَمْ يُعَذِّبْهُ» (1) یعنی «هر زنی در خانه شوهر برای اصلاح، چیزی را جا به جا کند خدای عز و جل به او نظر کند و هر که خدا به او نظر کند عذابش نکند».

و نیز فرمودند:

«أَيُّمَا امْرَأَةٍ خَدَمَتْ زَوْجَهَا سَبْعَةَ أَيَّامٍ غَلَقَ اللَّهُ عَنْهَا سَبْعَةَ أَبْوَابِ النَّارِ وَ فَتَحَ لَهَا ثَمَانِيَةَ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ تَدْخُلُ مِنْ أَيْنَمَا شَاءَتْ» (2) یعنی «هر زنی هفت روز به همسرش خدمت کند خدا هفت در جهنم را به روی او ببندد و هشت در بهشت را به رویش باز کند، از هر دری که بخواهد وارد بهشت شود».

و همچنین فرمودند:

«مَا مِنْ امْرَأَةٍ تَسْقِي زَوْجَهَا شَرْبَةً مِنْ مَاءٍ إِلَّا كَانَ خَيْرًا لَهَا مِنْ عِبَادَةِ سَنَةِ صِيَامِ نَهَارِهَا وَ قِيَامِ لَيْلِهَا وَ يَنْبِي اللَّهُ لَهَا بِكُلِّ شَرْبَةٍ تَسْقِي زَوْجَهَا مَدِينَةً فِي الْجَنَّةِ وَ غَفَرَ لَهَا سِتِّينَ حَطِيئَةً» (3) یعنی «هر زنی که همسرش را سیراب کند به جرعه آبی، ثواب عبادت يك سال نماز و روزه و شب زنده داری برایش باشد و برای هر شربت آبی که به شوهرش داده خدا شهری در بهشت برای او بنا کند و شصت گناه او را ببامرزد».

ضمناً تذکر این نکته لازم است که گر چه در دین اسلام زن از نظر کار کردن در خانه وظیفه ای در قبال شوهر بر عهده ندارد و خود امام خمینی رحمه الله نیز تا آخر عمر رفتارشان با همسرشان این طور بود که هرگز به ایشان نمی گفتند «فلان کار را برای

ص: 231

1- . أمالي الصدوق، ص 411، مجلس شصت و چهارم، ح 7.

2- . إرشاد القلوب إلى الصواب، ج 1، ص 175، الباب الحادي والخمسون في أخبار عن النبي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ وَ الأئمة الأطهار عليهم السلام . . . . .

3- . وسائل الشيعة، ج 20، ص 172، باب استحباب خدمة المرأة زوجها، ح 25343.

من انجام بده» و یا حتی «یک چای برای من بریز» و حتی هرگز نگفتند «یک لیوان آب به من بده»، (در حالی که خودشان مکرراً این کار را برای خانمشان انجام می دادند و در کارهای منزل کمک نیز می کردند) و به پسر و نوه هایشان نیز القا می کردند که از نشان انتظار کار نداشته باشند و اگر آنان کار کردند در واقع محبت کرده اند. اما از طرفی به دخترها نیز توصیه می کردند که کار کنند و در ابتدای عقد نصیحت می کردند که «سعی کنید با هم رفیق باشید». (1)

همچنان که حضرت فاطمه زهرا علیها السلام که «سیده نساء العالمین» است نیز با داشتن چند بچه نسبتاً کوچک، در خانه سخت کار می کرد (2) و حتی زمانی هم که فضه به ایشان خدمت می نمود، به توصیه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم کارهای خانه را تقسیم کرده بودند و یک روز فضه خادمه در منزل کار می کرد و یک روز هم حضرت زهرا علیها السلام. (3)

ص: 232

1- . برگرفته از پا به پای آفتاب، گردآوری و تدوین امیر رضا ستوده، جلد 1، ص 97 و 103 و 170 و 173.

2- . حضرت علی علیه السلام در این باره می فرمایند: «أَنَّهَا اسْتَمَّتْ بِالْقُرْبَةِ حَتَّى أَثَّرَ فِي صَدْرِهَا وَطَحَنَتْ بِالرَّحَى حَتَّى مَجِلَتْ يَدَاهَا وَكَسَّحَتْ الْبَيْتَ حَتَّى اغْبَرَّتْ ثِيَابُهَا وَأَوْقَدَتِ النَّارَ تَحْتَ الْقَدْرِ حَتَّى دَكِنَتْ ثِيَابُهَا فَأَصَابَهَا مِنْ ذَلِكَ ضَرَرٌ شَدِيدٌ فَقُلْتُ لَهَا لَوْ أَتَيْتِ أَبَاكَ فَسَأَلْتِيهِ خَادِمًا يَكْفِيكَ ضَرًّا مَا أَنْتَ فِيهِ مِنْ هَذَا الْعَمَلِ» یعنی «فاطمه) با مشک به قدری آب می آورد که اثر آن در سینه اش بجای ماند، به قدری آسیا کرد که دستهایش پینه بستند، به قدری خانه را جاروب می کرد که لباس هایش غبار آلود می شد، به قدری در زیر دیگ آتش می افروخت که لباس هایش چرک می شد، او بدین جهات دچار زحمت و مشقت شدیدی شده بود. يك وقت به ایشان گفتم: کاش پیش پدرت پیغمبر خدا می رفتی و از آن حضرت تقاضا می کردی که يك خادمی برای عطا کند تا معین و کمک تو باشد؟» و در ادامه می فرمایند که پیامبر به ایشان تسبیح حضرت زهرا علیها السلام را آموخت. بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج 43، ص 83 برگرفته از بانوی نمونه اسلام فاطمه زهرا علیها السلام، ابراهیم امینی، مبحث: در خانه ولایت، ص 97 و جایگاه بانوان در اسلام، آیت الله العظمی حسین نوری همدانی دام ظلّه، ص 138.

3- . سلمان فارسی می گوید: «كَانَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ جَالِسَةً قُدَّامَهَا رَحَى تَطْحَنُ بِهَا الشَّعِيرَ وَعَلَى عَمُودِ الرَّحَى دَمٌ سَائِلٌ وَالْحُسَيْنُ فِي نَاحِيَةِ الدَّارِ يَتَضَوَّرُ مِنَ الْجُوعِ فَقُلْتُ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ دَبَّرْتَ كَفَّالِكِ وَهَذِهِ فَضَةٌ فَقَالَتْ أَوْصَانِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ أَنْ تَكُونَ الْخِدْمَةَ لَهَا يَوْمًا فَكَانَ أَمْسَ يَوْمِ خِدْمَتِهَا» یعنی «حضرت فاطمه علیها السلام نشسته بود و با آسیایی که در مقابلش بود جو آسیا می کرد و دسته آسیا خون آلود بود، و در این حال حسین در گوشه اطاق از گرسنگی بی قراری می کرد. من به فاطمه علیها السلام گفتم: ای دختر رسول خدا! پوست دستان شما مجروح شده در صورتی که خادمة شما فضّه حاضر و بیکار است. فاطمه علیها السلام گفت: رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ به من توصیه کرده که کار منزل يك روز به عهده من باشد و يك روز به عهده او، و نوبت کار او دیروز بوده است». بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج 43، ص 28 برگرفته از چشمه در بستر، مسعود پور سید آقایی، مبحث: انصاف زهرا علیها السلام، ص 240.



البته مقررات حقوقی و موازین اخلاقی چه در کانون خانواده و چه در عرصه زندگی، هر یک نقش و ارزش خود را دارد، و ازدواج و زندگی مشترک نیز که در یک قالب شرعی و مسؤولیت و تعهد متقابل شکل گرفته و آغاز می شود، در سایه محبت و دلدادگی، سجایای اخلاقی زن و مرد و مدارا و گذشت آنان است که شیرین و پر ثمر و قابل پذیرش و بادوام می گردد و برای رسیدن به آرامش و آسایش و سعادت و موفقیت در زندگی مشترک، انجام مسؤولیت زن و مرد در امور منزل نیز، باید با توجه و اهتمام به فضیلت ها و ارزش های اخلاقی صورت پذیرد. (1)

ثانیاً - در اسلام به طور کلی اشتغال و فعالیت بانوان چه در داخل منزل یا خارج منزل باشد و چه جنبه اقتصادی داشته یا نداشته باشد، جایز است و اشکالی ندارد. البته در صورتی که حدود اسلامی مراعات گردد. (2)

خانم فاطمه طباطبایی عروس امام خمینی رحمه الله در این رابطه می فرماید: امام بارها از دست کسانی که نظرات ارتجاعی داشتند، نالیدند. البته ممکن است برخی از آن افراد، عمدی در کارشان نبوده باشد اما امام اعتقادشان بر این بود که بعضی از آنها عامدانه این عقاید را القا می کنند. یاد می آید در همان اوایل انقلاب، یکی از آقایانی که وجهه ای نیز

ص: 233

---

1- . برگرفته از پرتال امام خمینی رحمه الله ، کد مطلب: 42053، تحت عنوان: انجام کارهای منزل بر دوش چه کسی است؟ به فتوای امام رحمه الله وظیفه شرعی زن است یا شوهر؟.

2- . امام خمینی رحمه الله می فرمایند: «کار کردن زن در خارج از منزل با مراعات مقررات و ضوابط شرعی ممنوع نیست». استفتائات حضرت امام خمینی رحمه الله ، ج 3، مبحث: حقوق اولاد، ص 233، پاسخ به س 8 - و برگرفته از همان مدرک، مبحث: اشتغال زنان، ص 355 تا 358، پاسخ به س 28، 29، 31، 32، 33، 34.

داشت نزد امام آمده بود و گفته بود: «شما در حال حاضر قدرت زیادی دارید و هر کاری بخواهید می توانید انجام دهید. بیایید از این قدرتتان استفاده کنید و دستور بدهید تمام خانم ها از ادارات به خانه هایشان برگردند و کار نکنند». امام به دلیلی این موضوع را با من در میان گذاشتند و گفتند: «الآن فلان آقا اینجا بود و چنین خواسته ای در مورد شما زنان داشت». و بعد فرمودند: «ولی واقعاً چطور اینها متوجه نیستند؟ مگر از نظر اداره مملکت امکان دارد که فردا بگویند همه زنها در خانه بنشینند، برخی وزارتخانه ها نصف پرسنلشان زن است. اینها چون توجه به مسائل ندارند، یک مرتبه حکم می کنند».(1)

البته در قرآن کریم و روایات و تاریخ اسلام نیز نمونه هایی در مورد اشتغال زنان بیان گردیده برای مثال:

1- در قرآن کریم قضیه دختران حضرت شعیب علیه السلام بیان شده که آنها کار مراقبت از گوسفندان را به عهده داشتند و در خارج از خانه، در گوشه ای منتظر ایستاده بودند تا از آب چاه، گوسفندان را سیراب کنند(2)

و در واقع چوپانی می کردند و خدای متعال در قرآن کریم کار آنها را نهی نفرموده ولی در کنارش صفت حیا

ص: 234

---

1- . برگرفته از پا به پای آفتاب، گردآوری و تدوین امیر رضا ستوده، جلد 1، ص 174.

2- . سورة قصص، آیه 23 می فرماید: «وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةً مِّنَ النَّاسِ يَسْتَقُونَ وَوَجَدَ مِنْ دُونِهِمُ امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ قَالَ مَا خَطْبُكُمَا قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّى يُصَدِّرَ الرَّعَاءُ» یعنی «و هنگامی که به (چاه) آب مدین رسید، گروهی از مردم را در آنجا دید که چهارپایان خود را سیراب می کنند؛ و در کنار آنان دو زن را دید که مراقب گوسفندان خویشند (و به چاه نزدیک نمی شوند؛ موسی علیه السلام) به آن دو گفت: کار شما چیست؟ (چرا گوسفندان خود را آب نمی دهید؟! گفتند: ما آنها را آب نمی دهیم تا چوپان ها همگی خارج شوند». برگرفته از تفسیر نمونه، آیت الله مکارم شیرازی دام ظلّه، ج شانزدهم، چاپ بیست و سوم، ص 67.

این یعنی اشتغال و کار کردن خارج از منزل با رعایت حیا و عفاف برای زن اشکالی ندارد. (2)

2- حضرت خدیجه علیها السلام همسر پیامبر اسلام صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نیز تاجر بود و از طریق مضاربه تجارت می نمود و دامنه تجارت ایشان به مصر و حبشه نیز کشیده شده بوده و پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نیز مدتی برای ایشان کار می کردند که این خود به نوعی تأیید شغل و درآمد ایشان به حساب می آید. (3)

3- ام الحسن زنی بود که در خانه پشم ریسی می کرد و امام علی علیه السلام نه تنها کار او را منع نکردند بلکه به نوعی تأیید نیز نمودند. (4)

ص: 235

1- . «فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ» یعنی «یکی از آن دو (زن) به سراغ او آمد در حالیکه با نهایت حیا گام برمی داشت». سوره قصص، آیه 25.

2- برگرفته از سخنان حجت الاسلام محمد جواد نظافت یزدی، برنامه سمت خدا، شبکه 3 سیما، تاریخ 9/9/1401.

3- . ابو محمد عبد العزیز بن الاخضر الجنابذی الحنبلی در کتاب معالم العترة النبوية می گوید که: «كانت خديجة بنت خويلد امرأة تاجرة ذات شرف و مال تستأجر الرجال في مالها و تضاربهم ..... بعثت إليه و عرضت عليه أن يخرج في مالها تاجرا إلى الشام ... مع غلام لها يقال له ميسرة فقبله منها رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و خرج في مالها ذلك و معه غلامها ميسرة حتى قدم الشام» یعنی «خدیجه بنت خویلد زنی بود تاجر، ذات شرف و مالدار بود و مال خود را از طریق مضاربه به مردم می داد و ایشان تجارت می کردند ... خدیجه نزد آن حضرت (پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) فرستاد و به او عرض کرد که چیزی از مال خدیجه بگیرد و با آن به طرف شام تجارت نماید و غلام خودش به نام میسره را همراه او کند. آن حضرت این را قبول فرمود از مال او چیزی را گرفت و با میسره به طرف شام بیرون رفت تا به شام رسید». کشف الغمة، ج 1، ص 508 - بحار الأنوار، ج 16، ص 8 برگرفته از فروغ ابدیت، جعفر سبحانی، ج 1، فصل 9، تحت عنوان: پیشنهاد ابوطالب، ص 156 و منتهی الآمال، شیخ عباس قمی، ص 65.

4- . «أُمُّ الْحَسَنِ النَّخَعِيَّةِ قَالَتْ مَرَّ بِي أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ أَيُّ شَيْءٍ تَصَدَّقِينَ يَا أُمَّ الْحَسَنِ قُلْتُ أَعْزَلُ قَالَتْ فَقَالَ أَمَّا إِنَّهُ أَحَلُّ الْكَسْبِ» یعنی «ام الحسن می گوید: روزی امیر مؤمنان علی علیه السلام از نزد من می گذشت، به من فرمود: ای ام الحسن چه کار می کنی؟ عرض کردم: پشم ریسی می کنم. فرمود: آگاه باش که این کار از حلال ترین کسب هاست». وسائل الشیعة، ج 17، ص 237، بَابُ اسْتِحْيَاءِ الْمَرْأَةِ، ح 22417 - کافی، ج 5، ص 311، ح 3 برگرفته از سایت ویکی فقه، دانشنامه حوزوی، تحت عنوان: اشتغال زنان (فقه).

#### 4- زینب عطر فروش که از بهترین و نیکوکارترین زنان زمان خودش بود،(1)

به خانواده رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ عطر می فروخت و حتی رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ یکی از شرایط صحت بیع را نیز به او آموخت و سفارش نمود که از غش در معامله بپرهیزد.(2)

ضمناً زنان فاضل و دانشمند زیادی نیز بوده اند که اشتغال به تعلیم و تدریس و درمان و پرستاری و قابلگی و .... داشته اند که در اینجا فقط به ذکر چند نمونه از آنان اکتفا می شود:

#### 1- در روایات نمونه هایی از پاسخگویی حضرت زهرا علیها السلام، به سؤالات بانوان نقل گردیده:

امام حسن عسکری علیه السلام فرمودند: روزی زنی نزد حضرت فاطمه زهرا علیها السلام آمد و سوال پرسید و ایشان پاسخ داد، سپس آن زن سؤال دیگری مطرح کرد و حضرت پاسخ داد و به طور مرتب آن زن سؤالات دیگری را مطرح کرد تا آنکه به ده مرتبه رسید و حضرت زهرا علیها السلام بدون هیچ گونه اظهار ناراحتی و بلکه با عطف و پاسخ او را بیان می نمود. پس از آن، زن خجالت زده شد و گفت شما را خسته و ناراحت کردم، بیش از این مزاحم شما نمی شوم .... و بعد حضرت زهرا علیها السلام فرمود: من برای هر سؤال که جوابش را بگویم اجیر تو هستم و مزد و پاداش آن

ص: 236

#### 1- «[الْحَوْلَاءُ] أَحْسَنَ أَهْلِ زَمَانَةٍ». مستدرک الوسائل، ج 14، ص 240، ح 2.

2- امام صادق علیه السلام فرمودند: «جَاءَتْ زَيْنَبُ الْعَطَّارَةُ الْحَوْلَاءُ إِلَى نِسَاءِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَبَنَاتِهِ وَكَانَتْ تَبِيعُ مِنْهُنَّ الْعِطْرَ فَجَاءَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَهِيَ عِنْدَهُنَّ فَقَالَ إِذَا أَتَيْتُنَا طَابَتْ بُيُوتُنَا فَقَالَتْ بُيُوتُكَ بَرِيحُكَ أَطِيبُ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ إِذَا بَعْتِ فَأَحْسِنِي وَلَا تَغْشِي فَإِنَّهُ أَتَقَى وَابْقِي لِلْمَالِ» یعنی «زینب عطر فروش که چشمش لوچ بود (چشمش تاب و پیچ داشت) برای فروختن عطر به نزد زنان و دختران رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ آمد و در همان حال که او در نزد آنها بود رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نیز به نزد آنها آمد، حضرت به او فرمود: هرگاه تو به نزد ما می آیی خانه های ما خوشبو می شود. زینب عرض کرد: ای رسول خدا خانه های تو به بوی خودت خوشبوتر است، حضرت به او فرمود: هرگاه چیزی می فروشی خوب بفروش و غش مکن (و چیز دیگری را مخلوطش منما) که این ترتیب (خرید و فروش) برای دارائی و مال، پاک تر و برای ماندنش بهتر است. الکافی، ج 8، ص 153، ح 143 برگرفته از سایت حدیث نت، احادیث داستانی، منبع: دانشنامه قرآن و حدیث، ج 17، ص 218.

نزد خداوند متعال به ارزشی بیش از آنچه که در این جهان است می باشد. پس اکنون آنچه می خواهی سؤال کن و برای من ناراحت مباش که از پدرم رسول الله (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) شنیدم که فرمود:

«إِنَّ

عُلَمَاءَ شِيعَتِنَا يُحْشِرُونَ فَيُخْلَعُ عَلَيْهِمْ مِنْ خِلَعِ الْكِرَامَاتِ عَلَى قَدْرِ كَثْرَةِ عُلُومِهِمْ وَجِدِّهِمْ فِي إِزْشَادِ عِبَادِ اللَّهِ...» یعنی «علماء پیرو ما، هنگامی که در روز قیامت محشور می شوند، به اندازه دانش های آنها و نیز کوشش آنها در راهنمایی بندگان خدا به آنها خلعت های کرامت داده می شود...» (1).

حتی در روایت است که زنی از طرف شوهرش از حضرت فاطمه علیها السلام سؤال مهمی را پرسید. امام حسن عسکری علیه السلام در این باره فرمودند:

آن زن پرسید که او و (شوهرش) از شیعیان فاطمه علیها السلام هستند یا خیر؟ حضرت فاطمه علیها السلام پاسخ داد:

«إِنْ كُنْتَ تَعْمَلُ بِمَا أَمْرُنَا، وَتَنْتَهِي عَمَّا زَجَرْنَاكَ عَنْهُ فَأَنْتَ مِنْ شِيعَتِنَا، وَإِلَّا فَلَا» اگر به آنچه ما امر می کنیم عمل کنید و از آنچه تو را نهی می کنیم پرهیز کنی از شیعیان ما هستی و الا خیر.

زن بازگشت و سخن فاطمه علیها السلام را به شوهرش بازگو نمود، شوهر گفت وای بر من زیرا کسی خالی از گناهان و خطاها نیست. آن زن نزد زهرا علیها السلام بازگشت و سخن شوهرش را منتقل کرد. صدیقه طاهره علیها السلام نیز برای او بیان کرد که

ص: 237

---

1- . التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن العسکری علیه السلام ، ص 340 و 341 ، ح 216 و بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج 2، ص 3 برگرفته از ریاحین الشریعة، ذبیح الله محلاتی، ج 2، ص 470، تحت عنوان: زنی که مسائلی از فاطمه علیها السلام سؤال کرد و اخباری در فضیلت آن معصومه و همچنین سایت خبرگزاری رسمی حوزه، تحت عنوان: پاداش پاسخگویی به مسائل شرعی در کلام حضرت زهرا علیها السلام و سایت پایگاه اطلاع رسانی حضرت آیت الله حسینی بوشهری دام ظلّه.

شیعیان در صورت گناهکار بودن توسط سختی ها یا شداید مرگ و قیامت و قرار گرفتن در جهنم تطهیر شده و بعد داخل در بهشت خواهند شد. (1)

2- در مورد حضرت زینب علیها السلام نیز، جزائری در خصائص ص 27 می نویسد: در ایامی که امیر المؤمنین علیه السلام در کوفه تشریف داشتند آن مکره در منزل خود مجلسی داشته که برای زنها تفسیر قرآن بیان می فرموده. (2)

3- امیمه دختر قیس ابن ابی الصلت الغفاری که علاوه بر محدثه بودن و اینکه تعدادی از تابعین شاگردش بوده اند، در جنگ ها نیز حضور داشته و یک نیروی رزمی نیز بوده و در مداوای مجروحین و تخلیه شهداء سهم مؤثر و به سزایی داشته و معلمه گروهی از زنانی بوده که در جنگ خیبر در تخلیه مجروحین و دفن شهداء همکاری می نمودند. (3)

4- نسیمه دختر کعب المازنی که در غزوات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم حضور داشته و مجروحین را مداوا می نموده و زخم های زیادی بر بدنش وارد شده بود. حتی در یکی از این جنگ ها یکی از مردان دشمن را می کشد و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به او می فرمایند:

«بَارَكَ اللَّهُ عَلَيْكَ يَا نُسَيْبَةُ» (4)

او در جنگ یمامه که بعد از ارتحال پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با مسیلمه کذاب واقع شد حضور یافت و به جنگ پرداخت و بدنش دوازده زخم برداشت و یک دست وی قطع گردید «فتعرض لي رجل فضرب يدي فقطعه» (5) و از

ص: 238

---

1- . التفسير المنسوب إلى الإمام الحسن العسكري عليه السلام، ص 308، ح 152 و بحار الأنوار، ج 65، ص 96 برگرفته از سایت مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البيت عليهم السلام، تحت عنوان: احاديث حضرت فاطمه عليها السلام: شيعه واقعي کیست؟، منبع: حکمت های فاطمی، جواد محدثی.

2- . برگرفته از ریاحین الشریعة، ذبیح الله محلاتی، ج 3، فصل دوم، تحت عنوان: مجلس تدریس و تعلیم حضرت زینب، ص 713.

3- . برگرفته از زن در آینه جلال و جمال، آیت الله جوادی آملی دام ظلّه، ص 317 تا 319.

4- . بحار الأنوار، ج 20، ص 53.

5- . همان مدرک، ص 133.

جمله بانوانی است که در روزگار ظهور امام زمان علیه السلام هم حضور می یابد و به مداوا و معالجه مجروحین جنگی در رکاب آن حضرت می پردازد. (1)

همچنین از بانوانی مانند اسماء دختر عمیس، بانوی مجاهدی که علاوه بر خدمات فرهنگی، در موقع ولادت امام حسن و امام حسین علیهما السلام برای حضرت فاطمه علیها السلام قابلگی نمود. (2) و اسماء دختر یزید بن سکن، ام ایمن، ام سلیم دختر ملحان که عبدالله بن عباس را یکی از شاگردان او به حساب آورده اند، ام درداء، ام عطیه انصاری، خوله همسر حمزه، لیلا غفاری، زینب همسر عبدالله بن مسعود، زینب ربیبه که او را از فقیه ترین زنان عصر خویش در مدینه معرفی کرده اند، را نیز می توان نام برد و بسیاری دیگر از زنان که در این مختصر حتی ذکر نام آنها نیز نمی گنجد و لذا به همین مقدار اکتفا می شود. (3)

در قرن معاصر ما نیز در اسلام بانویی فقیه و عارف و مفسر شیعی به نام سیده نصرت بیگم امین در ایران پرورش یافت که علاوه بر مجتهد بودن به تألیف کتب و پاسخ گویی به پرسش های دینی و تدریس نیز اشتغال داشت. بانو امین رحمه الله خدمات اجتماعی و فرهنگی ارزنده ای را نیز انجام داد مانند تأسیس مدرسه علمیه ای به نام مکتب فاطمه علیها السلام و چند دبیرستان دخترانه. ایشان با حکومت پهلوی علیه قانون منع حجاب نیز مبارزه نمود. همچنین این بانوی مجتهد شاکردان زیادی را نیز تربیت نمود. (4)

از جمله شاگرد برجسته ای همچون خانم زینب السادات علویه همایونی

ص: 239

- 1- . ریاحین الشریعة، ج 5، ص 82 و اعلام النساء المؤمنات، ص 625 به نقل از جایگاه بانوان در اسلام، آیت الله العظمی حسین نوری همدانی دام ظلّه، ص 131.
- 2- . اسماء دختر عمیس به امام سجاد علیه السلام فرمود: «قَبِلْتُ جَدَّتَكَ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ بِالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ». بحار الأنوار، ج 43، ص 238، ح 4 به نقل از جایگاه بانوان در اسلام، آیت الله العظمی حسین نوری همدانی دام ظلّه، ص 112.
- 3- . برگرفته از جایگاه بانوان در اسلام، آیت الله العظمی حسین نوری همدانی دام ظلّه، مبحث چهره زن در عصر پیغمبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَسَلَّمَ، ص 109 تا 145 - برای اطلاع بیشتر در این زمینه، به مجلدات کتاب ریاحین الشریعة، ذبیح الله محلاتی رجوع شود.
- 4- . برگرفته از سایت ویکی شیعه و ویکی پدیا.

که ایشان نیز از دانشمندان شیعه است و به عنوان چهره ماندگار جمهوری اسلامی ایران انتخاب شد و آیت الله خامنه ای دام ظلّه ایشان را از مفاخر جامعه زنان ایران اسلامی خواندند. (1)

در همین دوران معاصر ما که الحمدلله جمهوری اسلامی بر ایران حاکم است نیز یکی دیگر از زنان شیعه ایرانی، بانویی به نام زهره صفاتی نائل به درجه اجتهاد است. ایشان از بنیان گذاران و اساتید سطوح عالی حوزه علمیه خواهران قم نیز می باشد و از خدمات اجتماعی فرهنگی دیگر ایشان علاوه بر تألیف کتب، می توان مشاور فقهی معاون امور زنان رئیس جمهور در دولت دهم جمهوری اسلامی ایران را نیز نام برد. (2)

هم اکنون نیز در ایران اسلامی فعالیت های چشم گیر برخی بانوان دانشمند و برجسته را در زمینه های مختلف، جدّاً نمی توان نادیده گرفت، مانند علم ژنتیک، جراحی مغز و اعصاب، کشف پادتن بیماری ها و .... که برخی از این بانوان حتی در سطوح بین المللی نیز مطرح می باشند.

به طور کلی در ایران اسلامی اشتغال بانوان در مشاغل گوناگون به قدری گسترده است که اگر بخواهیم تنها عناوین این مشاغل را نام ببریم، شاید صفحات متعددی را فقط باید به نام آنها اختصاص دهیم.

خلاصه اینکه اسلام نه تنها با اشتغال بانوان، البته با رعایت حدود شرعی مخالف نیست بلکه با استقلال اقتصادی که به زن داده، به او فرصت کافی و کامل داده که خود را از نظر مال و ثروت و امکانات یک زندگی آبرومندانه از مرد مستغنی نماید (تا بتواند از آینده خود مطمئن باشد) (3) اما اکثریت قریب به اتفاق زنان به خاطر اعتمادی که به شوهران خود دارند در خانه آنها فداکاری می کنند و

ص: 240

---

1- . پیام تقدیر از خدمات علمی و قرآنی سرکار حاجیه خانم همایونی، وبسایت آیت الله خامنه ای دام ظلّه، تاریخ انتشار: 19/01/1390ش، برگرفته از سایت ویکی شیعه.

2- . برگرفته از سایت ویکی شیعه.

3- . مطلب داخل پرانتز برگرفته از کتاب پا به پای آفتاب، گردآوری و تدوین: امیر رضا ستوده، ج 1، ص 169 می باشد که از قول خانم فاطمه طباطبایی عروس امام خمینی رحمه الله است که در رابطه با نظر حضرت امام رحمه الله در مورد مهریه بیان گردیده، و البته می تواند یکی از علل اشتغال بانوان نیز باشد.



دلشان می خواهند حساب من و تو در کار نباشد و سخن من و تو در میان نباشد از این رو نیروی خود را صرف کار در خانه شوهر می کنند و حتی چنانچه مال و درآمدی نیز از خود داشته باشند با آنکه شرعاً به شخص خودشان تعلق دارد و مرد حق هیچ گونه مطالبه ای در مورد آن ندارد، باز آن را نیز در اختیار شوهر قرار داده و یا صرف مخارج زندگی مشترک می کنند در حالیکه اسلام هزینه زندگی او و فرزندانش را نیز به عهده مرد گذاشته، حتی اگر زن بی نیاز و ثروتمند باشد. اما مردان نیز باید توجه داشته باشند که «چه خوش بی مهربانی از دو سر بی» یعنی اگر بناست زن از حق شرعی خود در اندوختن مال و ثروت و تشکیل لانه و آشیانه به نام خود صرف نظر کند و نیروی کار خود را هدیه مرد نماید، مرد هم در عوض به حکم «وَإِذَا حَيَّيْتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوها»<sup>(1)</sup> یعنی «هرگاه به شما تحیت گویند، پاسخ آن را بهتر از آن بدهید یا (لااقل) به همان گونه پاسخ دهید»، باید به همان اندازه یا بیشتر به عنوان هدیه و بخشش نثار زن نماید. همچنان که در میان مردان با وفا همیشه معمول بوده و هست که در عوض فداکاری ها و خدمات صادقانه زن، اشیاء گران بها و خانه و یا مستغل دیگری به زن خود هدیه کرده اند.<sup>(2)</sup>

ص: 241

1- . سوره نساء، آیه 86 - البته امام صادق علیه السلام در عوالمی اللالی، ج 2، ص 51، ح 134 فرمودند: «أن المراد بالتحية في قوله تعالى "وَإِذَا حَيَّيْتُمْ بِتَحِيَّةٍ" السلام وغيره من البر والإحسان» یعنی «منظور از تحیت در این آیه، سلام و هر گونه نیکی و احسان کردن است». و نیز در کتاب مناقب، ج 4، ص 18 روایت است که کنیزی یک شاخه گل خدمت امام حسن علیه السلام هدیه کرد، امام در مقابل به او فرمودند: «فقال لها أنت حرة لوجه الله» تو به خاطر خدا آزادی، و هنگامی که از علت این کار سؤال کردند، فرمودند: خداوند این ادب را به ما آموخته، آنجا که می فرماید: «وَإِذَا حَيَّيْتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوها» و سپس اضافه فرمودند: تحیت بهتر آن، همان آزاد کردن اوست». برگرفته از تفسیر نمونه، آیت الله مکارم شیرازی دام ظلّه، ج 4، چاپ بیست و نهم، ص 42، ذیل آیه 86 سوره نساء.

2- . برگرفته از نظام حقوق زن در اسلام، استاد شهید مرتضی مطهری رحمه الله، بخش دهم، تحت عنوان: سوابق خدمت زن در خانواده، ص 305 تا 307. شاید بعضی چنین شبهه ای را مطرح کنند که: خود شهید مطهری رحمه الله در مقدمه این کتاب می گوید این مباحث مربوط به سال 45-46 است. یعنی حدود پنجاه و پنج سال از آن گذشته است و لذا در دوران ما که زمانه فرق کرده دیگر کاربردی نیست!! پاسخ: اولاً- نکته مهمی که قبل از هر چیز باید دانسته شود این است که به قول مقام معظم رهبری دام ظلّه شخصی مثل امام خمینی رحمه الله در مورد آثار شهید مطهری رحمه الله این تعبیر بسیار مهم را فرمودند که: «آثار قلم و زبان او بی استثناء آموزنده و روان بخش است و برای عارف و عامی سودمند است» (برگرفته از پیام امام خمینی رحمه الله، تاریخ: 9/2/1360 به نقل از جلوه های معلمی استاد مطهری، ص 14 و سخنان مقام معظم رهبری دام ظلّه، تاریخ: 1378//15/2 به نقل از بصیرت مطهر، عباس حیدرزاده، ص 42). ثانیاً- ایشان فقط یک نویسنده و یا سخنران نبودند بلکه به فرموده امام خمینی رحمه الله «متفکر و فیلسوف و فقیه عالی مقامی بودند که در اسلام شناسی و فنون مختلفه اسلام و قرآن کریم کم نظیر بودند» (برگرفته از پیام امام خمینی رحمه الله، تاریخ: 9/2/1360 به نقل از بصیرت مطهر، عباس حیدرزاده، ص 33 و جلوه های معلمی استاد مطهری، ص 13). ثالثاً- امام خمینی رحمه الله فرمودند: «او در عمر کوتاه خود اثرات جاویدی به یادگار گذاشت» (برگرفته از پیام امام خمینی رحمه الله، تاریخ: 9/2/1360 به نقل از جلوه های معلمی استاد مطهری، فصل اول، ص 13). و رمز کهنه نشدن و جاودان بودن آثار این شهید بزرگوار نیز، همان است که بارها مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه ای دام ظلّه در فرمایشات خود بیان نموده اند و آن اینکه: «شهید مطهری رحمه الله در مقابل تهاجم فرهنگ غرب و شرق ایستاد و اسلام ناب و اسلام فقاهتی را ترویج کرد و آثار ایشان مبنای فکری نظام جمهوری اسلامی ایران است و سخن او سخن حق و کلامش، کلام حکمت است و آثار آن بزرگوار مثل یاد او زنده است و کتاب هایش قابل مردن و تمام شدن نیست و هر چه از شهادت آن عزیز می گذرد آثار و برکات معنوی و فکری او ابعاد تازه تری را از خود نشان می دهد و همت او دفاع از حقایق اسلامی و

معارضه و مقابله با دشمنی هایی بوده که در عرصه فکر و اندیشه، علیه اسلام مطرح می گشته و پدیده هایی که این چنین هستند، چون تکیه بر حقیقت دارند کهنه نمی شوند» (برگرفته از سخنان مقام معظم رهبری دام ظلّه، تاریخ: 15/2/1372 و 4/2/1362 و 11/2/1370 و 9/2/1371 و 15/2/1378 و 13/2/1379 به نقل از بصیرت مطهر، عباس حیدرزاده، ص 39 و 35 و 36 و 37 و 42 و 44). همچنین آیت الله خامنه ای دام ظلّه به مناسبت روز کارگر و هفته معلم، در تاریخ: 15/2/1378 فرمودند: «امروز جوانان ما، دانشجویان ما، معلمان ما و کارگران ما اگر می خواهند در زمینه افکار اسلامی عمق پیدا کنند و پاسخ سؤالات خود را بیابند، باید به کتاب های شهید مطهری رحمه الله مراجعه کنند» (بصیرت مطهر، عباس حیدرزاده، مبحث: دفاع از حقایق اسلامی، ص 42). البته امام خمینی رحمه الله و مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه ای دام ظلّه مکرراً و با تعابیر گوناگون به همه افشار مخصوصاً جوانان دانشجوی و متفکران و نویسندگان و طلاب، مطالعه آثار شهید مطهری رحمه الله را توصیه نموده اند. حتی مقام معظم رهبری دام ظلّه آنان را به انجام کارهای تخصصی در مورد آثار این شهید بزرگوار تحریک و تشویق نموده اند و به اصحاب رسانه های گروهی به ویژه صدا و سیما برای معرفی آثار شهید مطهری رحمه الله و کار فرهنگی و هنری بر روی این آثار تأکید نموده اند (برای اطلاع بیشتر در این زمینه می توان به جلوه های معلمی استاد مطهری، ص 14 و 15 و بصیرت مطهر، فصل چهارم، ص 33 تا 35 مراجعه نمود). لذا از آنجا که دین اسلام آخرین دین است که برخاسته از حقیقت و فطرت است، بنابراین کهنه نمی شود و همیشه قابل اجرا است و طبق آیه 85 سوره آل عمران که می فرماید: «وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ» خدا بعد از آن دیگر تاقیامت غیر از آن را از بندگانش نمی پذیرد، لذا آثار این شهید بزرگوار که همان نظرات ناب و واقعی اسلام است، نیز مختص به دوره ای خاص نمی باشد و در همه زمان ها قابل اجراء و کاربردی است. ان شاء الله خدای متعال به درجات عالی این استاد ارجمند و شهید بزرگوار اسلام بیفزاید و اجر جزیل به ایشان عنایت فرماید و با شهدای کربلا محشورشان نماید.



واقعاً چنانچه اکثریت مردان، چه آنها که می توانند و چه آنهایی که نمی توانند و در طول زندگی مشترک به توان مالی می رسند، به قول شهید مطهری رحمه الله با وفا بودند و در قبال احسان و از خودگذشتگی که اکثریت قریب به اتفاق زنان در زندگی انجام می دهند، چنین احسان هایی می نمودند، (1) یکی از آثار و نتایجش این واقعاً چنانچه اکثریت مردان، چه آنها که می توانند و چه آنهایی که نمی توانند و در طول زندگی مشترک به توان مالی می رسند، به قول شهید مطهری رحمه الله با وفا بودند و در قبال احسان و از خودگذشتگی که اکثریت قریب به اتفاق زنان در زندگی انجام می دهند، چنین احسان هایی می نمودند، (2) یکی از آثار و نتایجش این

ص: 243

1- . خدای متعال در سوره الرحمن آیه 60 می فرماید: «هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ» یعنی «آیا جزای نیکی جز نیکی است؟!». همچنین امام سجاد علیه السلام نیز فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ..... يُحِبُّ كُلَّ عَبْدٍ شَكَرٍ يَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لِعَبْدٍ مِنْ عِبِيدِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَشْكُرْتُ فَلَانًا فَيَقُولُ بَلْ شَكَرْتَكُ يَا رَبِّ فَيَقُولُ لَمْ تَشْكُرْنِي إِذْ لَمْ تَشْكُرْهُ ثُمَّ قَالَ أَشْكُرْكُمْ لِلَّهِ أَشْكُرْكُمْ لِلنَّاسِ» یعنی «به راستی خداوند هر بنده شکرگزاری را دوست دارد. روز قیامت خداوند به بعضی از بندگانش می فرماید: آیا شکر فلان کس را به جای آوردی؟ او در پاسخ می گوید: خدایا من شکر تو را به جای آوردم. خدا می فرماید: شکر مرا به جا نیاورده ای چون شکر آن بنده را به جا نیاوردی. سپس حضرت فرمودند: شکرگزارترین شما در پیشگاه خدا کسی است که از مردم بیشترین قدردانی را به عمل آورد». بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج 68، ص 38، ح 25. البته همان طور که شکر خدای متعال تنها به زبان نیست و در عمل نیز باید نمود داشته باشد، در اینجا که خدای متعال تشکر و قدردانی از بندگان را تشکر از خود برشمرده است نیز مسلماً تشکر و قدردانی فقط به زبان نیست، بلکه در عمل نیز باید نمودی داشته باشد. برای اطلاع از مراتب شکر به سایت پایگاه اطلاع رسانی حوزه رجوع شود.

2- . خدای متعال در سوره الرحمن آیه 60 می فرماید: «هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ» یعنی «آیا جزای نیکی جز نیکی است؟!». همچنین امام سجاد علیه السلام نیز فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ..... يُحِبُّ كُلَّ عَبْدٍ شَكَرٍ يَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لِعَبْدٍ مِنْ عِبِيدِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَشْكُرْتُ فَلَانًا فَيَقُولُ بَلْ شَكَرْتَكُ يَا رَبِّ فَيَقُولُ لَمْ تَشْكُرْنِي إِذْ لَمْ تَشْكُرْهُ ثُمَّ قَالَ أَشْكُرْكُمْ لِلَّهِ أَشْكُرْكُمْ لِلنَّاسِ» یعنی «به راستی خداوند هر بنده شکرگزاری را دوست دارد. روز قیامت خداوند به بعضی از بندگانش می فرماید: آیا شکر فلان کس را به جای آوردی؟ او در پاسخ می گوید: خدایا من شکر تو را به جای آوردم. خدا می فرماید: شکر مرا به جا نیاورده ای چون شکر آن بنده را به جا نیاوردی. سپس حضرت فرمودند: شکرگزارترین شما در پیشگاه خدا کسی است که از مردم بیشترین قدردانی را به عمل آورد». بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج 68، ص 38، ح 25. البته همان طور که شکر خدای متعال تنها به زبان نیست و در عمل نیز باید نمود داشته باشد، در اینجا که خدای متعال تشکر و قدردانی از بندگان را تشکر از خود برشمرده است نیز مسلماً تشکر و قدردانی فقط به زبان نیست، بلکه در عمل نیز باید نمودی داشته باشد. برای اطلاع از مراتب شکر به سایت پایگاه اطلاع رسانی حوزه رجوع شود.

بود که اگر زنان در آینده در شرایطی قرار بگیرند که ناچار از تأمین هزینه های زندگی خود باشند، لااقل بعد از یک عمر خدمات صادقانه توأم با ایثاری که در دوران جوانی و توانمندی در منزل برای همسر و فرزندانش متحمل گردیده اند، بتوانند بدون نیاز به کمک مالی دیگران، زندگی خود را اداره کنند و شاید از این طریق کمتر شاهد باشیم که زنانی در دوران میان سالی و یا حتی پیری که مسلماً دیگر جوانی و توان کار گذشته را نیز ندارند، ناچار از کار کردن باشند و حتی بعضاً مجبور به انجام کارهایی از نوع کارهای خدماتی در منازل دیگران باشند و یا محتاج کمک مالی بعضی از نزدیکان و بستگان خود توأم با منت یا تحقیر و توهین باشند. البته ممکن است یکی از علل این قبیل مشکلات به قول شهید مطهری رحمه الله ناشی از عدم آگاهی برخی از زنان نسبت به قوانین اسلام و استقلال اقتصادی که اسلام به آنها داده، نیز باشد که در نتیجه از فرصت هایی که اسلام در این زمینه در اختیارشان نهاده استفاده نمی کنند و دچار چنین مشکلاتی می گردند. (1)

ص: 244

---

1- . برگرفته از نظام حقوق زن در اسلام، استاد شهید مرتضی مطهری رحمه الله، بخش دهم، تحت عنوان: سوابق خدمت زن در خانواده، ص 305 و 306.

## سؤال بیست و پنجم:

آیا اینکه قرآن کریم خطاب به پیامبر اسلام صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ می فرماید بعد از این دیگر عقد هیچ زنی بر تو حلال نیست هر چند از حُسن او به شگفت آبی، (1) نشان دهنده این است که برای پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ زیبایی زن معیار انتخاب همسر و ازدواج بوده است؟

پاسخ:

اولاً - بر فرض که این جمله از قرآن کریم که خطاب به پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ می فرماید:

«لَا يَحِلُّ لَكَ النِّسَاءُ مِنْ بَعْدُ وَلَا أَنْ تَبَدَّلَ بِهِنَّ مِنْ أَزْوَاجٍ وَلَوْ أَعْجَبَكَ حُسْنُهُنَّ» اینطور معنا شود که: «بعد از این (زنان)، دیگر نه عقد هیچ زن بر تو حلال است و نه مبدل نمودن این زنان به زن دیگر، هر چند از زیبایی و جمالش به شگفت آبی».

آیا دلیل بر این می شود که ممکن است پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نیز به خاطر زیبایی با زنی ازدواج نموده باشد و ملاکش در انتخاب همسر جمال زن بوده؟! پس در این صورت باید پرسید: آیا اینکه قرآن کریم به پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ می فرماید:

«وَلَقَدْ أُوحِيَ إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكَ لَئِنْ أَشْرَكَتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ وَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ» (2) یعنی «به تو و همه پیامبران پیشین وحی شده که اگر مشرک شوی، تمام اعمالت تباه می شود و از زیانکاران خواهی بود!»

ص: 245

---

1- «لَا يَحِلُّ لَكَ النِّسَاءُ مِنْ بَعْدُ وَلَا أَنْ تَبَدَّلَ بِهِنَّ مِنْ أَزْوَاجٍ وَلَوْ أَعْجَبَكَ حُسْنُهُنَّ إِلَّا مَا مَلَكَتْ يَمِينُكَ وَكَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ رَقِيبًا».

سوره احزاب، آیه 52.

2- .سوره زمر، آیه 65.

دلیل بر این می شود که امکان دارد پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و دیگر انبیای بزرگ الهی علیهم السلام نیز مشرک شوند، که این آیه خطاب به پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ چنین فرموده؟! روشن است که انبیاء هرگز مشرک نخواهند شد چون معصومند و سطح معرفت آنها، و ارتباط مستقیم و مستمرشان با مبدأ وحی، مانع از این است که آنها حتی در یک لحظه فکر شرک را نیز به خود راه دهند. بلکه هدف آیه این است که خطر شرک به همگان گوشزد شود تا مردم بدانند وقتی خداوند با پیامبران بزرگش این چنین سخن می گوید، تکلیف دیگران روشن است. به تعبیر دیگر همان طور که امام رضا علیه السلام فرمودند:

«هر چند مخاطب رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ است ولی منظور از این گونه آیات، امت است» (1).

البته علتش نیز این است که اگر تکلیف را به جای اینکه متوجه کسانی کنیم که هم ممکن است آن را اطاعت کنند و هم ممکن است مخالفت و معصیت کنند، متوجه کسی کنیم که حتماً آن را اطاعت می کند، مؤثرتر خواهد بود، همان طور که گفته اند: کنایه بلیغ تر و رساتر از صریح گفتن است (2).

همچنین آیا این آیه قرآن کریم هم که در مورد پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ می فرماید:

«وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقْوَالِ، لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ، ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ» (3) یعنی «اگر او سخنی دروغ بر ما می بست، ما او را با قدرت می گرفتیم، سپس رگ قلبش را قطع می کردیم».

دلیل بر این است که پس ممکن بوده واقعاً پیغمبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ این کار را بکند و بر خدا دروغ ببندد؟!

ص: 246

- 
- 1- . الإحتجاج على أهل اللجاج، ج 2، ص 430 - نور الثقلين، ج 4، ص 497 برگرفته از تفسیر نمونه، آیت الله العظمی مکارم شیرازی دام ظلّه، چاپ بیست و چهارم، ج 19، ص 550 تا 552، ذیل آیه 65 سوره زمر، مبحث: اگر مشرک شوی اعمالت بر باد می رود!.
  - 2- . تفسیر المیزان، علامه سید محمد حسین طباطبایی رحمه الله، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی رحمه الله، چاپ چهارم، ج 34، ص 143، ذیل آیه 65 سوره زمر.
  - 3- . سوره حاقه، آیات 44 تا 46.

علامه طباطبایی رحمه الله در این باره می فرماید:

«این آیات تهدیدی است به پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بر فرضی (1) که آنجناب سخنی را که از خدا نیست، به خدا نسبت دهد، (ولی) چگونه ممکن است این فرض تحقق یابد با اینکه او فرستاده ایست از ناحیه خدا، و خدای تعالی او را به نبوت گرامی داشته و به رسالت خود برگزیده؟!» (2)

به بیان دیگر ایشان معصوم بوده و به احتمال عقلانی اصلاً چنین امری ممکن نیست و در واقع خداوند با این آیات پاسخ افرادی را می دهد که قرآن را تکذیب می کردند و به پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ تهمت شاعر و کاهن (3) و دروغگو بودن می زدند، همچنان که این تهمت ها در آیات قبلی مطرح گردیده است.

همچنین آیاتی که خطاب به پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ می فرماید:

«وَالرُّجْزَ فَاهْبُجْزْ، وَلَا تَمْنُنْ تَسْتَكْبِرُ» (4) یعنی «و از پلیدی دوری کن، و منت مگذار و فزونی مطلب».

آیا دلیل بر این است که رسول اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ دارای این صفات بودند؟! در حالیکه قطعاً رهبران الهی هنگامی می توانند نفوذ کلمه داشته باشند که دامانشان از هر گونه آلودگی پاک باشد و تقوا و پرهیزکاریشان از هر نظر مسلم گردد، و لذا در

ص: 247

1- البته در اینجا منظور از فرض، احتمال عقلی است و گر نه به احتمال عقلانی اصلاً چنین امری ممکن نیست. برای اطلاع بیشتر در زمینه احتمال عقلی و عقلایی به سایت اسلام کوئست نت، گنجینه پرسش های قرآنی، تحت عنوان: تفاوت مفهومی و معنای لغوی عقلانی و عقلایی در چیست؟، کد بایگانی 54295 رجوع شود. ضمناً تفاوت این دو احتمال در صفحات بعدی پاسخ به همین سؤال در صفحات بعدی نیز به طور اجمال بیان می شود.

2- تفسیر المیزان، علامه سید محمد حسین طباطبایی رحمه الله، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی رحمه الله، چاپ پنجم، ج 39، ص 123، ذیل آیه 44 سوره حاقه.

3- کاهن فردی است که پیام ها و اطلاعاتی را از جن دریافت کند. برگرفته از تفسیر المیزان، علامه سید محمد حسین طباطبایی رحمه الله، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی رحمه الله، چاپ پنجم، ج 39، ص 122، ذیل آیه 42 سوره حاقه.

4- سوره مدثر، آیات 5 و 6.



این آیات خدای متعال به دنبال فرمان قیام و انذار، فرمان پاکدامنی می دهد. البته مسلّم است پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ حتی قبل از نبوت نیز از این امور پرهیز و هجران داشت، و تاریخ زندگی او که دوست و دشمن به آن معترفند نیز گواه بر این معنی است. ولی در اینجا به عنوان یک اصل اساسی در مسیر دعوت الی الله، و نیز به عنوان یک الگو و اسوه برای همگان، روی آن تکیه شده است. (1) یعنی در واقع خطاب به همه کسانی است که پیرو پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ هستند و می بایست دعوت کننده دیگران به دین خدا باشند و باید سعی کنند دارای این صفات شوند و با تقوا باشند و از آلودگی ها دوری کنند.

همچنین خداوند خطاب به پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ می فرماید:

«إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِدَّكَ الْكِبَرَ أَوْ أَحَدَهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ وَلَا تَنْهَرُهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا» (2) یعنی «هر گاه یکی از آن دو (پدر و مادر)، یا هر دوی آنها، نزد تو به سن پیری رسند، کمترین اهانتی به آنها روا مدار! و بر آنها فریاد مزن! و گفتار لطیف و سنجیده و بزرگوارانه به آنها بگو!».

در حالیکه تاریخ می گوید پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قبل از تولد، پدر و در کودکی مادر خود را از دست داده بود و قرآن کریم نیز می فرماید:

«أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَى» (3) یعنی «آیا او تو را یتیم نیافت و پناه داد؟!».

پس در هنگام نزول قرآن کریم ایشان اصلاً پدر و مادری نداشت. لذا در اینجا نیز هرچند ظاهراً مخاطب پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ است ولی در واقع حکم احترام به پدر و مادر

ص: 248

- 
- 1- . برگرفته از تفسیر نمونه، آیت الله العظمی مکارم شیرازی دام ظلّه، چاپ بیست و پنجم، ج 25، ص 212 تا 218، ذیل آیات 1 تا 6 سوره مدثر، مبحث: برخیز و جهانیان را انذار کن!.
  - 2- . سوره اسراء، آیه 23.
  - 3- . سوره ضحی، آیه 6.

البته در بسیاری از آیات با اینکه خطاب به پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ است ولی منظور افراد دیگر هستند (2) و آیه مورد بحث، یعنی آیه 52 سوره احزاب نیز از همین قبیل است، با این توضیح که:

طبق شواهدی که از تواریخ استفاده می شود پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ از ناحیه افراد و قبایل مسلمان تحت فشار بود که (با وجود داشتن همسران متعدد) از آنها همسر بگیرد، و هر یک از قبایل مسلمان افتخار می کردند که زنی از آنها به همسری پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ درآید، حتی بعضی از زنان که بدون شک تنها خواهان کسب افتخار معنوی این ازدواج بودند حاضر بودند بدون هیچ گونه مهریه، خود را به عنوان «هبه» در اختیار آن حضرت بگذارند و بی هیچ قید و شرطی با ایشان ازدواج کنند. (3)

حتی در بعضی از تواریخ می خوانیم: در ازدواج پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ با بعضی زنان جز مراسم عقد انجام نشد و هرگز با آنها آمیزش نکرد، حتی در مواردی تنها به خواستگاری بعضی از زنان قبائل قناعت کرد و آنها به همین قدر خوشحال بودند و مباحثات می کردند که زنی از قبیله آنان به نام همسر پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نامیده شده، و

ص: 249

- 
- 1- . برگرفته از تفسیر نمونه، آیت الله العظمی مکارم شیرازی دام ظلّه، چاپ بیست و هشتم، ج 8، ص 468، ذیل آیه 94 سوره یونس به نقل از استاد ارجمند محسن قرائتی، برنامه سمت خدا، شبکه 3 سیما، تاریخ 24/12/1400.
  - 2- . برگرفته از تفسیر نمونه، آیت الله العظمی مکارم شیرازی دام ظلّه، چاپ بیست و چهارم، ج 12، ص 428، ذیل آیه 24 سوره کهف - و همچنین مانند آیه 94 سوره یونس و آیه 68 سوره انعام و آیات 86 و 88 سوره قصص و ....
  - 3- . برگرفته از تفسیر نمونه، آیت الله العظمی مکارم شیرازی دام ظلّه، چاپ بیست و سوم، ج 17، ص 406 و 407 و 416 و 419، ذیل آیه 50 تا 52 سوره احزاب. همچنین تفسیر المیزان، علامه سید محمد حسین طباطبایی رحمه الله، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی رحمه الله، چاپ سوم، ج 32، ص 227، ذیل آیه 52 سوره احزاب، تحت عنوان: یک بحث روایتی.

این افتخار برای آنها حاصل گشته است، و به این ترتیب رابطه و پیوند اجتماعی آنها با پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ محکمتر و در دفاع از او مصمم تر می شدند. (1)

البته پیوند زناشویی با این قبائل و اقوام، تا حدی برای پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ و اهداف اجتماعی و سیاسی او مشکل گشا بود (2) ولی طبیعی است، اگر از حد بگذرد، خود، مشکل آفرین می شود، و هر قوم و قبیله ای چنین انتظاری را دارد و اگر حضرت می خواست به انتظارات آنها پاسخ گوید و زنانی را هر چند به صورت عقد، و نه به صورت عروسی، در اختیار خود گیرد، در دسرهای فراوانی ایجاد می شد.

در این وسط شاید افرادی هم بودند که برای رسیدن به مقصود خود، به این بهانه متوسل می شدند که همسران تو غالباً بیوه هستند، و در میان آنها زنان مسنی یافت می شوند که هیچ بهره ای از جمال ندارند، شایسته است که با زنی صاحب جمال ازدواج کنی. لذا خداوند حکیم با این قانون، محکم جلوی انتظارات این اقوام و قبائل که پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ را تحت فشار شدید قرار داده بودند گرفت و حضرت را از هر گونه ازدواج مجدد و یا تبدیل زنان موجود نهی نمود و مخصوصاً روی این مسأله نیز تکیه و تأکید کرد که حتی اگر زنان صاحب جمالی نیز باشند،

ص: 250

- 
- 1- برگرفته از تفسیر نمونه، آیت الله العظمی مکارم شیرازی دام ظلّه، چاپ بیست و سوم، ج 17، ص 410 ذیل آیه 50 سوره احزاب، تحت عنوان: گوشه ای از فلسفه تعدد زوجات پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ.
  - 2- چون پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ برضد تمام معتقدات خرافی عصر و محیط خود قیام کرد و به همه اعلان جنگ داد، طبیعی است که همه اقوام و قبائل آن محیط برضد او بسیج شوند و ایشان می بایست از تمام وسائل برای شکستن اتحاد نامقدس دشمنان استفاده کنند که یکی از آنها ایجاد رابطه خویشاوندی از طریق ازدواج با قبائل مختلف بود، زیرا محکم ترین رابطه در میان عرب جاهلی، رابطه خویشاوندی محسوب می شد و داماد قبیله را همواره از خود می دانستند و دفاع از او را لازم و تنها گذاشتن او را گناه می شمردند. برگرفته از تفسیر نمونه، آیت الله العظمی مکارم شیرازی دام ظلّه، چاپ بیست و سوم، ج 17، ص 408، ذیل آیه 50 سوره احزاب، تحت عنوان: گوشه ای از فلسفه تعدد زوجات پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ.

حق ازدواج با آنها را نخواهی داشت(1) و در واقع با این آیه مشکلاتی را که این قبائل ایجاد کرده بودند، رفع شد و خدا کار پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ را راحت کرد.

در این گونه آیات هر چند که ظاهراً خطاب آیه به شخص پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ است ولی هدف واقعی، دیگران هستند حضرت صادق علیه السلام نیز فرمودند: (این گونه آیات) قرآن مانند این ضرب المثل عربی نازل شده «إِيَّاكَ أَعْنِي وَاسْمَعِي يَا جَارَةً» (2) یعنی «به تو می گویم ولی ای همسایه تو گوش کن». و در فارسی به جای این مثل عربی می گویند: «به در می گویند که دیوار بشنود». البته علت آن نیز همان طور که بیان شد این است که: به کنایه سخن گفتن مؤثرتر و بلیغ تر و رساتر از صریح گفتن است.

ص: 251

- 1- . برگرفته از تفسیر نمونه، آیت الله العظمی مکارم شیرازی دام ظلّه، چاپ بیست و سوم، ج 17، ص 419 و 420، ذیل آیه 52 سوره احزاب، تحت عنوان: فلسفه این حکم.
- 2- . کافی، ج 2، ص 631، ح 14 - برگرفته از تفسیر نمونه، آیت الله العظمی مکارم شیرازی دام ظلّه، چاپ بیست و هشتم، ج 8، ص 468، ذیل آیه 94 سوره یونس، تحت عنوان: آیا پیامبر تردید داشت؟ و همچنین ج 5، ص 290، ذیل آیه 68 سوره انعام و ج 12، ص 428، ذیل آیه 24 سوره کهف - تفسیر المیزان، علامه سید محمد حسین طباطبایی رحمه الله، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی رحمه الله، چاپ سوم، ج 31، ص 154، ذیل آیات 86 و 88 سوره قصص، تحت عنوان: یک بحث روایتی - همچنین روایت است که مأمون از امام رضا علیه السلام درباره آیه 43 سوره توبه که خطاب به پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ است، پرسید: «فَأَخْبِرْنِي عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - عَفَا اللَّهُ عَنْكَ لِمَ أَذْنَتْ لَهُمْ - فَقَالَ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ هَذَا مِمَّا نَزَلَ بِإِيَّاكَ أَعْنِي وَاسْمَعِي يَا جَارَةً خَاطَبَ اللَّهُ بِذَلِكَ نَبِيَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَأَزَادَ بِهِ أُمَّتَهُ وَكَذَلِكَ قَوْلُهُ تَعَالَى لَئِنْ أَشْرَكْتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ وَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ - وَقَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ وَ لَوْ لَا أَنْ تَبْنِيَّكَ لَقَدْ كِدْتَ تَرْكَنُ إِلَيْهِمْ شَيْئاً قَلِيلاً» یعنی «درباره فرموده خدای متعال: "خدا از تو درگذرد؛ چرا به آنان رخصت و اجازه دادی؟"، توضیح بفرماید. حضرت رضا علیه السلام فرمود: این آیه از قبیل "به در می گویم، دیوار گوش دهد" می باشد، با این آیه خداوند پیامبرش را مخاطب ساخته ولی قصد و اراده اصلی او امت می باشد، و مانند این آیه است: "اگر شرك ورزی بی گمان کار تو تباه و نابود گردد و از زیانکاران باشی" (سوره زمر، آیه 65)، و نظیر این آیه: "و اگر نه آن بود که تو را استوار داشتیم، نزدیک بود که اندکی به ایشان گرایش پیدا کنی" (سوره اِسْرَاء، آیه 74)». الإحتجاج علی أهل اللجاج، ج 2، ص 430.

شاید بتوان قضیه نزول آیه 52 سوره احزاب، خطاب به پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ را به قضیه خیاطی تشبیه نمود که با وجود کار فراوان و سفارشات متعدد، باز افرادی او را تحت فشار قرار دهند و به او بگویند: «هر چه پول بخواهی به تو می دهیم که تو کار ما را قبول کنی» و این افراد برای خیاط به خاطر اصرار زیاد مشکل ساز شده باشند، چون خیاط مسلماً دیگر نمی تواند کار همه آنان را قبول کند. حال اگر ولی و سرپرست این خیاط جلوی دیگران به او بگوید: «دیگر از این به بعد حق نداری سفارش کار قبول کنی و برای کسی خیاطی کنی، حتی اگر دستمزد خیلی خوبی هم به تو بدهند». واضح است که در اینجا هر چند خطاب ظاهری ولی، به خیاط است اما در واقع خطاب اصلی متوجه مشتری هایی است که ایجاد مشکل نموده اند و معنای آن این نیست که خیاط خودش مایل است اگر پول زیادی به او بدهند، کار مشتری را قبول کند. پس آن ولی و سرپرست در واقع کار خیاط را راحت کرده و مشکل او را رفع نموده. در آیه مذکور نیز مطلب همین است یعنی آیه نشان دهنده این نیست که پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ اگر زن زیبایی را ببیند، علاوه بر ازدواج های قبلی، باز هم مایل باشد با او ازدواج کند تا از آن نتیجه گرفته شود که پس ملاک حضرت برای ازدواج فقط زیبایی زنان بوده! بلکه همان طور که گفته شد چون حضرت را برای ازدواج مجدد زیاد تحت فشار قرار دادند، آن هم همان طور که گفته شد، احتمالاً به بهانه زیبا بودن زنان بیوه و مسن قبلی که دیگر طبیعتاً زیبایی چندانی نداشتند، لذا خدای متعال با این آیه و خصوصاً تأکید بر همان مسئله زیبایی، در واقع راه بهانه آنها را بسته تا حضرت را تحت فشار قرار ندهند. چرا که رعایت عدالت حتی در بین 4 زن، که از شرایط تعدد زوجات است برای هر فردی که مسئولیت مهم اجتماعی دارد واقعاً مشکل است تا چه رسد به پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ که می بایست عدالت را در بین 9 زن مراعات می کرد و علاوه بر این فکر خود را متوجه مسئولیت های بزرگ و سنگین رسالت نیز می نمود، و این کار راحتی نبود، هر چند که رعایت حق قَسَم (1) که یکی از احکام اسلام در مورد

ص: 252

---

1- . حق قَسَم یعنی شوهر در مورد همسران متعدد باید اوقات خود را در میان آنها به طور عادلانه تقسیم کند. برگرفته از تفسیر نمونه، آیت الله العظمی مکارم شیرازی دام ظلّه، چاپ بیست و سوم، ج 17، ص 413، ذیل آیه 51 سوره احزاب، تحت عنوان: رفع یک مشکل دیگر از زندگی پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ .

همسران متعدد است، از ایشان ساقط بود، چون شرائط خاص زندگی طوفانی و بحرانی پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در مدینه، تقریباً در هر ماه یک جنگ را بر ایشان تحمیل می کرد و در همین زمان زنان متعدد نیز داشت. ولی با این حال که در تقسیم اوقات خود ما بین همسرانش معخیر بود (چنان که در تواریخ اسلامی صریحاً آمده) (1) حتی الامکان مساوات و عدالت را حتی در همین مورد نیز رعایت می کرد. (2) تا جایی که در زمان بیماری که منجر به فوت ایشان شد و توانایی حرکت نداشت نیز برای اینکه عدالت و نوبت را رعایت کرده باشد، هر روز بسترش را از اتاقی به اتاق دیگر منتقل می کرد، تا آنکه یک روز همه را جمع کرد و اجازه خواست در یک اتاق بماند و همه اجازه دادند در خانه عایشه بماند. (3)

ثانیاً - کلمه «حُسن» در لغت، (4) هم به معنای جمال و هم به معنای خوبی و نیکوئی است، یعنی کلمه عامی است که می تواند شامل همه خوبی ها و از جمله جمال و زیبایی نیز باشد و جالب اینکه در ترجمه تفسیر المیزان این قسمت از آیه که می فرماید:

«وَلَوْ أَعْجَبَكَ حُسْنُهُنَّ» این طور معنا شده: «هر چند از کمال وی خوشت آید»

ص: 253

- 
- 1- . سیره ابن هشام، 4/643 - الکامل فی التاریخ، 2/5 به نقل از پرتال جامع علوم انسانی، تحت عنوان: شیوه همسررداری پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ به گزارش قرآن.
  - 2- . برگرفته از تفسیر نمونه، آیت الله العظمی مکارم شیرازی دام ظلّه، چاپ بیست و سوم، ج 17، ص 413 تا 415، ذیل آیه 51 سوره احزاب، تحت عنوان: رفع یک مشکل دیگر از زندگی پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ .
  - 3- . برگرفته از نظام حقوق زن در اسلام، استاد شهید مرتضی مطهری رحمه الله، بخش یازدهم، تحت عنوان: عدالت، ص 417.
  - 4- . فرهنگ جامع عربی - فارسی، مصور، ج 1، ص 261.

و همچنین در قرآن کریم با ترجمه آیت الله مکارم شیرازی دام ظلّه نیز این طور ترجمه شده: «هر چند خوبی آنها مورد توجه تو واقع شود» (1) یعنی کلمه «حُسن» را به معنای «کمال و خوبی» گرفته اند که در این صورت اصلاً دیگر شبهه مطرح شده، منتفی است چون کمال، صفت عامی است که شامل تمام صفات خوب ظاهری و باطنی می شود مثل با ایمان و دیندار بودن، اخلاق خوب و خانواده اصیل داشتن و ..... و یا زیبا بودن و .....

بنابراین اگر آیه این طور ترجمه شود که خدا به رسولش صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ می فرماید: «بعد از این (زنان) دیگر بر تو حلال نیستند و نمی توانی همسرانت را به همسران دیگری مبدل کنی هر چند از کمال او خوشت بیاید و یا خوبی او مورد توجه تو واقع شود»، یعنی هر چند آن زن تمام شرایط مناسب و لازم و صفات کمالیه را هم دارا باشد (نه فقط زیبایی ظاهری به تنهایی)، باز نمی توانی با او ازدواج کنی. و لذا این احتمال نیز که پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ برای انتخاب همسر فقط ملاکش زیبایی زن بوده، منتفی است چون مسلماً هر فردی برای ازدواج به دنبال کسی است که هر چه بیشتر صفات کمالیه ظاهری و باطنی را توأم داشته باشد و این از نظر دین نیز امر ناپسندی نیست. ولی اگر در انتخاب همسر امر دایر شود بین اینکه یا باید دین و ایمان و صفات کمالیه باطنی را در نظر گرفت و یا زیبایی و دیگر صفات ظاهری را، اینجاست که اسلام می گوید اصل، صفات باطنی و معنوی است و نباید فقط صفات ظاهری فرد ملاک انتخاب باشد. اما اگر فرد مورد نظر هر دورا با هم دارا باشد، چه بهتر که نور علی نور است. (2)

ص: 254

1- [1]. ترجمه تفسیر المیزان، سید محمد باقر موسوی همدانی رحمه الله، چاپ سوم، ج 32، ص 214، ذیل آیه 52 سوره احزاب و قرآن کریم، ترجمه آیت الله مکارم شیرازی دام ظلّه، ص 251.

2- . اینکه پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نیز فرمودند: «أَفْضَلُ نِسَاءِ أُمَّتِي أَمْهَرُ وَجْهًا وَأَقْلَهُنَّ مَهْرًا» یعنی «بهترین زنان امتم آناند که مهرشان کمتر و صورتشان زیباتر است». (مکارم الأخلاق، ص 198 - من لا يحضره الفقيه، ج 3، ص 386، ح 4356 - وسائل الشیعة، ج 20، ص 31، ح 24948 برگرفته از ازدواج در اسلام، علی مشکینی، ترجمه احمد جنتی، بخش 11، تحت: عنوان چنین زنی انتخاب کنید، ص 64) شاید اشاره به همین مطلب باشد (البته علاوه بر اینکه تشویق و پاداشی است برای زنانی که داشتن صورت زیبا را وسیله ای برای مهریه سنگین قرار نمی دهند). یعنی اگر زنی علاوه بر داشتن کمالات معنوی و باطنی، دارای زیبایی ظاهری نیز بود و مهریه سنگین نداشت از بهترین زنان امت من محسوب می شود. نه اینکه فقط صورت زیبا و مهریه سبک داشتن، ملاک بهترین بودن باشد چون همان طور که آیات با در نظر گرفتن آیات دیگر معنا می شوند، معنای صحیح روایات نیز با توجه به روایات دیگر است که مشخص و معلوم می گردد. لذا معنای حدیث فوق نیز، با در نظر گرفتن روایات دیگر معصومین علیهم السلام است که روشن می شود. مانند این روایت که امام باقر علیه السلام فرمودند: «قَالَ أَتَى رَجُلٌ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَسْتَأْمُرُهُ فِي النِّكَاحِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نَعَمْ أَنْكِحْ وَعَلَيْكَ بِذَوَاتِ الدِّينِ» یعنی «مردی با پیغمبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در مورد ازدواج مشورت کرد. حضرت فرمود: آری زن بگیر ولی زن با ایمان خداشناس». (تهذیب الأحكام، ج 7، ص 401، ح 9 برگرفته از ازدواج در اسلام، علی مشکینی، ترجمه احمد جنتی، بخش 11، تحت عنوان: چنین زنی انتخاب کنید، ص 59). در این روایت در واقع حضرت داشتن دین و ایمان را از معیارهای اصلی انتخاب همسر معرفی نموده اند.

اما بر فرض که کلمه «حُسن» در این آیه، به «جمال و زیبایی ظاهر» نیز معنا شود، مسلّم است که همانند آیات 44 تا 46 سوره حاقه، در اینجا نیز خدای متعال با نزول این آیه فقط احتمال عقلی این مسئله را منتفی نموده و گر نه از نظر احتمال عقلانی اصلاً ممکن نیست (1) که شخصی همچون پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فقط به

ص: 255

1- . تفاوت احتمال عقلی و عقلانی: احتمال عقلانی این است که مبنایش عقلاء هستند که در وادی عمل، احتمالات بالای 50% و 60% را ملاک قرار می دهند مثلاً می گویند: «فرزند در خانواده بد و محیط بد و ... ، بد می شود». این یک احتمال عقلانی است که بر طبق قواعد و ضوابط و دلایل ظاهری و حساب دو، دو تا چهار تاست. ولی در احتمال عقلی، مبنای عقل است که در وادی عمل، احتمالات خیلی خیلی ضعیف را هم محال نمی داند، حتی احتمالات با یکی، دو درصد را، مثلاً می گوید: «بچه در خانواده بد و محیط بد و ... هم احتمال دارد خوب شود» و این امری محال نیست و ممکن است. در واقع هر چیزی عقلاً ممکن است. مگر اینکه موجب اجتماع یا ارتقاع نقیضین باشد. در آیات 44 تا 46 سوره حاقه که خدای متعال در مورد پیامبر اکرم صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ می فرماید: «اگر او سخنی دروغ بر ما می بست، ما او را با قدرت می گرفتیم، سپس رگ قلبش را قطع می کردیم». چون دروغ گفتن برای پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ اصلاً احتمال عقلانی ندارد، در واقع خدای متعال خواسته با این آیات راه احتمال عقلی آن را نیز برای کسانی که جنبه پیامبری و برگزیده شدن حضرت را هم توسط خداوند در نظر نمی گیرند، ببندد. در مورد آیه 52 سوره احزاب نیز، حتی با فرض معنا نمودن کلمه «حُسن» به «زیبایی ظاهری»، مطلب همین است یعنی ازدواج رسول اکرم صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فقط با معیار زیبایی ظاهر زن، از نظر احتمال عقلانی امکان ندارد ولی خدای متعال با این آیه خواسته راه احتمال عقلی آن را نیز برای کسانی که فکر می کردند ممکن است پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ هم به عنوان یک بشر عادی، بدون در نظر گرفتن جنبه رسالت و برگزیده بودن ایشان از جانب خداوند، ملاکش در ازدواج فقط زیبایی زن باشد، ببندد تا دیگر با پیشنهادهای مصرانه خود، برای ازدواج های مجدد، پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ را بیش از این تحت فشار قرار ندهند.



خاطر ملاک زیبایی با زنی ازدواج نماید. فردی که برگزیده خداوند برای به سعادت رساندن انسان ها است و مکرراً خودش و اهل بیت طاهرینش علیهم السلام به امت توصیه نموده اند که در انتخاب همسر، ملاک اصلی شما دین و ایمان باشد و با زن به خاطر زیبایی ظاهری اش ازدواج نکنید (1).

و حتی زنی را که فقط زیبایی ظاهری

ص: 256

1- . پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «مَنْ تَزَوَّجَ امْرَأَةً لِحَمَالِهَا جَعَلَ اللَّهُ جَمَالَهَا وَبَالًا عَلَيْهِ» یعنی «هر کس زن را برای زیبایی و خوشگلی بگیرد خداوند جمال آن زن را برای او بد عاقبت و وبال (موجب سختی) قرار می دهد». (وسائل الشیعة، ج 20، ص 52، باب استحباب تزویج المرأة لدینها، ح 25014 و إرشاد القلوب إلى الصواب، ج 1، ص 175). همچنین رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «مَنْ تَزَوَّجَ امْرَأَةً لَا يَتَزَوَّجُهَا إِلَّا لِحَمَالِهَا لَمْ يَرَفِ فِيهَا مَا يُحِبُّ وَ مَنْ تَزَوَّجَهَا لِمَالِهَا لَا يَتَزَوَّجُهَا إِلَّا لَهُ وَ كَلَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ فَعَلَيْكُمْ بِذَاتِ الدِّينِ» یعنی «هر کس تنها برای جمال با زنی ازدواج کند، خواسته خود را در وجود او نیابد و هر کس تنها به منظور مال زنی را بگیرد، خدا او را به همان مال و می گذارد (و غیر از آن مال خیری از او نمی بیند). همیشه در ازدواج همسر با ایمان انتخاب کنید». (وسائل الشیعة، ج 20، ص 50، باب استحباب تزویج المرأة لدینها، ح 25007 برگرفته از ازدواج در اسلام، علی مشکینی، ترجمه احمد جنتی، بخش 14، تحت عنوان: به مال و جمال زن چشم ندوزید، ص 79). همچنین روایت است که: «أَنَّ نَهْيَ أَنْ يَنْكِحَ الرَّجُلُ الْمَرْأَةَ لِمَالِهَا أَوْ لِحَمَالِهَا وَقَالَ ..... فَعَلَيْكَ بِذَاتِ الدِّينِ» یعنی «رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نهی فرموده که زنی را برای مال یا جمالش بگیرند و فرمود ..... دین و ایمان زن را در نظر بگیرید». (مستدرک الوسائل، ج 14، ص 175، باب استحباب تزویج المرأة لدینها، ح 3 برگرفته از ازدواج در اسلام، علی مشکینی، ترجمه احمد جنتی، بخش 14، تحت عنوان: به مال و جمال زن چشم ندوزید، ص 81). البته در مورد انتخاب همسر برای زنان نیز، در نظر گرفتن دین و ایمان را توصیه نموده اند. حسین بن بشیر می گوید: طیّ نامه ای به امام جواد علیه السلام نوشتیم: «فِي رَجُلٍ خَطَبَ إِلَيَّ فَكَتَبَ مَنْ خَطَبَ إِلَيْكُمْ فَرَضِيَّتُمْ دِينَهُ وَ أَمَانَتَهُ كَأَنَّ مَنْ كَانَ فَرَوْجُهُ» یعنی «مردی دخترم را خواستگاری کرده تکلیف من چیست؟ آن حضرت در پاسخ مرقوم فرمود: هر کس از شما دختری خواست و درخواست وصلت کرد، دین و امانتش را بنگرید، اگر رضایت بخش بود هر کس که باشد با وی وصلت نمائید». (من لا يحضره الفقيه، ج 3، ص 393، ح 4381).

دارد ولی فاقد شرایط لازم و مهم برای ازدواج است را به سبزه مزبله تشبیه نموده اند،(1) حال چگونه ممکن است چنین پیامبری که قرآن کریم نیز او را به عنوان الگو و اسوه برای دیگران معرفی نموده،(2) خود در عمل کاری خلاف آنچه می گوید را انجام دهد؟! و مصداق آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ»(3) واقع گردد؟!!

ثالثاً - معمولاً کسی که مجذوب جمال زنان است، خصوصاً در دوران جوانی که اوج غرائز انسان است، اگر پیشنهاد مناسبی در این زمینه به او بشود، سعی می کند به هر بهانه ای هم که شده آن را رد نکند. ولی پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در همین سنین، هنگامی که کفار قریش می خواستند حضرت را تطمیع کنند و پیشنهاد کردند که به ایشان منصب و ثروت و هدایای مختلف بدهند و زنان ماهر و و پری پیکر را تسلیمش کنند، در پاسخ فرمودند:

ص: 257

1- . پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمودند: «أَيُّهَا النَّاسُ إِيَّاكُمْ وَحَضْرَاءَ الدَّمَنِ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَا حَضْرَاءَ الدَّمَنِ قَالَ الْمَرْأَةُ الْحَسَنَاءُ فِي مَنِيَتِ السُّوءِ» یعنی «ای مردم از سبزه مزبله حذر کنید. پرسیدند: یا رسول الله مراد از سبزه مزبله چیست؟ فرمود: زن زیبا رویی است که در خانواده ای رذل و بد سرشت تربیت شده باشد». من لا يحضره الفقيه، ج 3، ص 391، ح 4377 برگرفته از ازدواج در اسلام، علی مشکینی، ترجمه احمد جنتی، بخش 13، تحت عنوان: از این زنان بگریزید، ص 75.

2- . خدای متعال در سوره احزاب آیه 21 می فرماید: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» یعنی «مسئلاً برای شما در زندگی، رسول خدا سرمشق نیکویی است». در ادامه خدای متعال می فرماید این وظیفه هر کسی است که امید به خدا و روز جزا دارد و بسیار یاد خدا می کند. لذا پیروی و تأسی به حضرت فقط اختصاص به افراد معاصر با ایشان ندارد بلکه همیشه باید به ایشان تأسی نمود. برگرفته از ترجمه تفسیر المیزان، سید محمد باقر موسوی همدانی رحمه الله، چاپ سوم، ج 32، ذیل تفسیر همین آیه، ص 144.

3- . «ای کسانی که ایمان آورده اید! چرا سخنی می گوید که عمل نمی کنید؟». سوره صف، آیه 2.

«وَاللَّهُ لَوُؤُضِعَتِ الشَّمْسُ فِي يَمِينِي وَالْقَمَرُ فِي شِمَالِي مَا تَرَكْتُ هَذَا الْقَوْلَ حَتَّى أُنْفِذَهُ أَوْ أُقْتَلَ دُونَ» یعنی «هرگاه آفتاب را در دست راست من و ماه را در دست چپ من قرار دهند (سلطنت تمام عالم را در اختیار من بگذارند) از تبلیغ آئین و تعقیب هدف خود دست برنمی دارم و هدف خود را دنبال می کنم تا آن را به انجام برسانم و یا کشته شوم» (1).

همچنین عملکرد پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در طول زندگی مبارکشان در مورد ازدواج های ایشان، کاملاً نشان دهنده این است که معیار اصلی انتخاب همسر برایشان زیبایی زن نبوده است:

معمولاً فردی که به خاطر زیبایی با زنان ازدواج می کند، زنان و دختران جوان و کم سن و سال را برای همسری انتخاب می کند اما پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ تا سن 25 سالگی که اوج جوانی و دوران طغیان و سرکشی غرائز است، اصلاً با زنی ازدواج نکرد و در آن سن نیز با حضرت خدیجه علیها السلام به خاطر مراتب ایمان و تقوی و کمالات معنوی این بانو ازدواج نمود (2) و حضرت خدیجه علیها السلام نیز به دلیل یک سلسله جهات

ص: 258

1- بحار الأنوار، ج 9، ص 143 برگرفته از فروغ ابدیت، جعفر سبحانی، ج 1، فصل 15، تحت عنوان: دعوت عمومی، ص 221 تا 223.  
2- زندگانی فاطمه زهرا علیها السلام، شهید دستغیب رحمه الله، مبحث: تعدد زوجات پیغمبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ پس از خدیجه علیها السلام، ص 120 - در کمالات این بانو همین بس که پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمودند یکی از چهار زن برگزیده خداست «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى اخْتَارَ مِنَ النِّسَاءِ أَرْبَعًا [أَرْبَعًا] مَرْيَمَ وَآسِيَةَ وَخَدِيجَةَ وَفَاطِمَةَ». (الخصال، ج 1، ص 226، ح 58 و بحار الأنوار، ج 43، ص 20، ح 3 به نقل از زندگانی فاطمه زهرا علیها السلام، شهید دستغیب، مبحث: چهار زن کامله به روایات عامه، ص 101) و همچنین فرمودند که ایشان یکی از چهار زنی است که بهترین زنان عالم هستند «خَيْرُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ أَرْبَعٌ مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ وَخَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ وَفَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ وَآسِيَةُ بِنْتُ مُرَّاحِمٍ». (بحار الأنوار، ج 43، ص 36، ح 39 به نقل از بانوی نمونه اسلام، ابراهیم امینی، بخش چهارم، مبحث: نمونه ای از فضائل فاطمه علیها السلام، ص 136) و همچنین مشهور است که پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمودند ایشان یکی از چهار زنی است که به کمال رسیدند «لم يكمل من النساء إلا مريم، وآسية امرأة فرعون، وخديجة بنت خويلد، وفاطمة بنت محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ» (تفسیر ابن جریر الطبری، ج 3، ص 180 به نقل از فضائل الخمسة من الصحاح الستة، ج 3، ص 145). همچنین پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمودند در هنگام مراجعت از معراج، جبرئیل فرمود: از جانب پروردگار و از طرف من به خدیجه سلام برسان و وقتی حضرت سلام را رسانید، حضرت خدیجه علیها السلام در پاسخ فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّلَامُ وَمِنْهُ السَّلَامُ وَإِلَيْهِ السَّلَامُ وَعَلَى جَبْرَائِيلَ السَّلَامُ» یعنی «اوست سلام و از اوست سلام و به سوی اوست سلام و بر جبرئیل سلام» (بحار الأنوار، ج 16، ص 7، ح 1 به نقل از اخلاق محمدی صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، عباس عزیزی، فصل دوم، باب چهارم، مبحث: محبت پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ به حضرت خدیجه علیها السلام، ص 124). البته روایاتی که به همین مضمون باشد از طریق شیعه و سنی زیاد نقل شده، برای اطلاع بیشتر در مورد کمالات حضرت خدیجه علیها السلام به تفسیر المیزان، علامه سید محمد حسین طباطبایی رحمه الله، ترجمه عبد الکریم نیری بروجردی، چاپ دوم، ج 6، ص 44 و 45، ذیل آیه 42 سوره آل عمران، مبحث: بحثی از نظر روایات و همچنین کتاب اخلاق محمدی صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، عباس عزیزی، فصل دوم، باب چهارم، مبحث: محبت پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ به حضرت خدیجه علیها السلام، ص 124 و 125 رجوع شود.

معنوی بود که با ایشان ازدواج نمود. (1) در حالیکه خود رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در عنفوان جوانی بود، و همسر ایشان زن بیوهٔ چهل ساله ای بود که قبلاً نیز دو بار ازدواج نموده بود و 15 سال از پیامبر بزرگتر بود. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از 25 سالگی تا 53 سالگی یعنی مدت بیست سال و اندی با حضرت خدیجه علیها السلام زندگی کرد و به این ترتیب دوران جوانی خود را پشت سر گذاشت و به سن کهولت رسید و تا این بانو در قید حیات بود زن دیگری نگرفت، با اینکه ازدواج های متعدد برای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در سنین جوانی نه مانع اجتماعی داشت و نه شرائط سنگین مالی و نه کمترین نقصی محسوب می شد، زیرا مسئله ازدواج متعدد در میان عرب، در آن روز بسیار ساده و عادی بود، به طوری که گاهی همسر اول به خواستگاری همسر دوم می رفت و هیچ گونه محدودیتی برای گرفتن همسر قائل نبودند. (2)

ص: 259

- 1- . فروغ ابدیت، جعفر سبحانی، ج 1، فصل 9، مبحث: علل ظاهری و باطنی این ازدواج، ص 160 تا 164.
- 2- . برگرفته از تفسیر المیزان، علامه سید محمد حسین طباطبایی رحمه الله، ترجمه محمد رضا صالحی کرمانی، چاپ دوم، ج 7، مبحث: بحث الحاقی (مربوط به تعدد زنان پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم)، ذیل آیه 6 سوره نساء، ص 322 و همچنین تفسیر نمونه، آیت الله العظمی مکارم شیرازی دام ظلّه، چاپ بیست و سوم، ج 17، ص 409 ذیل آیه 50 سوره احزاب، مبحث: گوشه ای از فلسفه تعدد زوجات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و همچنین زندگانی فاطمه زهرا علیها السلام، شهید دستغیب، مبحث: تعدد زوجات پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم پس از خدیجه علیها السلام، ص 120.

پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در سن پیری و در ده سال آخر عمر خود که مصادف با دوره جنگ های اسلامی در مدینه بود و زنان بی سرپرست در میان مسلمین زیاد بودند به دلایل اجتماعی و سیاسی زنان متعدد اختیار نمود و اکثریت این زنان نیز کم سن و سال نبودند و بزرگسال بودند و سنی از آنان گذشته بود و بیوه بودند و غالباً از شوهران سابق خود فرزندان داشتند. تنها دوشیزه ای که پیغمبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ با او ازدواج نمود عایشه بود و او به همین جهت همیشه تفاخر می کرد و می گفت من تنها زنی هستم که جز پیغمبر شوهر دیگری او را لمس نکرده است. البته عایشه نیز هنگامی که به همسری پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ درآمد بسیار کم سن و سال بود و سال ها گذشت تا توانست یک همسر واقعی برای ایشان باشد و این نشان می دهد که ازدواج با چنین دختری نیز انگیزه های دیگری داشته و هدف اصلی چیز های دیگری بوده که قبلاً اشاره کردیم. (1)

همچنین معمولاً کسانی که مجذوب زیبایی زن می گردند و به این دلیل با زن زیبا و جوان ازدواج می کنند. با هر بار ازدواج مجدد، زنی زیباتر و جوانتر از زن قبلی را به همسری می گیرند، ولی روش پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ با این گونه افراد خیلی متفاوت است. حضرت پس از عایشه که دوشیزه و باکره بود با زنان غیر باکره ازدواج نمود و پس از زنان جوانی مثل عایشه و ام حبیبه (که البته او نیز قبلاً ازدواج کرده بود) با ام سلمه که زنی سال دار و زینب دختر جحش که بیش از پنجاه سال داشت ازدواج نمود. (2)

ص: 260

- 1- . برگرفته از نظام حقوق زن در اسلام، استاد شهید مرتضی مطهری رحمه الله، بخش یازدهم، مبحث: عدالت، ص 416 و 417 و همچنین تفسیر نمونه، آیت الله العظمی مکارم شیرازی دام ظلّه، چاپ بیست و سوم، ج 17، ص 410 ذیل آیه 50 سوره احزاب، مبحث: گوشه ای از فلسفه تعدد زوجات پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ .
- 2- . برگرفته از تفسیر المیزان، علامه سید محمد حسین طباطبایی رحمه الله، ترجمه محمد رضا صالحی کرمانی، چاپ دوم، ج 7، مبحث: بحث الحاقی (مربوط به تعدد زنان پیغمبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ)، ذیل آیه 6 سوره نساء، ص 322 و 323 ضمناً برای کسب اطلاعات بیشتر در مورد هر یک از همسران پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ به همین مدرک رجوع شود.

رابعاً - نکته قابل توجه دیگر اینکه حکم تحریم ازدواج در آیه 52 سوره احزاب، برای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فقط در مورد زنان آزاد بود و در ادامه آیه ازدواج با کنیز برای ایشان استثنا شده و جایز بود، چون قرآن کریم می فرماید:

«إِلَّا مَا مَلَكَتْ يَمِينُكَ» یعنی «مگر آنچه که به صورت کنیز در ملک تو درآید».

ولی با این حال، به گواهی تاریخ ایشان از آن به بعد از این استثناء نیز استفاده نکرد. (1) در حالیکه اگر واقعاً ملاک ایشان برای ازدواج منحصرآ زیبایی بود، براحتی می توانست با کنیزان زیبا ازدواج کند.

بنابراین با دقت در این نکات و خصوصیات روش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، دیگر هیچ جای شک و شبهه ای برای شخص منصف باقی نمی ماند که هر یک از ازدواج های پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دارای حکمت و مصلحتی خاص بوده. قرائن زیادی در دست داریم که نشان می دهد ازدواج های پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم لااقل در بسیاری از موارد جنبه سیاسی داشته است. ایشان با برخی از این زنان برای کسب نیرو و زیاد کردن کمک قبیله های آنان به جهت شکستن اتحاد نامقدس دشمنان اسلام ازدواج نمود و برخی دیگر از این ازدواج ها برای کاستن از عدوات، یا طرح دوستی و جلب محبت اشخاص و یا اقوام متعصب و لجوج بود و برخی دیگر برای شکستن سنت جاهلی و اجراء عملی حکم شرعی بود مثل ازدواج با زینب دختر جحش که مطلقه پسر خوانده پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بود و در نظر آنها زن پسر خوانده همچون زن پسر صلبی بر پدر حرام بود. و با برخی بیوه ها و پیرزن ها ازدواج نمود تا روشی شود برای تأمین مخارج زندگی این قبیل زنان که بیچاره و درمانده نشوند. گر چه دشمنان اسلام خواسته اند ازدواج های متعدد پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم را دستاویز شدیدترین حملات مغرضانه قرار دهند و از آن افسانه های دروغین بسازند، ولی سن بالای پیامبر به هنگام این ازدواج های متعدد از یک سو، و شرایط خاص سنی و قبیله ای این زنان

ص: 261

---

1- . برگرفته از تفسیر نمونه، آیت الله العظمی مکارم شیرازی دام ظلّه، چاپ بیست و سوم، ج 17، ص 420 ذیل آیه 52 سوره احزاب، مبحث: فلسفه این حکم.

از سوی دیگر، وقرائن مختلفی که به آن اشاره شد نیز از سوئی، حقیقت را آفتابی می کند و توطئه های مغرضان را فاش می سازد. (1)

« وَ السَّلَامُ عَلَيَّ مِنْ أَتَّبِعِ الْهُدَى »

1401 / 10 / 4 مطابق با ایام فاطمیه، اول جمادی الثانی 1444

ص: 262

---

1- . برگرفته از تفسیر المیزان، علامه سید محمد حسین طباطبایی رحمه الله، ترجمه محمد رضا صالحی کرمانی، چاپ دوم، ج 7، مبحث: بحث الحاقی (مربوط به تعدد زنان پیغمبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ)، ذیل آیه 6 سوره نساء، ص 323 و همچنین تفسیر نمونه، آیت الله العظمی مکارم شیرازی دام ظلّه، چاپ بیست و سوم، ج 17، ص 408 تا 410 ذیل آیه 50 سوره احزاب، مبحث: گوشه ای از فلسفه تعدد زوجات پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ .

- 1- قرآن کریم، ترجمه آیت الله مکارم شیرازی دام ظلّه، خط مرحوم تبریزی، چاپ مشعر، قم، چاپ اول، 1387.
- 2- قرآن کریم، ترجمه الهی قمشه ای، خطاط احمد نیریزی، انتشارات دهقانی، قم، چاپ چهارم، 1369.
- 3- قرآن کریم، ترجمه ابوالفضل بهرام پور، خطاط عثمان طه، چاپخانه بزرگ قرآن کریم، قم، چاپ دوم، 23/5/1390.
- 4- تفسیر المیزان، علامه طباطبایی رحمه الله، مترجم: سید محمد باقر موسوی همدانی رحمه الله، کانون انتشارات محمدی، تهران (جلد 9 - مترجم: محمد جواد حجتی کرمانی، موسسه مطبوعات دارالعلم، قم، 1348 و جلد 7 - مترجم: محمد رضا صالحی کرمانی و جلد 6 - مترجم: عبدالکریم تیری بروجردی).
- 5- تفسیر نمونه، آیت الله مکارم شیرازی دام ظلّه، دار الکتب الاسلامیه، تهران.
- 6- مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی رحمه الله، ترجمه: موسوی کلانتری دامغانی، خوشنویس: افشاری، انتشارات ریحانه پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، قم، چاپ اول، 1381.
- 7- مفاتیح الحیاة، آیت الله جوادی آملی، تحقیق و تنظیم: حجج اسلام محمد حسین فلاح زاده و یدالله مقدسی و محمود لطیفی و جعفر آریانی، مرکز نشر اسراء، قم، چاپ پنجاه و چهارم، پاییز 1391.
- 8- نهج الفصاحه، گردآورنده ابوالقاسم پاینده، با تصحیح و تنظیم عبدالرسول پیمانی و محمد امین شریعتی، انتشارات خاتم الانبیاء صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، اصفهان، چاپ پنجم، 1385.
- 9- نهج البلاغه امام علی علیه السلام، مرحوم سید رضی، مترجم مصطفی زمانی، انتشارات نبوی، تهران، چاپ دوازدهم، پاییز 1377.
- 10- اصول کافی، کلینی رحمه الله، ترجمه و شرح حاج سید جواد مصطفوی، انتشارات مسجد چهارده معصوم علیهم السلام.
- 11- حلیة المتقین، علامه مجلسی رحمه الله، انتشارات قائم، تهران.



- 12- سخنان برگزیده از برگزیدگان جهان و تاریخ چهارده معصوم علیهم السلام، سید ابراهیم میانجی، انتشارات کتاب فروشی مرتضوی، ذی‌عده الحرام 1394 هجری قمری.
- 13- یک هزار حدیث، هادی موحدی، انتشارات ارم، قم، چاپ هشتم، زمستان 1385.
- 14- تحریر الوسیله، سید روح الله موسوی خمینی رحمه الله، مکتبه العلمیه الاسلامیه، تهران.
- 15- ترجمه تحریر الوسیله، سید محمد باقر موسوی همدانی رحمه الله، انتشارات دارالعلم، قم، چاپ پنجم، زمستان 1370 (جلد 2 - بهار 1368) و (جلد 4 - چاپ اول 1370).
- 16- رساله توضیح المسائل، امام خمینی رحمه الله، ناشر حوزه علمیه قم.
- 17- استفتائات حضرت امام خمینی رحمه الله، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ پنجم، پاییز 1380 (جلد 3 - چاپ اول 1382).
- 18- رساله نوین امام خمینی رحمه الله، جلد 4، ترجمه و توضیح عبد‌الکریم بی‌آزار شیرازی، مؤسسه انجام کتاب، دی ماه 1360.
- 19- رساله اجوبه الاستفتائات (ترجمه فارسی)، حضرت آیت‌العظمی حاج سید علی خامنه‌ای دام‌ظله، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل، تهران، چاپ هفتم، زمستان 1382.
- 20- رساله توضیح المسائل، آیت‌الله محمد تقی بهجت رحمه الله، انتشارات شفق، قم، 1375.
- 21- رساله توضیح المسائل، آیت‌الله بروجردی با حواشی مراجع بزرگ شیعه، انتشارات ایران، گردآورنده غلام حسین رحیمی اصفهانی.
- 22- مناسک عمره مفرده با حواشی مراجع تقلید، تهیه و تنظیم محمد حسین فلاح زاده، نشر مشعر، چاپ دوم، تابستان 1381.
- 23- پرسش‌ها و پاسخ‌های دانشجویی، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری دام‌ظله در دانشگاه‌ها، جلد 13، ویژه محرم.
- 24- جواهر، محمد حسن نجفی، چاپ بیروت.

- 25- منتهی الآمال، شیخ عباس قمی رحمه الله، تک جلدی، آدینه سبز، تهران، چاپ چهارم، 1390.
- 26- اخلاق محمدی صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، عباس عزیزی، انتشارات صلاة، تهران، چاپ چهارم، 1386.
- 27- فروغ ابدیت، جعفر سبحانی، مرکز انتشارات دار التبلیغ اسلامی، قم، چاپ سوم، 18/10/1351.
- 28- سیره پیشوایان، مهدی پیشوایی، مؤسسه امام صادق علیه السلام، قم، چاپ بیست و دوم، بهار 1389.
- 29- سیری در سیره نبوی، استاد شهید مطهری، انتشارات صدرا، قم، چاپ دهم، پاییز 1371.
- 30- بانوی نمونه اسلام، ابراهیم امینی، مرکز انتشارات دارالتبلیغ اسلامی، قم، چاپ سوم، شهریور 1349.
- 31- فاطمه زهراء علیها السلام، علامه امینی، به کوشش حبیب چایچیان (حسان)، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، تهران، چاپ دوم، 1363.
- 32- زندگانی فاطمه زهرا علیها السلام، آیت الله شهید دستغیب، انتشارات ناس، تهران، چاپ دوم، پائیز 1369.
- 33- تحلیل سیره فاطمه زهراء علیها السلام، تحقیق و نگارش علی اکبر بابا زاده، انتشارات انصاریان، قم، چاپ اول، زمستان 1374.
- 34- صدای فاطمی فدک، محمد باقر انصاری و سید حسین رجایی، انتشارات دلیل ما، قم، چاپ یازدهم، بهار 1389.
- 35- چشمه در بستر، مسعود پور سید آقایی، انتشارات حضور، قم، چاپ دوم، پاییز 1375.
- 36- حماسه حسینی، شهید مرتضی مطهری، انتشارات صدرا، چاپ نوزدهم، بهار 1374 (جلد سوم - چاپ هفدهم).

- 37- سید الشهداء، شهید آیت الله دستغیب، مؤسسه دارالکتاب (جزایری)، قم، چاپ چهارم، تابستان 1373.
- 38- لمعات الحسین علیه السلام، علامه سید محمد حسین حسینی طهرانی، انتشارات علامه طباطبایی، مشهد مقدس، چاپ سعدی، طبع سوم، ذی الحجة الحرام 1416 هجری قمری.
- 39- مقتل امام حسین علیه السلام، گروه حدیث پژوهشکده باقر العلوم علیه السلام، مترجم: جواد محدثی، شرکت چاپ و نشر بین الملل وابسته به مؤسسه انتشارات امیر کبیر، تهران، چاپ اول، زمستان 1381.
- 40- فضایل و سیره امام حسین علیه السلام در کلام بزرگان، عباس عزیزی، انتشارات صلاة، چاپ بیست و یکم، پاییز 1381.
- 41- زندگانی حضرت زینب علیها السلام، شهید آیت الله دستغیب، انتشارات کاوه، چاپ آرمان.
- 42- 200 داستان از فضایل و کرامات و مصایب حضرت زینب علیها السلام، عباس عزیزی، انتشارات سلسله، قم، چاپ اول، فروردین 1378.
- 43- نجم الثاقب، آیت الله حاج میرزا حسین طبری نوری، انتشارات مسجد مقدس جمکران، چاپخانه الهادی، قم، چاپ اول، 1410 هجری قمری.
- 44- مهدی موعود (ترجمه جلد 13 بحار الانوار)، ترجمه علی دوانی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ بیست و ششم، بهار 1373.
- 45- فاطمه بنت اسد علیها السلام، علی محمد علی دخیل، ترجمه صادق آئینه وند، انتشارات امیر کبیر، تهران، چاپ چهارم، 1365.
- 46- فاطمه دختر امام حسین علیه السلام، علی محمد علی دخیل، ترجمه صادق آئینه وند، انتشارات امیر کبیر، تهران، چاپ چهارم، 1366.
- 47- ام البنین علیها السلام نماد از خود گذشتگی، محمد رضا عبدالامیر انصاری، ترجمه موسی دانش، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، چاپ چهارم، 1384.
- 48- مادران مسیح، سیمیندخت بهزادپور، به سفارش دفتر امور زنان سپاه، چاپ قلم گستر، تهران، چاپ اول، 1385.

- 49- حجاب در اسلام، حاج شیخ قوام و شنوی، ترجمه احمد محسنی گرگانی، چاپخانه حکمت، قم، چاپ چهارم، مرداد 1352.
- 50- مسئله حجاب، شهید مرتضی مطهری، انتشارات صدرا، تهران، چاپ هفتم، اسفند 1385.
- 51- نظام حقوق زن در اسلام، استاد شهید مرتضی مطهری رحمه الله، انتشارات صدرا، قم، چاپ هشتم، تیر ماه 1357.
- 52- عدل الهی، شهید مرتضی مطهری، انتشارات اسلامی، تهران، چاپ هشتم، 1398 هجری قمری.
- 53- اخلاق جنسی، شهید مرتضی مطهری، انتشارات صدرا، قم.
- 54- داستان راستان، شهید مرتضی مطهری، دفتر انتشارات اسلامی، قم، آبان 1343.
- 55- جلوه های معلمی استاد مطهری، سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، انتشارات مدرسه، تهران، چاپ سوم، زمستان 1369.
- 56- بصیرت مطهر، عباس حیدرزاده، بیت الاحزان فاطمه علیها السلام، قم، چاپ اول، 1389.
- 57- گناهان کبیره، شهید آیت الله دستغیب، مؤسسه مطبوعاتی دارالکتاب، قم، مرداد 1361 (جلد دوم - انتشارات صبا، تهران، چاپ ششم، 21 رجب 1399).
- 58- تمثیلات، آیت الله حائری شیرازی، انتشارات شفق، قم، چاپ اول، فروردین 1372
- 59- پرتوی از اسرار نماز، استاد محسن قرائتی، ستاد اقامه نماز، قم، چاپ هفدهم، بهار 1378.
- 60- نماز شناسی، حسن راشدی، ستاد اقامه نماز، قم، چاپ اول، زمستان 1378.
- 61- نقش اجتماعی و حقوقی زن از دیدگاه شهید بهشتی، به کوشش علی محمدی گرمساری، نشر قدس، قم، چاپ نمونه .
- 62- زن در آئینه جلال و جمال، آیت الله جوادی آملی، مرکز نشر فرهنگی رجاء، چاپ اول، 1369.

- 63- جایگاه بانوان در اسلام، آیت الله العظمی حسین نوری همدانی، انتشارات مهدی موعود علیه السلام، چاپ هشتم، زمستان 1389.
- 64- ریاحین الشریعة، ذبیح الله محلاتی، ناشر چاپی: دارالکتب الاسلامیه، ناشر دیجیتالی: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان.
- 65- ازدواج در اسلام، علی مشکینی، ترجمه احمد جنتی، چاپخانه مهر استوار، چاپ دوم، 5/9/1352.
- 66- رسول تُرک آزاد شده امام حسین علیه السلام، محمد حسن سیف اللهی، انتشارات مسجد مقدس جمکران، قم، چاپ اول، زمستان 1379.
- 67- تندیس اخلاص، محمد محمدی ری شهری، انتشارات دارالحدیث، چاپ دوم، 1376.
- 68- کودک از نظر وراثت و تربیت، دانشمند معظم جناب آقای فلسفی، هیئت نشر معارف اسلامی، تهران، چاپ دوازدهم، آذر 1342.
- 69- پرورش مذهبی کودک، دکتر علی قائمی، انتشارات رشاد، قم، اسفند 1358.
- 70- پا به پای آفتاب، امیررضا ستوده، نشر پنجره، تهران، چاپ اول، بهار 1373.
- 71- صعود چهل ساله، سید محمد حسین راجی و سید محمد رضا خاتمی، انتشارات معاونت تبلیغات اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، چاپ اول، 1397.
- 72- ماهنامه فرهنگی اجتماعی دیدار آشنا، صاحب امتیاز: دکتر علی مصباح، شماره مخصوص، تاریخ 6/1381، قم.
- 73- (مجله) گلچین میلاد 3، ویژه دانش آموزان دوره تحصیلی راهنمایی، کمیته فرهنگی ستاد بزرگداشت یکصدمین سال میلاد امام خمینی (ره)، تهیه و تنظیم: دبیرخانه مسابقات سراسری میلاد، چاپ مؤسسه اطلاعات شرکت ایرانچاپ، سال 1378.
- 74- (بروشور) گل عفاف، جواد محدثی، مسجد مقدس جمکران.
- 75- (بروشور) یک میدان و دو هجوم، جواد محدثی، مسجد مقدس جمکران.
- 76- بینش اسلامی سال اول و دوم و سوم دبیرستان، محمد علی سادات و محمد علی جواهریان و دفتر برنامه ریزی و تألیف کتب درسی، شرکت چاپ و نشر ایران، تهران، 1372.

- 77- عربی دوم تجربی، عیسی متقی زاده، حمید رضا میرحاجی، عبدالعلی آل بویه لنگرودی، شرکت چاپ و نشر کتاب های درسی ایران، تهران، 1378.
- 78- قانون تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده، مصوب خرداد 1375، احمد حقانی، انتشارات مؤسسه فرهنگی آفرینه، تهران، چاپ اول، تابستان 1375.
- 79- قانون جدید مجازات اسلامی: کلیات - حدود - قصاص - دیات، مصوب 1/2/1392، تدوین جهانگیر منصور، نشر دیدار، تهران، چاپ چهارم، 1392.
- 80- قوانین و مقررات استخدامی، تدوین جهانگیر منصور، نشر دیدار، تهران، چاپ دوم، 1387.
- 81- فرهنگی جامع عربی - فارسی، احمد سیاح، کتابفروشی اسلام بازار شیرازی، تهران، چاپ هشتم، اسفند 1354.
- نرم افزارهای مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی:
- 1- اندرویدی جامع الاحادیث نور (2.0.1).
  - 2- ویندوزی گنجینه روایات نور 2/1.
  - 3- ویندوزی جامع الاحادیث نور 2 (نور 2).
  - 4- ویندوزی جامع الاحادیث 5/3 (نور 3).
  - 5- ویندوزی جامع تفاسیر نور (نور الانوار 3).
- سایت ها:
- 1- جامع امام خمینی رحمه الله.
  - 2- دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه ای دام ظلّه.
  - 3- پرسمان دانشگاهیان (ستاد نمایندگی مقام معظم رهبری دام ظلّه در دانشگاهها، اداره تبلیغ نوین).
  - 4- سایت رسمی دفتر مرجع عالیقدر آقای سید علی حسینی سیستانی دام ظلّه.
  - 5- دفتر آیت الله مکارم شیرازی دام ظلّه.
  - 6- پایگاه اطلاع رسانی دفتر حضرت آیت الله مکارم شیرازی دام ظلّه.
  - 7- پایگاه نشر آثار و اندیشه های حضرت آیت الله حائری شیرازی رحمه الله.



- 8- پایگاه اطلاع رسانی حضرت آیت الله حسینی بوشهری دام ظلّه.
- 9- کانون فرهنگی بانو امین رحمه الله .
- 10- مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البيت عليهم السلام .
- 11- مدرسه فقاهاهت.
- 12- جامعة المصطفى العالمية، مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث.
- 13- حدیث نت.
- 14- اسلام کوئست نت.
- 15- خبرگزاری رسمی حوزه.
- 16- پایگاه اطلاع رسانی حوزه.
- 17- سازمان تبلیغات اسلامی.
- 18- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- 19- اداره کل پژوهش های اسلامی رسانه ای، گزیده های معارفی.
- 20- زندگینامه علمای عرفان.
- 21- ویکی فقه.
- 22- ویکی شیعه.
- 23- ویکی پدیا.
- 24- گناه شناسی.
- 25- مشرق نیوز.
- 26- افکار نیوز.
- 27- پایگاه خبری (تحلیلی قدس آنلاین).
- 28- احزاب (جامعه و سیاست).



29- تبيان.

30- پرتال امام خمينى ( رحمه الله ).

31- پرتال جامع علوم انسانى.

32- وبلاگ زينبيه.

ص: 270

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتاب خانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : ( موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه )

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آبا ده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

